جامع الاحکام

مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

جامع الاحکام

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جامع الاحکام جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ –

عنوان و نام پدیدآور : جامع‌الاحکام/ لطف‌الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸ –

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره ۹۷۸–۶۰۰–۵۱۰۵–۶۳–۶ : ؛ ۱۶۰۰۰ ریال : ج.۱ ۹۶۴–۶۱۹۷–۲۵–۶ : ؛ ۱۶۰۰۰ ریال : ج.۲ ۹۶۴–۶۱۹۷–۲۵–۶ : ؛ ج.۲ ۹۷۸–۶۰۰–۵۱۰۵–۶۴–۳ :

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ قبلی: موسسه انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، ۱۴۱۸ق. = ۱۳۷۸.

یادداشت : چاپ چهارم.

یادداشت : ج.۱ (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۵).

یادداشت : ج.۲ (چاپ ؟: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : فقه جعفری –– رساله عملیه

موضوع : فتواهای شیعه –– قرن ۱۴

شناسه افزوده : دفتر آیت‌الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹ /ص۲۴ج۲ ۱۳۸۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۷۲۰۴۷

ازدواج

احکام صیغه نکاح

س ۱۲۴۷

اشاره

– کسی که به مسائل اجرای عقد آگاهی دارد امّا به قواعد عربیّت علم ندارد و نسبت به مفاهیم و عبارات صیغه عقد جاهل است آیا می‌تواند صیغه عقد ازدواج را جاری کند که شرعاً صحیح باشد؟

ج

– اگر الفاظ اجراء عقد را که در رساله‌ها نوشته شده بطور صحیح بداند و معنی آن را هم بداند و معنی قصد انشاء را بداند و در موقع اجراء عقد قصد انشاء نماید صحیح است. و اللَّه العالم.

س ۱۲۴۸

اشاره

– خواندن خطبه عقد با تلفن چه حکمی دارد؟

ج

– اشکال ندارد. و اللّٰه العالم.

س ۱۲۴۹

اشاره

– آیا می‌توان مانند سائر عقود در نکاح نیز قائل به معاطات شد؟

ج

– در نکاح معاطات جاری نیست.

س ۱۲۵۰

اشاره

– اگر خود زن و مرد بگویند که ما عقد خوانده‌ایم آیا از آنها پذیرفته

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶

می‌شود یا خیر؟ و اگر انسان به فرزندان آنها نسبت حرام‌زاده بدهد آیا قذف است یا خیر؟

ج

– اقرار آنها به خواندن عقد در زن و شوهر بودنشان کافی است و نسبت حرام زاده دادن به اولاد آنان قذف است. و اللّٰه العالم.

س ۱۲۵۱

اشاره

– اگر زید و زینب شخصی را برای اجراء عقد وکیل نمایند و عاقد به آنها بگوید که ظهر عقد شما را می‌خوانم و بعد از مدتی متوجه شود عقدی که قرار بود بخواند فراموش کرده و نخوانده است درحالی‌که نمی‌داند وکیل عقد دائمی بوده یا عقد انقطاعی و در صورت انقطاعی بودن مدت و اجرت را نمی‌داند وظیفه و تکلیف شرعی عاقد چیست؟

ج

– در مورد سؤال وکیل دو عقد بخواند یکی بعنوان دوام و یکی بعنوان انقطاع بمدّت و مهر معیّن عند الزوجین.

س ۱۲۵۲

اشاره

– شخصی مثلًا از طرف ده نفر وکیل برای اجراء عقد دائم شده و بعد از اجراء عقد، عاقد یقین دارد که یکی از این عقدها باطل بوده در صورتی که عاقد اسامی موکلین و زوجین را نمی‌داند و هیچ یک از آنان را نمی‌شناسد و ضمناً مقدار مهریه را هم فراموش نموده وظیفه شرعی عاقد چیست؟

ج

– در فرض سؤال تمام ده عقد را تکرار کند به این نحو که یک عقد بعنوان موکلین (زوجین) که اوّل او را وکیل کرده‌اند بهمان مهریّه‌ای که خودشان تعیین نموده‌اند و یک عقد بعنوان زوجین که دوّم او را وکیل کرده‌اند و همینطور تا عقد دهم چون مسلماً همه اینها در آن واحد و همزمان عاقد را وکیل نکرده‌اند و طبعاً بحسب زمان توکیل یکی اوّل بوده و یکی دوّم و یکی سوّم الی آخر و این در صورتی است که بطلان عقد مربوط به اجراء عقد و مجری عقد باشد چنانچه ظاهر سؤال است و إلّا عاقد مسئولیتی ندارد.

س ۱۲۵۳

اشاره

– زوجه در حین عقد ازدواج با شوهر خود شرط می‌کند که من بعد از ازدواج در یکی از ادارات دولتی استخدام خواهم شد و شوهر این شرط را قبول می‌کند بیان فرمائید آیا شوهر می‌تواند بعد از ازدواج مانع از استخدام زوجه خود
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷
بشود یا نه؟

ج

– در مورد سؤال با اشتراط در ضمن عقد و قبول زوج، زوج نمی‌تواند مانع استخدام برای شغل حلال بشود. و اللّه العالم.

س ۱۲۵۴

اشاره

– اگر زوجه در عقد دائم شرط نماید که با شما ازدواج می‌کنم به شرط اینکه بعد از ۵ سال مرا مطلّقه نمائید و زوج هم این شرط را

قبول نماید آیا این شرط سایغ و لازم الوفاء می‌باشد یا خیر؟

ج

– ظاهراً شرط فعل است و اشتراط آن با اینکه طلاق در یـد زوج است و عقـد دائم اقتضاء دوام را دارد منافات نـدارد و سائغ و لازم الوفاء است.

س ۱۲۵۵

اشاره

– اگر زن ضـمن عقـد نکاح دائم یا موقت شـرط کنـد که زوج مادامی‌که زوجه را در عقد خویش دارد حق ازدواج دائم یا موقت با دیگری نـدارد، آیا این شـرط نافذ است یا خیر؟ و اگر نافذ است در صورت تخلف زوج ازدواج دوم باطل است؟ آیا زوجه مشـروط لها حق فسخ دارد یا نه؟

ج

– شـرط سـلب حق ازدواج دوم شـرعی نیست و باطل است ولی اگر بر او شـرط کند که با زن دیگر ازدواج نکند واجب است به آن عمل کند، ولی در صورت تخلف نه زوجه حق فسخ دارد و نه ازدواج دوم باطل است. بلی ممکن است حاکم شرع جامع الشرائط او را به این تخلّف تعزیر شرعی نماید.

س ۱۲۵۶

اشاره

– اگر زنی راضـی شود که مردی او را بعقـد غیر دائم خود درآورد بـدون اینکه تعیین مـدت و مبلغ مهریه بشود بعـد مرد بگویـد من صیغه تو را جاری کردم عمری، و چون زن جاهل به مسأله بوده قبول کرده و نزدیکی هم کرده‌اند آیا چنین عقدی صحیح بوده و به هم محرم شده‌اند؟

ج

– ظـاهر این سـتکه مقصود از اجراء صـیغه عمری همـان عقـد متعارف و دائم بوده و زن هم آن را امضاء کرده است بنابراین چنانچه مهر را معین کرده باشـد همان مهر المسـمی و اگر معین نکرده مهر المثل را به زن بـدهکار است و در این صورت زن زوجه آن مرد است و به او محرم است، مع ذلک اگر عقـد را تجدیـد نماینـد یا مرد زن را طلاق بدهد مطابق با احتیاط است و اگر نزاع و اختلاف دارند باید مرافعه شرعیه نمایند.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸

س ۱۲۵۷

اشاره

– قصد و نیت زوجین عقد غیر دائم بوده و زوجه هم حاضر و راضی به عقد دائم نبوده و صیغه عقد بعنوان غیر دائم اجراء شده است، چون زوجین جاهل به مسأله بوده‌اند مدت و مهر را معین نکرده‌اند مرد گفته من تورا صیغه خود کرده‌ام و تو از امروز زن من هستی بعد از مدتی زن سؤال کرده که من تا چه زمانی صیغه تو هستم مرد جواب داده عمری، و زن هم راضی به صیغه دائم نیست در این صورت حکم مسأله را بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال، عقدی که واقع شده باطل بوده چون مرد بر خلاف مورد وکالت عمل نموده، ولی اگر هر دو جاهل بوده‌اند گناهی نکرده‌اند و نزدیکی آنها وطی بشبهه بوده لکن به یکدیگر محرم نیستند فقط زن باید عدّه وطی بشبهه نگهدارد که مانند عدّه طلاق است و مبدء آن بنابر احتیاط از زمان برطرف شدن شبهه است و این در صورتیست که زن حامله نشده باشد و الّا انقضاء عده به وضع حمل است، مگر اینکه مدت باقی مانده برای وضع حمل کمتر از مقدار عدّه طلاق باشد در این صورت باید بمقدار عدّه طلاق، عدّه نگهدارد و اگر زن یائسه است عدّه ندارد و اگر نزاع در صورت مسأله دارند مرافعه شرعیه لازم است مع ذلک چنانکه قبلًا جواب داده شده تجدید عقد بصورت دائم یا موقت یا طلاق و نگهداشتن عده موافق با احتیاط است.

س ۱۲۵۸

اشاره

– این جانب دختری هستم جهت ناراحتی زنانگی به دکتری مراجعه کردم ایشان بعد از معاینه به من پیشنهاد ازدواج نمود منهم موافقت کردم و ایشان گفتند چون شما بالغه و رشیده هستی اذن پدر لازم نیست و اگر هم بعداً لازم شد رضایت او را می‌گیریم بالاخره عقدی فیما بین خواندیم بدون تعیین مدت (با گفتن زوجتک نفسی از طرف من و لفظ قبلت از طرف او) و بعد از چندین جلسه آمیزشی در مطب روزی از من خواست که برای پیشگیری از آبروریزی نوشته‌ای به او بدهم و من هم این نوشته پیوست را به ایشان دادم در آنجا فقط لفظ موقت را نوشتم درحالی‌که مدت در کار نبود، و بعداً بمنظور حفظ آبروی آقای دکتر با پیشنهاد ایشان یک عقد بعنوان موقت به مدت ۲ ماه و بدون تعیین مهریه خوانده شد قرار شد که طی این دو ماه به دفتر ازدواج رسمی رفته ثبت عقدنامه بشود که بعداً این آقا حاضر نشد استدعا دارم با توجه به نوشته پیوستی و اظهار حالی که به عرض میرسد بفرمائید: ۱- آیا من شرعاً زن او هستم یا نه؟ ۲- و او باید مهر المثل بپردازد یا نه؟ ۳- و نیز نیرنگی که به من زده بکارت من را از بین برده آیا ارش بکارت را هم باید بپردازد یا نه؟

ج

– از موضوع مورد سؤال اطلاعی ندارم اگر زن باکره و بالغه رشیده به همین نحوی که مرقوم شده بدون ذکر مدت و مهر، به ازدواج مردی در آید و پدر دختر هم بعد از عقد و اطلاع، اذن داده باشد آن زن همسر دائمی آن مرد است و تمام آثار مزاوجت دائمه بر آن مترتب است و در این صورت عقد موقت بعدی بی‌اعتبار و باطل است و مرد مذکور باید به زن مهر المثل بپردازد و از

باب ازاله بکارت بر مرد که شوهر زن است چیزی زاید بر مهر المثل نیست و اگر پدر دختر اذن نداده باشد مرقوم دارید تا حکم مسأله در جواب بیان شود و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹

س ۱۲۵۹

اشاره

- اگر از جانب زن جهت جاری نمودن صیغه وکالت داشته باشم و با فردی عاقد که مرا کاملًا می‌شناسد و به وکالت من از جانب آن زن مطمئن است موضوع در میان گذاشته شود و خواستار جاری نمودن صیغه شوم آیا عقد- در صورتی که من با عاقد به صورت تلفنی تماس داشته‌ام نه حضوری- از نظر شرع مقدس اسلام صحیح است یا نه؟

ج

- اگر زن مذکوره عاقله و رشیده باشد به هر کسی که وکالت دهد خود آن وکیل می‌تواند صیغه عقد را برایش جاری نماید بلی چنانچه حق توکیل غیر هم به وکیل داده باشد وکیل می‌تواند دیگری را هم برای اجراء صیغه و لو با تلفن وکیل نماید. و اللَّه العالم.

اجازه پدر در ازدواج

س ۱۲۶۰

اشاره

- در صیغه موقت و در عقد دائم آیا اجازه پدر برای دختر باکره شرط است یا نه و اگر دختری پدر ندارد و جد هم ندارد می‌شود او را عقد کرد (در موقت یا دائم)؟

ج

- بنا بر احتیاط شرط است و اگر ازدواج او با کفو باشد و با عدم کفو دیگر پدر امتناع کند اذن پدر ساقط است و اگر پدر یا جدّ پدری ندارد جز اجازه و رضایت خود دختر رشیده اجازه دیگری لازم نیست. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰

س ۱۲۶۱

اشاره

- اگر در ازدواج صغیره یا باکره رشیده بالغه بین جد پدری و پدر تعارض شد، کدامیک مقدّم است؟

ج

- هر یک از جدّ پدری یا پدر که سبقت بر تزویج صغیره بنماید محلّی برای دیگری باقی نمی‌ماند چون هر یک به طور استقلال ولایت دارند و ظاهراً نسبت به اذن در تزویج بالغه رشیده هم حکم که بنابر احتیاط است همین است. و اللَّه العالم.

س ۱۲۶۲

اشاره

- پدرانی که دختر باکره خودشان را رها کرده‌اند و کار فرزند را به خودش واگذار کرده‌اند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در کار دختر نمی‌کنند بازهم در عقد، اذن چنین ولی لازم است؟

ج

- در فرض مذکور در سؤال هم، بنابر احتیاط واجب دختر باکره بایـد از پدر یا جدّ پدری اذن بگیرد و اگر پدر و جدّ پدری به امور دختر بی‌تفاوت باشند و با استیذان از آنها از مداخله در امور دختر و اعمال ولایت بدون وجه خودداری داشته باشند اعتبار اذن آنها ساقط است.

س ۱۲۶۳

اشاره

- دختری که مجرد است و پسری را دوست دارد می‌خواهد با او ازدواج کند خانواده‌اش و دیگر اقوام با او مخالفند تکلیف این دختر چیست؟

ج

- تکلیف دختر این است که به هر طریق است اگر پدر یا جدّ پدری دارد احتیاطاً از او اذن ازدواج با جوان مورد نظر را بگیرد و موافقت سایر ارحام لازم نیست.

س ۱۲۶۴

اشاره

- این جانب زنی هستم به علت ناسازگاری شوهرم ۱۲ سال پیش طلاق گرفته‌ام البته وکیل شوهرم در دادگاه حاضر بود در حضور وکیل حکم طلاق صادر گردید از او دو تا دختر بچه داشتم در دادگاه تمام اختیارات دخترها به من موکول شد قبول نمودم با تمام زحمات و کار و کوشش شبانه روزی در این دوازده سال مشغول نگهداری و تحصیل بچه‌ها بودم و الآن به حد بلوغ رسیده‌اند می‌خواهند ازدواج نمایند- البته با هم کفو خودشان- می‌گویند باید اجازه پدر باشد تا عقد جاری شود از آن موقع تا حالا هیچ نوع اطلاعی از او

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱

نداریم از حی و میت او هم خبری نداریم با توجه به اینکه آن موقع توسط وکیلش تمام اختیارات به عهده من گذاشته شده است آیا بازهم باید اجازه پدر باشد یا همان اختیارات کافیست لطفاً نظر مبارکتان را بیان فرمایید.

ج

- در فرض سؤال چنانچه دسترسی به پدر و یا جد پدری ندارید اعتبار اذن پدر و یا جد پدری ساقط است در صورتی که دخترها بالغه رشیده باشند می‌توانند با کفو خود ازدواج کنند. و اللَّه العالم.

س ۱۲۶۵

اشاره

- حدود ۶ سال قبل شوهرم مرا از خانه بیرون کرده و نوشته‌ای داده که هیچ‌گونه حقّی به فرزندانش ندارد حدود ۲ ماه است دختر بزرگم را شوهر داده‌ام با این حال بازهم پدرش را در جریان گذاشتم، گفته بود به من مربوط نیست در این مورد شاهد هم دارم و دختر را عقد کردم حال می‌گویند این عقد از نظر قانون اشکال دارد پدر دختر هم حالا آمده می‌گوید من شکایت می‌کنم، لطفاً حکم شرعی آن را مرقوم فرمائید.

ج

- در ازدواج دختر رشیده بالغه احوط استیذان از پدر است بلی چنانچه پدر نسبت به امور دختر بی‌تفاوت باشد و یا استیذان از او در امر دختر مداخله نکرده و اعمال ولایت ننموده است اعتبار اذن او ساقط است و عقد انجام شده با رضایت دختر رشیده صحیح است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللَّه العالم.

س ۱۲۶۶

اشاره

- آیا عموی دختر بدون حضور پدر- در صورتی که مادر دختر هم رضایت نداشته باشد- می‌تواند دختر برادرش را نامزد کسی نماید؟ در صورت رضایت نداشتن، پدر شرعاً می‌تواند نامزدی را به هم بزند؟

ج

- عمو بر دختر برادر خود ولایت ندارد و نامزد کردن دختر یا عقد از طرف او فضولی است. و اللَّه العالم.

س ۱۲۶۷

اشاره

– عمرم بین دوازده و سیزده سـال است پـدرم من را به زور به ازدواج پیرمردی در آورده است که حـد اقل ۶۵ سال عمر دارد و بابا بزرگم محسوب می‌گردد و من کوچکترین رضایت قلبی و قبول واقعی به این ازدواج نداشـتم و نـدارم امّا پـدرم بخاطر ارضاء هوای نفسانی خودش با جبر و اکراه و ظلم این کار

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲

را کرده و من چون یک زن مسلمان هستم می‌خواهم بدانم حکم اللّه درباره این ازدواج چیست؟

ج

– در فرض مذکور اگر پدر بعد از رسیدن دختر به سنّ بلوغ بدون رضایت و اذن دختر او را شوهر داده است و او اکراهاً قبول کرده است ازدواج باطل است.

و اللّه العالم.

س ۱۲۶۸

اشاره

– محترماً بعرض میرسانم که مـدتی قبل به اصـرار و اجبار پدرم بین این جانب و مردی صـیغه ای خوانده شده که من از ابتداء به این امر راضـی نبوده و اکنون نیز در هیچ شـرایطی حاضر به ازدواج با او نمی‌باشم، لازم به ذکر است که در این مدت هیچ رابطه و رفت و آمدی بین ما نبوده است. از محضر شما استدعای راهنمائی دارم.

ج

– از قضـیه شخصـیه اطلاع نـداریم بطور کلی چنانچه دختر رضایت به عقد نداشـته و پس از اجرای صـیغه عقد حتی با اصـرار پدر و مادر هم راضی به ازدواج نشده است عقد باطل می‌باشد و جدائی نیاز به طلاق ندارد. و اللّه العالم.

س ۱۲۶۹

اشاره

– شخصـی دختر ۹ سـاله‌اش را بـا کتـک و ضـرب وادار به ازدواج و عقـدش را جاری می‌کنـد حالا دختر رضایت نـدارد به پـدرش می‌گویـد شـما جبراً عقـد جاری نموده‌ایـد مدت دو سال شده که هنوز هم دختر رضایت ندارد مستدعی است حکم شـرعی را بیان فرمائید.

ج

– با فرض اینکه دختر نه سال قمری تمام داشـته باشـد پـدر نمی‌توانـد او را مجبور به ازدواج نماید و اگر با جبر و اکراه پدر رضایت داده باشد عقد نافذ نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۲۷۰

اشاره

– مـدتی پیش مردی به خواسـتگاری دختـرم آمـد پـدر دختـر در مسـافرت بود و دختر به هیـچ وجه راضـی به این ازدواج نبود، ولی خواستگار مرا با چرب‌زبانی اغفال و یک روحانی را آورد و صیغه عقد دخترم را خواند. از آنجا که پدر دختر (شوهرم) از این
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳
ازدواج بی‌خبر بوده و دختر هم راضی به این امر نبوده لطفاً بفرمایید صحت یا عدم صحت صیغه به چه شکلی است؟

ج

– مسأله فروض و شـقوق مختلف دارد اگر دختر به عاقـد وکالت در اجراء صـیغه نـداده باشد عقد فضولی است و با رد دختر باطل و بی‌اثر است، و اگر وکالت داده باشـد و عقـد بوکالت از او خوانده شده باشد و دختر که علی الفرض کبیره است مدعی اکراه بر اذن و وکالت باشد باید اگر زوج منکر ادعاء اوست، دختر دعوای اکراه را ثابت نماید و با اثبات اکراه عقد واقع شده باطل و بی‌اثر است و الا آثار صـحت عقـد بر آن مترتب است و چون بنظر حقیر احتیاط واجب در عقـد باکره این سـتکه با اذن از پـدر یا جـد پدری او باشـد رعایت این احتیاط بتحصـیل اذن پدر یا جد یا طلاق شوهر لازم است بلی رجوع به غیر با رعایت الاعلم فالاعلم در این احتیاط جائز است و در هر یک از این فروض اگر بین زن و مرد اختلاف باشد رفع آن مرافعه شرعیه لازم دارد.

س ۱۲۷۱

اشاره

– عقـد ازدواجی خوانـده شـده است دختر از اوّل بـا ازدواج مزبور مخـالف بوده و راضـی به عقـد نبوده است و بعـد هم کاملًا اظهار نارضایتی می‌کنـد و می‌گویـد حین عقـد هم پـدرم مرا تهدید و مجبور نمود تا اذن بدهم تا جائی که نامبرده می‌گوید اگر اصـرار بر ازدواج شود خودکشی می‌کنم لطف نموده حکم شرعی را مرقوم فرمائید (ضمناً پدر دختر هم اعتراف به اجبار وی دارد)

ج

– در فرض مذکور که دختر عاقله و بالغه بوده و عقد بدون اذن دختر واقع شده و اگر اذن داده بتهدید و اکراه بوده صـحیح نیست و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۲۷۲

اشاره

– شخصـی دختری را فریب میدهـد و از او وکالت نامه‌ای می‌گیرد و او را برای خود صـیغه می‌کنـد و بـدون آنکه پدر و مادر دختر بدانند عمل زناشوئی را انجام میدهد و پس از چند ماه پدر و مادر متوجه می‌شوند و مخالفت می‌نمایند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴
ولی این شخص می‌گوید خودم صیغه دختر را جاری نموده‌ام و آنچه حق و حقوق او باشد میدهم ولی پدر و مادر می‌گویند چون رضایت ما نسبت به صیغه دختر نبوده و نیست صیغه باطل است لذا از محضر جنابعالی تقاضا داریم حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال اگر دختر باکره بوده و پدر دختر بعد از عقد اجازه داده است حق اعتراض ندارد و اگر اجازه نکرده و رد کرده است احتیاط این ستکه یا مرد زن را طلاق دهد یا با اذن زن و اجازه پدر عقد تجدید شود و اگر مرد از طلاق خودداری می‌کند و پدر دختر نیز از اذن برای عقد جدید امتناع می‌ورزد در صورتی که امتناع او خلاف مصلحت دختر باشد طرفین با رضایت به عقد جدید اکتفاء کنند و الّا با مرافعه شرعیه رفع نزاع می‌شود.

س ۱۲۷۳

اشاره

- کسی که بر او ازدواج واجب است اگر ازدواج نکند احتمال قوی است که مرتکب فعل حرام بشود یا ضرر بدنی پیدا شود، لکن پدر و مادرش اذن نمی‌دهند اگر آن مرد بدون اذن پدر و مادرش ازدواج کند، پدر و مادرش اذیت می‌شوند آیا ازدواج نمودن این شخص بدون اذن و رضایت پدر و مادرش جائز است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال ازدواج مرد مذکور اشکال ندارد بلکه واجب است و اذیت شدن پدر و مادر در فرض سؤال نمی‌تواند مانع شرعی باشد. و اللّٰه العالم.

عیبهائی که موجب به هم زدن عقد نکاح می‌شود

س ۱۲۷۴

اشاره

- آیا حکم به جواز فسخ نکاح در صورت وجود عیبهای مجوز فسخ، در نکاح موقت هم جاری است؟

ج

- در عیوبی که مجوز فسخ نکاح است فرقی بین ازدواج دائم و موقت نیست.

س ۱۲۷۵

اشاره

- اگر قبل از ازدواج از طرف زوجه اظهاراتی شود که موجب تدلیس و فریب گردد و عقد بر حَسَبِ اظهارات زوجه با فریب و تدلیس اجرا گردد آیا مهر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵

المُسمّی بر ذمه زوج خواهد بود یا مهر المثل؟ و در صورتی که عقد ازدواج با شروطی که قبلًا ذکر شده اجراء شود و بعداً برای زوج معلوم شود که شروط ذکر شده واقعیت ندارد آیا این عقد موجب این خواهد بود که مهر المُسمّی بر ذمّه زوج باشد؟ یا مهر المثل بر او تعلّق خواهد گرفت؟

ج

- بطور کلی در عیوب موجبه جواز فسخ اظهار خلاف آن یا سکوت از اظهار آن در صورت مخفی بودن عیب، تدلیس است هر چند با وجود نفسِ عیبِ موجبِ خیار و جهل زوج به آن وضعاً این تدلیس حکم زائدی ندارد امّا تدلیس در صفات کمال در صورتی محقق می‌شود که بنابر اخبار و توصیف خلاف واقع زوجه یا ولیّ او در متن عقد وجود صفتی ذکر شود یا عقد مبنیاً بر همان اخبار و توصیف و بناء بر اتّصاف زوجه به آن واقع شود، بطوری که عرفاً مثل مذکور در عقد باشد که در این صورت زوج خیار فسخ دارد و به هر حال در هر دو صورت مهر المسمی- اگر زوجه خودش مدلّسه نبوده و زوج پس از دخول ملتفت شده و عقد را فسخ کرده باشد- بذمه زوج است و بعد از اداء آن به زوجه می‌تواند رجوع به مدلّس کرده و از او مطالبه نماید و اگر فسخ قبل از دخول واقع شود چیزی بر ذمّه زوج نیست. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۲۷۶

اشاره

- این جانب حدود یک سال پیش با بیوه‌زنی ازدواج کردم که کلاه سرم گذاشته وقتی به خانه آوردم فهمیدم که ایشان قرن می‌باشد یعنی آلا‌تش را گوشت گرفته وقتی به خانواده‌اش اظهار کردم گفتند شما صبر کن تا برای درمانش پول تهیه کنیم ولی حالا زیر قولشان زده‌اند حکم شرعی را بفرمائید.

ج

- در فرض سؤال، که زوجه قرن داشته زوج بعد از عقد مطلع شده حق فسخ عقد را داشته و می‌توانسته عقد را فسخ کند و این خیار فسخ فوری است حال که فسخ نکرده اگر عدم فسخ بجهت جهل به اینکه اختیار فسخ دارد بوده و یا خیال می‌کرده تأخیر فسخ موجب سقوط خیار فسخ نیست بازهم اختیار فسخ باقی است و بعد از علم به مسأله می‌تواند فوراً فسخ کند و اگر بعد از علم به مسأله فسخ نکند خیار فسخ او ساقط می‌شود و لو اینکه عدم فسخ بجهت معالجه بوده است.

س ۱۲۷۷

اشاره

- قبل از عقد، پدر دختر سلامتی چشم شوهر را شرط می کند و پدر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶

شوهر قول سلامتی چشم فرزند خود را می‌دهد و عقد بر همین اساس به اعتماد بر حرف پدر شوهر جاری می گردد. پس از ۶ ماه و قبل از دخول کشف می‌شود بطلان ادعای پدر شوهر و اینکه فرزندش کور و نابینا بوده است و پدر شوهر تدلیس نموده است آیا دختر حق فسخ عقد را دارد یا خیر؟ و در صورت وجود چنین حقی از برای دختر آیا مستحق مهریه می‌شود یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که عقد مبتیاً بر سلامت چشم واقع شده و بعد کشف خلاف شده دختر می‌تواند عقد را فسخ کند و با عدم تحقق دخول استحقاق مهریه ندارد. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۲۷۸

اشاره

- بعد از ازدواج با دختری معلوم می‌شود که اعور است آیا زوج حق فسخ دارد یا نه؟

ج

- مجرد اعور بودن زوجه موجب خیار فسخ برای زوج نیست مگر آن که در عقد شرط عدم اعور بودن شده باشد. و اللّه العالم

س ۱۲۷۹

اشاره

- این جانب با دختری ازدواج نموده‌ام بعد از عقد متوجه شدم که دختر به مرض صرع که دارای طیف وسیعی می‌باشد مبتلا است لذا متمنی است از نظر شرع بیان فرمائید که آیا اختیار فسخ را دارم یا خیر و اگر خواستم عقد را فسخ کنم آیا مهریه هم باید بدهم یا خیر، ضمناً من با این دختر به عنوان صحیح و سالم ازدواج کرده‌ام.

ج

- بیماری مذکور در سؤال، از عیوب مجوزه فسخ نیست بلی اگر در ضمن صیغه عقد شرط صحت و سلامت شده و یا قبل از عقد شرط شود و عقد مبنی بر آن واقع شده باشد بطوری که مثل ذکر کردن شود نه مجرّد مذاکره قبلی، در این صورت زوج حق فسخ دارد و چنانچه دخول واقع شده تمام مهر را باید بدهد و بعد می‌تواند عوض آن را از کسی که تدلیس کرده بگیرد و اگر دخول واقع نشده چیزی از بابت مهر بر ذمّه او نیست و چنانچه نزاع موضوعی باشد محتاج به مرافعه شرعیه است.

س ۱۲۸۰

اشاره

- آیا از اطلاق عقد و عرف و قرائن می‌توان شرط بکر بودن را
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷
استنباط کرد؟

ج

- مجرد اطلاق عقد مفید شرط بکر بودن زوجه نیست بلکه موقوف به اشتراط در متن عقد و مذاکره قبل از عقد و واقع ساختن عقد مبتیاً بر آن است که در صورت دوّم هم حکم اشتراط در متن عقد را دارد.

س ۱۲۸۱

اشاره

- الف: شخصی دختری را بعقد خود در آورده و قبل از عقد مادر خود را که برای دیدن دختر فرستاده بوده دختر را با موهای زیبا و بلند دیده و بعد از عقد معلوم شده که موها مصنوعی بوده و بعضی از قسمتهای سر دختر مو ندارد یا بقدری موهایش کم است که کالعدم است وقتی اطلاع از این موضوع پیدا کرده گفته من این دختر را نمی‌خواهم چون تدلیس کرده‌اند.
ب: و نیز اگر دختر را با چادر و مقنعه دیده باشند و متوجه نقصی که پوشیده بوده نشده‌اند. حکم چیست؟
ج: اگر زوج قبل از عقد بطور کلی گفته باشد که هر چه هست بگوئید «منظورش اینکه هر عیب و نقصی دختر دارد بگوئید و نگفته باشند» آیا در این صورت تدلیس موجب فسخ عقد صدق دارد یا نه؟
د: مراد مرحوم سید که در وسیلة النجاة صفحه ۲۰۵ مسأله ۱۳ در قسم سوم می‌فرماید: «إذا وصفها بصفتي الكمال أو عدم النقص قبل العقد عند الخطبة و المقاولة ثم اوقع العقد مبنياً على ما ذكر كان بمنزلة الاشتراط فيوجب الخيار» چیست؟

ج

- الف: در فرض سؤال ظاهراً تدلیس صادق است ولی احتیاط به طلاق ترک نشود. و اللَّه العالم.
ب- در این فرض صدق تدلیس محلّ تأمّل است. و اللَّه العالم.
ج: در این فرض در صورت معیوب بودن ظاهراً تدلیس صدق می‌کند.
و اللَّه العالم.
د: منظور از عبارت مرحوم سیّد- قدس سرّه الشریف- این است که: در مجلس اجرای عقد قبل از عقد، مقاوله و صحبت شده و عقد را مبنیاً بر آن مقاوله که فلان صفت را دارد و یا فلان نقص را ندارد واقع بسازند. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸

س ۱۲۸۲

اشاره

– مردی بـا فریب و تزویر از یـک دخـتر ۱۸ ساله برای پسـر خود که می گویـد ۲۷ سال دارد و نیز سالم است خواسـتگاری می کنـد. درحالی که بعد معلوم می‌شود سن پسـر از ۴۰ سال تجاوز کرده و فاقـد یک‌دست نیز می‌باشد علاوه بر این، عیبهای دیگری هم دارد که دختر اطّلاع نداشـته، و بر این اظهارات عقد نکاح صورت می گیرد بعد از عقد وقتی دختر از عیوب مرد اطلاع پیدا می کند اصـل عقـد نکاح را رد می کنـد و ما پیش وکیل پسـر رفتیم که مسأله را حل کنیم و طلاق بدهـد او حاضـر نشـد و دختر می گویـد که اگر جدائی صورت نگیرد من دست بخودکشی میزنم امیدواریم که مشکل ما را حل نمائید.

ج

– بطور کلی چنانچه سالم بودن و مقـدار سنّ زوج در متن عقـد ازدواج شـرط شود و یا قبل از عقـد مـذاکره شود و عقـد مبنیاً بر آن واقع شود و بعـد از عقـد کشف خلاف بشود زوجه می‌توانـد عقد ازدواج را فسخ نماید و محتاج به طلاق نیست و بعد از فسخ عقد، زوجه می تواند با دیگری ازدواج نماید و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۲۸۳

اشاره

– آموزگـاری هسـتم کـه در تاریـخ ۴ / ۹ / ۱۳۷۳ ازدواج نمـودم. چـون بـا خـانواده همسـرم همسـایه دور بـودیم شـناخت کـافی از خصوصـیات او نداشـتم فقط شنیده بودم که ایشان از عینک استفاده می کنند. وقتی که از شماره چشم او پرسیدم نمره چشم ایشان را ۰ /۵ و ۰ /۷۵ بیان کرده بودنـد که این مقـدار به نظر حقیر مانعی نـداشت. امّا بعـد از عروسـی به خاطر مشاهده مشـکلات و ناتوانی ایشـان، به چشم پزشـک مراجعه کردیم و پزشـک بعـد از آزمایش نمره آن را ۱۸ /۷۵ و ۱۹ /۷۵ اعلاـم نمود البته نمره چشم ایشان بالاتر از این شماره بود منتها عینکی که شماره‌اش بیشتر از این باشد، به علت ضخامت زیاد قابل استفاده نمی‌باشد.
بنـده برای ازدواج مبلغ پانصد هزار تومان هزینه نمودم که غالباً از طریق وام‌های مأخوذ، بوده است که در حال حاضـر ماهیانه اقساط آنها را می‌پردازم حالا با وجود این مشـکلات زنـدگی هر روز برایم سـخت و سـخت‌تر شـده تا جایی که در حال حاضـر غیر ممکن گشـته اسـت در صـورتی کـه مهریه ایشـان یـک میلیـون تومـان می‌باشـد بنـده ۱۴۰ / ۰۰۰ تومـان از بـابت مهریـه پرداخـت نمـوده‌ام خواهشمندم که به
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹
سؤالات زیر پاسخ فرموده تا ملاک عمل شرعی این جانب قرار گیرد.
الف: در صورتی که جدایی صورت گیرد وضعیّت مهریه ایشان چگونه خواهد بود؟
ب: با توجّه به اینکه این جانب ناخواسـته مخارج زیادی را متحمل شده‌ام به طوری که با توجه به کارمند بودنم تا پایان عمر نخواهم توانست ضـربه آن را جبران نمـایم از نظر شـرعی چه کسـی بایـد تـاوان آن را بپردازد. آیا مسـئول آن خانواده همسـرم و خود ایشان نمی‌باشند؟

ج

– به طور کلی در مثل مورد سؤال چنانچه در عقـد وصـفی جهت زوجه قیـد شـده که زوجه واجد آن وصف نیست و یا عقد مبنیاً بر

آن واقع شده و لو اینکه در متن عقد ذکر نشده و زوجه واجد آن وصف نیست زوج می‌تواند عقد را فسخ کند و این خیار فسخ بعد از علم به حکم و موضوع فوری است و بعـد از فسخ چنانچه دخول واقع نشده چیزی بر زوج نیست و اگر دخول واقع شده زوج باید مهر را بدهـد بلی چنانچه تدلیسـی در بین باشـد می‌تواند مهریه را از مدلّس بگیرد و اگر مدلّس خود زوجه باشد بر زوج چیزی لازم نیست بدهد و اگر در متن عقد آن صفت شرط نشده و همچنین عقد مبتیّاً بر آن واقع نشده زوج اختیار فسخ ندارد و جدایی موقوف به طلاق است و در این صورت اگر دخول واقع شـده تمام مهر و اگر دخول واقع نشـده بایـد نصف مهر را بپردازد و در هر صورت کسـی ضامن مخارجی که زوج در عقد و عروسـی خرج نموده نیست، بلی اگر اشـیایی از قبیل طلا و لباس تهیه کرده و تحت اختیار زوجه قرار داده ولی تملیك به زوجه ننموده و هنوز موجود است می‌توانـد آنها را پس بگیرد و به هر حال، در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

و اللَّه العالم.

س ۱۲۸۴

اشاره

– پس از ازدواج با دختری، متوجه شدم که از سـمعک اسـتفاده می‌کند به همین علت تقاضای طلاق (فسخ) نمودم. مسـتدعی اسـت در مورد مهریه ما را راهنمائی فرمائید.

ج

– به طور کلی ناشـنوائی جزء عیوب مجوزه فسـخ نیست بنابراین چنانچه در ضـمن عقد شـرط سـلامت زوجه نشده و قبل از عقد هم تدلیسی در کار نبوده، زوج

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰

ضـامن پرداخت مهریه است پس اگر دخـول واقع نشـده نصـف مهر و اگر واقع شـده بایـد تمـام مهر را بـپردازد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و الله العالم

س ۱۲۸۵

اشاره

– جوانی بیست و پنج‌ساله با دختری به این عنوان که بیست و سه‌ساله و سالم می‌باشد با توجه به اینکه در موقع تحقیق و مذاکرات با بستگان زوجه او را ۲۳ ساله و سالم معرفی کرده‌انـد ازدواج می‌کنـد و عقـد بر پایه آن صورت می‌گیرد ولی پس از مـدتی که حتی یك ماه طول نمی‌کشد زوج و بسـتگان او متوجه می‌شوند که اولًا زوجه و بسـتگان او سن واقعی او را که بیست و نه سال بوده است و همچنین مبتلا بودن مشار الیها را به بیماری دیابت (مرض قند) که از نوع ارثی بوده و طبعاً در وضع حمل و نوزاد هم تأثیر بسـزایی دارد مسـتور و مخفی داشـته‌اند و نتیجتاً زوج از ازدواج مزبور پشـیمان است سؤال اینکه: آیا دو عیب اشاره شده از موارد مجوز فسخ نکاح است یا خیر در صورت فسخ آیا مهریه به زوجه تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

– آنچه بعنوان عیب در سؤال ذکر شـده از عیوب مجوزه فسـخ نیست بلی اگر در متن صـیغه عقـد قید شود که دختر ۲۳ ساله باشد و مبتلا به هیچ‌گونه بیماری نباشد و یا اینکه قبل از عقد شـرط سن و سـلامت از هر عیبی ذکر شود و عقد مبنی بر آن باشد بطوری که مثل ذکر کردن در خود عقـد شود در این صورت زوج اختیار فسخ دارد و مهریه را اگر دخول واقع شده زوج باید بپردازد لکن پس از پرداخت می‌تواند به تدلیس‌کننده مراجعه کند و عوض آن را بگیرد و اگر دخول واقع نشده چیزی بر زوج نیست.

س ۱۲۸۶

اشاره

– دختری مدّت ۷ سال است که ازدواج کرده و بعلت مشـکلات جسـمی شوهر طبق تشخیص پزشکان متخصص بچه‌دار نمی‌شوند و ضعف از طرف شوهر است آیا دختر می‌تواند شرعاً از طریق دادگاه تقاضای طلاق نماید؟

ج

– عقیم بودن مرد موجب جواز اجبار مرد به طلاق نیست، بلی در بعض موارد زن می‌تواند عقد را فسخ نماید به مسأله ۲۳۸۹ توضیح المسائل رجوع نمائید.

و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱

س ۱۲۸۷

اشاره

– احتراماً بعرض می‌رسـد این جانب با مردی ازدواج کرده‌ام و مـدت ۵ مـاه بـا او زنـدگی کرده‌ام ولی هنوز او قادر به ازاله بکارت نیست و از طرفی توافق اخلاقی نداریم و چندین بار مرا کتک زده و تهدید به مرگ کرده، چون زندگی با او قابل تحمّل نبود ناچار شـده‌ام بخانه پدرم پناه ببرم در تمام این مدت دیناری نفقه نداده است و مدتی است که به محل نامعلومی رفته اطلاعی از او ندارم و نمی‌توانم برای همیشه بلا تکلیف بمانم.

ج

– بطور کلی اگر زنی با مردی ازدواج کند که آن مرد قادر به نزدیکی نیست اگر بخواهد عقد را فسخ کند باید به حاکم شرع جامع الشـرائط رجوع نماید تا حاکم شـرع یک سال به مرد مهلت دهد چنانچه نتوانست با آن، زن یا زن دیگر نزدیکی کند پس از آن زن می‌تواند عقد را بهم بزند و محتاج به طلاق نیست.

س ۱۲۸۸

اشاره

– زن محترمه‌ای در چند سال قبل ازدواج کرده و در این مدت فقط در ابتدا یک بار وطی واقع شده و دیگر زوج قدرت و توانائی نزدیکی پیدا ننموده و عنین شده آیا زوجه حق فسخ دارد یا خیر و اگر حق ندارد و شوهر هم راضی به طلاق نیست مستدعی است حکم شرعی را بیان فرمایید.

ج

– در فرض سؤال، زوجه حق فسخ ندارد و جدایی منحصر به طلاق است و اگر زن می‌خواهد جدا شود باید از طریق بخشیدن مهریه و غیره مرد را به هر حال راضی به طلاق کند. و اللَّه العالم.

س ۱۲۸۹

اشاره

– دختر این جانب دوسال پیش ازدواج نمود و پس از مدتی شوهرش دچار بیماری جنون گردید طوری که دیگر موقع نماز را تشخیص نمی‌دهد و دادگاه طلاق او را با توجه به مدارک موجود در پرونده صادر نموده خواهشمند است مارا راهنمایی نمایید که طلاق درست است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، که شوهر مبتلا به جنون شده بطوری که اوقات نماز را تشخیص نمیدهد زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند یعنی بگوید (نکاحی که بین من و شوهرم واقع شده فسخ کردم) و احتیاج به طلاق نیست و باید از تاریخ وقوع فسخ، عدّه نگهدارد و پس از انقضاء عدّه آزاد است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲

س ۱۲۹۰

اشاره

– اگر چنانچه زوج یا زوجه کسی دچار جنون گردد که در زمان وقوع عقد وجود نداشته است و جنون نامبرده نیز به تأیید پزشکی قانونی و اطباء معالج نیز رسیده باشد، طبق موازین شرع مقدس اسلام آیا زوج در زمان جنون زوجه حق فسخ نکاح را دارد یا خیر و در صورت فسخ نکاح در زمان جنون از طرف زوج آیا این فسخ صحیح است و حقی که زوجه بر گردن زوج دارد که باید زوج به او بدهد چیست؟

ج

– در فرض سؤال که جنون بعد از عقد، واقع شده اگر زوج دیوانه شده زوجه حق فسخ دارد پس اگر وقوع جنون بعد از نزدیکی و

انجام عمل زناشوئی بوده باید مهریه زوجه از مال زوج، با اجازه مجتهد جامع الشرائط پرداخته شود و اگر قبل از نزدیکی مجنون شده زوجه مهر ندارد و اگر زوجه بعد از وقوع عقد مجنونه شده زوج حق فسخ ندارد و جدائی با طلاق حاصل می‌شود. و اللّه العالم.

مهریه

س ۱۲۹۱

اشاره

- فقهاء عظام فرموده‌اند اگر زوجین ضمن اجراء عقد، صداق را معیّن ننمایند و بعد از عقد توافق به صداق کنند صداق بعد العقد کالمذکور فی العقد لازم الوفاء است.
سؤال این است که اگر زوجین در حین اجراء عقد مبلغی را بعنوان مهریه تعیین کنند و بعد از عقد نیز مبلغی به صداق تعیین شده اضافه نمایند آیا در این فرض نیز صداق اضافی بعد از عقد کالمذکور فی العقد لازم الوفاء می‌باشد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال صداق اضافی بعد از عقد اگر در ضمن عقد لازم دیگر مانند بیع و مصالحه قرار داد نشده لازم الوفاء نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۲۹۲

اشاره

- اگر زنی مدتی بعد از ازدواج ناقص شود مثلًا کور شود آیا شوهر که او را طلاق می‌دهد مدیون مهر هست؟

ج

- بلی مدیون است و باید به او ادا نماید پس اگر طلاق پیش از نزدیکی و مواقعه با همسر واقع شود شوهر نصف مهر را و اگر بعد از نزدیکی باشد همه مهر را باید بدهد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳

س ۱۲۹۳

اشاره

- اگر شخصی در نکاح موقت مهریه و اجرت را سفر مشهد مقدس و یا عمره مفرده قرار بدهد آیا این عقد صحیح خواهد بود یا خیر؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۲۹۴

اشاره

- اگر زنی در زمان زندگی با شوهرش از او طلب مهرش را نماید و مرد از پرداخت آن عاجز باشد زندگی آنها چگونه است؟

ج

- اگر شوهر قدرت اداء مهریه زوجه را ندارد فعلًا تکلیفی ندارد و هر وقت متمکن شد در صورت مطالبه زوجه واجب است بپردازد. و اللَّه العالم.

س ۱۲۹۵

اشاره

- زوج از بچه دار شدن جلوگیری می‌کند و عدم جلوگیری را مشروط کرده است به اینکه زوجه مهریه‌اش را به او ببخشد و او را بریء الذمه کند.

اگر زوجه مهریه‌اش را ببخشد تا زوج جلوگیری را کنار بگذارد آیا این بخشش صحیح است؟ و آیا زوج بریء الذمه می‌شود؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زوجه مهریه خود را به زوج بخشیده بشرط اینکه زوج از بچه دار شدن ممانعت نکند و زوج به آن شرط عمل کند این بخشش صحیح است و زوج بریء الذّمهٔ می‌شود.

س ۱۲۹۶

اشاره

- ۴۰ سال پیش زمین متری یک هزار تومان بوده فعلًا همان زمین متری ده هزار تومان می‌باشد در آن زمان قباله ازدواج خانمی هزار تومان بوده و شوهر نداده فعلًا اگر هزار تومان به زن بدهد آیا ذمّه او بری می‌شود یا نه و همچنین مثلًا شخصی ۴۰ سال قبل از کسی هزار تومان قرض کرده و از روی فراموشی یا عمداً نداده فعلًا چقدر باید به او بدهد؟

ج

- در فرض سؤال اگر اختلاف مالیت دین یا مهریه زیاد و غیر متعارف باشد به طوری که عرف پرداخت آن را به مبلغ سابق بدل آن

نمی‌شمارد و در این مدت بستانکار مطالبه می‌نموده و بدهکار خواه مدیون باشد یا زوج باشد بدهی را نپرداخته باشد احتیاط این است که طرفین با مصالحه و تراضی رفع اختلاف بنماید.

س ۱۲۹۷

اشاره

- لطفاً نظر مبارك خود را در خصوص مصوبه مجلس شورای اسلامی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴
پیرامون پرداخت مهریه زنان طبق ارزش پولی روز (یوم الاداء) بیان فرمائید.

ج

- در صورتی که زوجه مطالبه مهریه خود را کرده باشد و زوج هم متمکّن از اداء بوده و نپرداخته بعید نیست که ارزش ریالی روز محاسبه شود مع هذا احوط مصالحه زوجین با یکدیگر است و اگر مطالبه نکرده زوج همان مقدار مهر را که عقد بر آن خوانده شده بدهکار است. و الله العالم

س ۱۲۹۸

اشاره

- اگر کسی مهر همسرش را از خانه و باغ یا پول تبدیل به چیزی از مال خویش کند مثلًا به عنوان قرض بگیرد و خرج خانه‌ای کند و رسید بدهد آیا رسید کافی است یا باید حتماً طبق قولی که داده است که من به جای مهریه شما یك ثلث از خانه را به شما میدهم، عمل کند و چنانچه آن خانه را بفروشد و خانه‌ای دیگر بخرد و در سند قید نکند اشکالی دارد یا خیر؟

ج

- بمقدار قیمت فروش خانه و باغ از ملك همسر به او مدیون است و باید بپردازد.

س ۱۲۹۹

اشاره

- امروزه رایج شده مثلًا ۳۰۰ سکه بهار آزادی را به عنوان مهریه قرار می‌دهند در صورتی که نه حالا و نه در آینده کسی قدرت پرداخت ندارد (و به عنوان اینکه مهر را که داد و که گرفت) می‌باشد) آیا در این صورت عقد صحیح است یا خیر؟

ج

– عقد صحیح است و شوهر ضامن مهریه هم می‌شود البته مستحب است مهریه کم گرفته شود.

اختلاف در مهریه

س ۱۳۰۰

اشاره

– اگر بین زن و شوهر بعد از مدتی زندگی زناشویی شدن اختلاف شود و زن بگوید که صیغه مدت ده سال بوده و مهر ۳۰۰۰ روپیه، شوهر می‌گوید مدت سی سال و مهر هشتاد روپیه بوده است، آیا کدام قول مسموع است و چه باید کرد؟

ج

– در فرض سؤال، نسبت به مدت در صورت عدم بینه قول زن با یمین مقدم است و قول مرد نسبت به مهریه با عدم بینه، همراه با یمین مقدم است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵

س ۱۳۰۱

اشاره

– زن به عقد شخصی درآمده و قبل از دخول مرد فوت نموده یا شهید شده، مهر زن تمام باید داده شود یا نصف؟

ج

– تمام مهریه باید از ترکه او داده شود. و اللَّه العالم.

س ۱۳۰۲

اشاره

– مرد مقلد شخصی است که می‌فرماید در صورت فوت زوج قبل از دخول نصف مهر و زن مقلد کسی است که می‌فرماید تمام مهر لازم است، در صورت فوت مرد قبل از دخول تکلیف چیست؟

ج

– در فرض سؤال به جهت رفع نزاع باید به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه نمایند و آنچه حاکم شرع حکم کند باید طبق آن رفتار شود. و اللَّه العالم.

س ۱۳۰۳

اشاره

- اگر زوجه در موقع ازدواج بگوید دو دانگ از همین خانه را که در آن زندگی می کنی مهریه من کن و مرد چون یقین دارد که چنین چیزی در دفاتر رسمی و محضر انجام نمی‌شود می گوید اگر بشود من قبول دارم لذا به چندین محضر رسمی ازدواج مراجعه می کنند قبول نمی‌شود سرانجام با رضایت زوجه و پدرش و با مبلغ وجه رایج او را عقد می کنند که در قباله ازدواج فقط وجه نقد قید شده آیا غیر از مبلغ تعیین شده در محضر و ثبت شده در قباله و عقدنامه زوجه طلبی از آن زوج دارد؟

ج

- در فرض سؤال زوجه غیر از مبلغی که در متن عقد ازدواج به عنوان مهریه معین شده چیزی از زوج طلب ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۰۴

اشاره

- در محل ما رسم این بوده که پدر خانواده برای فرزندان پسر جهت مهریه عروس آب ملك و گوسفند در جلسه عقد معلوم و معیّن می کردند و تحویل می‌دادند شخصی ۳ پسر داشته یکی از آنها در زنده بودن پدر گوسفندهای مهریه عیالش را تحویل گرفته و دو نفر دیگر پسرها گوسفندها را تحویل نگرفته‌اند و پدر فوت کرده آیا دو پسر دیگر می توانند گوسفندهای مهریه عیالشان را از اموال موجود آن مرحوم برداشت کنند یا خیر؟

ج

- اگر منظور این است که پدر از ملك خودش بدون اینكه به پسر تملیك

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶

کرده باشد مهریّه برای زوجه پسر قرار میدهد این عمل صحیح نیست باید مهریه زوجه از مال خود زوج باشد نه پدر زوج، و اگر منظور این است که پدر ملك و آب و گوسفند که می‌خواهد مهریه زوجه پسر خود قرار دهد اوّل به پسر تملیك می‌نماید سپس آنچه ملك پسر شده مهریه قرار داده می‌شود بنابراین آنچه پدر تملیك پسر نموده و پسر هم آن را مهریه زوجه خود قرار داده اگر در تحت ید پدر و جزء اموال او باشد بانتاج آن متعلّق به زوجه است و بقیه را ورثه تقسیم می کنند.

س ۱۳۰۵

اشاره

- شخصی این جانب را به عقد و همسری پسرش درآورده است و مبلغ صداق به عهده پسرش می‌باشد و هشت مثقال طلا به عهده پدر زوج بوده است که خودش در زمان حیاتش گردن گرفته و با خط خود نوشته الحال فوت نموده است و ما می‌خواهیم بدانیم که

آیا آن هشت مثقال طلا را چه کسی باید به ما پرداخت کند؟

ج

– در فرض سؤال: چنانچه هشت مثقال طلا، جزء صداق بوده و آن مرحوم بعهده گرفته باید از اموالش بردارند و به عروسش بدهند و اگر مربوط به صداق نیست فقط وعده داده که هشت مثقال طلا بعهده من که بدهم در این صورت حق ندارند از مال او بردارند. و اللّه العالم.

س ۱۳۰۶

اشاره

– نظر جنابعالی در مورد گرفتن شیر بها چیست؟

ج

– گرفتن شیربها با رضایت دهنده شیربهاء اشکال ندارد.

س ۱۳۰۷

اشاره

– دختری که بعد از عقد در خانه پدرش به سر می‌برد و خواهان طلاق است و در دادگاه هم دادخواست طلاق صادر کرده است آیا در این صورت مهریه را مستحق می‌شود یا خیر؟ آیا در این صورت حق نفقه گرفتن را دارد یا خیر؟ و داماد می گوید. زن گرفتم که زندگی کنم نه طلاق بدهم اگر ایشان طلاق می‌خواهد تمام مخارج من را باید بدهد جواب را صراحتاً مرقوم فرمائید.

ج

– امر طلاق با زوج است و می‌تواند مخارجی را که کرده و صداق را به عنوان عوض خلع در طلاق خلعی مطالبه کند بنابراین اکراه و اجبار در طلاق جایز نیست ولی خودش با اختیار خودش بدون اکراه زوجه را قبل از دخول طلاق

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷

بدهد نصف مهر را باید به او بپردازد و نسبت به نفقه در فرض سؤال که زوجه ناشزه بوده نفقه را هم طلبکار نیست و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۳۰۸

اشاره

- خانمی هستم که با مردی که دارای چهار فرزند بود ازدواج کردم و همسرم فوت شده سؤالم اینست که آیا طلاهایی که همسرم برایم خریده، می‌شود بجای مهریه حساب شود یا نه؟

ج

- در فرض سؤال ظاهر اینست که طلاهای مورد سؤال اگر در حدّ متعارف بوده هدیه محسوب است و متعلّق به زوجه است و از ماترک و مهریه محسوب نمی‌شود و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

احکام ازدواج موقت

س ۱۳۰۹

اشاره

- آیا دختر باکره می‌تواند بدون اجازه پدر ازدواج موقت بکند اگر می‌تواند اولاد متعه حق دارند که ارث از پدر ببرند؟

ج

- بنابر احتیاط، دختر باکره اگر پدر دارد در ازدواج اعمّ از متعه و دائمی باید از پدر اجازه بگیرد و اولاد متعه نیز ارث می‌برند. و اللّه العالم.

س ۱۳۱۰

اشاره

- آیا پسر می‌تواند با تعهد عدم دخول، دختر باکره را بدون اذن پدر و یا جدّ پدری او و فقط با رضایت دختر، برای مدتی صیغه نماید؟

ج

- در جهت مورد سؤال، قصد عدم دخول تأثیری ندارد و به نظر حقیر با شرط عدم دخول هم در ازدواج با دختر باکره بنابر احتیاط واجب اذن پدر لازم است.

س ۱۳۱۱

اشاره

- دختر و پسرهای امروزه که در مدارس و دبیرستانها و دانشگاهها و مؤسسات با هم معاشر هستند برای محرمیت می‌خواهند با خواندن صیغه این معاشرتها حرام نباشد چون حضرت عالی اذن پدر را در باکره احتیاط واجب می‌فرمائید و در این موارد چه بسا

هست که پدرها راضی نمی‌شوند و با آنکه نمی‌شود اذن گرفت اجازه می‌فرمائید که این احتیاط ترک شود و بدون اذن ولی صیغه جاری گردد یا خیر؟ و دیگر آنکه بعضی موارد هست که پسر و دختر به هم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸

علاقه دارند و تحصیل اذن از پدر بواسطه شرم و حیاء و موانع دیگر مشکل است آیا ترک این احتیاط در این صورت جائز است یا خیر؟

ج

- در این احتیاط می‌توانند به مجتهد دیگری مراجعه نمایند.

س ۱۳۱۲

اشاره

- متعه بیشتر برای متأهلین سفارش شده یا برای مجردین؟ و آیا در صورت نیاز است یا در غیر صورت نیاز هم منعی ندارد؟

ج

- ازدواج موقّت برای کسی منعی ندارد و قیود مذکوره در سؤال را هم ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۱۳

اشاره

- آیا صیغه کردن به یک روز یا یک هفته و یا یک ماه جایز است یا نه؟

و آیا زن صیغه شده بعد از تمام شدن وقت عده دارد یا نه؟

ج

- بلی جایز است و در صورتی که بعد از صیغه کردن، دخول واقع شود و زن یائسه نباشد عده دارد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۱۴

اشاره

- اگر ضمن عقد متعه، زوجه شرط عدم مباشرت را نمود ولی پس از عقد، زوج عنفاً دخول نماید آیا زانی محسوب است اگر زانی نیست حاکم حق تعزیر او را دارد؟ و آیا اضافه بر مهر المتعه چیزی به زوجه مدیون می‌شود؟

ج

- در فرض سؤال زنا محسوب نمی‌شود و تعزیر بستگی بنظر حاکم دارد و نسبت به مهر هم اگر مهر المثل بیشتر باشد احوط تحصیل رضایت زوجه است.

س ۱۳۱۵

اشاره

- آیا در بخشش بقیه مدت در متعه نیت قلبی و قصد هبه بدون آنکه بر زبان جاری کند کافی است؟ و آیا باید زن آن را بشنود یا در غیاب وی نیز می‌توان بخشید؟

ج

- برای بخشیدن تنها نیت قلبی کافی نیست ولی شنیدن زن هم لازم نیست لکن برای اینکه اختلافی واقع نشود بهتر است در حضور زن مدت را ببخشد.

س ۱۳۱۶

اشاره

- اگر در ضمن عقد موقت شرط شود که مثلًا بعد از اتمام شش ماه ازدواج دائم با مهر معین صورت گیرد اگر زوج به شرط عمل نکند و راضی به ازدواج دائم نشود آن مهر به عهده او می‌آید؟
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹

ج

- اگر در ضمن عقد موقّت شرط شده که زوج بعد از تمام شدن مدّت عقد موقّت زوجه را بعقد دائم عقد نماید بر زوج واجب است که بشرط عمل کند ولی اگر زوج بشرط عمل نکند مهریّه‌ای بر او لازم نیست.

س ۱۳۱۷

اشاره

- در ازدواج موقت مثلًا اگر طرفین بیرون از منزل با هم دیده شوند برای اثبات اینکه صیغه خوانده شده مراجعه به پدر دختر کافی است یا حتماً باید مانند ازدواج دائم ثبت شده باشد؟ در مورد بیوه‌ها و غیره چگونه ثابت می‌شود که بین طرفین صیغه خوانده شده تا برادران بسیج و یا آمر به معروف و ناهی از منکر مطمئن شوند که فسادی در میان نیست؟

ج

– در صحت ازدواج ثبت محضری شرط نیست وقتی زن و مرد مسلمان بگویند که با هم ازدواج کرده‌ایم حرف آنها شرعاً مسموع است.

س ۱۳۱۸

اشاره

– زوج در حال عصبانیت و ناراحتی و اختلاف به زوجه موقت خود اعلان ابراء مدت عقد می‌نماید و از یکدیگر فاصله می گیرند آیا این زن می‌تواند با دیگری ازدواج نماید و یا آنکه زوجیت زوج باقی است و برای تجدید عقد نیاز به صیغه جدید نمی‌باشد؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه به اختیار مدت او را بخشیده و لو عصبانی بوده، آن زن از زوجیت او خارج شده و بعد از خروج عدّه می‌تواند با دیگری ازدواج کند، و اگر بخواهد به زوج قبلی برگردد محتاج به عقد جدید است و اگر در حال عصبانیت بی‌اختیار شده و در آن حال مدت را بخشیده است زوجیت باقی است.

س ۱۳۱۹

اشاره

– پسری بعد از مراسم خواستگاری رسمی وطی مراحلِ مقدماتی، دختری را برای چند ماه صیغه نموده است تا اینکه در فرصت مناسب و یا بعد از پایان تحصیل یا خدمت نظام و ... او را عقد نماید. اگر قبل از پایان مدت صیغه بین دختر و پسر آمیزش انجام گیرد و این آمیزش به حمل منجر گردد آیا ممکن است در این صورت پسر مدت مانده صیغه را ببخشد و در زمان حمل، همان دختر را عقد نماید، یا اینکه حمل مانع از عقد می گردد؟ چنانچه حمل مانع از عقد گردد خواهشمند است فتوای خود را در زمینه عده این دختر بیان بفرمائید.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰

ج

– بخشیدن مدت مانده در حال حمل و عقد او بعد از بخشیدن مدت، هرچند حمل داشته باشد برای خود آن شخص اشکال ندارد.

س ۱۳۲۰

اشاره

– فردی در دوران قبل از بلوغ پدرش دو دختر به اسم خاتون و فاطمه برای او عقد منقطع کرده این شخص قبل از رسیدن به مرحله بلوغ یکی از دخترها را (که اسمش خاتون است) دو بار رخصت نموده (به اصطلاح آن منطقه لفظ رخصت برای ابراء مدت به کار می‌رود) و والدین خاتون عقد او را با یک نفر دیگر بستند، این فرد پس از بالغ شدن خواست با دختر دومی (که اسمش فاطمه

است) عروسی کند اما خانواده این دختر به او چنین گفتند تو خاتون را در دوران قبل از بلوغ رخصت نمودی و این شرعاً صحیح نیست لذا اکنون او را مجدداً رخصت بنمائید و الّا دخترمان را در خانه‌ات نمی‌فرستیم. او این خواسته را قبول نموده خاتون را پس از بالغ شدن برای سومین بار رخصت نمود و نصف مهریه‌اش را نیز پرداخت. حالا او بعد از عروسی با فاطمه ادعا می‌نماید که رخصتی را که به خاتون داده بودم بدون قصد بود و برای گرفتن فاطمه مجبور بودم این رخصت را بدهم، لذا به آنها کلک زدم، ضمناً شاهدی هم به این مدعی ندارد. آیا این رخصت درست است یا خیر؟ و خاتون را وقتی که در کودکی رخصت داده و عقد با دیگری بسته بوده‌اند آیا این عقد درست بوده یا خیر؟ لطفاً جواب را تفصیلًا بفرمائید.

ج

- در فرض سؤال بذل مدت از طرف زوج غیر بالغ صحیح نیست و ازدواج دیگری با او در این صورت باطل است و حکم ازدواج با ذات بعل را دارد ولی بذل مدت بعد از بلوغ زوج صحیح است و اگر بعد از بذل ادعا کند که بدون قصد بوده در اختلاف بین او و زوجه‌ای که مدت او را بخشیده بدون بیّنه و اثبات شرعی ادعاء او اثر ندارد ولی اگر زوجه ادعاء او را قبول داشته باشد ظاهراً دیگران حتی زوجه دیگری که بذل مدت را از او خواسته است نمی‌توانند به آن اعتراض نمایند. و اللَّه العالم.

س ۱۳۲۱

اشاره

- اگر خانمی به عقد موقّت پسری در آمد بعد از اختتام وقت و گذشت مدّتها به عقد موقّت پدر آن پسر در آید آیا می‌تواند پس از اتمام وقت پدر به عقد
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱
دائم همان پسر در آید؟ و آیا عقد موقّت او با پدر مانعی نداشته؟

ج

- در فرض زن مذکور بر پدر آن پسر حرام مؤبد است و عقد موقت یا دائم پدر با آن زن باطل است و در صورتی که پدر با آن زن نزدیکی کرده باشد عقد مجدد پسر با آن زن نیز باطل است و جائز نیست.

روابط زناشوئی

س ۱۳۲۲

اشاره

- اگر زن در ایام حیض باشد و مرد اجباراً با وی در ایام حیض آمیزش نماید آیا موجب کفّاره می‌شود؟ و مقدار و کیفیّت کفّاره چگونه است و کفّاره به عهده چه کسی می‌باشد؟

ج

- در ایام حیض نزدیکی شوهر با زن حرام است و از جهت کفاره چنانچه ایام حیض به سه قسمت مساوی تقسیم شود اگر شوهر در قسمت اوّل نزدیکی کند مستحب بلکه احوط است که ۱۸ نخود طلا کفّاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوّم نزدیکی کند ۹ نخود و در قسمت سوم ۵/ ۴ نخود و اگر شوهر با زور و اجبار این معصیت را بنماید زن گناهکار نیست.

س ۱۳۲۳

اشاره

- اگر زنی در حال حیض بعقد مردی درآید و در همان حیض هم شوهر با او همبستری کند با توجه به اینکه زن می‌دانسته شاید اشکالی در کار باشد ولی به ملاحظه شوهر اطلاع نداده آیا اشکالی در عقد هست یا نه آیا کفاره بر زن هست یا نه تکلیف این زن چیست؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه زن مذکور در عدّه نبوده ازدواج او در حال حیض اشکال ندارد ولی همبستر شدن در حال حیض حرام است اما عقد را باطل نمی‌کند و نسبت به کفاره هم‌بستر شدن در حال حیض به مسأله شماره ۴۵۸ توضیح المسائل مراجعه نمائید.

س ۱۳۲۴

اشاره

- زن من با توجه به دردی که در دست و کمر دارد به علت روماتیزم و با توجه به میل ایشان به قضا نشدن نمازشان، همیشه اجازه جماع در شب و یا در وقتی که من میل دارم به من نمی‌دهد، به همین علت ما درگیری داریم و هر چند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲

ایشان را تهدید به ازدواج دوم و غیره کردم مؤثر واقع نشده است من باید چه کار کنم؟

ج

- وظیفه شرعی زوجه تمکین از زوج است و حسن شوهرداری تا آنجا فضیلت دارد که جهاد زن شمرده شده و برای او اجر جهاد دارد بنابراین یک بانوی مؤمنه‌ای که در انجام وظائف اسلامی اهتمام دارد و به عبادات مستحبه نیز توفیق می‌یابد باید به اطاعت امر خدا و روابط همسری با شوهرش کمال اهمیّت را بدهد و از معصیت نشوز و خودداری از اداء حقوق شوهر بپرهیزد و برای اداء مستحب مرتکب حرام و مخالفت شوهر نشود و حتی اگر در صورت اطاعت از شوهر نتواند نماز واجب را با غسل به جا آورد معذور از غسل باشد نباید از اطاعت شوهر خودداری نماید زیرا تیمم بدل از غسل برای او کافی است بدیهی است مرد هم مناسب است که در این جهت بطور متعارف رفتار کند و حسن معاشرت با همسر را رعایت نماید.

س ۱۳۲۵

اشاره

- وطی همسر دبراً چه حکمی دارد؟

ج

- احوط بدون رضایت زوجه ترک است.

س ۱۳۲۶

اشاره

- زنی که شوهرش عنّین است، در زمانی که شوهر او را به ملاعبه می‌طلبد آیا می‌تواند به بهانه اینکه شوهر عنن دارد از ملاعبه سرباز زند و اطاعت نکند؟

ج

- عنن زوج مجوز تخلف زوجه از تقاضای ملاعبه توسط زوج نمی‌شود.

س ۱۳۲۷

اشاره

- مردی که عنین است آیا می‌تواند همسر خود را با شیء خارجی جنب نماید؟

ج

- زوجه می‌تواند با هر نقطه از بدن زوج خود را جنب نماید اما جواز استفاده از اشیاء خارجی توسط زوج محل اشکال است.

س ۱۳۲۸

اشاره

- آیا بوسیدن زوجه و یا انجام عمل جنسی در حضور زوجه دوم و یا انجام این اعمال با هر دو در یک زمان جایز است؟

ج

- در مورد سؤال بوسیدن اشکال ندارد ولی جماع کراهت دارد البته نگاه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳

کردن زوجه به عورت زوجه دیگر حرام است. و اللّٰه العالم.

س ۱۳۲۹

اشاره

– زن و شوهری پای فیلم سکسی ویدئو می‌نشینند و فیلم را می‌بینند و تحریک می‌شوند و عمل زناشوئی انجام می‌دهند چه صورت دارد؟

ج

– مشاهده اینگونه فیلمها برای همه حرام است. و اللّٰه العالم

س ۱۳۳۰

اشاره

– اگر شخصی با خود بازی کند اما هنگام خروج منی از خروج آن جلوگیری نماید و منی خارج نشود، آیا این عمل حرام است؟

ج

– حرام است.

احکام نشوز

س ۱۳۳۱

اشاره

– در ذیل مسأله حق امتناع زوجه از تمکین تا دریافت مهر حالّ خود قبل از دخول قیودی را ذکر کرده‌اند و من جمله فرموده‌اند: حق مطالبه مهر برای زوجه زمانی است که وی مهیا بر تمکین باشد و عذر شرعی و عادی از قبیل احرام و حبس نداشته باشد امّا در موردی که زوجه عذر شرعی و یا عقلی نداشته و امتناعش از تمکین به خاطر دریافت مهر و استیفاء حق شرعی خود نباشد بلکه عصیاناً تمکین نکند مطلبی صریحاً نفرموده‌اند فقط مرحوم صاحب جواهر- پس از نقل کلام که مسأله را مشکل دانسته و صریحاً اظهار نظری نکرده‌اند- فرموده‌اند در این مورد زوجه حق مطالبه مهر نداشته و ناشزه محسوب می گردد خواهشمند است نظر مبارک را در این مورد و نیز مراد از تمکین را از حیث اختصاص به دخول یا شمول آن نسبت به سایر استمتاعات بیان فرمایید.

ج

– در موردی که زوجه به جهتی غیر از عذر شرعی و دریافت مهریه از تمکین خودداری کند ناشزه محسوب می‌شود. و تمکین

علاوه بر دخول بنابر احتیاط شامل سایر تمتّعات نیز می گردد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۳۲

اشاره

- بعـد از عقـد نکـاح آیـا زن در صورت اعسـار زوج از پرداخت مهریه، می‌توانـد بخاطر دریافت مهریه تمکین ننمایـد و در صورت جواز آیا تمکین فقط منحصر است به بضع، یا سایر استمتاعات را هم شامل است؟ آیا عدم تمکین
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴
مصداق نشوز است؟

ج

- در صورتی که مهریه حال باشد زوجه قبل از اخذ مهریه می‌تواند از تمکین نسبت به همه استمتاعات اعم از دخول و غیره ممانعت نماید و عدم تمکین جهت اخذ مهریه نشوز محسوب نمی‌شود. و الله العالم

س ۱۳۳۳

اشاره

- در دوران نامزدی و در فاصـله بین عقد و عروسـی که گاهی چندین ماه طول می کشد، دختر بیشتر در خانه پدرش بسـر می‌برد آیا احکـام مربوط به لازم بودن اطاعت از شوهر در این مـدت بر او صـدق می کنـد یا اینکه این امر مختص به بعـد از عروسـی و شـروع زندگی رسمی است؟

ج

- پس از اجرای عقد، اطاعت زن از شوهر لازم میشود اگر چه دختر هنوز در خانه پدر باشد.

س ۱۳۳۴

اشاره

- اگر خانمی در عقد دائم وظایف زناشوئی را انجام دهد و در مواقعی که شوهر در منزل نیست بدون اجازه او بخواهد به تدریس یا خیاطی بیرون منزل برود چه صورت دارد (ناگفته نماند شوهر این امور را اجازه نمی‌دهد)؟

ج

- اگر زن در عقد نکاح، شـرط اشتغال به تدریس یا خیاطی در خارج منزل را نکرده باشد شوهر حق ممانعت دارد و در این صورت

خروج زن بدون اجازه شوهر معصیت است.

س ۱۳۳۵

اشاره

– احتراماً معروض میدارد همسر این جانب مدت سه سال و نیم است خانه خود را بی‌هیچ دلیل و بدون هیچ‌گونه رضایت این جانب به همراه تنها فرزندمان ترک کرده و تاکنون در خانه پدرش بسر می‌برد و این در حالی است که هیچ‌گونه مشکل مالی، جسمانی و انحرافات اخلاقی و یا فکری متوجه این جانب نمیباشد. آیا ایشان بدون رضایت این جانب خانه‌اش را ترک گفته ناشزه است یا نه؟

ج

– در فرض سؤال زوجه ناشزه محسوب می‌شود و استحقاق نفقه و کسوه را از زوج ندارد. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵

س ۱۳۳۶

اشاره

– زوجه بدون اجازه زوج منزل شوهرش را ترک کرده و فعلًا در منزل پدرش می‌باشد پدر و مادر کراراً در زندگی زوجین دخالت نموده و مانع از ادامه زندگی طرفین می‌باشد و همسر با القاء پدر و مادرش از زوج اطاعت نمی‌کند، مادامی‌که زن در منزل پدرش باشد حق نفقه دارد یا نه؟ و ثانیاً زوجه ناشزه محسوب می‌شود یا نه؟

ج

– به طور کلی چنانچه زوجه بدون عذر شرعی به منزل زوج نرود ناشزه است و در صورت نشوز نفقه‌اش بر شوهر واجب نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۳۳۷

اشاره

– آیا زن می‌تواند از شوهر خود (بعد از گذشت چند سال) تقاضای بچه کند؟

ج

– اگر منظور این است که شوهر می‌گوید بچه نمی‌خواهم وزن تقاضای بچه می‌کند اصل تقاضا اشکال ندارد ولی الزام‌آور نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۳۳۸

اشاره

- زنی که شوهر او در خانه نیست او از خانه شوهر به دیگران کمک و از خانه شوهر در تمام کارهای بیرون از خانه شرکت می‌کند در حالی که شوهر از ۱ الی ۴ هفته در خانه نیست وظیفه این زن نسبت به شوهر چیست آیا می‌تواند موارد بالا را انجام دهد؟

ج

- باید آنچه را به دیگران کمک می‌کند با اجازه شوهر باشد و خروجش از منزل نیز محتاج به اجازه شوهر است.

احکام نفقه

س ۱۳۳۹

اشاره

- به زنی که شوهرش فوت کرده نفقه میرسد یا خیر؟

ج

- پس از فوت شوهر، زوجه دائمه از او ارث می‌برد و لکن در زمان عده وفات حق نفقه ندارد.

س ۱۳۴۰

اشاره

- اگر زوجه در ضمن عقد نکاح با شوهر خود شرط نماید که نفقه مرا مثلًا روزی یکصد تومان پول نقد پرداخت نمائید و شوهر نیز به این قرارداد عمل می‌کند ولی بعد از چند سال مبلغ قید شده کفایت از نفقه زوجه را نمی‌کند، آیا
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶
زوجه می‌تواند بیشتر از مبلغ تعیین شده در ضمن عقد را از شوهر خود مطالبه نماید یا نه؟

ج

- در مورد سؤال در صورت عدم کفایت مبلغ مذکور از نفقه زوجه، زوج باید، بمقدار کفایت نفقه زوجه را تتمیم نماید. و اللَّه العالم.

س ۱۳۴۱

اشاره

- دختری که شوهر کرده ولی با شوهر توافق ندارد و حقوق و نفقه چون تصرف ننموده نمی‌دهد آیا نفقه و چیز دیگری به آن دختر شرعاً بدهکار میباشد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که زوج توافق نـدارد اگر زوجه تمکین دارد نفقه خود را از زوج طلبکار است و می‌تواند تمام مهر خود را از زوج مطالبه نماید و اگر زوج قبل از دخول او را طلاق بدهد زوجه بیش از نصف مهر طلبکار نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۳۴۲

اشاره

- مردی به علت بچه‌دار نشدن دختر نوزادی را از یکی از زایشـگاههای تهران بعنوان فرزندی قبول می‌کند. حقیقت امر را به مسـئول زایشـگاه نمی‌گویند و با موافقت مادر بچّه، نوزاد را تحویل گرفته و بدون رعایت مقررات ثبت احوال اقدام به گرفتن شناسنامه برای بچّه بنام خود می‌کند و از طریق شـیر دادن بوسـیله محارم، دائی رضائی بچه و علی الظاهر طبق شناسنامه پدر او می‌شود. سن بچه در حال حاضر به ۱۳ سال رسـیده است و از لحاظ نفقه، حفاظت و سایر مسائل عاطفی، تربیتی، ناموسـی بلا تکلیف مانـده است. از پیدا کردن پـدر و مادر واقعی بچه از طرفی مأیوس شده‌انـد و از طرفی ایجاد مفسـده می‌شود. مرد بعلت عـدم برگشت همسـرش و از هم پاشـیدن زنـدگی‌اش حاضـر به پرداخت نفقه نیست و می‌گویـد من پدر واقعی و نسبی‌اش نیسـتم که نفقه بر من واجب باشد. زن هم می‌گویـد طبق شناسـنامه تو پـدرش هستی باید خرجی‌اش را بدهی. خواهشـمند است نظر شارع مقدس اسـلام را در این مورد مرقوم فرمائید.

ج

- اگر بطـور شـرعی در مـورد کودک تعهـدی داده باشـند بایـد بنحوی که تعهّـد داده‌انـد عمـل نماینـد بلی اگر تعهّـد نکرده باشـند مسئولیّتی ندارند. و اللَّه العالم.

س ۱۳۴۳

اشاره

- شخصی زوجه خود را در مقابل بذل مبلغ پنجاه هزار تومان طلاق
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷
خلعی داد از جناب عالی خواهشمند است که بیان فرمائید نفقه زن در ایّام عده چطور می‌شود؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه زوجه از زوج خود حمل نداشته باشد در ایام عده طلاق خلع حق نفقه بر زوج ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۴۴

اشاره

- شوهرم مدت یک سال است فرزندانم را برداشته به کشور افغانستان فرار کرده و مرا بدون سرپرست و بدون خرجی گذاشته از نظر شرع مقدس اسلام تکلیف من چیست؟

ج

- به طور کلّی در صورتی که زوج نفقه زوجه را ندهد زوجه می‌تواند به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه کند تا حاکم شرع زوج را و ادرار نماید که یا نفقه بدهد و یا او را مطلّقه نماید. و اللَّه العالم.

س ۱۳۴۵

اشاره

- مخارج اولاد تا چند سال بر پدر واجب است بعضی فرزندان می‌خواهند درس بخوانند آیا تا پایان تحصیلات، پدر باید هزینه تحصیلات آنها را بدهد یا نه؟

ج

- مخارج لازمه فرزند مانند لباس و خوراک تا موقعی که خودش متمکن از تأمین اینگونه مخارج نباشد بر پدر واجب است چه فرزند بچه باشد و چه جوان و یا پیر مگر اینکه پدر خودش متمکن نباشد و اما مخارج دیگر نظیر ادامه تحصیل بر پدر واجب نیست.

س ۱۳۴۶

اشاره

- آیا ساختمان فرزند جزء نفقه پدر قرار می گیرد یا خیر؟

ج

- در صورتی که واجب النفقه قدرت بر تهیه مسکن نداشته باشد و کسی که باید نفقه او را بدهد قادر باشد باید مسکن را نیز تهیه کند هر چند به نحو اجاره و غیره و تفصیل نفقات در وسیلة النجاة: (القول فی نفقة الأقارب) مسأله ۱ و ۲ و ۸ مذکور است! توضیح اینکه: تهیه مسکن فقط نسبت به خود واجب النفقه لازم است نه زوجه تحت تکفّل او. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۸

حضانت

س ۱۳۴۷

اشاره

- پـدری در محضـر دادگـاه اذن در حضـانت دختر کبیر خود را به مـادر مطلّقه وی داده است آیا رجوع پـدر از اذنِ داده شـده جایز است یا خیر؟

ج

- بطور کلّی حضانت فرزنـد با بلوغ و رشـد او منتفی میشود و پـدر و مادر حق حضانت او را ندارنـد و اختیار زنـدگی با هر کدام از پدر و یا مادر با خود فرزند است.

س ۱۳۴۸

اشاره

- پس از فوت پـدر، آیـا مـادر در قبـال حضـانت فرزنـدان صـغیر متوفی می‌توانـد از جـد پـدری مطـالبه اجرت نمایـد یـا خیر؟ و آیا حق‌الزحمه حضانت اطفال صغیر به او تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج

- حق حضانت اطفال بعـد از فوت پـدر با مادر است تا موقعی که مکلّف شونـد و بعیـد نیست بتواند در مقابل آن اجرت بگیرد پس اگر اطفال خودشان اموالی دارنـد می‌تواند اجرت خود را با اجازه جدّ پدری از اموال آنها بر دارد و اگر مالی ندارند می‌تواند از جدّ پدری مطالبه کند و در هر صورت احتیاط در ترک اجرت گرفتن است.

س ۱۳۴۹

اشاره

- آیا پدر شرعاً مجاز است که مادر مطلّقه را از دیدار فرزندش که تحت حضانت پدر است محروم کند؟

ج

- اگر مفسـده و ضـرری برای فرزنـد نداشـته باشـد جایز است ولی بدون وجود مصـلحت لازم خلاف انصاف و دور از اخلاق مؤمن است.

س ۱۳۵۰

اشاره

- آیا مادر شرعاً بدون اذن پدر می‌تواند کاری را برای فرزند (چه در حضانت مادر باشد و چه پدر) انجام دهد، مثلًا آیا می‌تواند بدون اذن پدر گوش دختر را سوراخ کند (برای گوشواره) و یا سر او را اصلاح کند و یا تصرفاتی مانند آن؟

ج

- اگر تحت حضانت مادر نباشد بدون اذن پدر جایز نیست و اگر تحت حضانت مادر است کارهائی مانند اصلاح سر و حفظ نظافت او داخل در حضانت است و جایز است ولی سوراخ کردن گوش او بدون اذن پدر جایز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۹

س ۱۳۵۱

اشاره

گرفتن اولاد از مادر وقتی که حضانت با پدر است در صورتی که موجب مشقت غیر قابل تحمل برای مادر باشد یا باعث عدم رشد روانی فرزند شود یا هر دو در عسر و حرج بیفتند جایز است یا نه؟

ج

- در صورتی که جدا کردن فرزند از مادر برای فرزند مفسده و ضرر داشته باشد نباید او را از مادر جدا کنند.

س ۱۳۵۲

اشاره

- شخصی نوه دختری خود را نزد برادرزاده‌اش در سن صغیری گذاشته است حالا- دختر به سن بلوغ رسیده است. اگر این مادر بزرگ بخواهد نوه خود را به نزد خودش ببرد آیا پسر برادر حق مطالبه مصرف خویش را دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر برادرزاده تبرعاً مخارج دختر را پرداخته باشد حق مطالبه از غیر ندارد و اگر به امر مادر بزرگ خرج کرده و قصد مجانی نداشته می‌تواند از مادر بزرگ مطالبه نماید.

احکام شیر دادن

س ۱۳۵۳

اشاره

– آیا مادر می‌تواند بعد از دو سال شیر به بچه‌اش بدهد یا خیر و در صورت منع آیا حرام است یا مکروه؟

ج

– شیر دادن بیشتر از دو سال حرام نیست ولی مذموم است.

س ۱۳۵۴

اشاره

– اگر زنی بچه دخترش را شیر دهد دخترش بر شوهرش حرام است، آیا شیر کامل و همراه با شرایطش منظور است یا یک مرتبه شیر دادن هم نشر حرمت می‌کند و همچنین شیر دادن که باعث حرمت است در صورتی است که قبل از ۲ سال باشد آیا منظور ۲ سال شمسی است یا ۲ سال قمری؟

ج

– منظور شیر کامل است و کمتر از آن اثری ندارد و منظور از دو سال مذکور، سال قمری است.

س ۱۳۵۵

اشاره

– پسری از خانمی شیر خورده است خواهر این پسر می‌تواند با پسر آن زن شیر دهنده ازدواج بکند یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، ازدواج آن دو اشکال ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۰

س ۱۳۵۶

اشاره

– چنانچه زن بی‌شوهری که شیر داشته باشد به اختیار خودش پسری را با شیر پستان خود قبل از اینکه دو سالش تمام شود شیر بدهد. آیا همین پسر می‌تواند با همین زن بی‌شوهر عقد دائم بکند یا خیر؟

ج

– رضاعی که موجب محرمیت است آنست که شیر را از پستان زنی بخورد که بواسطه حمل شیر دار شده است و در فرض سؤال که

زن بدون شوهر شیر داده محرمیت حاصل نشده است.

س ۱۳۵۷

اشاره

- اگر زن مقلد شخصی است که ده مرتبه شیر دادن را موجب حرمت در رضاع میداند و مرد مقلد کسی است که ۱۵ مرتبه شیر دادن را موجب نشر حرمت میداند در این فرض اگر مادر زن نوه دختری خود را ده مرتبه شیر داده باشد تکلیف شرعی زوجین چه خواهد بود؟

ج

- در فرض سؤال احوط و اولی این است که زوج، او را طلاق دهد و دیگر با او ازدواج نکند و اگر نخواهد او را طلاق بدهد باید زوجین مراجعه به حاکم شرع جامع الشرائط بنماید و طبق آنچه حاکم شرع در مقام قضاوت حکم می‌کند عمل کنند. و اللَّه العالم.

س ۱۳۵۸

اشاره

- در فرض سؤال قبل اگر مقلّد زوج حکم را نافذ نداند و به حاکم شرع جامع الشرائط مراجعه نمودند و حاکم هم ده مرتبه شیر دادن را موجب نشر حرمت در رضاع دانست وظیفه شرعی زوجین چه خواهد بود؟

ج

- حکم مجتهد جامع الشرائط در مرافعات و دعاوی باجماع نافذ است مع ذلک در این صورت زوج با وجود حکم حاکم در مواردی که امتناع از اداء حقوق زوجه موجب ردّ حکم حاکم نمی‌شود باید بوظیفه شرعی شخصی خود عمل کند. و اللَّه العالم.

س ۱۳۵۹

اشاره

- احتراماً به اطلاع می‌رساند که این جانب در سن دوماهگی مادرم را از دست دادم و بعد از آن از سینه مادربزرگم که مادر پدرم می‌باشد شیر خوردم و شیر خوردن از سینه مادربزرگم تا موقعی بود که مرا از شیر گرفتند، یعنی شیر کامل از سینه مادربزرگم خورده‌ام در آن موقع مادربزرگم فرزندی روی دست

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۴۱

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۱

داشت و آن هم از سینه مادرش شیر می‌خورد حال می‌خواهم بدانم که دختر عمویم که دختر پسر مادر بزرگم است بر من حلال

است یا خیر. (در ضـمن موقعی که من از سـینه مادر بزرگم شـیر می‌خوردم، دختر عمویم هنوز بـدنیا نیامده بود یعنی عمویم ازدواج نکرده بود)؟

ج

- در مورد سؤال ازدواج شما با دختر مذکوره صحیح نیست.

س ۱۳۶۰

اشاره

- اگر مـادر زن نوه دختری خود را بـا شـرائطی که در رضـاع گفته شـده شیر کامـل بدهـد با توجه به اینکه علم دارد این شـیر دادن موجب حرمت دخترش به شوهر خواهـد شد و جدائی زن از شوهر موجب ناراحتی داماد می‌شود آیا در فرض سؤال جائز است مادر زن به نوه دختری خود شیر دهد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال جائز نیست مادر زن نوه دختری خود را شیر دهد. و اللَّه العالم.

س ۱۳۶۱

اشاره

- خـانمی به نـوه دخـتری خودش شـیر داده است حـال بعـد از ۳۰ سـال که صـاحب فرزنـدان زیادی شده‌انـد مثلًا ۸ الی ۹ تـا فرزند فهمیده‌انـد که به همـدیگر حرام می‌باشـند و بایـد از هم جـدا شونـد ولی خـانواده او و فرزنـدانش ناراحت هسـتند در این رابطه اگر می‌شود راهنمائی فرمائید در ضمن تکلیف بچه‌ها چه می‌شود؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه شـیر خوردن بمقداری بوده که باعث نشر حرمت هست دختر بانوی مذکوره به شوهرش حرام ابدی است و بایـد از یکدیگر جدا شوند و محتاج بطلاق نیست ولی چون بعداً زوجین حکم و یا موضوع را فهمیده‌اند اولاد آنها که در خلال این مدت بوجود آمده‌اند در حکم حلال زاده هستند و از آنها ارث می‌برند ولی اگر شک داشته باشید که شیر خوردن بقدری که شرعاً مـوجب نشـر حرمت می‌شود بوده یـا نه و طریق شـرعی هم برای اثبـات آن در بین نیست به ازدواج دخـتر مرضـعه بـا شوهرش ضـرر نمی‌زند و بقوت خود باقی است و تفصیل مسأله را در رساله ملاحظه نمائید.

س ۱۳۶۲

اشاره

– بانوئی، نوه دختری خود را چند ماه شیر داده است، آیا در این صورت داماد این بانو با دختر او (یعنی پدر و مادر طفل شیر خوار) با هم،

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۲

نامحرم می‌شوند؟

و آیا خود این بانوی شیر دهنده (که مادر بزرگ طفل شیر خوار حساب می‌شود) با شوهرش (که پدر بزرگ طفل است) نامحرم می‌شوند؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه شیر کامل با شرائطی که در رساله ذکر شده داده باشد پدر و مادر طفل به همدیگر حرام میشوند ولی پدر بزرگ طفل و مادر بزرگ او به همدیگر حرام نمی‌شوند.

س ۱۳۶۳

اشاره

– بانوئی از دنیا رفته است و خواهر وی جای او را گرفته، یعنی با شوهر خواهرش ازدواج کرده است، سپس فرزند دختر خواهرش را (یعنی نوه دختری خواهرش را) چند ماه شیر داده، پدر و مادر طفل شیر خوار با هم نامحرم می‌شوند؟

و آیا پدر بزرگ و مادر بزرگ، یعنی خاله مادر طفل شیر خوار (که دایه و شیر دهنده این طفل بوده) با شوهرش- که قبلًا شوهر خواهرش بوده- نامحرم می‌شوند؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه خواهری که جای خواهر فوت شده را گرفته شیرش از شوهر فعلی (پدر دختر خواهر) باشد پدر و مادر طفل شیر خوار به همدیگر حرام می‌شوند ولی اگر شیر از شوهر قبلی او باشد، یا دختر خواهرش دختر شوهر فعلیش نباشد، پدر و مادر طفل به همدیگر حرام نمی‌شوند و در هر دو صورت پدر بزرگ و نامادری به هم حرام نمی‌شوند.

س ۱۳۶۴

اشاره

– اگر خاله نوه خواهر خود را اشکال ایجاد می‌شود یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، آن بچه فرزند رضاعی مرضعه محسوب است، و با فرزندان مرضعه نمی‌تواند ازدواج کند. و اللَّه العالم.

س ۱۳۶۵

اشاره

- از زوجینی که چندین سال است ازدواج نموده‌اند و بچه دار نشده‌اند و پزشکان متخصص حاذق به آنها پاسخ منفی داده‌اند چون خیلی آرزوی فرزند دارند پسری یا دختری نزد خود آورده و به عنوان فرزند آن را بزرگ می‌کنند. آیا بعد از بلوغ که طفل مزبور نسبت به زوجین نامحرم می‌شود تکلیف زوجین

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۳

چیست و چنانچه کسی مایل به این کار باشد ابتداءً چه وظائف شرعی را باید انجام دهد؟

ج

- در فرض سؤال طفل مذکور بر زوجین نامحرم است به این معنی اگر پسر باشد بر زوجه نامحرم است و اگر دختر باشد بر زوج بلی در صورتی که طفل قبل از دو سالگی از شیر خواهر و یا از شیر زوجه برادر به مقدار رضاع محرّم شیر بخورد محرمیّت نسبت به کسی که خواهرزاده و یا برادر زاده رضاعی او شده حاصل می‌شود و در هر صورت آن طفل از آن زوجین ارث نمی‌برد. و اللَّه العالم.

احکام لحوق فرزند

س ۱۳۶۶

اشاره

- اگر دو بچه یکی پسر و دیگری دختر در بیمارستان متولد شوند درحالی‌که نه مادرها و نه قابله و نه کارمندان بیمارستان میدانند که احد مولودین از کدامیک از آنان متولد شده کیفیت لحوق بچه‌ها را به مادرشان بیان فرمائید و آیا در این گونه موارد آزمایش خون پدر و مادر و شیر آنها حجت شرعی خواهد بود یا خیر؟

ج

- اگر طرفین یعنی اولیاء این دو بچه از آزمایش خون یقین به نتیجه آزمایش پیدا کنند طبق یقین خود عمل نمایند و اگر یقین پیدا نمی‌کنند ظاهر این ستکه باید رجوع به قرعه نمایند

س ۱۳۶۷

اشاره

- ازدواج مجدد من برای بچه بوده حال که صاحب ۲ فرزند شدم بچه‌های من با همسر اول من بسیار مأنوس هستند و همچنین زن اول من با بچه‌ها نهایت علاقه دارد زن اوّل میل دارد که شناسنامه بچه‌ها بنام او باشد یعنی در شناسنامه قید شود که زن اوّل مادر بچه‌ها باشد در صورتی که مادر اصلی بچه‌ها که همسر دوّم من است حرفی ندارد و من هم حرفی ندارم آیا شرعاً این عمل جایز

است؟

ج

- این عمل جائز نیست و در نسلهای بعدی اشکالات تداخل پیش خواهد آمد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۴

س ۱۳۶۸

اشاره

- از آنجائی که فرزند متولد شده از زوجی دیگر را میتوان به فرزندی قبول نمود و فرزندخواندگی توسط شرع مقدس صحه گذاشته شده است و سن مولود اهمیتی در فرزندخواندگی ندارد- مولود می‌تواند یک روزه باشد یا چندساله، می‌تواند نه‌ماهه به دنیا آمده باشد یا هفت‌ماهه و یا حتی زودتر- لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان فرزندخواندگی را از دوران جنینی آغاز نمود؟ بعبارت دیگر آیا می‌توان جنین حاصل از نطفه شوهر (اسپرم شوهر) و تخمک همسرش را پس از انعقاد نطفه و تشکیل شدن جنین در همان یکی دو روز اول به فرزندخواندگی داد و زوج دیگری او را به فرزندی قبول نماید؟ اگر این مسأله جایز باشد آیا میتوان جنین تشکیل شده را در رحم مادر خوانده‌اش قرار داد که پس از تولد او را بزرگ نماید؟

ج

- فرزندخواندگی به هیچ یک از صور مذکوره در سؤال اعتبار ندارد و احکام فرزند در محرمیت وارث بردن و غیرهما بر آن مرتب نمی‌شود و قرآن مجید فرزند خوانده را از پدر خوانده نفی فرموده است و هر چند نطفه زن و شوهری را پس از انعقاد در رحم زن دیگر قرار دهند به او ملحق نخواهد شد و به والدین حقیقی خود ملحق است. و اللَّه العالم.

س ۱۳۶۹

اشاره

- فرضاً زنی ایّام قاعدگی وی دیروز تمام شد و وظایف شرعی از قبیل غسل و ... انجام داد و قبل از اینکه شوهر با وی نزدیکی کند متأسفانه با عنف و زور به وی تجاوز شد و حامله شد وظیفه زن نسبت به بچه چیست؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه شوهر آن زن هم با او مواقعه نموده به طوری که الحاق بچه به شوهر زن محتمل باشد بچه ملحق به زن و شوهر او است و حلال زاده است بلی اگر احتمال الحاق ولد به زوج نباشد و یقین داشته باشند که از زنای به عنف متکوّن شده در این صورت بچه ملحق به مادر است و نسبت به مادر حلال زاده محسوب می‌شود. و اللَّه العالم.

س ۱۳۷۰

اشاره

- شخصی با شخص دیگر عمل لواط انجام داده پس از مدتی خواهر مفعول را فاعل گرفته در موقع ازدواج جاهل به مسأله بوده وقتی که علم پیدا کرده

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۵

از زن جدا شده آیا آن بچه‌هایی که در زمان جهل به مسأله به دنیا آمده‌اند حلال‌زاده هستند یا حرامزاده؟

ج

- در مورد سؤال که جاهل بوده‌اند بچه‌هایی که در زمان جهل به مسأله به وجود آمده‌اند فرزند شرعی هستند و حرام‌زاده نیستند.

احکام محارم

س ۱۳۷۱

اشاره

- در باب محارم از حیث نظر شبهه‌ای مطرح گردیده که رفع و جواب مورد استدعاست: مرحوم صاحب جواهر در خصوص جواز نظر به محارم فرموده است: «و کذا له ان ینظر الی المحارم الّتی یحرم علیه نکاحهن نسباً او رضاعاً او مصاهرة او ملکاً ما عدا العورة مع عدم تلذذ و ریبه». مرحوم آیت اللّه آقای سید أبو الحسن اصفهانی طالب ثراه در وسیلة النجاة فرموده‌اند: «و المراد بالمحارم من یحرم علیه نکاحهن من جهة النسب أو الرضاع أو المصاهرة» مرحوم آیت اللّه العظمی گلپایگانی قدس سرّه نیز در تعالیق خود بر وسیلة النجاة در این خصوص حاشیه‌ای ندارند. شبهه این است با حذف قید «مؤبداً» که در عبارات برخی دیگر از فقهاء از جمله شهید ثانی در لمعه: «یجوز النظر الی ...

المحارم و هو من یحرم علیه نکاحهن مؤبداً بنسب، او رضاع، او مصاهرة خلا العورة ...» و مرحوم آیت اللّه العظمی خوئی (قدس سره) در منهاج الصالحین: «یجوز للرجل النظر الی ... المحارم الّتی یحرم علیه نکاحهن مؤبداً لسبب أو مصاهرة أو رضاع بشرط عدم التلذذ ...» آمده است؛ اخت الزوجه از عداد محارم خارج نگردیده است در حالی که با وجود این قید خارج می‌گردد. آیا فقهائی که قید مزبور را حذف کرده‌اند قائل به جواز نظر به اخت الزوجه‌اند یا خیر؟ نظر مبارك را نیز در موضوع مرقوم فرمائید.

ج

- فقهائی که قید مؤبد را نفرموده‌اند نظر به جمله (المحارم التی یحرم علیه نکاحهن) در حرمت ابدیّه داشته‌اند و قید مؤبد ظاهراً به نظرشان توضیحی می‌باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۶

به هر حال همه در حرمت نظر نسبت به اخت الزوجه اتفاق دارند. و اللّه العالم.

س ۱۳۷۲

اشاره

- شخصی پدرش فوت نموده است و مادرش شوهر می‌کند فرزندانی از آنها متولد می‌شود آیا فرزندان پسر به دخترانی که از فرزندان شوهر قبلی بدنیا آمده و بزرگ می‌باشند محرم هستند یا خیر؟

ج

- اگر مقصود این است که فرزندان شوهر دوم زن که از همسر دیگر داشته به فرزندان این زن که از شوهر اول داشته محرم هستند یا نه، جواب این ستکه آنها که نه از جانب پدر و نه مادر با هم خواهر و برادر نیستند به هم محرم نیستند، و اگر مقصود این است که فرزندان این زن که از شوهر اول و دوّم دارد به هم محرم هستند یا نه جواب واضح است برادر و خواهر مادری هستند و به هم محرم می‌باشند اگر مقصود اینست که فرزندان این فرزندها در صورت دوّم که همه از یک مادرند با هم محرمند یا خیر جواب اینست که آنها دختر عمو و پسرعموی مادری یا دخترخاله و پسر خاله مادری یا دختردائی و پسرعمّه مادری یا دختر عمه و پسردائی مادری هستند و هیچ‌کدام از جهت نسب به هم محرم نیستند.

س ۱۳۷۳

اشاره

- آیا محارم سببی پس از قطع سبب بازهم محرمند؟ مثلًا مادر زن پس از اینکه زن را طلاق بدهند آیا باز محرم می‌ماند یا خیر؟ و آیا می‌تواند پس از طلاق زن با مادر زن ازدواج نماید یا خیر؟

ج

- در مواردی که حرمت نکاح در حال جمع بین او و زوجه است مثل خواهرزن و دختر زن غیر مدخول بها پس از قطع سبب بر طرف می‌شود و در مورد مثل مادر زن بعد از قطع سبب نیز محرمیت باقی است و پس از طلاق زن هم ازدواج با مادر او جائز نیست.

س ۱۳۷۴

اشاره

- ضمن عرض سلام مستدعی است بفرمائید علاوه بر حرمت ازدواج ابو المرتضع با اولاد مرضعه و صاحب لبن آیا بین ایشان محرمیت هم وجود دارد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال علاوه بر حرمت ازدواج جواز نظر در حدّی که به محارم دیگر جایز است از تعلیلی که در صحیح ایّوب بن نوح (وسائل باب ۱۶ از ابواب ما

یحرم بالرضاع ح ۱) حرمت ازدواج بر آن معلل شده است (لأنّ ولدها صار بمنزلة ولدك) قابل استظهار و استفاده است و اطلاق کلمات جمعی از بزرگان و اعاظم فقهاء- قدس اللّه اسرارهم- نیز مؤید بر این استظهار است. و اللّه العالم.

س ۱۳۷۵

اشاره

- زن اجنبیه در شرایط فعلی به چه کسانی اطلاق می گردد؟

ج

- هر زنی که از راه نسب مانند مادر و خواهر و دختر و عمه و خاله یا بوسیله شیر خوردن که تفصیل آن در توضیح المسائل ذکر شده و یا از راه دامادی به انسان محرم نباشد، اجنبیه است و شرائط فعلی اثری در این حکم ندارد.

س ۱۳۷۶

اشاره

- زن و شوهری بچه دار نمی‌شدند بچه بیگانه را آورده‌اند و بزرگ شده در منزل اینها چه راهی دارد دختر به شوهر و یا پسر به زن محرم شود.

باضافه شناسنامه فرزندی گرفته‌اند قانوناً وارث زن و شوهر شده آیا این کار درست است یا نه؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه آن بچه دختر است با اجازه ولی شرعی او آن را صیغه موقت پدر آن شوهر اگر زنده است بنمایند و اگر پسر است با ازدواج با مادر آن زن بعد از بلوغ و انجام دخول اگر مادر آن زن شوهر نداشته باشد محرمیّت حاصل میشود و لکن این راهها همه جا عملی نیست در هر صورت شناسنامه فرزندی گرفتن برای آن بچه جائز نیست و با شناسنامه گرفتن هم شرعاً وارث آن زن و شوهر نمی‌شود.

س ۱۳۷۷

اشاره

- عروس دختر و عروس پسرم و عروس خواهر و عروس برادرم به من محرم هستند یا نه؟

ج

- عروس دختر و پسر شما به شما محرم هستند ولی عروس برادر و خواهرتان به شما نامحرم هستند.

س ۱۳۷۸

اشاره

– دائی مادر زن من، با همسرم محرم است یا نه؟

ج

– بطور کلّی دختر هر شخصـی خواه آن شخص مرد باشد یا زن بر دائی آن شخص محرم است هر چند در سلسله نسب بلا واسطه یا مع الواسطه فرزند خواهر شخص باشند محرم او میشوند بنابراین دائی مادر زن شما بر خود آن زن محرم است
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۸
بلی اگر همسر دیگر داشته باشید دائی مادر این همسر به او محرم نیست.

س ۱۳۷۹

اشاره

– پسرم می‌تواند (از زن اول) با دختر زن دوم من (دختر خوانده) می‌توانند ازدواج کنند؟

ج

– در فرض سؤال، ازدواج پسر شما از زن اول با دختر زن دوم که از شوهر اول دارد مانعی ندارد. و اللّه العلم.

س ۱۳۸۰

اشاره

– مرد و زنی چندی با هم زندگی کردند و اولاددار نشدند بدین مناسبت از هم جدا شدند و هر کدام همسری دیگر اختیار کردند و هر دو از همسـران جدید خود صاحب فرزندانی شدند حال می‌خواهند دختران زن که از شوهر دوم دارد و پسران مرد که از زن دوم به وجود آمده ازدواج کنند آیا جایز است یا خیر؟

ج

– ازدواج مذکور اشکالی ندارد.

س ۱۳۸۱

اشاره

- در عقد دائم مادر عروس محرم ابدی برای داماد می‌شود آیا در عقد موقت هم اینطور است؟ و آیا پدر داماد هم محرم أبدی برای عروس می‌شود؟

ج

- در حکم مذکور فرقی بین عقد دائم و موقت نیست و پدر داماد هم با عروس محرم ابدی است. و اللَّه العالم

احکام ازدواج‌های حرام

س ۱۳۸۲

اشاره

- اگر کسی با زن شوهردار زنا کند بعداً می‌تواند با او ازدواج کند یا نه، اگر کسی با زن شوهردار ملاعبه کند و تفخیذ نماید امّا دخول نکند می‌تواند بعداً با او ازدواج کند یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، زن بر زانی حرام ابدی می‌شود ولی در ملاعبه و تفخیذ این حکم نیست هرچند معصیت بسیار بزرگی است، و اللَّه العالم

س ۱۳۸۳

اشاره

- عرض می‌شود که شخصی با دخترخاله خود (هند) که (منکوحه عمرو است) زنا کرده است و بعد از مدّتی با دختر هند (که اسمش جمیله است) زنا بالجبر کرده است و بعداً جمیله را عقد کرده آیا این عقد درست است یا خیر؟
یعنی عقد با دختر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۴۹
مدخول بها مطلقاً حرام است یا مقیّد به عقد است؟

ج

- بنابر احتیاط واجب عقد با دختر مزنی بها اعمّ از اینکه مزنی بها در عقد غیر باشد یا نباشد حرام است.

س ۱۳۸۴

اشاره

- اگر مردی بـا زنی که در متعه دیگریست زنـا کنـد پس از انقضـای متعه و عـدّه شـرعی می‌توانـد با وی ازدواج کنـد یا حرام مؤبّد است؟

ج

- زنای با زن شوهر دار موجب حرمت ابدیه است و از این جهت فرقی بین نکاح دائم و موقت نیست.

س ۱۳۸۵

اشاره

- شخصـی شوهر زنی را به عمد کشـته و زن مقتول را قاتل با رضایت زن به عقد گرفته آیا این ازدواج مشروع است و اولادی که از این ازدواج متولد می‌شوند حلال‌زاده‌اند یا خیر؟

ج

- ازدواج مـذکور اگر بعـد از گذشـتن عده وفات (چهار ماه و ده روز) واقع شده باشد اشـکال ندارد و فرزندی که از این ازدواج به وجود می‌آید حلال‌زاده است مگر اینکه مرد مذکور درحالی‌که زن شوهر داشـته با او زنا کرده باشد که در این صورت ازدواج با او جایز نیست و این زن بر آن مرد حرام است. و اللّٰه العالم.

س ۱۳۸۶

اشاره

- حـدود هشت سال قبل فردی به خواسـتگاری دختر خاله‌اش رفت و آن دختر که او را به هیـچ عنوان دوست نداشت جواب رد داد ولی مرد با پافشاری و تهدیدات مکرّر خانواده زن را راضی کرد ولی دختر همچنان ناراضی بود تا اینکه شب عقد دختر که هیچ راه فراری ندیـد ناچار به گوشه‌ای رفت و مخفی شـد ولی برادرها و پـدرش او را پیـدا کرده و با کتک و تهدید او را به عقد آن فرد در آوردنـد و موقعی که عروسـی کردند چند مدتی زن نمی‌گذاشت شوهرش با او هم بستر شود و خلاصه او را نزد فالگیری بردند و او گفت اگر می‌خواهی شوهرت تو را طلاق دهـد بایـد مدتی با او خوش‌رفتاری کنی و هرکاری که گفت انجام دهی تا او از تو نفرت پیدا کند و طلاقت بدهد و زن هم همین کار را می‌کند خلاصه بچه‌دار می‌شوند و مدت ۷ سال با هم زندگی می‌کنند ولی زن حتی راضی نبود که شوهرش به او نگاه کند چه رسد با هم هم بستر شوند و ظاهراً و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۰

قلباً به این ازدواج راضـی نبود و شـرایط او طوری بود که نمی‌توانست طلاق بگیرد حال با این شـرایط اگر آن زن با مرد غریبه‌ای زنا کنـد آیا آن مرد می‌توانـد با او ازدواج کنـد یا خیر البته شوهر قبلی او زن دیگری گرفته و این زن را طلاق می‌خواهـد بدهد و سؤال دیگر اینکه آیا این زن احتیاج به طلاق گرفتن و عده نگه داشتن دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه دختر راضـی نبوده و به اجبار او را عقـد کرده باشـند عقد فضولی است و اگر بعد از خواندن عقد با اظهار نارضائی از وقوع عقـد از هم بستر شـدن خودداری می‌کرده عقـد باطل شـده و بر فرض که بعـد هم راضـی شده باشد اثری ندارد و زنای او با مرد دیگر گرچه گناه بسیار بزرگی بوده و بایـد توبه کند لکن ازدواجش با مرد زانی اشکال ندارد و در این فرض نیازی به طلاق نیست و عدّه هم ندارد و اگر پسر خاله به اجبار، با او هم بستر شده باید مهر المثل او را بدهد لکن اگر بعد از عقد و قبل از ردّ آن راضـی به عقد فضولی شده باشد شرعاً همسر پسر خاله است و در این صورت جدائی او محتاج به طلاق است و باید عدّه هم نگهـدارد و ازدواجش با مرد زانی حرام ابـدی است به هر صورت این حکم است و در تعیین موضوع لازم است مسأله کاملًا به زن و مرد تفهیم شود که اگر جریان بصورت دوم باشد دوباره این زن و مرد گرفتار معصیت بزرگ زنا نشوند.

س ۱۳۸۷

اشاره

- اگر کسی لواط کند غیر از مادر و دختر و خواهر مفعول اقوام و منسوبین دیگر مفعول مانند: (دختر عمو- دختر دایی- دختر خاله) بر فاعل حرام مؤبد می‌شوند؟

ج

- در فرض سؤال فقط مـادر و دختر و خواهر مفعول بر فاعـل حرام‌انـد و سائر منسوبین مفعولماننـد دختر عمو و دختر دائی و دختر خاله به جهت لواط بر فاعل حرام نمی‌شوند.

س ۱۳۸۸

اشاره

- جوانی ۲۱ سـاله هسـتم ... در سوم راهنمایی مشـغول به تحصـیل بودم با توجه به عـدم آگاهی از مسائل شـرعی و احکام اسـلام با پسری عمل لواط انجام
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۱
دادم و دقیقاً می‌دانم که عمل دخول انجام نشده آیا من می‌توانم با خواهر او ازدواج نمایم؟

ج

- در فرض سؤال که یقین به عدم دخول و لو بعض حشفه، دارید ازدواج با خواهر لواط دهنده اشکال ندارد.

س ۱۳۸۹

اشاره

- آیا جایز است شوهر کافر و زن او مسلمان باشد؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۳۹۰

اشاره

- با زنی که یقین به زانیه بودن او داریم و یقین داریم عده نگه نمی‌دارد می‌توان ازدواج کرد یا خیر؟

ج

- اگر مشهوره به زنا باشد احتیاط ترک است.

لقاح مصنوعی (حاملگی خارج از رحم)

اشاره

[۱]

س ۱۳۹۱

اشاره

- تزریق نطفه مرد بیگانه به زنی که از شوهرش بچه‌دار نمی‌شود چه صورت دارد؟

ج

- جائز نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۳۹۲

اشاره

- تزریق منی حیوان بحیوان دیگر یا به انسان را جایز می‌دانید یا خیر؟

ج

- تزریق منی حیوان به حیوان دیگر جایز است ولی تزریق منی حیوان به انسان یا انسان به انسان فروع و شقوقی دارد که در بعضی

فروع آن اگر قصد استیلاد نباشد و بمنظور عقلائی دیگر مثل معالجه باشد یا تزریق منی زوج به زوجه باشد در صورتی که انجام این کار مستلزم فعل حرامی نباشد حکم به جواز می‌شود و بعضی فروع آن محکوم به حرمت و در بعض فروع آن حکم به جواز محل اشکال است بهر صورت بطور کلی نمی‌توان این عمل را محکوم به جواز یا عدم جواز دانست بهتر این است که بطور موردی سؤال شود تا جواب همان مورد داده شود.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۲

س ۱۳۹۳

اشاره

- زن و شوهری که صاحب فرزند نمی‌شوند به دکتر مراجعه می‌کنند دکتر به آنها می‌گوید نطفه شما ضعیف است باید تقویت شود و زن و شوهر خیال می‌کنند که دکتر می‌خواهد با تزریق آمپول و یا داروهای تقویتی نطفه آنان را تقویت کند ولی دکتر بدون اطلاع زوجین منی شخص اجنبی را به رحم زوجه تلقیح می‌کند. لطفاً بیان فرمائید آیا دکتر مجوز شرعی برای این عمل دارد و در صورت مشروع نبودن فعل دکتر حکم شرعی را در خصوص پزشک بیان فرمائید؟

ج

- عمل مذکور حرام است و پزشکی که آن را انجام داده طبق نظر حاکم شرعی محکوم به تعزیر می‌شود.

س ۱۳۹۴

اشاره

- آیا می‌توان نطفه زن و شوهری را که بچه‌دار نمی‌شوند با هم ترکیب نموده و به صورت یک نطفه واحد و آماده (یعنی نطفه‌ای که در نهایت تبدیل به انسان می‌شود) در رَحِمِ زن دیگری پرورش داد؟

س ۱۳۹۵- آیا این مورد فوق در مورد زنی است که رحم او استعداد پرورش انسان را ندارد یا شامل زنانی که استعداد پرورش انسان را دارند نیز می‌شود؟

س ۱۳۹۶- آیا مورد فوق را می‌توان در قالب عقد اجاره قرارداد؟

ج

- در مورد زنی که رحم او استعداد پرورش انسان را ندارد فتوا به جواز ترکیب نطفه شوهر او با نطفه او و قرار دادن آن در رحم زن دیگر به شرط اینکه متوقف بر ارتکاب فعل حرام یا مستلزم آن نباشد وجه واضح و قوی دارد و اگر استعداد مذکور را دارا باشد چون این عمل با مصالح و نظامات تکوینی و تشریعی که مورد عنایت شارع مقدس است معارض و موجب تفویت و تضییع آنها است احوط ترک این عمل است. و اللَّه العالم.

س ۱۳۹۷

اشاره

- زنی از شوهر خود بچه‌دار نمی‌شود، آیا جایز است نطفه مرد دیگری غیر از شوهر بوسیله دستگاه در رحم او قرار داده شود و بدین وسیله حامله گردد، و اگر جایز است، آیا تمام احکام مادری و فرزندی مانند محرمیّت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۳
وارث و ... جاری می گردد؟

ج

- اگر مقصود انعقاد نطفه مرد اجنبی و زن اجنبیه است جائز نیست و اگر مقصود این است که نطفه زن و نطفه شوهرش پس از انعقاد به رحم زن دیگر منتقل نماید در صورتی که انجام این عمل مستلزم فعل حرام نباشد حکم به جواز خصوصاً در صورتی که رحم زن استعداد نگاهداری جنین نداشته باشد بعید نیست.

س ۱۳۹۸

اشاره

- اخیراً در علم پزشکی برای افراد نازا و آنان که صاحب فرزند نمی‌شوند عمل JWI را تجویز می‌نمایند به این صورت که اسپرم زوج را گرفته پس از عملیات پزشکی در رحم زوجه لقاح از خارج می‌نمایند در صورت عدم موفقیت اقدام به عمل FWI می‌نمایند که این عمل هم همچون عمل گذشته است امّا با این تفاوت که اسپرم مرد را گرفته پس از عملیات پزشکی و پس از گذشت دو یا سه روز و باربری اسپرم در دستگاه مخصوص و بدون حضور زوج لقاح از خارج به رحم زوجه می‌نمایند لذا خواهشمندیم نظر مبارك را بفرمائید با تشکر فراوان.

ج

- اگر اسپرم زوج را به رحم زوجه وارد کنند چه بنحو صورت اول و چه صورت دوّم و در خلال این عملیات هیچ گونه خلاف شرعی مانند نگاه یا مسّ نامحرم و یا امور دیگر واقع نشود که البته بسیار بعید است اشکال ندارد و اگر مستلزم حتی یک فعل حرام باشد جایز نیست.

س ۱۳۹۹

اشاره

- انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه چه حکمی دارد؟

ج

- اگر مستلزم فعل حرامی نگردد حکم جواز بعید نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۴۰۰

اشاره

- احکام مربوط به فرزندی که از طریق لقاح مصنوعی متولد شود را از نظر طهارت و ارث و ... بیان فرمایید؟

ج

- در فرض سؤال ولـد با مسـلمان بودن احـد والدین محکوم به طهارت است و بعض احکام مثل حرمت نکاح با محارم بر آن مرتب است ولی ارث بردن ولد از صاحب نطفه محل اشکال بلکه ظاهراً محکوم به عدم است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۴

جلوگیری

س ۱۴۰۱

اشاره

- با توجه به لزوم کنترل جمعیت آیا بستن لوله برای خانمها اشکال دارد یا نه؟

ج

- عقیم کردن زن و یا مرد جائز نیست ولی جلوگیری موقت از انعقاد نطفه اشکال ندارد.

س ۱۴۰۲

اشاره

- استفاده از دسـتگاه آ- یـو- دی (که برای جلوگیری موقت از بـارداری، ماماهـای زن در رحم خانمهـا قرار می‌دهنـد) چه حکمی دارد؟
لازم بـه تـذکر است که مرحـوم آیـهٔ اللَّه العظمی گلپایگـانی (ره) مسـأله ضـرورت را در اینجـا مطرح کرده‌انـد. بفرمائیـد آیـا تنظیم خانواده‌ها ضرورت محسوب می‌شود یا خیر؟

ج

- جلوگیری موقت اگر مستلزم حرام نباشد اشکال ندارد عقیم کردن جائز نیست و تنظیم خانواده شرعاً ضرورت محسوب نمی‌شود.

س ۱۴۰۳

اشاره

– در مسأله ۲۴۴۶ رساله حضرت عالی آمده: نگاه به عورت دیگری حرام است و ... آیا در گذاشتن دستگاه آ- یو- دی که نگاه به عورت صورت می گیرد، می‌توان به خاطر مسأله اضطرار مسأله فوق را نادیده گرفت؟

ج

– تنظیم خانواده ملاک اضطرار نیست.

س ۱۴۰۴

اشاره

– بستن لوله‌های مردان با رضایت زن و شوهر از نظر شما چه حکمی دارد؟

ج

– عقیم کردن جائز نیست و رضایت زن و شوهر مجوّز نیست.

س ۱۴۰۵

اشاره

– برای جلوگیری طبیعی مرد یا زن شرعاً چه صورت دارد و اگر جایز است رضایت طرفین شرط است یا نه؟

ج

– عقیم کردن جایز نیست ولی جلوگیری موقت اشکال ندارد و احتیاط واجب اینست که زن با اذن شوهر انجام دهد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۵

س ۱۴۰۶

اشاره

– بستن لوله چه برای زنها و چه برای مردها با توجه بدستور دولت و کنترل موالید جایز است یا نه؟

ج

– بطور موقت که باز کردن آن ممکن باشد بشرط اینکه مستلزم فعل حرامی مثل نظر و لمس اجنبی یا نظر غیر شوهر بر عورت نباشد

جائز است و بطور دائم عقیم کردن جائز نیست.

س ۱۴۰۷

اشاره

- بعد از اینکه چند تا بچه به دنیا بیاید آیا زن می‌تواند با رضایت شوهر، تخمدان خود را به وسیله عمل در بیاورد؟ تا بچه دار نشود.

ج

- جایز نیست. و اللّه العالم.

سقط جنین

س ۱۴۰۸

اشاره

- محترماً نظر به اینکه این جانب دارای شش فرزند هستم که دوتای آخری آنها دوقلو بوده و الآن شش سال سن دارند و اخیراً مجدداً خانمم باردار شده خواهشمند است با عنایت به تعداد فرزندان و مشکلات زندگی فردی و اجتماعی نظر خود را در سقط جنین بفرمائید.

ج

- در فرض سؤال مجوز شرعی برای سقط جنین وجود ندارد و اسقاط آن معصیت دارد و موجب دیه هم هست قال اللّه تعالی: (و لا تقتلوا أولادکم خشیهٔ املاق نحن نرزقهم و إیاکم انّ قتلهم کان خطأ کبیرا)، شاید همین فرزندی که شخص بفکر سقط آن افتاده است موجب وسعت رزق و رفع مشکلات زندگی و سعادت دنیا و آخرت پدر و مادر شود امر رزق و روزی با خداوند متعال است (فو رب السماء و الأرض إنه لحق مثل ما إنکم تنطقون).

س ۱۴۰۹

اشاره

- هرگاه دکتر تشخیص دهد که حمل برای مادر زیان دارد و اگر در شکم بماند یا هر دو می‌میرند یا یکی از آن دو، آیا سقط جنین جایز است؟

ج

- در مثل دو غریقی که هر دو در معرض هلاکت باشند و انسان نتواند هر دو را نجات دهد مخیر است که یکی از آنها را نجات

دهد اما اگر هر دو در معرض غرق

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۶

شدن باشند و نجات یکی از آنها توقف بر هلاک کردن دیگری داشته باشد مثل همین فرض مورد سؤال، جایز نیست.

س ۱۴۱۰

اشاره

- در مراکز درمانی تخصصی بیماریهای زنان و زایمان می‌توان توسط آزمایشات تشخیصی داد که جنین بعد از تولد دچار عقب‌ماندگی ذهنی و این بعداً بطور قطع منجر به مرگ وی خواهد شد. آیا کادر پزشکی در این موارد مجاز به سقط جنین می‌باشند یا خیر؟

ج

- عمل مذکور، جایز نیست هر چند قطع داشته باشید که جنین عقب مانده و بعداً هم منجر به مرگ او می‌شود، و دیه هم دارد که بر عهده مباشر است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۷

طلاق

اشاره

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۵۹

طلاق

احکام طلاق

س ۱۴۱۱

اشاره

- اگر کسی با رضایت زن خود را طلاق رجعی بدهد آیا اگر بعد از طلاق در بین عدّه رجوع کند این رجوع شوهر به رضایت زن موکول است یا نه؟

ج

- در طلاق رجعی جواز رجوع زوج به زوجه در بین عدّه مشروط به رضایت زوجه نیست.

س ۱۴۱۲

اشاره

– اگر شخصی از طرف عده‌ای وکیل برای خواندن طلاق شود و بعد از اجراء طلاق که بعضی از آنها رجعی و بعضی دیگر بائن است یقین نماید که یکی از طلاقها باطل و شرائط صحت نداشته است در فرض سؤال اگر کسی که طلاق را خوانده است اسامی مطلّق و مطلقه را نداند و آنان را نشناسد وظیفه شرعی او چه خواهد بود؟

ج

– در فرض سؤال وکیل باید به ترتیب موکّل اوّلی و دوّمی و سوّمی و هکذا
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۰
الی آخر از طرف هر یک از آنها زوجه او را طلاق رجعی و خلعی بما بذلت که واقعاً معین است اجراء طلاق کند و در مورد لزوم اجراء طلاق در طهر غیر مواقعه دو طلاق به فاصله ده روز انجام دهد.

س ۱۴۱۳

اشاره

– شخصی که در طهر غیر مواقعه می‌خواهد عیال خود را طلاق بدهد اگر شبههً یا بزنا با این زن نزدیکی انجام بگیرد شوهر می‌تواند او را طلاق بدهد یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال زنا و یا وطی بشبهه از غیر زوج مضرّ بطلاق زوج نیست.
و اللّٰه العالم

س ۱۴۱۴

اشاره

– مردی با زنی به مدّت دو ماه با اجرای صیغه موقّت با هم بوده‌اند، پس از دو ماه بدون اجرای صیغه عقد با توافق طرفین تبدیل به دائمی گردیده و بعد از یک سال و نیم زندگی می‌خواهند از یکدیگر جدا شوند. آیا اجرای صیغه طلاق لازم است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال که بعد از تمام شدن مدّت عقد انقطاعی بدون اجراء عقد با هم زندگی زناشوئی داشته‌اند نسبت به یکدیگر اجنبی هستند و محتاج بطلاق نیست و پس از جدائی اگر هر دو جاهل به مسأله بوده‌اند در صورتی که زن حامل نباشد باید بمقدار سه طهر عدّه نگه دارد و اگر حامل باشد تا موقع وضع حمل باید عدّه نگه دارد و با فرض جهل هر دو چنانچه فرزندی بوجود آمده باشد

محکوم به حلال‌زاده است ولی اگر هر دو یا یکی از آنها عالم بمسأله بوده مقاربت آنها نسبت به آنکه عالم به مسأله بوده زنا محسوب می‌شود، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۴۱۵

اشاره

– حدود یک ماه قبل این جانب با دختری با موافقت پدرش ازدواج کردم اما بعد از یک هفته بعلت مخالفت دائی آن خانم با این ازدواج عدّه‌ای از من خواهش کردند طلاق دهم اما من راضی به طلاق نبودم اما مع الوصف به شخصی برای طلاق وکالت دادم و او طلاق داد با شرائط فوق آیا چنین طلاقی صحیح است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال که طلاق دادن به جهت خواهش عدّه‌ای بوده نه اجبار و اکراه آنها، طلاق صحیح است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۱

س ۱۴۱۶

اشاره

– فردی همسر خود را طلاق داده است در حالی که قادر به استعلام بوده است، سپس همسر وی اظهار داشته است من در آن موقع طاهر نبوده‌ام، آیا قول او قبول است؟

ج

– در فرض سؤال قول زوجه قبول است و طلاق باطل است. و اللَّه العالم

س ۱۴۱۷

اشاره

– آیا استعلام شرط صحت است؟

ج

– برای زوج حاضر، استعلام، لازم است لکن اگر بدون استعلام، طلاق داد و بعد معلوم شد شرائط طلاق موجود بوده طلاق صحیح است و اگر معلوم شد شرایط موجود نبوده و یا حقیقت امر (تحقق شرایط یا عدم) معلوم نشد طلاق باطل است. و اللَّه العالم

س ۱۴۱۸

اشاره

- چنانچه زن بعد از اظهار اوّل، اظهار دارد که پاک بوده‌ام، حکم طلاق چیست؟

ج

- در مورد سؤال، اظهار دوّمی اثری ندارد و طلاق محکوم به بطلان است مگر اینکه شوهر یقین کند که اظهار دوّم صحیح است. و اللَّه العالم

س ۱۴۱۹

اشاره

- زنی دارم چند سال است از من قهر کرده و هر چند به دنبال او می‌فرستم حاضر نیست با من سازش کند و بنده هم به هیچ وجه حاضر نیستم او را طلاق دهم و دادگاه به اجبار می‌گوید باید طلاق داده شود و بنده هم راضی نیستم حالا بفرمایید که تکلیف چیست؟

ج

- طلاق بدون رضایت و اذن زوج باطل است ولی اگر طوری است که واقعاً نمی‌توانید با هم زندگی کنید و توافق اخلاقی ندارید مناسب است رضایت و اذن بدهید تا راحت شوید. و اللَّه العالم

س ۱۴۲۰

اشاره

- این جانب در سه مرحله از همسرم به صورت طلاق خلع جدا شده‌ام و دارای شش فرزند هستم. در زمان طلاق نوبت دوم هنگامی که در دفترخانه حضور پیدا کردیم همسرم در عادت ماهانه به سر می‌برد ولی به خاطر اینکه طلاق صورت گیرد این مطلب را از مسئول دفتر طلاق پنهان نگه داشت و اعلام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۲

کرد که پاک می‌باشد در صورتی که بعد از اجرای طلاق مادر و خواهر و دختر خاله همسرم می‌دانستند که همسرم بر خلاف گفته‌اش در عادت ماهانه می‌باشد، و هنگام طلاق نوبت سوم نیز دو نفر شاهد طلاق ما بودند که هر دو نفر شرب خمر داشتند و از مواد تریاک هم مُکرر استفاده می‌کرده و می‌کنند. نظر به اینکه دخترمان در حال ازدواج می‌باشد من و همسرم تصمیم گرفتیم به زندگی‌مان ادامه دهیم ضمناً از مدت طلاق سوّم هشت ماه گذشته است. لذا خواهشمندیم نظر شرعی و قانونی آن را اعلام بفرمایید.

ج

- به طور کلّی طلاق زوجه مدخول بها در حال حیض باطل است و همچنین طلاق در نزد غیر عدلین باطل است و در صورت بطلان طلاق، زوجه مذکوره به زوجیّت باقی است. و اللَّه العالم

س ۱۴۲۱

اشاره

- با توجه به اینکه ازدواج مجدد این جانب به علت عدم تمکین عام و خاص همسر اوّل و به حکم دادگاه صورت گرفته است، آیا ایشان می‌توانند به استناد شرطی که در قباله‌های ازدواج گذاشته شده مبنی بر اینکه هرگاه زوج بدون رضایت زوجه اقدام به ازدواج نماید زوجه وکیل است خود را مطلّقه نماید، بدون رضایت این جانب خود را مطلقه نماید؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه شما در موقع ازدواج واقعاً زوجه را وکیل در طلاق نموده باشید و وکالت تعلیقی نباشد زوجه می‌تواند خود را مطلّقه نماید لکن اگر قبل از اجراء طلاق، زوجه را از وکالت عزل نمایید منعزل و اختیار طلاق با خود شما می‌شود و اگر وکالت تعلیقی بوده که اصل وکالت محقق نشده است.

س ۱۴۲۲

اشاره

- با توجه به اینکه طلاق به تقاضای زوجه بوده و خود ایشان از ابتدای ازدواج بدون دلیل موجّه و قابل قبول حاضر به زندگی نبوده‌اند و هنوز هم دوشیزه بوده و ساکن منزل پدری می‌باشند ولی این جانب حاضر به سازش و شروع زندگی می‌باشم.

ج

- در فرض سؤال اگر شما وکالت زوجه را هر چند منجزه و صحیحه واقع شده باشد ابطال کنید چنانچه با رضایت خودتان طلاق دهید باید نصف مهر را

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۳

بپردازید ولی می‌توانید رضایت بطلاق را مشروط به بذل مهریه نمایید و در هر صورت این جانب به شما نصیحت می‌کنم اگر زوجه به هیچ‌وجه حاضر به ادامه زندگی با شما نیست و تقاضای طلاق دارد با توجه به اینکه همسر دیگری اختیار کرده‌اید او را مطلقه نمایید انشاء الله مأجور خواهید بود. و اللَّه العالم

س ۱۴۲۳

اشاره

- زنی بعد از اجرای صیغه عقد نکاح با شوهرش ناسازگاری می‌کند و آمیزش هم صورت نگرفته بدون طلاق از هم فاصله

می گیرنـد و زن با فرد دیگری نامزد می‌شود و عقد دائمی هم اجرا می گردد بعداً زوج دوّم اطلاع پیدا می کند که این زن شوهر دارد و بـازهم ارتبـاطش را بـا این زن قطع نمی کنـد و بـا هم رفت و آمـد دارنـد. حالاـ از بـاب اینکه زوج اوّل بتوانـد جلو منکر را بگیرد می تواند این زن را طلاق ندهد چون اگر طلاق بدهد باعث می‌شود که زن با زوج دوّم ادامه زندگی بدهد. آیا حرمت ابدی از یک طرف ایجاد می‌شود چون زن می‌دانسته است معقوده است با این حال بازهم با شـخص دیگری عقـد دائم انجام می گیرد و حالا این زن با این مرد دوّم حرام ابدی و مرد برای زن حرام مؤبد می‌شود؟

ج

– با علم زن و یا مرد دوّم به اینکه عقـد زن شوهردار باطل است به مجرد عقـد حرمت ابـدی حاصل می‌شود و لو دخول انجام نشـده باشـد و اگر تنها راه جلوگیری از ارتباط آن دو عدم طلاق زوج باشد نباید او را طلاق دهد، و در نزاع موضوعی مرافعه شـرعیّه لازم است. و اللّٰه العالم

طلاق خلع

س ۱۴۲۴

اشاره

– این جانب طی درگیری از شوهرم جـدا شـده‌ام و با توجه به اینکه دوازده سـکه بهار آزادی مهریه‌ام بود در حضور سه شاهـد کلیّه حق و حقوقم را بخشـیده‌ام و طلاـق گرفته‌ام لـذا ایشـان بعـد از چهل روز از جـدایی ما به اتفاق دو نفر با حیله و نیرنگ بعنوان دادن نفقه به این جانب مراجعه کرده است و با اشاره‌ای کوتاه به دست من ادعا میکند که رجوع کرده‌ام حال این جانب رجوع ایشان را
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۴
قبول ندارم دستور چه می‌فرمایید؟

ج

– بطور کلّی چنانچه زوجه مایل نباشـد با زوج خود زنـدگی کنـد و همه یا مقـداری از مهریه خود را به زوج ببخشـد که او را طلاق خلع بدهـد بعـد از وقوع چنین طلاقی زوج در عدّه حق رجوع به زوجه را ندارد بلی اگر قبل از خروج عدّه زوجه رجوع به بذل کند زوج در ایام عدّه میتواند رجوع کند. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۴۲۵

اشاره

– حـدود دو سـال قبـل متـارکه کرده‌ام و نوع طلاـق خلع می‌باشـد دو ماه بعـد از طلاق شوهرم رجوع کرده بـدون اینکه من به مهرم رجوع کنم آیا من شرعاً زن آن شخص هستم یا نه خواهشمندم در این مورد مرا راهنمایی کنید آیا رجوع صحیح است یا نه؟

ج

- بطور کلی اگر در طلاق خلع زوجه به مهریه رجوع نکرده رجوع زوج اثری ندارد و زوجه شرعاً زوجه او محسوب نمی‌شود.

س ۱۴۲۶

اشاره

- صیغه طلاق خلع و مبارات را اگر بصورت صیغه رجعی اجراء نماید صحیح است یا اعاده لازم است؟

ج

- اگر بعد از بذل زوجه بلا فاصله طلاق واقع شود و طلاق را مقیّد به علی ما بذلت نماید و لو بدون کلمه خلع و مبارات باشد طلاق خلع و مبارات صحیح است.

س ۱۴۲۷

اشاره

- اگر زنی برای شوهرش بنویسد که من مهرم را می‌بخشم و هر آنچه را از شما گرفته‌ام پس میدهم و هر آنچه را که داده‌ام می‌بخشم بشرط اینکه مرا طلاق دهی، شوهر نیز نوشته است که بنده با این درخواست با این شرایط موافقت می‌کنم، این ورقه موافقت برای طلاق بحساب می‌آید؟ و یا این نوشته دلالت بر وکالت ضمنی میکند؟ اگر شخص ثالث با استناد به این ورقه صیغه طلاق را جاری کند طلاق صحیح است یا خیر؟

ج

- عبارات مذکوره در سؤال که زوجه برای زوج نوشته بمنزله بذل- که در طلاق خلع لازم است- نیست و آنچه از آن استفاده میشود جلب موافقت زوج برای طلاق است و جواب زوج هم انشاء توکیل نیست فقط موافقت با طلاق است علاوه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۵
بر اینکه بعد از بذل زوجه باید زوج بدون فاصله بذل را قبول کند که در فرض سؤال چون بصورت نامه بوده، محقق نشده و در هر حال آنچه بعنوان طلاق خلع واقع شده اثر طلاق خلع را ندارد بلی اگر به توکیل زوج بوده و مشتمل بر لفظ طلاق هم بوده بعنوان طلاق رجعی صحیح است.

س ۱۴۲۸

اشاره

- کسی که زوجه‌اش حامله است و به طلاق خُلعی او را مطلقه می‌کند و زن قبل از وضع حمل به بذل رجوع نمی‌کند آیا این شخص می‌تواند قبل از وضع حمل به زوجه‌اش رجوع نماید و یا با خواهر زنش ازدواج کند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که زوجه قبل از وضع حمل به بذل رجوع نمی‌کند زوج حق رجوع ندارد و می‌تواند با خواهر مطلقه ازدواج کند.

س ۱۴۲۹

اشاره

- خانمی کل مهریه‌اش را که عبارت از مبلغ هفتصد هزار تومان وجه و پنج عدد سکه طلا- (بهار آزادی) بوده در مقابل اینکه شوهرش او را مطلّقه نماید صلح نموده به مبلغ یکصد هزار تومان طی ۲ قسط پنجاه هزار تومانی (قسط ۶ ماهه) پرداخت شود فلذا با وکالت از طرف زوجین و طبق حکم دادگاه مدنی خاص و با عنایت به اینکه زوج نیز قبول نموده صیغه طلاق خلع جاری گردیده. اینک زوجین نامبرده بر سر نوع طلاق مشاجره دارند زوج مدعی است به طلاق رجعی، و زوجه ادعای خلع دارد و زوج تصمیم به رجوع داشته ولی زوجه حاضر به سازش نمیشود (بلحاظ کراهت شدید از شوهر) لذا استدعا دارم در این خصوص حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- در تحقق طلاق خلع بذل چیزی در مقابل طلاق از طرف زوجه و قبول زوج و یا وکیل آنها معتبر است بنابراین در مورد سؤال چنانچه منظور از مصالحه این است که منهای صد هزار تومان بقیه مهریّه در مقابل طلاق خلع بذل شده و طلاق هم در مقابل آن بذل واقع شده طلاق خلع اشکال ندارد ولی اگر در مقابل طلاق خلع چیزی قرار نداده‌اند فقط اصل مصالحه در مقابل طلاق خلع قرار داده شده کما اینکه ظاهر سؤال است وقوع طلاق خلع در این فرض مورد اشکال است. بلی در این فرض چنانچه در مقام اجرای طلاق کلمه طالق یا مطلّقه به تنهایی و یا منضماً به

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۶

کلمه مختلعه گفته شده طلاق بعنوان رجعی محقّق شده. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللّٰه العالم.

س ۱۴۳۰

اشاره

- خانمی بعد از اینکه از شوهرش طلاق خلع گرفته است و بعد از اتمام عدّه با دیگری ازدواج نموده و سپس بعد از مدتی که با شوهر دوّم خود مباشرت هم نموده فهمیده که هنگام طلاق خلع در طهر مواقعه بوده و طلاق خلع صحیح نبوده بلا فاصله از شوهر دوّم بدون طلاق جدا شده و مجدداً از شوهر اوّل طلاق خلع گرفته حالا سؤال اینست که آیا از شوهر دوّم بعنوان مهر المثل چیزی بزن تعلق می‌گیرد یا نه و آیا الآن وکیل با توجه باینکه عقد بذل و طلاق خلع قبلی صحیح بوده باید طلاق خلع بخواند و یا طلاق رجعی نظر باینکه فقهاء فرموده‌اند طلاق خلع باید بلا فاصله بعد از عقد بذل خوانده شود؟

نظر شریفتان را بفرمائید.

ج

– در فرض سؤال، چنانچه وکالت سابق از طرف زوج، برای قبول بذل و طلاق خلع و نیز وکالت از طرف زوجه برای بذل باقی است وکیل باید طلاق خلع بدهد و در هر حال نسبت به مهر المثل بنابر احتیاط، زوجین با یکدیگر مصالحه نمایند. و اللَّه العالم.

احکام عده

س ۱۴۳۱

اشاره

– احتراماً چنانچه مستحضرید در اکثر فتاوا و از جمله فتوای حضرتعالی مدت عده برای زنان چهار ماه ذکر گردیده است و این در حالی است که اخیراً تحقیقات پزشکی گویای مستند و مستدل این مطلب است که مدت عده کمتر از هجده ماه سبب بروز بیماریهای جنسی و احیاناً ایدز می‌شود. حال آیا به منظور پیشگیری از بروز امراض جنسی و ایدز آیا می‌توان مدت عده را به هجده ماه افزایش داد؟

ج

– توجه داشته باشید که حکمت عده عدم اختلاط میاه و پاکی نسب است نه مصونیت از ایدز یا بیمارهای دیگر و در عده وفات، مدت چهار ماه و ده روز و در طلاق میزان دیگری دارد و اما مبتلا بودن زوج و یا زوجه به مرض مسری و غیره
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۷
مربوطه به عدّه نیست و آن باید با آزمایش طبی روشن شود و علاوه اختیار با خود زن و مرد است می‌توانند پس از گذشتن مدت عده شرعی ازدواج نمایند و می‌توانند بعد از هجده ماه و بیشتر ازدواج کنند به هر حال زیاد کردن مدت عدّه به این عنوان بدعت و حرام است. و اللّه العالم

س ۱۴۳۲

اشاره

– آیا زن بعد از تمام شدن عدّه طلاق میتواند شوهر خود را غسل (میّت) بدهد و اگر بعد از انقضای عدّه شوهر کرده باشد حکم مسأله چه صورتی دارد؟

ج

– در فرض سؤال قبل از تمام شدن عدّه نیز جواز غسل محلّ اشکال است بلکه اقرب عدم جواز است.

س ۱۴۳۳

اشاره

- زنی بعد از پاک شدن از حیض با شوهرش نزدیکی کرده است و بعد از آن طلاق داده شده است. بعداً معلوم شده از همین نزدیکی کردن حامله است.
آیا آن طلاق صحیح است یا خیر؟ و نیز آیا زن می‌تواند بعد از زایمان شوهر کند یا خیر؟
در صورت صحیح بودن طلاق مهریه و مخارج دیگر بعهده شوهر می‌باشد یا خیر؟ آیا پدر دختر حق بخشیدن مهریه و جهیزیه دختر به شوهرش را دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه یقین داشته باشند که اجراء صیغه طلاق بعد از حامله شدن واقع شده طلاق صحیح است و زن میتواند بعد از زایمان شوهر کند و احتیاط مستحب آن است که دوباره او را طلاق دهد ولی قبل از طلاق دوم با او معامله زن و شوهری ننماید و شوهر باید مهریه و همچنین نفقه زن را در تمام مدت حمل بدهد و مخارج ولادت طفل نیز بر عهده شوهر است و پدر دختر حق بخشیدن مهریه و نفقه او را ندارد مگر با رضایت و وکالت خود دختر.

س ۱۴۳۴

اشاره

- خانمی که در اثر عمل جراحی رحم او را برداشته‌اند و یا لوله‌های رحم او را بسته‌اند که آبستن نمیشود و خانمی که یائسه نیست، ولی اصلًا خون حیض ندیده و نمی‌بیند اگر او را طلاق بدهند عدّه دارد یا ندارد؟

ج

- بلی زن مذکوره، عدّه دارد با سایر زنها تفاوت ندارد مگر اینکه پس از برداشتن رحم مطلقاً حائض نشود که در این صورت اجراء صیغه طلاق باید پس از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۸
گذشتن سه ماه تمام از تاریخ نزدیکی با همسر باشد و پس از طلاق هم سه ماه تمام عدّه نگهدارد و همچنین زن مذکوره در ذیل سؤال.

س ۱۴۳۵

اشاره

- زید زوجه حامله خود را طلاق می‌دهد و بعد از طلاق فوت زید با وضع حمل زوجه مطلّقه در یک آن اتّفاق می‌افتد آیا در صورت تقارن فوت زید با وضع حمل، زوجه از ماترک میّت ارث می‌برد یا نه و در فرض سؤال آیا زوجه باید عدّه وفات نگهدارد یا خیر؟

ج

– در فرض مذکور تحقّق وضع حمل موجب خروج زوجه از عدّه است و تقارن فوت زوج با آن مفهومش تحقق موت بعد از انقضاء عـدّه است و اگر مقصود تقـارن موت با حال تحقق وضع حمل باشـد ظاهر اینست که تا تحقّق خارجی عرفی صادق نشـده، موت در حال عـدّه است و در این صورت زن از شوهر ارث می‌برد و باید عدّه وفات نگهدارد و فرض تحقق وضع حمل با موت در آن واحد فرض نادر و اثبات آن بسیار مشکل است.

س ۱۴۳۶

اشاره

– این جـانب همسـر خود را طلاـق داده‌ام در حـال عصـبانیّت شدیـد همسـرم بعلّت عصـبانیت زیاد به مجری طلاق نگفته که در ایّام عادت ماهانه است و اصـلًا از مسأله در عادت اطّلاع نداشـته است پس از مدّتی که متوجه شده به محضـر دار مراجعه نموده و جریان را گفته است جـواب داده اگر چه طلاـق باطـل است لکن بعلت ثبت نمی‌توانم تغییر دهم خواهشـمندم تکلیف این جانبـان را از نظر زوجیت و بطلان ثبت بیان فرمایید.

ج

– بطور کلّی طلاـق بایـد در طهر غیر مواقعه باشـد و چنانچه در حال عادت حیض ماهانه واقع شـده باشـد باطل است، و در خصوص مورد سؤال چنانچه زن مدّعیه است که در حین اجراء صـیغه طلاق پاک نبوده و در حیض بوده و مرد نیز یقین بصدق او داشـته باشد و دعوی طرف دیگر نداشته باشد طلاق محکوم ببطلان است و زوجیّت آنها باقی است بنابراین سـر دفتر طلاق نیز که باسـتناد اخبار زن بطهارت از حیض طلاق را جاری کرده بایـد با تقاضای زوجین این جریان را در حاشـیه دفتر طلاق و در طلاق‌نامه ثبت نمایـد و بامضاء آنها برساند و اگر نزاعی در

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۶۹

بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۴۳۷

اشاره

– دختری را برای پسـری عقـد کرده‌انـد و دخول نموده از دُبر و بـدون اینکه عدّه نگهدارد برای پسر دیگری عقد کرده چه صورتی دارد؟

ج

– در فرض سؤال عقـد دوّم باطل است و دختر باید عدّه نگهدارد و بعد میتواند با دیگری ازدواج کند پس اگر در ازدواج دوّم دختر و پسـر دوم هر دو جاهل بمسأله بوده‌اند گناهی نکرده‌اند و چنانچه با پسـر دوم نزدیکی بعمل نیامده بعد از تمام شدن عدّه دختر اگر

پسر دوم بخواهد با او ازدواج کند باید بعقد جدید باشد و اگر نزدیکی بعمل آمده هر چند از دبر باشد دختر بر او حرام ابدی شده و دیگر نمیتوانـد بـا او ازدواج کنـد و در این صورت دختر بایـد بعـد از تمـام شـدن عـدّه اول یـک عـدّه هم برای نزدیکی با پسـر دوم نگهـدارد و بعـد از تمام شدن هر دو عدّه ازدواجش با غیر مرد دوم مانع ندارد و اگر هر دو عالم بمسأله بوده‌اند چه دخول واقع شده باشد و چه واقع نشده بیکدیگر حرام ابدی شده‌اند.

س ۱۴۳۸

اشاره

- زنی که مرتب برای افراد متعدد در عقد نکاح موقت قرار می گیرد نیاز به عده دارد؟

ج

- با فرض اینکه یائسه نباشـد و مـدخوله باشد عده دارد و چنانچه حیض می‌بیند عده او بعد از تمام شدن مدت یا بذل آن، دو حیض تمام است و اگر در سنّ من تحیض است و حیض نمی‌بیند عده او چهل و پنج روز است. و اللَّه العالم

طلاق غائب

س ۱۴۳۹

اشاره

- شخصی از تاریخ ۳/ ۱/ ۶۳ مفقود الاثر تا تاریخ ۳/ ۱/ ۷۴ از حیات و ممات او اطلاع در دست نیست همسـر ایشان در تاریخ ۳/ ۱/ ۷۳ شوهر نموده حکم این موضوع را طبق فتوای حضرت عالی خواهانم.

ج

- بطور کلّی اگر زوجه یقین بموت زوج، حاصل کنـد و از تاریـخ یقین به موت، چهار ماه و ده روز عـدّه وفات نگهدارد پس از آن میتواند شوهر کند لکن اگر بعد از شوهر رفتن معلوم شود که در تاریخ ازدواج او با مرد دوّم شوهر او زنده بوده
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۰
ازدواج باطل است، و به زوجیّت شوهر اوّل باقی است و بایـد از مرد دوّم بـدون طلاق جدا شود و چنانچه دخول هم واقع شده باشـد بر مرد دوّم حرام ابـدی است و چنانچه زوجه شک در حیات و موت شوهر داشـته باشـد حق ازدواج با کسـی را نـدارد مگر اینکه به دستور مجتهد جامع الشرائط که در رساله‌ها ذکر شده عمل کرده باشد.

س ۱۴۴۰

اشاره

– شوهر دخترم مـدت ۴ سـال است که مفقود الاـثر گردیـده است و از طریق روزنامه‌های کثیر الانتشار هم آگهی پخش نموده‌ایم و لکن متأسـفانه هیـچ گونه اطلاع از ایشان بدست نیاوردیم و دختر حقیر از ایشان صاحب یک دختر بچه نیز شده است و هم اکنون ۶ ساله است لذا از محضر مبارک حضرت عالی استدعی داریم که تکلیف ما را معیّن و مشخّص فرمائید.

ج

– بطور کلّی زنی که شوهر او مفقود الاـثر شـده و موت و حیات او معلوم نیست و اموالی هم نـدارد که نفقه زوجه او از آن پرداخت شود و متبرعی هم که نفقه زوجه او را تأمین نماید نباشد در این صورت میتواند به حاکم شـرع جامع الشـرائط مراجعه نماید و حاکم ضرب الاجل تعیین مینماید که تا مدت چهار سال از حال شوهر مفقود الاثر او زیر نظر آن مجتهد تفحص شود و بعد از گذشت این چهار سال که در آن فحص ادامه داشته چنانچه حال او معلوم نشد بحاکم شرع مراجعه می‌نماید و حاکم شرع او را مطلّقه می‌نماید و بعد از گذشتن چهار ماه و ده روز از زمان طلاق می‌تواند با مرد دیگر ازدواج نماید.

سه طلاقه

س ۱۴۴۱

اشاره

– مردی زنش را سه طلاقه شرعی نموده است میدانیم که این زوجه بر این زوج حرام مؤبّد است مگر آنکه محلّل در کار باشد لیکن همین شوهر در عـدّه طلاـق سوّم بـا او زنـا کرده است اکنون سؤال این است که آیـا بعـد از محلّل میتوانـد این زن را بنکاح خود در آورد یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال زانی میتواند بعد از محلّل با آن زن ازدواج کند. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۱

س ۱۴۴۲

اشاره

– اگر فردی سه بار زوجه غیر مدخول بهای خودش را طلاق داد اگر باز قصد ازدواج با او را داشته باشد آیا احتیاج به محلّل دارد یا نه؟

ج

– در فرض سؤال، ازدواج مطلّق با زوجه مفروضه بدون محلّل حرام است.

س ۱۴۴۳

اشاره

- در جواب سؤال زنی که با شوهرش شـرط کرده بود که بعد از پنج سال ازدواج او را طلاق بدهد فرموده بودید که این شـرط فعل منافات با مقتضای عقد و دوام عقد ندارد و لازم الوفاء می‌باشد.
درحالی‌که فقهاء فرموده‌اند اگر مطلقه ثلاثه با محلّل شـرط کند که با تو ازدواج می‌کنم به شرط اینکه بعد از مواقعه مرا طلاق بدهی بطلاـن این شـرط عنـد الفقهاء مفروغ عنه عنه بلکه متفق علیه می‌باشـد مسـتدعی است نظر مبارک را در فرع مـذکور بیان و فرق بین مسألتین را به طور مشروح و مستدلّ بیان فرمائید.

ج

- آنچه ظـاهراً در مسـأله محلل بطلان آن مورد اتفاق است این است که بر محلل شـرط کنـد (اذا حلّلها فلا نکاح بینهما) که مفادش این است که بعـد از وقوع وطی محلّـل، نکـاح به خودی خود مرتفع باشـد و زوجیت بین آنها نباشـد که این شـرط را علاوه بر آنکه مخالف اجماع شـمرده‌اند با کتاب و سنّت که دلالت دارنـد بر اینکه نکاح (لا یرتفع بغیر الطلاق الا فی موارد مخصوصه لیس المقام منها) مخالف است علاوه بر اینکه از بعض روایات نیز بطلان این شـرط قابل اسـتفاده است مثل صحیح محمد بن قیس عن ابی جعفر علیه السلام (ح ۲ ب ۱۰ من ابواب المهور) بلکه خبر دیگر محمد بن قیس (ح ۱ ب ۳۸ من ابواب المهور) و اما نسبت به شرط طلاق بر زوج که شـرط فعل است نه نتیجه، اجماع بر بطلان محقق و مسلم نیست و اگر هم باشد اجماع کاشف از رأی معصوم علیه السلام یـا خبر معتبر نیست مضافاً بر اینکه در مورد شـرط عـدم طلاـق بر زوج خبر دلاـلت بر جواز و صـحت دارد (کـافی ج ۵ ح ۴۰۴ عن منصـور بن بزرج و وسائـل ب ۲۰ من ابواب المهور) و ظـاهراً فرقی بین فعـل و ترک طلاـق نیست و بـا عـدم معـارضه با اخبار دیگر وجهی برای عدم عمل و حمل بر تقیه نیست مع ذلک در مسأله محلّل ینبغی مراعات الاحتیاط بترک شرط الطلاق.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۲

ظهار

س ۱۴۴۴

اشاره

- شخصی آگاه به مسأله در حال مجامعت با همسرش ظهار کرده تکلیف زوجین چیست؟

ج

- ظهار در حال مجامعت اثری ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۴۴۵

اشاره

– اگر کسـی زنی را به عربی طلاق ظهار دهد و متن عربی را به این صورت بگوید «ظهرک کظهر امی» ولی شاهد هم نداشـته باشد. وظیفه این فرد چیست؟

ج

– در فرض سؤال که دو نفر شاهد عادل حضور نداشته ظهار اثری ندارد. و اللّه العالم.

س ۱۴۴۶

اشاره

– شخصی از روی ناراحتی به زن دائمی خود بگوید تو دیگر جای مادر و خواهرم هستی آیا این زن حرام ابدی میشود؟

ج

– اگر شـرایط لازم برای طلاق موجود نبوده موجب حرمت زوجه نمی‌شود و اگر با تمام شـرائط باشـد موجب حرمت می‌شود ولی با اداء کفاره رفع حرمت میشود.

س ۱۴۴۷

اشاره

– کفاره ظهار چیست؟

ج

– کفاره ظهار بترتیب بنده آزاد کردن، دو ماه روز گرفتن و اطعام ۶۰ مسکین است.

مسائل متفرقه طلاق

س ۱۴۴۸

اشاره

– اگر زنی در منزل همسـر خود چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی در عذاب باشد و همسر وی از او خواسته باشد عقایدی را که خلاف اعتقادات یک مسلمان است به زور بپذیرد، حکم شرعی چیست؟

ج

- هرگونه آزار رسانـدن چه روحی و چه جسـمی حرام است و گـاهی موجب دیه می‌شود و آزار شونـده می‌توانـد به دادگـاه صالح مراجعه و دادخواهی کنـد و چنانچه عقایـدی را که می‌خواهـد به زن بزور تحمیل کند از عقایدی باشد که موجب کفر است و خود اقرار باعتقاد به آنها داشته باشد کافر است و زن از زوجیت او

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۳

خارج است و بدون طلاق بعد از گذشتن عده می‌تواند شوهر کند. و اللَّه العالم

س ۱۴۴۹

اشاره

- با توجه به وکالت ضـمن عقد زوجه وکیل است تا در صورت تحقق شرایط مذکور در عقدنامه به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نمایـد. آیا عـدم تمایل به ادامه زنـدگی از سوی زوجه عسـر و حرج محسوب می‌شود تا به اسـتناد آن زوجه بتواند تقاضای طلاق از دادگاه بنماید؟

ج

- مجرد عدم تمایل به ادامه زندگی عسر و حرج محسوب نمی‌شود.

و اللَّه العالم

س ۱۴۵۰

اشاره

- مـدتی قبل به عقد جوانی درآمدم، بعد از مدتی بین ما اختلاف پیدا شد و من چندین بار به خانه والدین خود برگشـتم بعداً وی از کرده خود پشـیمان شد و پوزش طلبید و مرا به منزل برد وی قول داد که دیگر دعوی نخواهد کرد اما موقعی که خانه برد بمن گفت که نیازهای جنسـی و هوسـهای شیطانی دوستش را نیز تأمین کنم ولی من از این فعل قبیح و شنیع امتناع نمودم در نتیجه او مرا کتک زد و مورد شکنجه قرار داد. مرا از این وضعیت نجات دهید.

ج

- از خصوص مورد اطلاع نـداریم بطور کلّی شوهر حق نـدارد که زوجه خود را به گناه و ادرار کنـد و بر زن واجب است که از این عمـل شـنیع خودداری نمایـد و چنـانچه شوهر از معاشـرت بمعروف و یـا تسـریح باحسـان امتناع نمایـد زوجه میتوانـد به حاکم شـرع مراجعه، تا حاکم او را مجبور به یکی از دو امر نماید و در صورت امتناع زوج، با درخواست زوجه، حاکم شـرع او را مطلّقه می کند.

و اللَّه العالم.

س ۱۴۵۱

اشاره

- شرایط سیزده‌گانه‌ای که در ورقه‌ای که به پیوست ارسال می‌شود مندرج در دفتر اسناد ازدواج و عقدنامه می‌باشد به تصویب شورایعالی قضائی رسیده است و سردفتر ازدواج مکلف است شرایط مذکور را مورد به مورد به زوجین تفهیم نماید و آن شرط معتبر است که مورد توافق زوجین واقع و به امضای آنها رسیده باشد پس از این مقدمه استدعا دارم به سؤالاتی که ذیلًا ذکر می‌شود جواب مرقوم فرمائید.

۱- آیا شرط اوّل که در مورد نصف دارائی است شرط فعل است یا

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۴

شرط نتیجه؟

۲- آیا وکالت بلاعزل با حق توکیل نیز که در ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم زوج به زوجه می‌دهد که در موارد دوازده‌گانه حق طلاق با زوجه باشد شرط فعل است یا شرط نتیجه؟ چون زوجه پیش از اجرای صیغه عقد و نکاح با قبول تمام شرایط از طرف زوج حاضر است که با مشارٌ الیه ازدواج کند).

۳- در صورتی که شرط نتیجه باشد آیا زوج می‌تواند زوجه را از وکالتی که به مشارٌ الیها داده عزل کند؟ یا با توافق زوجین زوجه از وکالت عزل شود؟ و شرائط دوازدگانه اسقاط و ملغی شود یا زوجه خود را از وکیل بودن از طرف زوج عزل کند.

۴- در صورتی که وکالت بلاعزل با حق توکیل غیری که زوج در ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم به زوجه داده باشد که در موارد دوازده‌گانه حق طلاق با زوجه باشد نه شرط فعل باشد نه شرط نتیجه آیا زوج می‌تواند زوجه را از وکالت بلاعزل با حق توکیل غیری که در ضمن نکاح یا عقد خارج لازم به مشار الیها داده عزل کند و یا با توافق زوجین از وکالت عزل یا خود زوجه از وکالتی که زوج به مشار الیها داده خود را عزل کند یا اینکه تا زمانی که زوجه همسر زوج می‌باشد و نکاح منحل نشده وکالت بلاعزل با حق توکیل غیری که زوج به زوجه در ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم داده به قوت خود باقی است. در صورتی که زوج مرتکب یکی از موارد دوازده‌گانه شد زوجه می‌تواند با اختیار خود اعمال وکالت نکند و خود را با انجام تشریفات شرعی و قانونی مطلّقه نماید هر زمانی که اراده کند این اختیار را دارد که اعمال وکالت را بکند.

ج

الف- شرط اوّل شرط فعل است و لکن چون مجهول است باطل می‌باشد و التزام به آن الزام‌آور نیست. و اللَّه العالم

ج ب- این شرط نیز شرط فعل است لکن یادآوری دو امر لازم است اوّل اینکه وکالت مذکوره در صورتی صحیح است که منجّز باشد و اگر تعلیقی باشد باطل و بی‌اثر است دوّم اینکه بعد از تحقق وکالت منجّزه اگر زوج زوجه را از وکالت عزل نماید زوجه از وکالت منعزل می‌شود و قید بلاعزل در این جهت اثری ندارد و از

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۵

این توضیح جواب سؤالات بعدی روشن می‌شود ضمناً اگر زوجه به طور صحیح از طرف زوج وکالت داشته باشد و زوج هم او را از وکالت عزل نکرده باشد مختار است در این که خود را مطلّقه نماید و یا بر زوجیت با زوج خود باقی باشد و به هر حال الزام اشخاص بر شرط این امور در ضمن عقد یا عقد خارج جایز نیست.

و اللَّه العالم

س ۱۴۵۲

اشاره

- احتراماً به استحضار حضرتعالی می‌رساند که مردی از دادگاه تقاضای طلاق همسرش را می‌نماید و بر اساس مقررات دولت جمهوری اسلامی در صورتی که طلاق به تقاضای مرد باشد، چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً در خانه شوهر به عهده وی نبوده است انجام داده باشد، دادگاه می‌بایست اجرهٔ المثل کارهای انجام شده را محاسبه و حکم به پرداخت آن بدهد و یا مبلغی از بابت نحله به زوجه پرداخت شود (زوجه در جلسه دادگاه اظهار می‌دارد: که من حاضر به طلاق نیستم و اگر شوهرم خواست طلاق بدهد باید مهریه و نفقه من را نقداً بپردازد و اجرهٔ المثل سالهایی را که با هم زندگی کرده‌ایم و ۱۶ سال می‌باشد ولی در صورت جلسه دادگاه ۱۴ سال ذکر شده به مبلغ یک میلیون تومان می‌خواهم و کار منزل را انجام داده و اکثر کارها به امر و اجبار شوهرم بوده است) دادگاه اقدام به محاسبه اجرهٔ المثل طبق نظر کارشناس می‌نماید و شوهر نیز رسماً قبول می‌کند که اجرهٔ المثل را بپردازد ولی زوجه با قصد اینکه شوهرش وی را طلاق ندهد و در فرض عدم طلاق و استمرار زندگی اظهار می‌دارد (من اجرهٔ المثل خود را نمی‌خواهم و به شوهرم بخشیدم و با طلاق موافق نیستم و حاضرم با شوهرم با خوبی و خوشی زندگی کنم) با این وجود زوج اقدام به طلاق وی نموده است.

لازم به ذکر است که: زوج و زوجه هر دو معلم بوده و زوجه تمام حقوق خود را در طی سالهای زندگی مشترک صرف احداث منزلی که سند آن به نام زوج بوده و همچنین اموری که شرعاً به عهده زوج بوده، نموده است.

اکنون با توجه به توضیحات فوق حضرتعالی مرقوم بفرمایید:

الف- آیا زوجه می‌تواند با توجه به انجام طلاق و اتمام عده، اجرهٔ المثل

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۶

معین شده را از زوج تقاضا نماید؟

ب- با توجه به اینکه صرف حقوق معلمی توسط زوجه، به امید استمرار زندگی در منزل زوج بوده است، آیا زوجه می‌تواند مبالغ هزینه شده از ملک خود را مسترد داشته و از همسر سابق بگیرد؟

ج

- در مسأله طلاق شرعاً جواز و صحت آن موکول بپرداخت وجهی بعنوان اجرهٔ المثل عمل زوجه و حتی پرداخت نفقه او نیست و در مسأله اجرهٔ المثل کار و عمل در خانه زوج اگر بدستور شوهر و بقصد گرفتن اجرت انجام داده باشد اجرهٔ المثل را طلبکار است خواه شوهر او را طلاق بدهد یا همسری آنها برقرار باشد و اگر بدستور شوهر نبوده و یا بقصد گرفتن مزد انجام نداده اجرهٔ المثل عمل را طلبکار نیست خواه شوهر او را طلاق بدهد یا طلاق ندهد و در این جهت اگر زن مدعی دستور زوج باشد باید دعوای خود را اثبات نماید و به هر صورت اگر زوجه طلبی را که از زوج دارد خواه از باب اجرهٔ المثل عمل در خانه زوج باشد یا از جهت دیگر (مثل صداق) بزوج ببخشد بشرط اینکه او را طلاق ندهد و زوج او را طلاق بدهد زوج میتواند بخشش و هبه را فسخ نماید و طلب خود را از او بگیرد و نسبت به مخارجی که زوجه در خانه شوهر کرده اگر بدستور او بوده از زوج طلبکار است و هر مبلغی را که باو داده اگر بقصد بخشش و هبه نبوده نیز از شوهر طلبکار است و در این مسائل حقّی که زوجه پیدا میکند ثابت است خواه طلاق بین آنها واقع شود یا نشود چنانچه باختیاری که زوج نسبت به طلاق دارد ارتباط ندارد باید هر مسلمان مرد باشد یا زن تسلیم حکم خدا باشد. والله العالم

س ۱۴۵۳

اشاره

- زنی از شوهرش شکایت کرده و در دادگاه که او قادر به امر زناشوئی نیست و به علت پیری از همبستری عاجز است و من در حال اضطرار بسر می‌برم اگر از قرائنی صدق گفتارش ثابت شود این نوع اضطرار موجب طلاق او می‌باشد یا خیر؟

ج

- امر طلاق با زوج است و علّت مذکور موجب الزام زوج به طلاق نیست. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۷
امر به معروف و نهی از منکر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۷۸

امر به معروف و نهی از منکر

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

س ۱۴۵۴

اشاره

- حدود و مراتب امر بمعروف و نهی از منکر را بیان فرمایید؟

ج

- امر بمعروف و نهی از منکر از فرائض مهمّه‌ای است که سایر فرائض به آن اقامه و احکام خدا به آن اجرا می‌شود و حدود و ابعاد آن بسیار گسترده است و ظرافت و لطافتهائی را که بایـد در آن به کـار گرفته شود بایـد ملاحظه نمود تا طوری ادا شود که مؤثر و جالب و مقبول ذوقهای سلیم باشد و اسباب تنفّر دیگران از دین فراهم نشود و دین بصورت یک نهاد خشن معرفی نشود و آمر بمعروف و ناهی از منکر مورد بغض مردم قرار نگیرند کارهایشان مهما امکن بصورت خیرخواهانه و لیّن باشد و مراتب را رعایت نمایند و مخصوصاً درجات احکام را بشناسند و رعایت کنند و عکس العمل در برابر همه معاصی نباید در یک حدّ باشد خلاصه دقایق و لطایف بسیار برای اعمال آن لازم است و مهمتر از همه این است که افرادی که امر بمعروف می‌نمایند خودشان تربیت دینی صحیح داشته باشند و با عمل امر بمعروف نمایند و مطالب دیگر که اجمالی از آن را در رساله امر بمعروف و نهی از منکر حقیر که شاید متجاوز از چهل سال پیش نگاشته شده مراجعه نمائید.
موفق باشید.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۰

س ۱۴۵۵

اشاره

– در چه صورت می‌توان در باب نهی از منکر از برخورد فیزیکی استفاده نمود؟

ج

– در هرکجا که موجب ورود جراحتی باشد باید با اجازه مجتهد جامع الشرایط باشد. والله العالم

س ۱۴۵۶

اشاره

– جوانی بسیجی هستم، تقاضا داشتم توضیح دهید کئ، ه وظیفه ما در برابر افرادی که از محرمات استفاده می‌کنند مانند مشروبات الکی و با حالت مست و یا حالتی دیگر در خیابانها و جامعه حاضر می‌شوند و همچنین با دختران و زنان مردم برخورد ناشایست و دور از شئونات اسلامی دارند چیست؟
و همچنین آیا می‌توانیم با دختران و پسرانی که با لباسهای مبتذل و بسیار زننده که باعث تحرک شهوت انسان می‌شود چگونه باید برخورد کرد؟ آیا می‌توان در مواردی که در بالاـ ذکر شده با آنها برخورد فیزیکی داشت؟ در برابر بعضی از آنها به زور متوسل شد؟ البته این نکته یادآور می‌شوم که دیده شده که افراد مسئول مانند نیروی انتظامی بسیار در این مورد قصد کرده‌اند و به وظیفه خود عمل نمی‌کنند.

ج

– در تمام موارد مذکور وظیفه هر مسلمانی امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط و حدود آن است، اگر احتمال تأثیر در گفتن می‌دهد بگوئید چنانچه بدانید تذکّر شما مفید نیست واجب نیست تذکر دهید و نسبت به زد و خورد با این افراد فعلًا مصلحت آن است که این امر را به عهده مسئولین مربوطه قرار دهید بلی اگر ببینید که نسبت به نوامیس مسلمین هتک حرمت می‌شود با تذکّر شما یا دیگران رفع مزاحمت نمی‌شود و راه منع منحصر به ضرب زدن به مقدار لازم، و نه بیشتر برای دفع آنها جایز است. والله العالم

س ۱۴۵۷

اشاره

– با کسانی که به نماز اهمیّت نمی‌دهند چگونه برخورد کنیم؟

ج

– باید آنها را امر بمعروف نمود و آنها را از زشتی ترک نماز و اهمیّت این فریضه بزرگ الهی آگاه نمود.

س ۱۴۵۸

اشاره

– چگونه امر به معروف و نهی از منکر کنیم که در دل فرد اثر کند و به
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۱
امر ما عمل کند؟

ج

– اگر خود آمر به معروف و ناهی از منکر عامل به معروف و تارك منکر باشد ان شاء اللّٰه حرف او اثر میکند در حدیث دارد که مردم را با غیر زبان دعوت به کارهای خوب و ترک کارهای زشت کنید یعنی با عمل و روش و رفتار خوب دعوت کنید.

س ۱۴۵۹

اشاره

– اگر شخصی در ماشینی یا منزلی قرار گرفته که نوار غنا گذاشته‌اند و شخص بداند نهی از منکر سودی ندارد تکلیف شخص چیست؟

ج

– در مورد سؤال که میداند نهی از منکر سودی ندارد نهی از منکر واجب نیست ولی در صورت عدم عسر و حرج باید ماشین و محل را ترک کند.

س ۱۴۶۰

اشاره

– اگر کسی مساله‌ای را که می‌داند کتمان کند مشمول آیه شریفه ان الذین یکتمون ما أنزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئك یلعنهم اللّٰه و یلعنهم اللاعنون هست یا نه؟

ج

– کتمان ما انزل اللّٰه تعالی از عقائد و احکام بدون عذر شرعی جایز نیست و کتمان کنند مشمول این آیه کریمه است.

س ۱۴۶۱

اشاره

– این جانب مدتی است که با یک مسأله شرعی روبرو شده‌ام و آن اینکه در این روستا جوانی است ۱۸ ساله که به عمل زشت لواط

عادت نموده جوانان این روستا را منحرف نموده با توجه به اینکه جو طایفه‌ای در این روستا برقرار است نمی‌شود نامبرده را به حاکم شرع معرفی نمود (چون اگر اسـمی از فاعلین آورده شود جنگ و نزاع طایفه‌ای پیش می‌آید) آیا اگر کسـی این شخص فاسق را که باعث انحراف جوانان معصوم میشود به هلاکت برساند آیا در پیشگاه خداوند سبحان مسئول خواهد بود یا خیر؟

ج

- کشـتن او بـدون اثبـات در نزد حاکم شـرعی مجتهـد جامع الشـرائط جایز نیست و اگر بطور غیر علنی می‌توانیـد موضوع را در نزد حاکم شرع ثابت نمائید تا حکم شرع لازم را بدهد واو را نهی از منکر کنید تا از این عمل شنیع که مفاسد آن از جهات متعدّد بسیار است دست بردارد.

س ۱۴۶۲

اشاره

- وظیفه مردم را در قبال بد حجابی و مفاسدی که در جامعه موجود
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۲
است چگونه می‌بینید؟

ج

- وظیفه مردم نهی از منکر است با رعایت آداب و شرایط و مراتب آن و تفصیل را در توضیح المسائل ملاحظه نمائید.

س ۱۴۶۳

اشاره

- اگر کسی ببیند دزد وارد خانه همسایه شده و اگر فریاد بزند و یا اینکه همسایه‌ها را مطلع کند دزد فرار خواهد کرد مستدعی است بیان فرمائید در اینگونه موارد حفظ مال مؤمن واجب است یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال از باب نهی از منکر مانع شدن از دزدی لازم است.
و اللَّه العالم

مبارزه با مفاسد اجتماعی

س ۱۴۶۴

اشاره

– آیا در برابر خلافهایی که در جامعه دیـده می‌شود و توسط برادران بسـیج جلوگیری بعمل می‌آید، تنبیه لازم است، در چه مواردی و تا چه حد؟

ج

– باید ضوابط امر به معروف و نهی از منکر رعایت شود.

س ۱۴۶۵

اشاره

– آیـا گشت و رفت و آمـد در امـاکن عمومی به عنوان مبـارزه و برخورد با مفاسـد و بـدحجابی جایز است یا نه؟ حـدود آن را بیان بفرمائید.

ج

– شـرائط و برنامه امر به معروف و نهی از منکر و مراتب آن در فقه بیان شـده و اختصار آن را می‌توانیـد در نوشـته‌ای که از حقیر به نـام «راه اصـلاح یـا امر به معروف و نهی» از منکر طبع شـده ملاحظه نماییـد و رفتن به مراکز و اماکن عمومی مثل بازار و خیابان که معرض وقوع بعض منکرات باشـد برای انجـام این وظیفه جـایز است و بـا علم به آن لازم است و حکومت اسـلامی برای صـیانت از اخلاق جامعه و جلوگیری از مفاسـد هم می‌توانـد بلکه وظیفه دارد که افرادی را برای منع از منکرات به گشت‌وگـذار در این اماکن معین نماید اما جهت نهی از منکراتی که ظاهر نیست به صرف احتمال وقوع آن فحص و کاوش و تفتیش جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۴۶۶

اشاره

– در خصوص فریضتین امر به معروف و نهی از منکر دیـده شـده برادران جهت تذکر به محل تجمع بد حجابها و گروههای رپ در پارکها و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۳
مجتمع‌های تجاری می‌روند با علم به اینکه در این مکانها افراد بدحجاب و رپ حضور دارند آیا این کار جایز است یا نه؟

ج

– رفتن به آن محلها جهت نهی از منکر اشکال ندارد بلکه لازم است.
و اللَّه العالم

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۸۳

س ۱۴۶۷

اشاره

- مکانهایی که توسط شـهرداری ساخته می‌شود و موجب فساد بیش از حد می‌شود بطوری که با تذکرات مکرر مردم شـهرداری در احیـا و بهبود آن اهتمـام فراوان دارد مثـل پیست دوچرخه سواری که دیـده شـده دختران و پسـران مختلـط در آنجا بازی می‌کننـد و مفسـده‌های عدیده‌ای دارد از سوی هیچ مقامی اقدامی نمی‌شود در صورتی که هیچ راهی جهت جلوگیری از این منکر علنی نباشـد آیا از بین بردن آن جایز است یا خیر؟

ج

- در اینگونه امور باید به مسئولین مربوطه مراجعه نمایید تا از طریق آنها اقدام شود و یا به علمای اعلام مسـموع الکلام منطقه دامت برکاتهم مراجعه شود که پس از رسیدگی تذکر لازم را بدهند.

س ۱۴۶۸

اشاره

- بعضـی از اساتید حوزه به طلاب جوان اجازه نمی‌دهند به طور دسـته جمعی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر شـرکت کنند آیا امر استاد مقدم است؟

ج

- امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که شـرایط آن موجود باشـد محتاج به اجازه نیست بلی اگر مجتهد از مورد خاصـی نهی نماید اطاعت او لازم است.
و اللّه العالم

س ۱۴۶۹

اشاره

- اگر نیروهای انتظامی در برخورد با مفاسد اجتماعی جدیت نشان ندهند آیا وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج

- امر به معروف و نهی از منکر دو واجب شرعی است و بر همه واجب است چه نیروی انتظامی برخورد با مفاسد به نحو جدی داشته باشند یا نه البته با رعایت شرائط و ضوابط شرعی.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۴

س ۱۴۷۰

اشاره

– متأسفانه مدتی است که در جامعه ما رایج شده است که خانمها موهای خود را از زیر روسری یا چادر خود بیرون می‌گذارند شما چه پیشنهادی برای ما جوانان برای جلوگیری از انحراف ما دارید؟ وظیفه ما در این موارد چیست؟ (با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نیز مشکل است).

ج

– در هر موردی که احتمال تأثیر بدهید امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید و از ملامت ملامت کنندگان در راه خدا نترسید و پیشنهاد ما همان دستورات ائمه هدی علیهم السلام است که تأمل در عظمت معصیت خدای حاضر و ناظر و عظمت و عزت طاعت خدا و بهره‌های عظیم آن بنمائید و تا می‌توانید خود را در مظان برخورد با این صحنه‌ها قرار ندهید و تکیه‌گاه معنوی خود را با عمل به واجبات و ترک محرمات قوی کنید و تا می‌توانید از تشریفات متداوله عصر حاضر در امر ازدواج بکاهید در اوّلین ازمنه امکان ازدواج نمائید انشاء اللَّه موفق باشید.
و اللَّه العالم.

س ۱۴۷۱

اشاره

– همانطور که مستحضرید، یکی از سنتهای ملّی ملت ایران برپائی عید نوروز است، که پیرایه‌هائی نیز برای آن قرار داده شده، که از جمله مراسم چهارشنبه سوری و سیزده بدر است، که در طول سالهای اخیر برپائی این برنامه‌ها علاوه بر بجا گذاشتن تلفات و خسارات جانی و مالی، موجب هتک حرمت مسائل شرعی شده و در روز سیزده بدر در صحراها و بیابانها برخی علاوه بر اختلاط محرم و نامحرم به رقص و پایکوبی و انجام برخی محرمات دیگر می‌پردازند، از آنجائی که متأسفانه روز به روز این گونه سنتها در حال رواج است، خواهشمند است نظر مبارک را در مورد این عید و پیرایه‌های آن بیان فرمائید، تا متدیّنین وظیفه خود را در قبال آن بدانند.

ج

– رقص و اختلاط محرم و نامحرم در هر روز و هرجا حرام است خواه در عید نوروز باشد یا سیزده و یا غیر اینها و همچنین هر عملی که موجب هتک حرمت اسلام باشد و همچنین آتش بازی در چهارشنبه سوری و یا هر وقت دیگر و شخص
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۵
مسلمان باید اسلام را بر همه شئون و مراسم مقدّم بدارد و آنچه که ایرانیان قبل از اسلام مذکوره بنام مراسم ملّی و غیره انجام میداده‌اند محکوم اسلام است و اسلام بر آن خط بطلان کشیده و کسی که مجدّداً بخواهد تحت هر نامی و عنوانی آن را احیاء کند بر خلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده است. و اللَّه العالم.

س ۱۴۷۲

اشاره

– برخی معتقدنـد گناهانی مانند بدحجابی در انظار مردم یا پخش نوارهای مبتذل در ماشـین‌ها یا مغازه‌ها یا برپائی مجالس له و لعب و عروسـی که شـئون اسـلامی در آنهـا رعـایت نمی‌شود علاوۀ بر حرمت این اعمال، آنها از باب اشاعه فساد یا اعانت بر اثم نیز گناه محسوب شـده و در حقیقت بـا یک عمل چنـد گناه انجام داده می‌شود که چه بسا گناه اشاعه فساد بزرگتر باشـد. خواهشـمند اسـت ارائه طریق فرمائید.

ج

– تظاهر بگناه که شکستن حریم شرع مقدس و عادی نمودن گناه است و جنبه بدآموزی نیز دارد و اشاعه فساد هم محسوب می‌شود ممکن است از دو جهت گناه باشد بلکه گاهی از جهات متعدده و بالنتیجه حرمت آن شدیدتر است. و اللّه العالم

توقیف و از بین بردن وسائل فساد

س ۱۴۷۳

اشاره

– توقیف نمودن اشـیایی که جنبه حرام دارنـدماننـد فیلم ویـدئو، عکس نامشـروع و نوار ترانه که از نظر شارع مقـدس حرام شـمرده می‌شوند همچنین مواد مخدر بدون اجازه صاحبش و از بین بردن آنها چه حکمی دارد؟ چنانچه به آنان حرام بودن موارد فوق تذکر داده شود و آنان لجاجت به خرج دادند آیا می‌توان اشیاء آنان را غصب نمود؟

ج

– اگر اصـرار بر اسـتفاده از وسائل مذکوره به نحو حرام داشـته باشند چنانکه ممکن باشد و فسادی تولید نشود عکس را می‌توانید از بین ببریـد و نوار یا وسائل دیگر را در صورت امکان پاک کنیـد و بعـد از پاک کردن به جای خود برگردانید و از بین بردن هروئین نیز اشکال ندارد چون منفعت عقلائیه ندارد.

س ۱۴۷۴

اشاره

– برادرم با ویدئو و با ضبط صوت علاوه بر گوش دادن و دیدن
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۶
نوارهای مبتـذل و فیلمهای مربوط به خواننـدگان مبتـذل و فیلمهای نیمه برهنه از زنان، اقدام به تکثیر نوارها برای افراد مختلف کرده

است تصمیم گرفتم که در قالب یک نمایش این ابزار را که باعث فاسد شدن خودش و بچه‌های خواهرم و خانواده‌ام و افرادی که برادرم برای آنها تکثیر می‌کند را از خانه دور کنم.
به این ترتیب که تظاهر کنیم وقتی که آنها برای مهمانی از خانه بیرون رفته‌اند دزد وسایل را ربوده است. و بعد آنها را به جایی که از آنها استفاده درست می‌شود (مثل مدرسه یا مؤسسه تبلیغات اسلامی و ...) بدهیم. از نظر شرعی با توجه به بسته بودن راههای دیگر نهی از منکر عمل ما را درست می‌دانید یا خیر.

ج

– در فرض سؤال اگر بدون دور نگه داشتن وسایل مذکور از او نهی از منکر امکان ندارد می‌توانید آن وسایل را در محلی که از بین نرود و محفوظ باشد بگذارید تا هر وقت مقتضی شد در دسترس و اختیار او قرار دهید ولی استفاده حلال دیگران از آن اگر چه برای تبلیغات اسلامی باشد چون بدون اذن مالک است جایز نیست.

معاشرت با اهل منکر

س ۱۴۷۵

اشاره

– تقریباً دو سال پیش بود که از دفتر حضرت آیت اللَّه العظمی گلپایگانی استفتائی به این مضمون پرسیدم که بنده در شهر دیگری غیر از شهر خود زندگی می‌کنم، در خوابگاه دانشگاه بعضی اوقات هم اتاقیهای من به رادیو که موسیقی پخش میکرد یا نوار موسیقی گوش می‌دادند البته به فتوای مراجعشان این عمل برای آنها اشکال نداشت. در جواب فرموده بودند که اگر شما به اختیار و بعمد گوش ندهید و اگر صدا قهراً به گوش شما بخورد برای شما اشکال ندارد. در مورد این قسمت از فتوا که فرموده‌اند به اختیار و به عمد گوش ندهید– انسان خیلی جاها که می‌رود که در رفتن آنها مجبور نیست امّا می‌بیند که رفتن به آنجا از جهتی منفعتی برای وی دارد مثلًا بازدید از یک نمایشگاه کتاب اگر در اینجا موسیقی پخش میکردند انسان باید ترک کند یا خیر، یا مثلًا به خانه اقوام و آشنایان یا دوستان دعوت می‌شود و در آنجا از رادیو و یا مثلًا تلویزیون
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۸۷
موسیقی پخش می‌شود آیا در اینجا باید مجلس را ترک کند یا خیر؟

ج

– بطور کلّی در مکانها و یا مجالس و منازلی که رفتن به آنجاها ضرورت دارد مثلًا کار لازمی است که باید انجام شود و همچنین در مسافرتهای متعارف حکم همان است که بیان شده و در موارد دیگر مانند رفت و آمد به منزل آشنایان در صورتی که ضرورتی در بین نباشد اگر در نظر آنها هم حرام است باید نهی از منکر نمائید و الّا نباید بروید و اگر آنها بر طبق نظر مرجع تقلید خودشان حرام نمیدانند باید در رفتن بمجالسشان اکتفا بموارد ضرورت و مقدار ضرورت نمائید.

س ۱۴۷۶

اشاره

– ارتباط با بعض ساداتی که نسبت به دین بی‌اعتنا بوده و ارتباط با آنها خوف خطر دوری از دین دارد چگونه است. و آیا سادات به هر طریقی که باشند وجه تمایزی با دیگران دارند؟

ج

– در ارتباط با مواضعی که نسبت به دین و تکالیف دینی دارند تکالیف و وظایف همان است که با دیگران معمول می‌شود باید با شرایط و آداب و مراتب امر به معروف و نهی از منکر عمل نمود مع ذلک احترام از جهت سیادت آنها بطوری که موجب تشویق آنها بر معاصی نشود خصوصاً اگر سبب تنبّه و اتصال آنها شود بمورد است.

س ۱۴۷۷

اشاره

– رفت و آمد در منازل کسانی که نماز نمی‌خوانند چه حکمی دارد؟

ج

– رفت و آمد در منازل کسانی که نماز نمی‌خوانند، به منظور امر به معروف و ارشاد اشکال ندارد بلکه خوب است ولی اگر اصرار بر ترک نماز دارند و در امر به معروف احتمال تأثیر نباشد ترک مراوده نمایند.

س ۱۴۷۸

اشاره

– هم‌نشینی و هم غذا شدن با افراد بی‌نماز جایز است یا نه؟

ج

– همنشینی با بی‌نماز وهم غذا شدن با او بمنظور امر بمعروف و ارشاد اشکال ندارد، بلکه مطلوب است ولی در صورتی که به هیچ‌وجه تحت تأثیر قرار نگیرد معاشرت با او مذموم است.

س ۱۴۷۹

اشاره

– همراهی و رفاقت با کسانی که نسبت به برخی مسائل شرعی و مراجع عظام بی‌اعتنایی می کنند چه حکمی دارد؟

ج

- باید آنها را ارشاد کرد و اگر معلوم شد که مغرضند و تذکّرات سودی ندارد
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۸
لازم است با آنها قطع رابطه شود.

س ۱۴۸۰

اشاره

- قطع رابطه و مراوده بـا خویشاوندانی که نسبت به دین بی‌اعتنا هستند و رابطه با آنان باعث انجام برخی گناهان (غیبت، تهمت و فساد اخلاقی) می گردد چگونه است؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه نتواند با معاشرت سالم و مصون از گناه تدریجاً آنها را ارشاد کند باید قطع رابطه کند.

س ۱۴۸۱

اشاره

- رفتن به خانه اقوامی که بدانیم در صورت رفتن به خانه آنها حتماً گناهی را مرتکب می‌شویم چه صورت دارد؟ (تنها راه دوری از آن گناه نرفتن به خانه آنها است)

ج

- در فرض سؤال نباید برود.

س ۱۴۸۲

اشاره

- من در خانواده ای زندگی می کنم که اکثر اعضاء آن أهل نوارهای مبتذل و فیلمهای منافی عفّت هستند و هنگامی که من در مقابل این اعمال آنها عکس العمل نشان می‌دهم و آنها را امر به معروف و نهی از منکر می کنم در مقابل این کار با آزارها و اذیت‌های آنها مواجه می‌شوم آنها با من بدرفتاری کرده و بر من سختی‌های زیادی را تحمیل می کنند مرا راهنمائی فرمائید.

ج

- در صورتی که ترك منزل موجب عسر و حرج است و احتمال تأثیر نهی از منکر نمی‌دهید، تکلیف از شما ساقط است لکن باید

مراقب باشید خودتان آلوده نشوید و حتی المقدور از محرّمات مذکوره اجتناب نمائید.

بیدار کردن برای نماز

س ۱۴۸۳

اشاره

– اگر شخصی بواسطه بیماری با قرص خواب، خوابیده و اگر هنگام نماز وی را از خواب بیدار نمایند موجب ناراحتی و تشدید کسالت وی گردد آیا باید شخص مذکور را از خواب بیدار نمایند یا نه؟

ج

– در مورد سؤال، چنانچه بیدار کردن شخص مذکور برای او ضرر دارد بیدار
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۸۹
کردن او جایز نیست. و اللّه العالم

س ۱۴۸۴

اشاره

– آیا شخص بیدار وظیفه دارد که شخص خواب را برای نماز بیدار کند؟

ج

– اگر اذیت نمی‌شود بیدار کردن او اشکال ندارد و اما اینکه وظیفه باشد معلوم نیست مگر نسبت به افراد خانواده برای عادت دادن آنها به اداء نماز.

س ۱۴۸۵

اشاره

– شخصی در مسجد خوابیده در موقع اقامه نماز جماعت جایز است بیدار کردن آن شخص یا خیر؟

ج

– اگر موجب اذیت و ناراحت شدن آن شخص نشود بیدار کردن او اشکال ندارد.

دفاع

س ۱۴۸۶

اشاره

- حدّ مقاومت در مقابل جانی یا سارق برای جلوگیری از تجاوز یا هتک ناموس و یا سرقت را بیان فرمایید.
الف- آنجا که احتمال آبروریزی مجنی علیه در کار باشد.
ب- آنجا که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید مجنی علیه باشد.
ج- آنجا که مال زیاد معمولی یا کم مورد تعرض باشد.
د- جایی که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود؟ و اگر از موارد عـدم جواز برخورد با جانی یا سارق باشد تکلیف قاتل مدافع و دم متجاوز چیست؟

ج

- الف و ب اشـکال نـدارد. ج- دفاع جایز است مگر مال بقدری کم باشد که قابل اعتنا نیست. د- دفاع جایز است هر چند منتهی به قتل جانی یا سارق شود و خون آنها هـدر است ولی اگر از موارد عدم جواز دفاع باشد مثل اینکه در دفاع مراعات الاسـهل فالاسـهل (۱- تنبیه و اخطار ۲- صـیحه زدن و تهدید ۳- ضرب با دست ۴- با عصا ۵- با وسـیله‌ای که مجروح کند ۶- قتل) را نکند و از حد کافی و مجاز در دفاع تجاوز کند مدافع ضامن است علی الاحوط. و اللّٰه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۰

س ۱۴۸۷

اشاره

- آیـا در مواردی مثـل شـرب خمر و مسـائلی که بـا ناموس مردم مرتبط است، بازهم بایـد از مرتبه اول امر به معروف و نهی از منکر (یعنی مرحله اظهار تنفر قلبی) آغاز کرد؟

ج

- دفاع از ناموس در صورتی که صـدق فعلی دفاع داشـته باشد جایز بلکه واجب است ولی اگر با مراتب ابتدائی نهی از منکر ممکن است بآن اکتفا شود و در صورت عدم امکان تا قتل شخص مهاجم جایز است و در شرب خمر نیز مراتب نهی از منکر رعایت شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۱
احکام غیر مسلمین
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۳

احکام غیر مسلمین

دست دادن و معاشرت

س ۱۴۸۸

اشاره

– معاشرت با اهل کتاب و هم غذا شدن با آنها چه حکمی دارد؟

ج

– ذبائح اهل کتاب مردار و نجس است و خوردن آن جائز نیست و خودشان نیز بنابر احتیاط واجب نجس هستند بنا بر این هرچه که در حال رطوبت با آن ملاقات نمایند بنابر احتیاط واجب نجس می‌شود.

س ۱۴۸۹

اشاره

– اگر دست تر به در و دیوار یا اشیاء متعلّق به مسیحیان، یهودیان و هندوها بخورد حکمش چیست؟

ج

– با علم به نجاست محلّ باید دست را آب بکشید و الّا لازم نیست.

س ۱۴۹۰

اشاره

– با غیر مسلمان کتابی اگر با دست تر و مرطوب مصافحه نمائیم باید دست خود را آب بکشیم یا خیر؟

ج

– بنا بر احتیاط واجب دست خود را آب بکشید.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۴

س ۱۴۹۱

اشاره

– مردی زرتشتی است که با زن مسلمان می‌خواهد ازدواج موقّت نماید آیا جایز است؟

ج

- ازدواج زن مسلمان با زرتشتی و لو به نحو موقّت باطل است. اللّه العالم

س ۱۴۹۲

اشاره

- آیا به فتوای حضرتعالی زردشتی‌ها در همه مسائل ملحق به اهل کتاب هستند من جمله آیا زردشتی‌ها پاک هستند و آیا ازدواج دائم و موقّت با زن و دختر زردشتی جایز است؟

ج

- زردشتی‌ها مانند اهل کتاب بنابر احتیاط نجس هستند و نسبت بنکاح آنها احوط ترک است چه بنحو دوام و چه انقطاع.

س ۱۴۹۳

اشاره

- نگاه کردن و ازدواج و حکم طهارت و نجاست اهل ذمّه چیست؟

ج

- نگاه به مواضعی از کافره که عادتشان بر عدم ستر آن مواضع است بدون تلذذ و ریبه جائز است و ازدواج موقت با کتابیه جایز است و بطور دوام خلاف احتیاط است و اهل کتاب بنظر این جانب بنابر احتیاط محکوم به نجاستند.

س ۱۴۹۴

اشاره

- متعه اهل کتاب و کافر (کسی که معتقد به ادیان آسمانی نیست) جایز است یا خیر؟

ج

- متعه نمودن اهل کتاب جایز است ولی متعه سایر کفار جایز نیست.

س ۱۴۹۵

اشاره

- رفتن غیر مسلمان و یا اهل تسنن به حرمهای مقدس معصومین علیهم السلام و امامزادگان چه حکمی دارد؟

ج

– نسبت به اهل تسنن مانع ندارد و نسبت به کفار محلّ اشکال است.

س ۱۴۹۶

اشاره

– فرقه‌ای از صابئین در خوزستان می‌باشند آیا این افراد اهل کتاب هستند؟ آیا پاک می‌باشند یا نه؟

ج

– اهل کتاب بودن صابئین برای ما ثابت نیست.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۹۵

فرقه‌های صوفیه

س ۱۴۹۷

اشاره

– نظر مبارک در مورد صوفیه و عقائد آنها چیست؟

ج

– صوفیه با فرقه‌ها و انشعابات بسیاری که دارند اگر چه در انحراف در یک سطح نیستند و بسا برخی از آنان خارج از ربقه اسلام شمرده نشوند در مجموع منحرفند و عقائد خاصه‌ای که دارند غیر اسلامی است.

س ۱۴۹۸

اشاره

– اگر در مسأله غلات و مجسمه و مجبره و صوفیه که مرحوم سید در عروه دارد نظری دارید مرقوم فرمائید.

ج

– نظر حقیر همانند نظر شریف استادنا الاعظم الزعیم الاکبر آیت اللّه العظمی بروجردی– قدس سرّه– با نظر مرحوم سید صاحب عروه– اعلی الله مقامه– مطابق است، مع ذلک به مؤمنین توصیه می‌نمایم که بطور کلی اگر چه ترتیب آثار کفر و احکام کافر همانطور که در عروه فرموده است با عدم التزام و عدم التفات به لوازم فاسده این عقاید بر آنها نشود، از معاشرت و مجالست و

مخصوصاً مزاوجت و رفاقت با آنها جداً پرهیز و احتراز نمایند که معرض خطرات و مفاسد بزرگ است.

س ۱۴۹۹

اشاره

- نظر حضرتعالی در مورد بر خورد با بهائیت و تصوّف چیست؟

ج

- بطور کلی برخورد مساعدتی و موافقت‌آمیز و هر ارتباطی که موجب ترویج و تقویت فرق ضاله باشد جائز نیست و ترک مصاحبت و مجالست با آنها لازم است.

س ۱۵۰۰

اشاره

- رفتن به خانقاه دراویش (صوفیه) جهت استماع مرثیه و سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام، یا اقامه فاتحه و شرکت در آن جایز است یا خیر؟

ج

- ترویج باطل است و جائز نیست.

س ۱۵۰۱

اشاره

- کمک به ساختمان خانقاه دراویش و هرگونه مساعدت‌های جنسی به آنان چگونه است؟

ج

- کمک به ساختمان خانقاه و همچنین هر کمک جنسی که مربوط به مسلك و مرام آنها باشد جائز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۶

س ۱۵۰۲

اشاره

- در مجالس صوفیه، شرکت کردن و یا جنس خریدن از آنها جایز است یا نه؟

ج

– شرکت در مجالس آنها جائز نیست و جنس خریدن هم اگر موجب تقویت آنها بشود جائز نیست.

س ۱۵۰۳

اشاره

– سه سال پیش به علت عدم آگاهی به حکم شرعی مسأله، خانمی را از اهل فرقه عَلیُ‌اللهی) به صورت عقد عادی به عنوان همسری انتخاب کرده‌ام در این مدت به علت داشتن مذهب خاص خودش به انجام تکالیف شرعی مقید نیستند نماز نمی‌خواند، روزه نمی‌گیرد و سایر تکالیف شرعی را انجام نمی‌دهد و از فرقه خود پیروی می‌کند بنابراین: آیا عقد ما صحیح است یا خیر؟ اگر باطل است حق مهریه و سایر حقوق را دارند یا نه؟ تکلیف بچه‌های ما چیست؟

ج

– به طور کلی در نظیر مورد سؤال، چنانچه زوجه واقعاً حضرت امیر المؤمنین (ع) را خدا بداند عقد باطل و جدایی زوج از او لازم است و محتاج به طلاق نیست و چون زوج نمی‌دانسته و ازدواج نموده بچه در فرض سؤال ملحق به پدر و شرعاً محکوم به حلال زاده بودن است و نسبت به لزوم پرداخت مهریه با اینکه زوجه موصوفه محکوم به کفر است وجهی به نظر نمی‌رسد. و اللَّه العالم

س ۱۵۰۴

اشاره

– آیا فرقه‌ای که خود را اهل حق می‌نامند مسلمانند یا نه؟ و اگر مسلمانی، از این فرقه را بکشد قصاص نمودن آن مسلمان جایز است؟

ج

– در مورد سؤال، کسانی که حضرت علی علیه السلام را خدا می‌دانند و یا منکر یکی از ضروریات اسلام باشند محکوم به کفر هستند و مسلمان را به جهت قتل کافر نمی‌شود قصاص کرد ولی حاکم شرع طبق موازین می‌تواند قاتل را تعزیر نماید.
و اللَّه العالم

س ۱۵۰۵

اشاره

– فرقه «علی اللهی» که معروف به اهل حق می‌باشند، عده‌ای از آنها در استانهای متعدد کشور (همدان، کرمانشاه، سنندج، کنگاور)

و روستاهای آن منطقه سکونت دارند و عقیده اینها بر این است که نه به اصول دین و نه به فروع دین) و سایر احکام اسلامی از قبیل غسل و غیره عمل نمی‌کنند، آیا ازدواج با آنها

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۷

یا بالعکس چه حکمی دارد و غذا خوردن و معاشرت با آنها چه حکمی دارد.

ج

- اگر فرقه مذکوره، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خدا بدانند یا منکر ضروری دین مانند نماز و روزه و مانند اینها شوند کافرند و واضح است که ازدواج با آنها جائز نیست و باطل است و اگر آن بزرگوار را خدا ندانند و منکر ضروری دین هم نشوند چون انحرافات عقیدتی و اخلاقی و عملی بسیار دارند ازدواج با آنها محلّ اشکال است بلکه اجتناب از آن لازم است بلی افرادی از آنها که قائل بشهادتین میباشند و اقرار بعقائد باطله و انکار ضروریات دین از آنها ثابت نیست محقون الدم و مال و جان و عرضشان محترم است.

س ۱۵۰۶

اشاره

- آیا بلند گذاشتن شارب تا روی لب استحباب دارد یا نه؟

ج

- استحباب ندارد و به عنوان تشبه به فرقه صوفیه حرام است.

س ۱۵۰۷

اشاره

- این جانب مدتی است در خصوص فرقه‌های دراویش تحقیق می‌نمایم که یک فرقه علی‌اللهی هستند و فرقه دیگر ۶ امامی و قادریه، خاکساری و ... ولی با فرقه‌ای که خود را کامل‌ترین و بهترین شیعه‌ها می‌دانند فرقه سلسله نعمت اللهی معروف به ۱۲۱ بیشتر ارتباط داشته و تحقیق نمودم طبق تحقیقات این حقیر اکثر دراویش این سلسله که این جانب با آنها ارتباط داشته‌ام در شریعت خیلی ضعیف هستند و گاهاً اعتقادی هم ندارند چرا که اظهار میدارند شریعت ظاهر است. و در همین رابطه وقتی سؤال می‌کنیم مقلد چه کسی هستید می‌گویند در حال تحقیق برای پیدا کردن مجتهد عادل و اعلم هستیم و فعلًا به احتیاط عمل می‌کنم و دستورات دینی را از نماینده قطبمان سؤال می‌کنیم چرا که قطب ما نائب امام زمان (عج) است و اکثر علماء و مجتهدین این امر را تائید نموده‌اند (البته به گفته دراویش) که این جانب کتب آن فرقه را تهیه و مطالعه و به مطالبی برخورد کرده‌ام که از حضرتعالی استدعا دارم این حقیر را راهنمایی و رهنمود فرمائید.

قطب آنان مصاحبه‌ای انجام داده که در یکی از کتاب‌های آن فرقه به چاپ رسیده البته قطب مذکور مرحوم گردیده ولی جانشین آن کاملًا اعتقاد به مطالب فوق‌الذکر دارد. متن مصاحبه به پیوست ارسال و سؤالاتی در خصوص متن مصاحبه مطرح می‌گردد.

۱- در سؤال ۴ مصاحبه مطرح شده که ما دستورات ظاهری را از مجتهدین می‌گیریم و آنها باید دستورات باطن و ..، را از ما بگیرند نظر جنابعالی در این خصوص چیست.

۲- در سؤال ۶ مصاحبه مطرح شده که ما جانشین امام زمان (عج) هستیم و اجازه‌نامه کتبی داریم خواهشمند است مرقوم فرمائید صحت دارد یا خیر؟

۳- در سؤال ۸ مصاحبه عنوان شده اجازه‌نامه در این زمان موجود است، چرا علماء در این خصوص پی‌گیری نمی‌کنند تا صحت آن یا عدم صحت آن را به مردم ابلاغ دارند؟

۴- در سؤال ۱۲ مصاحبه مطرح شده جانشین قطب با الهام از خداوند تعیین میشود آیا صحت دارد که از طرف خداوند وحی میشود چگونه؟

ج

۱- مندرجات در جواب سؤال ۴ صحیح نیست و آنچه عقل و نقل در روایات معصومین سلام الله علیهم اجمعین بر آن دلالت دارد ارجاع عموم مردم به علماء و مجتهدین شیعه است و در این جهت أئمّه علیهم السّلام تفصیلی بین ظاهر و باطن نداده‌اند و اینکه در اصلاح باطن باید بما مراجعه شود ادعای بدون دلیل، بلکه معلوم العدم است و هرکس به مجتهدین مراجعه و بر طبق نظرات آنها عمل نماید ظاهر و باطنش هر دو کامل میشود و اللّه العالم.

ج ۲ و ۳- مطلب مذکور در جواب سؤال ۶ صحت ندارد و اجازه مذکور در سؤال ۸ مطلقاً جعلی است و اگر چنین امری واقعاً وجود داشت در اخبار و آثار أئمّه علیهم السلام دیده می‌شد و در زمان غیبت کبری امام زمان سلام الله علیه جانشین خصوصی ندارد و در اخبار و روایات دستور داده‌اند کسی که چنین ادعائی کند او را تکذیب کنید.

ج ۴- الهام الهی که قابل اتباع است مخصوص انبیاء و ائمّه علیهم السلام است و الهام در قلوب غیر این بزرگواران ثابت نیست که الهام الهی باشد و حجیّت ندارد و ظاهراً اشخاص مذکور، چون دلیلی برای اثبات مدعای خود ندارند متوسّل به اینگونه امور (الهام) می‌شوند که خود را از مضیقه اثبات مدعی راحت کنند شما ملاحظه نمائید در کلمات خدای متعال در قرآن و کلمات حضرت رسول اکرم و أئمّه هدی علیهم صلوات الله سفارش ساختن مساجد فراوان است و عین و اثری از ساختن مراکزی که اینان می‌سازند وجود ندارد.

لازم به تذکر است که بر سایر بندهای این مصاحبه نیز اگر اصل آن جعلی نباشد اشکالات بسیار وارد است از جمله اینکه می‌گوید: جانشینی به ارث نیست ولی اتفاقاً اجازه من از پدر و جدّ رسیده بعد از او هم که به پسرش رسیده می‌گوید اتفاقی است و بعد از او که به پسر پسرش رسیده باز هم اتفاقی و پس از پسرش که پسر دیگرش مدّعی شده باز هم اتفاقی است.

خلاصه حرف‌های سست و بی‌پایه این فرقه واقعاً مضحک است شما اگر بخواهید مختصری از وضع دراویش و دعاوی مضحکه آنها اطلاع پیدا کنید می‌توانید به کتاب خیراتیّه و کتاب فضائح الصّوفیه یا حدیقهٔ الشیعه و کتاب‌های دیگر مثل عرفان و تصوّف و کتاب صوفی و عارف چه می‌گوید و کتاب‌های عباسعلی کیوان که از بزرگان آنها بود و بعد از آنها برگشته و کتابی که اخیراً بنام «از کوی صوفیان تا حضور عارفان» تألیف سید تقی واحدی صالح علی شاه است مراجعه فرمائید.

فرقه ضاله بهائیت

س ۱۵۰۷

اشاره

– بسیاری از بهائیون مقیم جمهوری اسلامی اظهار می‌دارند که ما تابع قوانین عمومی ایران بوده و هیچ تخلفی را مرتکب نشده‌ایم لیکن متحمل تضییع حقوق هستیم آیا اصولًا بهائیون بالاخص بهائیت مقیم ایران اهل ذمّه محسوب می‌شود یا خیر؟ و آیا پرداخت دیه به اولیای دم شخص بهایی ضروری است یا خیر؟

ج

– بهائی‌ها اهل ذمّه نیستند و دیه ندارند اهل ذمّه بر یهود و نصاری و مجوس اطلاق می‌شود به شرط اینکه مقرّرات شرعی ذمّه را عمل بنمایند. و اللَّه العالم

س ۱۵۰۸

اشاره

– آیا عدم پذیرش درخواست انحصار وراثت از ورّاث بهائی توسط محاکم دادگستری محمل شرعی دارد؟

ج

– درخواست انحصار وراثت اگر برای تعیین ورثه مسلمان او باشد مانعی ندارد ولی اگر برای تعیین بازماندگان بهائی او باشد چون توارث بین آنها مشروعیت ندارد قبول درخواست مذکور جایز نیست. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۸

س ۱۵۰۹

اشاره

– آیا پذیرش بهائیون و ثبت نام آنها در از مؤسسات آموزشی بر طبق مصالح و موازین اسلامی است؟

ج

– ثبت نام آنها به عنوان بهائی که یک سازمان جاسوسی و ضدّ اسلامی است جایز نیست و خلاف مصالح اسلامی و اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

و اللَّه العالم

س ۱۵۱۰

اشاره

- وظیفه مسلمان در برخورد با فرد بهائی در موارد زیر چیست؟ خریدوفروش مسائل مربوط به اجاره و عاریه نسبت به لوازم زندگی پذیرفتن هدایای آنان.

ج

- در صورتی که امور مذکوره در سؤال موجب تقویت آنها بشود جائز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۵۱۱

اشاره

- نظر شما پیرامون گفتگو و دست دادن و اظهار دوستی با فرقه ضاله بهائیّت چیست؟

ج

- اظهار دوستی با بهائی با دست دادن و صورتهای دیگر جایز نیست.

کتب ضلال

س ۱۵۱۲

اشاره

- نظر خود را در مورد خواندن کتابهایی که باعث بازشدن ذهن خواننده نسبت به دسایسی که ابرقدرتها بر ضدّ دیگران به کار می‌برند- مانند کتابهایی که فرضاً یک سیاستمدار یا یک جاسوس نوشته است با توجه به اینکه ممکن است نکات غیر اخلاقی هم تا حدّی در آن باشد- بیان کنید.

ج

- موارد مختلف است باید خصوص هر کتاب مورد سؤال قرار گیرد تا جواب مربوط به آن کتاب گفته شود ولی به طور کلّی مطالعه کتابهایی که ممکن است موجب انحراف در عقیده و یا اخلاق مطالعه گردد جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۵۱۳

اشاره

- آیا خواندن کتب غیر اسلامی مانند بهائیت و کمونیسم و سایر مرامهای الحادی حرام است یا خیر؟

ج

– حفظ و نگهداری کتب ضلال و خواندن آنها حرام است مگر برای کسی که

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۹۹

قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشد و غرض صحیحی – مانند ردّ مطالب باطله – داشته باشد. و اللَّه العالم

س ۱۵۱۴

اشاره

– ملاک مضل بودن کتاب چیست؟

ج

– ملاک مضلّ بودن کتاب آن است که مشتمل بر مطالبی باشد که معرضیت گمراه نمودن خواننده را از نظر مذهبی داشته باشد. و اللَّه العالم

س ۱۵۱۵

اشاره

– خریدوفروش کتب صوفیه و مطالعه آن چه حکمی دارد؟

ج

– طبع و نشر و خرید و حفظ و مطالعه کتب صوفیه حرام است و کتابهایشان حکم کتب ضلال را دارد که مطالعه آن فقط برای اهل نظر جهت ابطال باطل آنها جایز است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۱

حقوق پدر و مادر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۳

حقوق پدر و مادر

س ۱۵۱۶

اشاره

– نیکی به پدر و مادر تا چه حد لازم است؟

ج

- پدر و مادر در صورتی که عاجز از اراده امور زندگی خود باشند واجب النفقه فرزند هستند و اما حدود احسان به آنها را می‌توان از این دو آیه کریمه به ضمیمه روایاتی که در شرح آنها وارد شده فهمید: (و قضی ربک إلّا تعبدوا إلا إیّاه و با والدین احسانا امّا یبلغنّ عند الکبر احدهما أو کلاهما فلا تقل لهما افّ و لا تنهرهما و قل لهما قولًا کریماً و اخفض لهما جناح الذلّ من الرحمهٔ و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً- آیات ۲۳ و ۲۴ از سوره بنی اسرائیل) خلاصه معنی آیات و شرح آن بضمیمه روایات این است- ای انسان اگر پدر و مادر نزد تو زندگی کردند تا پیر شدند یا یکی از آنها زندگی کرد و پیر شد یعنی بجائی رسیدند در پیری که مانند بچه احتیاج به کسی دارند که از آنها تعهّد نماید و به آنها برسد، به آنها (افّ) نگو یعنی کلامی که انزجار از آن فهمیده شود نگو در حدیث وارد شده اگر در مقام چیزی آسان‌تر از (افّ) و کمتر از آن بود خداوند آن را می‌فرمود حاصل این که والدین را به هیچ قلیل و کثیری آزار نکن و بعضی فرموده‌اند یعنی اگر خود را به بول و غائط آلوده کردند، استقذار نکن و آنها را پاکیزه کن همانطور که آنها تو را در

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۴

حالی که طفل بودی از قذارات پاکیزه می‌کردند و نیز آنها را با غلظت و فریاد زدن ناراحت نکن و اگر چیزی خواستند مضایقه منما و با آنها به گفتار نرم و لطیف و خوب که متضمّن کرامت و عزت آنها باشد تکلم کن و در تواضع و کوچکی قولی و عملی و محبّت به آنها مبالغه کن همانطور که در زمان کودکی تو، آنها با تو اینگونه رفتار می‌کردند و صدای خود را بلند نکن و از آنها تقدّم نگیر و در حقشان چه در حال حیات و چه بعد از مرگشان به طلب رحمت و مغفرت دعا کن در مقابل زحماتی که برای تربیت تو در زمان کودکیت تحمل نموده‌اند و خداوند در این آیات فرزندان را به احسان به والدین سفارش نموده ولی سفارش فرزندان را به والدین نکرده چون محبّت والدین به فرزند زیاد است و محتاج به سفارش نیست ولی محبّت فرزند به والدین کمتر و محتاج به سفارش است و توصیه نسبت بخصوص حال پیری والدین برای این است که در دوران پیری به خاطر ضعفی که دارند و تحمیل به فرزند هستند احتیاجاتشان بیشتر است و الّا در همه احوال (پیری و قبل از پیری) باید مورد محبّت فرزندان قرار گیرند در امور مباحه خواست آنها را بر خواست خود مقدّم بدار و تمام آنچه بیان شد مصداق احسان و برّ به والدین است، و در ضمن حدیثی قریب باین مضمون وارد شده که شخصی به خدمت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله مشرف شد و عرض کرد یا آیا بعد از این که پدر و مادرم از دنیا رفتند آیا بازهم من وظیفه‌ای که در رابطه با آنها بر عهده‌ام باشد دارم فرمود بلی برای آنها استغفار کن و دوست آنها را اکرام کن. و اللّه العالم

س ۱۵۱۷

اشاره

- اطاعت از والدین تا کی واجب است؟

ج

- همیشه واجب است یعنی اگر فرزند پیر هم شده باشد باید از پدر و مادر اطاعت کند.

س ۱۵۱۸

اشاره

- حق پدر و مادر در مقابل فرزند چه چیزهایی است؟

ج

- بر فرزند واجب است پدر و مادر را در غیر آنچه معصیت است اطاعت کند و اگر فرزند هم متمکن است و آنها فقیرند مخارج آنها را بدهد و کاری که موجب اذیّت آنها است هر چند آن کار، فی نفسه جایز باشد انجام ندهد و بعد از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۵
مرگ آنها هم فراموششان نکند. و اللّه العالم

س ۱۵۱۹

اشاره

- حق یک فرزند به گردن پدر و مادر چه چیزهایی است؟

ج

- پدر و مادر باید بچه را به آداب دینی تربیت کنند و نام خوب برایش انتخاب کنند و اگر احتیاجات لازم در زندگی برای خوراک و پوشاک و مسکن دارد در حدّ توانایی تأمین کنند. و اللّه العالم

س ۱۵۲۰

اشاره

- پدر و مادرم از نماز شب خواندن من اظهار نارضایتی می‌کند زیرا بمجرد کوچکترین صدایی از خواب بیدار میشوند و من نمی‌توانم رضایت آنها را جلب کنم، تکلیف من چیست؟

ج

- نماز شب عمل بسیار مطلوبی است لکن اگر مستلزم مزاحمت برای پدر و مادر باشد مطلوب نیست، بلی اگر بتوانید طوری عمل کنید که اسباب زحمت آنها نباشد مثلًا محل خواب و وضو گرفتن و انجام نماز را تغییر دهید حتی المقدور نماز شب را ترک نکنید. و اللّه العالم.

س ۱۵۲۱

اشاره

- آیا اطاعت امر و حکم پدر شوهر و مادر شوهر مثل حکم شوهر برای عروس، لازم است؟ یا خیر؟

ج

- اطاعت پدر و مادر شوهر بر عروس لازم نیست. و اللّٰه العالم

س ۱۵۲۲

اشاره

- دختری که کارمند است و زحمت خانه‌داری را هم دارد نمی‌تواند زود به زود به منزل پدرش برود و پدر هم از این وضع ناراضی است آیا شرعاً معصیتی مرتکب شده است؟

ج

- چنانچه دختر کوتاهی و مسامحه در رفتن پیش پدر نکند معصیتی نکرده ولی باید سعی کند که بواسطه عذرهای بی‌مورد و سرگرمی به امور مادّی خود را از خدمت به پدر و ترضیه خاطر او محروم نکند و در معرض عاق پدر شدن قرار ندهد.

س ۱۵۲۳

اشاره

- رفتن به کلاس قرآن برای قرائت صحیح لازم‌تر است یا اطاعت والدین؟

ج

- در صورتی که همزمان باشد اطاعت والدین مقدم است بلی اطاعت والدین در ترک واجب یا فعل حرام جائز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۶

س ۱۵۲۴

اشاره

- برای محصلی که نمی‌تواند در کنار پدر و مادر ادامه تحصیل بدهد و باید نظیر طلاب خارجی از پدر و مادر دور باشد تحصیل بدون رضایت پدر و مادر جایز است یا نه؟

ج

- اگر تحصیل علوم دینی برای آنها واجب عینی نباشد و پدر و مادر از مسافرت برای تحصیل منع می‌کنند و مخالفت آنها موجب اذیت و آزار پدر و مادر می‌شود رضایت آنها را تحصیل نمایند. و اللّٰه العالم.

س ۱۵۲۵

اشاره

- آیا رضایت والدین برای شرکت در کلاسهای ورزشی لازم است؟

ج

– اگر والدین منع کنند و شرکت واجب نباشد و مخالفت موجب عقوق و اذیت آنها شود شرکت جایز نیست.

س ۱۵۲۶

اشاره

– اگر پدر یا مادر به فرزند بگوید که من راضی نیستم که نمازهایت را در خانه بخوانی و باید نمازهایت را در مسجد بخوانی، آیا بر فرزند واجب می‌شود که در مسجد نماز بخواند؟ اگر در منزل نماز خواند حکم نماز او چیست؟

ج

– در فرض سؤال، اگر پدر و مادر از مخالفت در موردی که امر می‌کنند جدّاً اذیت بشوند، نباید مخالفت کرد. و الله العالم

س ۱۵۲۷

اشاره

– اگر پدر یا مادر بر فرزند امر کنند که کار مستحبّی را انجام بدهد مثلًا صدقه بدهد یا روزه بگیرد و یا ... آیا این فرزند باید این فرمان را اطاعت کند؟ اگر تمکّن انجام این کار مستحبّ را نداشته باشد وظیفه او چیست؟

ج

– اگر متمکن نباشد واجب نیست. و الله العالم

س ۱۵۲۸

اشاره

– اگر پدر و مادر به قصد توهین و تحقیر به فرزندشان ناسزا و فحش بگویند یا اینکه او را کتک بزنند در این صورت وظیفه فرزند چیست؟ آیا اجازه جواب دادن دارد یا نه؟

ج

– نباید به پدر و مادر توهین کرد و البته سزاوار نیست پدر و مادر هم بدون دلیل شرعی موجب نارضایتی فرزند را فراهم نمایند و اگر ضرب و شتم به حدی باشد که سرخ یا سیاه یا مجروح شود موجب دیه نیز می‌گردد. و الله العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۷

قوانین و مقررات جمهوری اسلامی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۰۹

قوانین و مقررات

انتخابات

س ۱۵۲۹

اشاره

- نظر حضرتعالی در مورد رأی دادن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری چیست؟

ج

- باید مردان متدیّن و صالح که کفایت محافظت از قوانین اسلام و حقوق ضعفاء و شئون جامعه اسلامی را داشته باشند انتخاب شوند.

س ۱۵۳۰

اشاره

- کسی که شناخت کامل نسبت به نامزدهای ریاست جمهوری یا نمایندگان مجلس ندارد و تنها اطلاع او بر اساس پوسترهای تبلیغاتی است می‌تواند به چنین شخصی رأی بدهد؟

ج

- به مردی که به او شناخت کامل و لازم دارد رأی بدهد. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۰

رعایت قوانین

س ۱۵۳۱

اشاره

- رعایت قوانین جمهوری اسلامی تا چه حد لازم است؟

ج

- رعایت قوانین جمهوری اسلام لازم است مگر موردی که خلاف شرع باشد.

س ۱۵۳۲

اشاره

– تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی و بطور کلی قوانین جمهوری اسلامی چه حکمی دارد؟

ج

– تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی و همچنین سایر قوانین مشروعه جایز نیست.

س ۱۵۳۳

اشاره

– چنانچه یکی از کارکنان بانکها یا مؤسسات دولتی با استفاده از اسم و عنوان و تخصص خود در ساعات غیر اداری برای کسی که مشتری بانک یا مؤسسه است کار کند و حقوق دریافت نماید در صورتی که در بانک یا مؤسسه خود به تخصص او نیاز باشد و حاضر به انجام کار اضافی نگردد آیا حقوق دوم او چه وضعی دارد حلال است یا حرام؟

ج

– جائز است کارمند در غیر ساعات اداری برای دیگران کار کند، و شرعاً ملزم بقبول اضافه کار در اداره نیست.

س ۱۵۳۴

اشاره

– آیا دولت را مالک میدانید یا خیر؟

ج

– بطور کلی جهت مالک است دولت باشد یا غیر آن لکن هرگونه تصرّف در آن محتاج باجازه مجتهد جامع الشرائط است.

س ۱۵۳۵

اشاره

– در عصر فعلی که مردم برای گرفتن کوپن از بانکها و یا برای گرفتن ارزاق عمومی از مغازه‌ها و یا نانوائیها صف می‌کشند آیا رعایت حق تقدم در این موارد واجب است یا خیر؟

ج

– در موارد مذکور بنابر احتیاط حق تقدم مراعات شود. و اللَّه العالم

س ۱۵۳۶

اشاره

– اگر شخصی از تحویل بلیط اتوبوس واحد استنکاف نماید از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج

– استنکاف از پرداخت بلیط جایز نیست و موجب ضمان مسافر می‌گردد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۱

س ۱۵۳۷

اشاره

– آیا دولت اسلامی می‌تواند به علت مصالحی مهم، صحت بعض عقود یا ایقاعات (مثل ازدواج یا طلاق) را منوط به ثبت در دفاتر رسمی کشور یا منوط به گذراندن مراحلی خاص کند؟

ج

– صحت عقد و ایقاع موقوف به ثبت در دفتر نیست. و اللَّه العالم

س ۱۵۳۸

اشاره

– کارمندی که چندین بار کار محوله را صحیح و کامل انجام نداده ولی حقوقش را دریافت کرده چگونه باید جبران نماید؟

ج

– باید از حقوقی که گرفته به نسبت کم کاری برگرداند و اگر برگرداندن انسان به اداره مربوطه موجب سوء استفاده اشخاص دیگر باشد به حساب دولت واریز کند. و اللَّه العالم

س ۱۵۳۹

اشاره

– اگر کارمندی در جمهوری اسلامی ایران، به دلیل مشکلات اجتماعی و خانوادگی نتواند کار خود را ادامه دهد و با استعفایش نیز

موافقت نشود آیا جایز است با عدم حضور در محلّ کار باعث اخراج خود گردد؟

ج

- در مورد سؤال اگر مدت اجیری موقع استخدام دقیقاً ذکر نشده عدم حضور با عدم اخذ اجرت که باعث اخراج او بشود حرام نیست. و اللّه العالم

رشوه

س ۱۵۴۰

اشاره

- اگر در اداره‌ای کار مرا راه نمی‌اندازند مگر با گرفتن پول آیا این پول را میشود بعنوان صدقه داد؟ و با اطمینان به پایمال شدن حق، آیا شخص میتواند با دادن رشوه به صورتهای گوناگون، حق خود را بگیرد و از پایمال شدن حق خود ممانعت کند؟

ج

- اگر رسیدن بحق مسلّم و مشروع بدون پرداخت وجهی به کسی که اداء یا احقاق حق با اوست میسّر نمی‌شود جایز است ولی بر گیرنده پول حرام است.

س ۱۵۴۱

اشاره

- پرداخت رشوه به جهت طفره رفتن از خدمت سربازی چه صورتی دارد؟ بر فرض حرام بودن پرداخت رشوه آیا گرفتن این کارت معافیت نیز محذور شرعی دارد؟

ج

- بطور کلی عمل بر خلاف مقرّرات مشروع نظام اسلامی جائز نیست و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۲
گرفتن وجه برای دادن کارت پایان خدمت جعلی حرام است.

س ۱۵۴۲

اشاره

- این جانب در یکی از دوایر شهرداری مشغول کار هستم و امرار معاش خود و خانواده از طریق حقوق دریافتی از آن اداره تأمین

می‌شود و در آمد دیگری نـدارم- در شـهرداری مثل همه سازمانهای دیگر برای دریافت عوارض مربوط به امور خدماتی و عمرانی ضوابط و معیارهای مشخصـی وجود دارد، ولی شخصاً شاهد هستم در برخی موارد این قوانین و مقررات رعایت نشده و گاهی بیشتر گاهی کمتر از حد معمول از مؤدیان دریافت می‌شود و نیز مؤدیان در غالب موارد از پرداخت آن وجوهات رضایت ندارند از طرفی حیف‌ومیل‌هائی در بودجه شهرداری صورت می گیرد که غالباً به نفع تعداد معدودی می‌باشد.
الف- آیا حقوق دریافتی من از شهرداری اشکال دارد؟
ب- نظر به اینکه بطور غیر مستقیم در حیف‌ومیـل اموال شـهرداری سـهیم هسـتم آیا ادامه فعالیت حقیر در آن اداره جایز است؟ (در تصمیم گیری ما نقشی نداریم).

ج

الف- چنانچه شغل شما در شهرداری عملی باشد که شرعاً جایز است حقوق شما حلال است مگر اینکه یقین داشته باشید که حقوق شما عین همان پولهائی است که بدون رضایت و یا بر خلاف مقرّرات از اشخاص گرفته‌اند و با عدم یقین اشکال ندارد.
ج ب- اگر در حیف‌ومیل اموال، سـهیم باشـید هر چند بطور غیر مسـتقیم باشد و ادامه فعّالیت شما در آنجا ملازم با حیف‌ومیل باشد یعنی بدون آن، نتوانید شغل خود را ادامه دهید، ادامه فعالیت جایز نیست.

س ۱۵۴۳

اشاره

- اگر شخصـی در شب عیـد مبلغی را با میل و رضای خود و آشـکارا به عنوان عیـدی به مسـئول ارگان، یا اداره و یا بانکی بدهـد و مسئول مربوطه عین مبلغ عیدی را به نسبت بین کارمندان خود تقسیم نماید. آیا از نظر شرع مقدس اسلام رشوه محسوب می‌شود یا خیر؟

ج

- دادن مبلغی به عنوان عیدی و هدیه به کارمندان اداره و یا ارگان و یا بانک
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۳
مانعی نـدارد و عنوان رشوه پیدا نمی کند لکن نباید طوری شود که بر اثر عادت به گرفتن عیدی، کارمندان در انجام امور افرادی که عیدی نمی‌دهند کوتاهی نمایند.
و اللَّه العالم

استفاده از تسهیلات و امکانات دولتی

س ۱۵۴۴

اشاره

- به معلمین مقداری پول به نام حق مسکن میدهند در صورتی که آنها صرف جهت استفاده از مسکن نمی‌کنند آیا گرفتن این پول از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج

- اشکال ندارد.

س ۱۵۴۵

اشاره

- شرکت سهامی مخابرات استان در مهر ماه سال جاری در یک اقدام غیر منتظره تعدادی تلفن موبایل به رؤسای ادارات و مراکز به صورت خارج از نوبت و با نرخ دولتی ۶۲۰ هزار تومان واگذار نمود، طی مدت یک هفته برخی از افراد فوق با فروش تلفنهای مذکور به مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان سودی معادل یک میلیون و یکصد هزار تومان نصیب خویش نمودند. اقدام فوق باعث بدبینی و یأس فراوان در بین مردم خصوصاً افراد حزب اللهی و دلسوز انقلاب گردید. حال با توجه به سود بادآورده یک شبه از بیت المال و دادن امتیاز خاص به افراد خاص و همچنین با توجه به اینکه سال گذشته نیز به تعداد کثیری از افراد مذکور خودروی دولتی تعلق گرفت که اختلاف فروش در بازار با قیمت خرید یک میلیون تومان به بالا بود متمنی است نظر مبارک را درباره اینگونه امتیازات که از بودجه بیت المال داده می‌شود و معاملات مذکور مرقوم فرمایید.

ج

- ظاهر این معامله اعطای حق استفاده از تلفن مذکور به خریدار است بنابراین اگر اعطای این حق برای استفاده به شخص خریدار باشد که غیر قابل واگذاری به دیگری باشد فروش آن به دیگری صحیح نیست و شرکت برای اینکه از این امکانات سوء استفاده نشود لازم است معامله را فسخ و حق اعطا شده را باطل نماید و اگر اعطای حق استفاده از تلفن مطلق باشد و مشروط به عدم واگذاری به غیر نباشد در صورتی که اصل اعطای این امتیازات به اشخاص بر اساس مصلحت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۴
نظام و ملاحظات لازمه مشروعیت داشته باشد واگذاری آن به دیگران به مبلغ بیشتر اشکال ندارد و الا اصل مشروعیت عمل مورد سؤال می‌شود و همچنین است حکم نسبت به واگذاری ماشین به اشخاص به نرخ دولتی. و اللَّه العالم

س ۱۵۴۶

اشاره

- عده‌ای بعنوانهای مختلف مانند: قالی‌بافی، دامداری و غیره وام می‌گیرند و آن پول را در مصرفی غیر از آنچه که بنامش گرفته‌اند صرف می‌کنند و بعضاً هیچ ارتباطی با دامداری و قالیبافی ندارند ولی به دروغ سندی تنظیم نموده وعده‌ای را شاهد می‌گیرند و تحت این عناوین اخذ وام نموده و در مسیرهای دیگر خرج می‌کنند، تکلیف شرعی این وامها چیست؟ مصرف کردن آن در مسیر زیارت و غیره چگونه است؟

س ۱۵۴۷- استفاده کردن از امتیازاتی که گاهی اوقات دولت برای کارمنـدان خود در نظر می‌گیرد توسط افراد عادی و غیر کارمند چه حکمی دارد.

ج

- بستگی به مقرّرات اداره مربوطه دارد. و اللَّه العالم

س ۱۵۴۸

اشاره

- مدتی قبل یکی از دوستان ما می‌خواست به مشهد مقدس جهت زیارت امام علی به موسی الرضا (ع) مسافرت کند. چون خودش کارمند نبود از یکی از دوستان معلمش درخواست کرد تا از اداره آموزش و پرورش معرفی بگیرد و بعد آن شخص با معرفی‌نامه دوستش به مشهد مسافرت کرد و در مدت اقامت در مدارسی که آموزش و پرورش جهت کارمندان خود در مشهد در نظر گرفته بود سکنی گزید آیا اینگونه استفاده از اموال بیت المال را با استفاده از معرفی‌نامه شخص دیگری جایز است یا خیر؟

ج

- بستگی به مقرّرات اداره مربوطه دارد. و اللَّه العالم

س ۱۵۴۹

اشاره

- چون شخص از اول قصد چنین استفاده‌ای را داشته آیا غاصب می‌باشد یا نه؟ تکلیف نمازهایی که با استفاده از آب آن مدرسه وضو گرفته و یا در محل خوانده است چگونه است؟

ج

- چنانچه بر خلاف مقرّرات اداره مربوطه نبوده اشکال ندارد و الّا نسبت به
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۵
تصرّفات مذکوره ضامن است و نمازها را هم باید اعاده نماید. و اللَّه العالم

س ۱۵۵۰

اشاره

- آیا اگر شخصی از اول قصد چنین استفاده‌ای را از اموال بیت المال داشته باشد مسافرتش جزء مسافرت‌های حرام است که باید

نماز را کامل بخواند یا خیر؟

ج

- با فرض اینکه غرض اصلی از مسافرت زیارت می‌باشد سفر حرام محسوب نمی‌شود گرچه با توجه به عدم مشروعیت چنین استفاده‌هایی مرتکب حرام شده است. و اللَّه العالم

س ۱۵۵۱

اشاره

- معلمی که نمی‌دانسته و برای او معرفی‌نامه گرفته است آیا ضامن است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، جهل معلم مرقوم و شخصی که معرفی‌نامه خلاف واقع داده به عدم جواز این استفاده بعید است ولی با پرداخت اجرهٔ المثل به اداره مربوطه از طرف استفاده‌کننده ضمان آنها منتفی می‌شود. و اللَّه العالم

س ۱۵۵۲

اشاره

- چنانچه شرکتی با این هدف که از موقعیت شغلی کارگزاران دولت یا بانکها برای کسب امتیازات مالی و پشتیبانی از برنامه‌های شرکت بهره‌مند شود، آنان را بعنوان عضو هیئت مدیره شرکت معرفی یا انتخاب نموده یا با واگذاری سهام در سرمایه شرکت شریك نماید و آن شخص نیز به هر ترتیب از قصد شرکت آگاه باشد، آیا حقوقی که از طرف شرکت به آنان پرداخت میشود یا اصل و سود سهامی که از طریق مذکور بنام آنها ثبت گردیده برای گیرنده حلال است یا حرام؟

ج

- اگر امور مذکور موجب انجام عملی بر خلاف مقرّرات مشروعه اداره متبوعه نباشد و یا موجب تضییع حقی از مردم و مراجعین اداری او نگردد اشکال ندارد.

س ۱۵۵۳

اشاره

- نماز خواندن بر روی چمنهای پارکها و یا مکانهایی که از نظر قانونی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۶

اشکال دارد (جریمه دارد یا موجب تذکر می‌شود) جایز است یا خیر؟

ج

- با اجازه مسئولین مربوطه اشکالی ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۵۵۴

اشاره

- شخصی فرزند برادر خود را که در خردسالی پدر و مادر را از دست داده است بعنوان فرزند خوانده پذیرفته و نام او را در شناسنامه خود و همسرش آورده است و در حال حاضر چون کارمند دولت است از امتیازاتی که ویژه فرزندان کارمندان دولت است از قبیل دفترچه بیمه و گرفتن وجهی تحت عنوان حق اولاد، استفاده می‌کند، می‌خواهد بداند آیا استفاده از این حقوق که مخصوص فرزندان کارمندان است مجاز و شرعی است یا خیر؟

ج

- وارد کردن نام برادر زاده را در شناسنامه کسانی که واقعاً پدر و مادر او نیستند جایز نیست و بعدها موجب اشکالات بسیاری از جهت محرمیت به اشخاص، ازدواج، ارث و مسائل بسیار دیگری است و اما استفاده از امتیازات ویژه فرزندان کارمندان دولت بستگی به مقرّرات دولت دارد اگر این امتیازات برای اشخاصی است که تحت تکفّل کارمند دولت باشند هر چند فرزند نباشند دریافت آن اشکال ندارد و الّا جایز نیست.

تصرف در اموال و ثروت عمومی

س ۱۵۵۵

اشاره

- آیا کسانی که از روی جهالت و نادانی یا از روی ناراحتی به اموال خصوصی یا دولتی ضرری برسانند و بعداً پشیمان شوند ضامن هستند؟ اگر قبل از بلوغ مرتکب این کار شوند و بعد از بلوغ پشیمان شوند اگر ندانند ضرری که زده‌اند متوجه کدامیک از نهادهای دولتی است وظیفه چیست؟

ج

- بمقدار خسارتی که وارد نموده در صورت امکان به نهاد مربوطه برگرداند و الا در اختیار مجتهد جامع الشرائط بگذارد که بمصرف شرعی برساند. و اللَّه العالم

س ۱۵۵۶

اشاره

- آیا می‌شود مسئول اداره یا ارگانی با صلاح دید خود بودجه بیت المال را صرف افطاری ماه مبارک رمضان نماید؟

ج

- تابع مقرّرات دولت است و در صورتی که بر خلاف مقرّرات باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۷

مدعوّین ضامن هستند و بمقدار ارزش غذائی که مصرف کرده‌اند به اداره یا ارگان مربوطه واریز کنند بلی در صورت جهل مدعوین ضامن به اینکه خلاف مقررات است قرار ضمان بر دعوت‌کننده است بلی اگر مشمول مربوط اجناس را بثمن کلی در ذمه برای خودش خریده باشد و از پول دولت پرداخت کرده باشد خودش هم ضامن دولت است و هم باید بهای اجناس خریداری شده را بفروشنده بپردازد و بمصرف‌کنندگان هم چیزی تعلق نمی‌گیرد در صورت علم بخلاف مقرّرات بودن مرتکب معصیت هم شده‌اند باید توبه کنند.

س ۱۵۵۷

اشاره

- رودخانه‌ای که در مسیر حرکت آن زمینهای کشاورزی از چند روستا به ترتیب واقع شده و در سالهائی که خشکسالی نیست زمینهای کشاورزی همه روستاها از آب همین رودخانه مشروب می‌شوند و گاهی که خشکسالی می‌شود آب رودخانه کفایت تمامی روستاها را نمی‌کند لطفاً بیان بفرمائید آیا لازم است آب رودخانه را کشاورزان چند روستا تقسیم نمایند یا حق استفاده از آب رودخانه با روستائی است که ابتداء در مسیر آب قرار دارد؟

ج

- در مورد سؤال الاسبق فالاسبق در استفاده از رودخانه مقدم است و با عدم اسبقیت الاقرب فالاقرب نسبت به محل استفاده آب مقدم است ولی اگر سیره و معمول محلّ به نحو دیگر است طبق همان عمل شود.

س ۱۵۵۸

اشاره

- اخیراً منطقه ما گروهی مبلغی را به عنوان سهام روی هم گذاشتند و شرکت بهره‌برداری از منابع طبیعی ایجاد کردند و البته پروانه و اجازه فعالیت نیز دارند، آیا از نظر شرع مقدس، گروه کمی از افراد به چنین بهانه می‌توانند از سرمایه بیش از ۶۰ میلیون ایرانی بهره‌برداری کنند و سودش را فقط بین خودشان تقسیم کنند؟

ج

- جنگلهای طبیعی از انفال است و برای همه مسلمین استفاده از آن جائز است، اختصاص دادن آن به بعضی دون بعض جائز نیست بنابراین اگر این اشخاص مانع از حیازت دیگران نشوند اشکال ندارد.

س ۱۵۵۹

اشاره

- با فرض اینکه شرکت آب و فاضلاب به عنوان یک شرکت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۸

خصوصی کنار رودخانه، خیابان و یا مراکز عمومی دیگر شهر اقدام به حفر چاه برای آب آشامیدنی کند آیا مالک چاه می‌شود یا خیر بر فرض مالکیت آیا این چاه نیز حریم دارد؟

ج

- اگر عمل مذکور معارض با منافعی که این اماکن و مراکز برای عموم دارد، مثل صیانت شهر از خطر سیل و آسانی عبور و مرور و جهات لازم دیگر، نباشد حکم سایر تصرفات مباحه در این اماکن را دارد و در مثل رودخانه حصول مالکیّت بعید نیست اما در مثل طرق و شوارع عامه ظاهراً بیش از حق سبق و اولویت و عدم جواز معارضه غیر با سابق حاصل نمی‌شود و لذا فروش چاه‌های مورد سؤال و اجاره دادن آنها جایز نیست و هم چنین جواز منع استفاده دیگران از این محل‌ها در صورت عدم تعارض با شرکت یا فرد سابق محل تأمل است و نسبت به حریم آن تا مقداری که ضرری به چاه اول نداشته باشد حریم معتبر است.

س ۱۵۶۰

اشاره

- اگر به شرکت آب و فاضلاب به عنوان یک شرکت خصوصی یا به فردی خاص اجازه داده شود از آب انهار کبیره که از مباحات عامه است آب شهر را تأمین کند و شرکت مزبور هزینه لوله و لوله‌گذاری کنتور و نصب آن را از مشترکین دریافت نماید:

الف) آیا شرکت یا فرد خاص مالک آب داخل کانال یا لوله می‌شود یا خیر؟

بر فرض ملکیت، با توجه به نقش انحصاری و بدون رقیب وی و ضروری بودن آب برای مشترکین آیا می‌توانند به قیمت دلخواه بفروشد؟

ب) چه معیاری را برای رسیدن به قیمت عادلانه برای آب در موارد فوق معرفی می‌فرمائید؟

ج

- مسأله صوری دارد یک صورت این ستکه شرکت خصوصی عامل که وسایل امکان استفاده دیگران را از انهار کبیره فراهم می‌کند موجب انحصار طریق استفاده دیگران از نهر کبیر نمی‌شود در این صورت نصب تجهیزات لازم برای امکان استفاده از آب و وارد کردن آن در مخازن و لوله‌ها بی‌اشکال است و حیازت آب به این وسیله سبب ملکیت او می‌شود و می‌تواند استفاده از آن به هر قیمتی که با اشخاص تراضی کند واگذار نماید صورت دیگر آنست که اقدام او سبب انحصار استفاده باو شود در این صورت

شرکت خصوصی یا فرد خاص حق این اقدام را
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۱۹
ندارد مگر با اجازه فقیه جامع الشرائط که با رعایت مصالح عامه در مدت معیّن و تحت ضوابطی که همه مقرون بصلاح رفاه عموم باشد و اجحاف و تضییع حق ضعفا نشود اقدام نماید صورت سوم این ستکه امکان برقراری تجهیزات متعدد فراهم باشد و بواسطه همین جهت شرکت‌ها و افراد رغبت به اقدام برای تأمین آب نداشته باشند و مردم در مضیقه باشند در این صورت ممکن است فقیه جامع الشرائط از وجوه شرعیه مثل زکات یا سهم مبارك امام علیه السلام اقدام نماید و سپس آب را به همان قیمتی که فراهم میشود در اختیار مردم قرار دهد.

س ۱۵۶۱

- الف: در آپارتمانی ۵ طبقه زندگی می‌کنیم ساکنین طبقه ۵ ماههاست بعلت نبود پمپ‌آب و عدم فشار آب شهری در طول ۲۴ ساعت طوری است که کمتر از ۵ یا ۶ ساعت آن هم از نیم‌شب به بعد آب دارند. و هنگام پرداخت هزینه کارکرد آب به علت این که کل ساختمان صرفاً دارای یک کنتور آب می‌باشد از همه ساکنین به طور مساوی هر رقمی که سازمان آب اعلام می‌نمایند تقسیم نموده و دریافت میگردد.
۱- ساکنین طبقه‌های بالائی که طبعاً آب کمتری دارند و مصرف کمتر، اظهار می‌نمایند شرعاً به این تقسیم مساوات راضی نیستیم آیا دین شرعی برای طبقات زیرین که دائماً از آب بهره‌مند هستند مفروض است
۲- چنانچه رضایت طبقات فوقانی جلب نگردد تکلیف نماز و وضوی مهمانان قبلی طبقات زیرین، و خود ساکنین طبقات از حیث وضو و غسل چگونه است؟

ج ۱

اشاره

- در مورد سؤال ساکنین طبقات زیری نسبت به زیادی مصرف ضامن هستند. و الله العالم
ج ۲- نماز و وضوی مهمانان اشکال ندارد و همچنین وضو و نماز ساکنین طبقه‌های زیرین نیز اشکال ندارد ولی پول مصرف زائد را ضامن هستند. و الله العالم

س ۱۵۶۲

اشاره

- شخصی یک دستگاه رادیو از امور تربیتی جایزه گرفته است که این جایزه حق او نبوده حال با توجه به اینکه مدتها از آن زمان می گذرد تکلیف این
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۰
شخص برای جبران این گناه چیست آیا می‌تواند مقداری پول برابر با قیمت رادیو به حساب مدرسه‌سازی بپردازد در این صورت آیا قیمت فعلی رادیو باید محاسبه شود یا قیمت قبلی؟

ج

– در فرض سؤال باید عین رادیو را اگر باقی است و الّا مثل آن را به اداره مربوطه برگرداند.

س ۱۵۶۳

اشاره

– آیا دست‌فروشی در پیاده‌روها و مسیر عبور و مرور مردم جایز است؟

ج

– اگر موجب سدّ معبر مسلمین و مزاحمت با عبور اشخاص شود جایز نیست. و اللَّه العالم.

تصرف در اموال دولت غیر اسلامی

س ۱۵۶۴

اشاره

– خوردن مال حکومت غیر اسلامی مثلًا (برق بدون کنتور و امثال آن) جایز است؟

ج

– اگر در حال حرب با دولت مذکور نباشند جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۵۶۵

اشاره

– برداشتن اجناس و وسائل قیمتی که در سرزمینهای غیر اسلامی و غیر مسلمان‌نشین پیدا می‌شوند اگر مورد احتیاج افراد مسلمان باشد و موجب سوء ظنّ نگردد چه حکمی دارند؟

ج

– اگر تصرف در آن معرض سوء ظن دیگران به امانت و صحت عمل مسلمانان باشد به هر ترتیبی که در عرف آنها معمول است عمل شود، و الّا اشکال ندارد.

س ۱۵۶۶

اشاره

– عدم استفاده از بلیط در مترو و اتوبوس داخل شهری یا بین شهری و تصاحب بعضی از اجناس بشکل غیر قانونی در صورت نیاز به آنها و عدم استطاعت مالی در تهیه آن در بلاد کفر چه حکمی دارد؟ (قابل توجه است که درصد دزدیها محاسبه شده در فروشگاها روی قیمت اجناس برده می‌شود).

ج

– مسلمانان در بلاد بیگانه طوری معاملات و معاشرت خود را قرار دهند که
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۱
موجب جلب اعتماد و حسن ظنّ آنها بمسلمین شوند و مسلمانان را صالح و درستکار و امین بشناسند.

احتکار، واسطه‌گری و دلالی و گران‌فروشی و قاچاق کالا

س ۱۵۶۷

اشاره

– آیا احتکار از نظر شرع مقدس اسلام عملی حرام است یا مکروه؟

ج

– احتکار در صورت اضطرار و احتیاج مردم و نبودن کسانی که بمقدار کفایت، اشیاء مورد احتکار را در اختیار مردم بگذارند حرام است و حبس طعام بمنظور بالا رفتن قیمت در صورتی که موجب اضرار بمردم نباشد و حوائج مردم بوسیله غیر محتکر تأمین شود مکروه است و اگر حبس طعام بخاطر صرف در احتیاجات شخصی خود حبس‌کننده باشد نه حرام است و نه مکروه. و اللَّه العالم.

س ۱۵۶۸

اشاره

– آیا موضوع احتکار تنها منحصر به کالاهای مذکور در روایات می‌باشد یا اینکه شامل تمام نیازمندیهای مردم است؟

ج

– احتکار محقق می‌شود به حبس گندم و جو و خرما و مویز و روغن، و همه آنچه که موجب نیاز ضروری عامه است و فقدان یا کمی آن موجب اختلال در معیشت مردم و نظام حیات اقتصادی آنان است ملحق به طعام است. ذکر این مطلب لازم است که جایز نیست محتکر را مجبور به فروش اجناس خود به قیمت معینی کنند بلکه حق دارد بقیمتی که می‌خواهد بفروشد مگر در صورتی که بخواهد اجحاف کند که حاکم شرع جامع الشرائط او را مجبور به ترک اجحاف می‌کند بدون اینکه قیمتی و نرخی برای اجناسش

تعیین کند و اگر امتناع کرد حاکم شرع نرخ تعیین می‌کند نرخی که در آن اجحاف بر خریداران نباشد. و اللَّه العالم.

س ۱۵۶۹

اشاره

– کسانی هستند که واسطه می‌شوند و جنس دولتی را گرانتر از نرخ دولتی به دیگران می‌فروشند، این کار حرام است یا خیر؟

ج

– فروش اجناس دولتی به قیمت گرانتر از قیمت تعیین شده جائز نیست.
و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۲

س ۱۵۷۰

اشاره

– فروش بعضی از داروها منحصراً با تجویز و نسخه پزشک صورت می‌گیرد که فروش آنها بدون نسخه از نظر قانونی منع دارد، برخی نیاز به نسخه پزشک ندارد و می‌توان آنها را بدون نسخه به بیمار داد. قسمتی دیگر از داروها مخدّر است و فقط معتادین استفاده می‌نمایند و در کل موارد یاد شده، بصورت سهمیه به داروخانه‌ها تحویل می‌گیرد و باید به نرخ دولتی در اختیار مردم گذاشته شود. آیا می‌توان آنها را در بازار آزاد به قیمت خیلی بالاتر و در اختیار معتادین با قیمت گران قرار داد یا خیر؟

ج

– در صورتی که با داروخانه شرط شده باشد که به نرخ دولتی و طبق قانون توزیع شود و صاحب داروخانه قبول کرده باشد تخلّف از آن جایز نیست و در صورت تخلّف طرفی که شرط کرده می‌تواند معامله را فسخ نماید. و اللَّه العالم.

س ۱۵۷۱

اشاره

– اگر برای حلوا درست کردن مثلًا ۳ کیلو آرد از نانوائی بخریم آیا اشکال دارد؟

ج

– اگر آرد را دولت به نانوا فروخته و شرط کرده که آن را نان کند و به مردم بدهد بر نانوا فروختن آن جائز نیست و مردم هم نباید آرد را از نانوا بخرند.

س ۱۵۷۲

اشاره

- اجناسی که به قیمت دولتی خریداری می‌شود اگر کسی آنها را در بازار آزاد به قیمت گران بفروشد چه حکمی دارد؟

ج

- این امر بستگی به مقرّرات دولت دارد. و اللَّه العالم

س ۱۵۷۳

اشاره

- این جانب کارگری هستم در یک پمپ‌بنزین مشغول کار هستم کارفرما جنسهایش را از دولت خریداری می‌کند و با دولت قرارداد بسته که جنس آنان را با نرخی که دولت تعیین می‌کند به فروش برساند اما به بنده دستور می‌دهد که از قیمت دولتی گرانتر بفروشم من هم به گفته کارفرما جنسها را از نرخ دولتی گرانتر به فروش می‌رسانم آیا بنده نیز در این مورد مسئولیتی دارم یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، بر شما جایز نیست به دستور کارفرما اجناس را گرانتر از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۳
نرخ دولتی بفروشید ولی به قیمت مصوب هم بدون اجازه کارفرما حق فروش ندارید. و اللَّه العالم

س ۱۵۷۴

اشاره

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۱۲۳
بعضی از تجّار ایرانی جنسهایی به عنوان تجارت از طریق بنادر به ایران وارد می‌کنند در صورتی که از نظر گمرک این اجناس مرجوعی تشخیص داده شوند به علّت عدم ارجاع آنها در بندر، متروکه باقی می‌ماند. گمرک آنها را بعد از مدتی در معرض فروش قرار می‌دهد آیا خرید و تصرف در این چنین جنسها جایز است یا خیر؟ (در ضمن رضایت و عدم رضایت تاجر معلوم نمی‌باشد).

ج

- خرید جنس باید با رضایت مالک شرعی آن باشد بلی اگر یقین حاصل شود که مالک از آن باختیار اعراض کرده تصرّف در آن جایز است. و اللَّه العالم.

س ۱۵۷۵

اشاره

- وارد کردن کالاهائی که دولت ممنوع کرده با پرداخت رشوه به مأمور گمرک برای ورود چنین کالائی جایز است؟

ج

- در این مورد طبق مقررات جمهوری اسلامی عمل شود.

س ۱۵۷۶

اشاره

- خریدن و تصرف در اشیاء مصادره شده توسط نیروهای انتظامی یا گمرک و سایر نهادهای دولتی جایز است؟

ج

- اگر مشروع بودن مصادره محرز نباشد جایز نیست. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۵

مراسم و مجالس مذهبی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۷

مراسم و مجالس مذهبی

مداحی و نقالی

س ۱۵۷۷

اشاره

- نظر شرع را در مورد نقالی بیان فرمائید.

ج

- نقّالی اگر نقل صحیح تاریخ زندگی و اخلاق و سیره انبیاء عظام و ائمه طاهرین علیهم السلام باشد اشکالی ندارد بلکه مفید و مستحب است ولی اگر از روی شمایل و نقش باشد همان ذهنیت‌های غیر واقعی را در اذهان ترسیم می‌نماید و در بعضی موارد خلاف ادب و احترام می‌شود. و اللَّه العالم

س ۱۵۷۸

اشاره

– برخی از ذاکرین در مدائح اهل بیت علیهم السلام تعبیراتی را بکار می‌برند که بنظر می‌رسد با شأن اهل بیت علیهم السلام منافات دارد، آیا بکار بردن اینگونه الفاظ چه صورت دارد؟

ج

– باید از بهترین مدایح که مشتمل بر مضامین صحیح و اقتباس از آیات و احادیث و نکات شعری ادیبانه و دور از غلو است، استفاده شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۸

جشن‌های مذهبی و مجالس مولودی

س ۱۵۷۹

اشاره

– آیا دست زدن در مجالس مولودی ائمه اطهار (ع) جایز است و همچنین اگر در هنگام دست زدن، بدن و شانه‌ها با ریتم شعر تکان بخورد، چه حکمی دارد؟

ج

– لهو است و اشکال دارد و مخصوصاً اشکالش در صورت دوّم بیشتر است و مشابه مجالس رقص و سماع بعض فرق باطله است و علاوه با احترام و قداست این مجالس عزیز مناسب نیست و معلوم نیست این چه گرایشی است که بعضی به امور لهویه و ملاهی پیدا کرده‌اند و چه شیطانی پشت ترویج این حرکات است.

س ۱۵۸۰

اشاره

– چند صباحی است که در ایام موالید ائمه اطهار علیهم السلام مجالس با شکوه و با عظمتی جهت سرور و شادباش می گیرند، امّا در مجالس زنانه، خانم جلسه زنان حاضر در جلسه مکلف می کند که برخیزند و برقصند تا این که حاجت خویش را بگیرند زیرا استدلالشان این است که خود ائمه به ما گفته‌اند در شادی ما شاد و در غم ما غمناک باشید.

ج

– رقص زن فقط برای شوهر به تنهائی جایز است و در سایر موارد حرام می‌باشد، و خوشنودی ائمه اطهار سلام اللّه علیهم اجمعین با

عمل حرام انجام نمی گیرد و آنچه فرموده‌اند یفرحون لفرحنا مقصود این نیست که مجلس معصیت گرفته شود و اعمال خلاف شرع در آن صورت بگیرد کما آن که سیره افراد لاابالی و غیر متشرع در مجالس چنین است خداوند متعال گویندگان و شنوندگان را به آنچه وظیفه شرعی آنهاست هدایت فرماید تا با برداشت غلط از آیات و روایات موجبات اضلال مردم را فراهم ننمایند.

س ۱۵۸۱

اشاره

– در مجالسی که به عنوان تولی و تبری برای خشنودی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برگزار می گردد چنانچه در مجلسی که فقط بانوان شرکت دارند و صدای آنان به نامحرمان نرسد بخوانند و برقصند چگونه است؟

ج

– در مورد سؤال رقصیدن اشکال دارد و خوانندگی هم اگر غنا باشد حرام است و اگر غنا نباشد مانعی ندارد و کف زدن اگر به نحو لهوی باشد اشکال دارد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۲۹

مجالسی که به عنوان تولی و تبری برگزار می‌شود هرچه از محرمات و مشتبهات منزه باشد اولی است.

س ۱۵۸۲

اشاره

– معمولًا در مراسم عید الزهراء سلام اللّٰه علیها کف زدن و پایکوبی و رقص را مستند بحدیث رفع القلم می‌دانند آیا صحیح می‌باشد؟

ج

– عید الزّهراء با سائر ایّام در این جهت فرقی ندارد و مورد رفع القلم نیست.

س ۱۵۸۳

اشاره

– شرکت در مراسمی که بعنوان جشن ولادت ائمه معصومین علیهم السلام جهت شادی به کف زدن و دست زنی نسبتاً شدید مشغول میشوند چه حکمی دارد؟

ج

- اگر کف زدن با نحوه خاصی که تناسب با مجالس لهو دارد انجام شود جایز نیست و شرکت در آن مجلس هم جایز نیست بنحو کلی در اینگونه مراسم مناسب است به ذکر مدایح ائمه علیهم السلام بپردازید که هم موجب سرور است و هم ثواب و نیز یادآوری فضائل آن بزرگواران که موجب تشدید محبّت و ولایت و بالنتیجه تکمیل معرفت خواهد شد و دست زدن بر خلاف شأن اینگونه مجالس است علاوه بر اینکه ممکن است تدریجاً امور دیگری هم که قطعاً جایز نیست در این مجالس وارد شود.

س ۱۵۸۴

اشاره

- ساز و دهل (و ساز نقاره) در روز تولد یکی از ائمه اطهار یا در جشن عروسی جایز است یا نه؟

ج

- استفاده از آلات مذکوره در هیچ روزی جایز نیست.

س ۱۵۸۵

اشاره

- گوش دادن به نوار موسیقی در روز تولد ائمه اطهار یا در جشن عروسی اشکال دارد یا نه؟

ج

- در موارد مذکوره و غیر آن مطلقاً حرام است.

س ۱۵۸۶

اشاره

- در مراسم تولد یا رحلت ائمه اطهار آیا زدن نی اشکال دارد یا نه؟

ج

- در موارد مذکوره و غیر آن مطلقاً حرام است.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۰

عزاداری

روضه‌خوانی

س ۱۵۸۷

اشاره

– این جانب به عنوان روضه‌خوان در مجالس مطالب و روایت‌ها را علی الخصوص ذکر مصیبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را بیشتر از کتاب طریق البکاء ایراد می‌کنم کتاب مذکور تا چه حدّ معتبر و روایت‌های آن صحیح است؟

ج

– کتاب طریق البکاء مشتمل بر ضعاف است جهت ذکر مصائب اهل بیت عصمت علیهم السلام خوب است از کتب مرحوم محدث قمی مثل منتهی الآمال و نفس المهموم که به فارسی هم ترجمه شده و مثل قمقام ذخّار و ابصار العین که آن هم ترجمه شده استفاده شود. و اللّٰه العالم

س ۱۵۸۸

اشاره

– به نظر حضرتعالی خواندن اشعار بی‌معنا و مفهوم توسط افرادی در مجالس عزاداری ائمهٔ علیهم السلام چه حکمی دارد؟

ج

– در صورتی که لغو و بی‌فایده باشد از آن اجتناب شود.

س ۱۵۸۹

اشاره

– روضه‌خوانی زنان در مجالس زنانه چگونه است؟

ج

– روضه‌خوانی زنان در مجالس زنانه در صورتی که نامحرم صدای آنها را نشنود مانعی ندارد. و اللّٰه العالم

لباس عزا

س ۱۵۹۰

اشاره

– پوشیدن لباس سیاه رنگ در عزاداری ایام محرّم و صفر چگونه است (آیا کراهت دارد؟)

ج

– بعنوان عزا و اظهار حزن در مصیبت اهل بیت علیهم السلام رجحان دارد.

س ۱۵۹۱

اشاره

– در ایام محرم و صفر که شخصی لباس مشکی پوشیده آیا اگر با همین لباس نماز بخواند و چون به منظور امام حسین (ع) پوشیده است بازهم برای نماز کراهت دارد؟

ج

– چون بعنوان اظهار حزن پوشیده و از این جهت دارای رجحان است ممکن است در مورد سؤال کراهت آن مرتفع شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۱

س ۱۵۹۲

اشاره

– آیا به نظر جنابعالی پیراهن سفید در ماه محرم پوشیدن مورد اشکال است؟

ج

– اگر به قصد اعراض از عزاداری سیّد الشهداء علیه السلام نباشد اشکال ندارد.
و اللَّه العالم

زنجیرزنی و سینه‌زنی

س ۱۵۹۳

اشاره

– نظر به اینکه روش جمعی از محبین و شیفتگان عزاداری حضرت ابا عبد اللَّه الحسین علیه السلام عزاداری بنحو سنتی اعم از سینه زدن و زنجیر زدن بوده و می‌باشد اخیراً بعضی در زدن زنجیر شبهه کرده‌اند نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

ج

– ان للحسین علیه السلام حرارهٔ مکنونهٔ فی قلوب المؤمنین لا تبرد أبداً سینه زنی و زنجیر زنی در عزای سید مظلومان حضرت أبی عبد الله الحسین سید الشهداء علیه السلام از شعائر مذهبی است و موجب احیاء حقّ و زنده نگهداشتن مراسم عاشورا یعنی بهترین و والاترین جلوه جهاد فی سبیل اللَّه و فداکاری و جانبازی بندگان صالح خدا مخصوصاً حضرت امام حسین و اهل بیت بزرگوارش علیهم السلام و قیام آنان در برابر باطل بگونه‌ای که ابعاد آن قیام الهی فوق حدّ تصور است می‌باشد چنانچه عزاداری بصورت نوحه‌خوانی و گریه کردن و گریاندن بسیار مطلوب و مرغوب و موجب اجر و مورد تأکید ائمه اهل بیت علیهم السلام است.

س ۱۵۹۴

اشاره

– اگر فردی طوری سینه یا زنجیر بزند که بدنش کبود یا قرمز بشود آیا باید کفاره بدهد؟

ج

– اگر ضرر معتد به برای بدن نداشته باشد در عزای حضرت سید الشهداء علیه السلام مانعی ندارد.

س ۱۵۹۵

اشاره

– زدن زنجیر بطوری که پشت انسان سیاه شود در عزاداری چگونه است، حمل عَلَم در دسته‌ها که هم گران قیمت است و هم از نظر وزن سنگین
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۲
است چه صورت دارد؟

ج

– در مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام اشکال ندارد و حمل علم بعید نیست از تعظیم شعائر محسوب شود و بی‌اشکال باشد.

س ۱۵۹۶

اشاره

– حکم جرح و سرخ شدن بدن در عزاداری برای حضرت سیّد الشهداء و معصومین (ع) چگونه است؟

ج

– سرخ شدن بدن و مجروح شدن آن در صورتی که عرفاً قابل تحمل باشد اشکال ندارد.

س ۱۵۹۷

اشاره

– آیا سینه زدن عزاداران حسینی با سینه لخت جایز است؟

ج

– اگر در معرض دید زنان نامحرم نباشد اشکال ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۵۹۸

اشاره

– همان‌طور که مستحضرید در بعضی از دسته‌های عزاداری آقای امام حسین علیه السّلام، گروهی از زنان پشت سر دسته در کوچه و خیابان حرکت می‌کنند نظر جنابعالی در مورد این موضوع چیست؟

ج

- با توجّه باینکه وجوب مثل نماز جمعه از بانوان ساقط است و یکی از حکمتهای آن حضور نیافتن در این مجامع عمومی است اگر بانوان همراه دسته‌جات نباشند به سفارشات اسلامی نزدیکتر است و اگر حضور آنها معرض مفسده و نظر اجانب باشد جایز نیست. و اللّه العالم

تعزیه

س ۱۵۹۹

اشاره

- به مناسبت ایام محرم و صفر و ایام وفات و شهادت ائمه اطهار علیهم السلام مراسم تعزیه برگزار می‌شود و این مراسم به نحوی است که بعضی افراد نقش امام معصوم یا نقش شخصیتهایی برجسته مثل حضرت عباس علیه السلام را اجرا می‌کنند و در بعض تعزیه‌ها کسانی که این نقشها را به عهده می‌گیرند دارای اخلاق و سابقه درخشانی نیستند فقط به جهت اینکه خوب برنامه اجرا می‌کنند آن نقش را بعهده می‌گیرند، نظر مبارک را نسبت به اصل

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۳

موضوع و اینکه نقش امام معصوم را به نمایش می‌گذارند بیان نمائید؟

ج

- بطور کلی تعزیه‌خوانی چنانچه مشتمل بر محرمات نباشد اشکال ندارد. و درخشان بودن سابقه تعزیه‌خوان شرط نیست ولی اگر سوء سابقه خصوص سوء حال فعلی عرفاً توهین باشد نباید آن اشخاص مجری باشند و اصولًا مناسب این است که عزاداری حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام به صورت مجلس روضه‌خوانی برگزار شود تا سخنرانان عالم و وعاظ و روضه‌خوانهای متعهد ضمن ذکر مصائب آن بزرگواران با ذکر فضائل و مناقب و تاریخ زندگی ایشان و بیان احادیث و احکام و تبلیغ معارف اسلام و دفع بدع و شبهات، مردم را آگاه و به مکتب اهل بیت علیهم السلام هدایت و ارشاد نمایند.

آلات لهو در عزاداری

س ۱۶۰۰

اشاره

- استفاده از وسائلی چون طبل، سنج، دوهل و بعضا نی، و دستگاههای دیگر چه حکمی دارد؟

ج

- به مسأله ۲۸۳۳ توضیح المسائل مراجعه فرمائید. و اللّه العالم

س ۱۶۰۱

اشاره

- استفاده از انواع علم‌ها؟ و چلچراغها در دسته‌های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج

- فی حدّ نفسه اشکال ندارد ولی در همه امور رعایت اعتدال و میانه‌روی خوب است و باید عمده نظر به حقایق قیام بزرگ حسینی علیه السّلام و گرفتن درس دین‌داری و فداکاری برای دین و ثواب عزاداری و تعظیم شعائر باشد. و اللّه العالم

س ۱۶۰۲

اشاره

- نظر مبارک راجع به طبل و سنج جهت هماهنگ نمودن سینه و زنجیر زدن در عزاداری ماه محرم چیست؟

ج

- مراسم عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام که به صورت مجالس روضه و سخنرانی و حرکت هیئتهای عزا برگزار می‌شود از شعائر بزرگ مذهب و موجب احیاء آثار اهل بیت علیهم السلام و از علائم شعور دینی و تبلور احساسات مذهبی است باید مظاهر آن مظاهر ایمانی بوده و هر چه از آلایش استعمال این

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۴

وسائل و آلات منزه‌تر باشد و ساده و بی‌پیرایه‌تر برگزار شود شکوه معنوی آن برتر و جلوه‌های آموزنده آن بیشتر می‌شود این پیرایه‌ها و آلایش‌ها خصوصاً استفاده از آلات لهو که شرعاً ممنوع است از حال عزا و سوگواری و توجه به مفاهیم بلند و آموزنده این مراسم مانع می‌شود امید است در برگزاری این شعائر همگان موفق و مشمول عنایات خاصه حضرت بقیة اللّه ارواح العالمین له الفداء باشند.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۵

رادیو و تلویزیون

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۷

رادیو و تلویزیون

[أحكام راديو و تلويزيون

س ۱۶۰۳

اشاره

– نظر شما درباره برنامه‌های تلویزیون و رادیو چیست؟

ج

– برنامه‌ها مختلف است بعضی از آنها اسلامی و بی‌اشکال است مثل برنامه‌های قرآنی و اذان و اخلاقیات و سخنرانیهای مذهبی که اشخاص شناخته شده و مورد اعتماد ایراد می‌نمایند و خلاصه آنچه در چهارچوب تعالیم اسلام موجب تقویت وجدان دینی و معرفت و آگاهی افراد بجریانهای سیاسی و دامهای ابلیسی و انحرافی دشمنان اسلام باشد و سبب شناخت بیشتر انسان نسبت به دین و زندگی سالم و آزاد و ترقی دنیا و آخرت و اینگونه امور گردد و حس استقلال اسلامی و فروتن نبودن در برابر کفار و مستکبرین را تقویت نماید چنان که برنامه‌های خبری و علمی آن نیز اشکال ندارد و کلا آنچه در مسیر تربیت و توسعه بینش افراد باشد مفید است لکن باید از بخشهائی از آن که متضمن غنا و ساز و آواز و استعمال آلات طرب و به اصطلاح موسیقی و لو سنتی باشد اجتناب نمود.

س ۱۶۰۱

اشاره

– نگاه کردن به فیلمها و صحنه‌های تلویزیون و ویدئو که جز اتلاف
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۸
وقت فایده‌ای بر او نیست آیا جایز است یا داخل در «عمره فی ما أفناه» می‌گردد؟

ج

– این فیلمها اگر قبیح و موجب فساد و اختلاف باشند مسلماً پخش آنها و نظر به آنها حرام است و بقیه هم اگر ضرری جز اتلاف وقت و عمر عزیز نداشته باشند برای اینکه شخص عاقل خود را به آن مشغول نکند و بیهوده عمر را تلف ننماید و مداومت و استمرار و اعتیاد به آن پیدا نکند برای لزوم اجتناب از آن کافی است و یکی از مواردی که بر حسب بعض احادیث روز قیامت انسان به غبن خود آگاه میشود از آن روز یوم التغابن نامیده شده همین ساعات عمر است که می‌بینید بی‌حاصل از دستش رفته است و مصداق «ان الانسان لفی خسر» شده است.

س ۱۶۰۵

اشاره

– آهنگهایی که از تلویزیون و رادیو و پخش می‌شود و همچنین فیلمهای خارجی که زنان با سرهای باز و لباسهای ناجور بازی می کنند آیا تماشای این فیلمها اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین سرودهایی که از تلویزیون و رادیوپخش می گردد؟

ج

– چون آهنگهای مورد سؤال نوعاً لهو محسوب می‌شود حرام است و همچنین نظر به فیلمهای مذکور و سائر فیلمهای مبتذل جایز نیست و سرودها اگر به الحان غنا خوانده شود نیز حرام است.

س ۱۶۰۶

اشاره

– گوش دادن به دکلمه زن که از رادیوی جمهوری اسلامی یا نوار مشابه آن پخش می گردد چگونه است؟

ج

– اگر موجب تحریک و خلاف شرع نشود مانعی ندارد.

س ۱۶۰۷

اشاره

– نظر کردن خانمها به فیلمهای ورزشی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود بویژه در ورزش کشتی و شنا که اکثر بدن مردان نمایان است چگونه است؟

ج

– جائز نیست.

س ۱۶۰۸

اشاره

– سرودها و موسیقی‌هائی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود با مجوز وزارت و ارشاد اسلامی و با نامعلوم بودن آلات لهوشان چه حکمی دارد؟

ج

– موسیقی مطلقاً حرام است و سرودها اگر غنا نباشد اشکال ندارد و مجوّز مذکور تأثیری در ملاک حرمت ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۳۹

س ۱۶۰۹

اشاره

- حکم سرودها و موسیقی‌هائی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود چیست؟ غناء مطربیّت شخصی است یا نوعی؟

ج

- در صورتی که همراه موسیقی و یا مشتمل بر غناء باشد جائز نیست و مطربیّت نوعی است. و اللَّه العالم

س ۱۶۱۰

اشاره

- آیا خریدن تلویزیون برای استفاده در منزل مجاز است یا خیر؟

ج

- اگر خرید تلویزیون برای استفاده از منافع حلال آن باشد مانعی ندارد ولی استفاده محرم از قبیل موسیقی و غنا از آن جایز نیست. و اللَّه العالم

فیلم و سینما

س ۱۶۱۱

اشاره

- آیا فعالیت در سینما و تلویزیون شرعاً مانعی ندارد؟

ج

- چنانچه عملی که انجام می‌دهد خلاف شرع نباشد مانعی ندارد. و اللّه العالم

س ۱۶۱۲

اشاره

- مردانی که نقش زنان کفار را به نمایش میگذارند میتوانند لباس زنانه بپوشند؟

ج

– نمیتوانند.

س ۱۶۱۳

اشاره

– نشان دادن چهره کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام در حالات زیر چه حکمی دارد؟

الف: نشان دادن چهره کامل بدون هیچ‌گونه تغییر در چهره‌پردازی (چهره بازیگر بدون گریم کردن و تغییر در نقش ائمه)

ب: نشان دادن چهره کامل همراه با گریم، به گونه‌ای که تماشاگر با کمی دقت مصنوعی بودن آن را بفهمد.

ج– استفاده از اشخاصی که در تمام مدت بازیگری خود فقط نقش ائمه علیهم السلام را بازی کنند.

د: استفاده از بازیگرانی که فقط نقشهای مثبت را بازی می‌کنند.

ج

– نشان دادن چهره حضرت زهرا علیها السلام اهانت به آن حضرت است و باید ترک شود و نشان دادن چهره حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین صلوات اللَّه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۰

علیهم اجمعین چون حاکی از چهره واقعی آن بزرگواران نیست و به اختلاف کسانی که خود را شبیه ایشان می‌نمایند چهره‌های گوناگون که بسا برخی از آنها نامناسب است ارائه می‌شود و اشخاصی که در نقش شبیه آنها عمل می‌کنند گاه در بین مردم اعتبار اخلاقی ندارند و حتی ممکن است اشخاصی باشند که سوابق خوبی در جامعه ندارند و خلاصه به جهات متعدّد که در اینجا مجال شرح آن نیست موجب اهانت و تحریف بعضی حقایق می‌شود لذا مورد تجویز نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۶۱۴

اشاره

– شرایط افرادی که میتوانند در نقش ائمهٔ علیهم السلام ایفاء نقش نمایند چیست؟

ج

– باید طوری باشد که باعث توهین به آن بزرگواران نشود.

س ۱۶۱۵

اشاره

- کسانی که نقش کفار را ایفاء میکنند (با توجه به سؤال قبل) آیا باید دارای همان شرایط باشند یا اینکه هر کسی بدون قید و شرط میتواند در نقش کفار باشد و لو از نظر اجتماعی وجیه نباشد؟

ج

- بملاحظه کفار شرط خاصی ندارد باید مسلمان شرائط و تکالیف اسلامی را رعایت نماید و مواظب باشد که این برنامه‌ها موجب ترویج فساد و اخلاق کفار در بین مسلمین نشود.

س ۱۶۱۶

اشاره

- بازی افراد در نمایشها و فیلمها در نقش زن و شوهر و خواهر و برادر و دیدن آنها را جایز می‌دانید یا خیر؟

ج

- هرگاه اجنبی از یکدیگر و غیر محرم باشند جایز نیست و دیدن آنها بستگی بنحوه پوشش آنها دارد.

رادیوهای بیگانه

س ۱۶۱۷

اشاره

- به نظر حضرتعالی نشر اخبار مستمعه از رادیوهای خارجی که بر ضد حکومت اسلامی تبلیغ می‌کنند در بین مردم عادی چه حکمی دارد؟

ج

- نشر اخباری که موجب ضعف نظام اسلامی می‌باشد جائز نیست.

س ۱۶۱۸

اشاره

- اشخاصی هستند که هرچه از رادیوهای بیگانه می‌شنوند قبول

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۱

می‌کنند و برای کسان دیگر هم نقل می‌نمایند، لازمه پاسخگوئی به این افراد گوش دادن به رادیوهای بیگانه است، آیا گوش دادن

به منظور پاسخگوئی جائز است؟

ج

- بمنظور پاسخ گوئی و رفع اشتباه دیگران جایز است.

س ۱۶۱۹

اشاره

- استفاده مطالب تاریخی و سیاسی از رادیوهای بیگانه جائز است یا خیر؟ زیرا بعضاً دروغ یا تحریف شده می‌باشد و گاهی همراه با آهنگ می‌باشد.

ج

- در صورتی که مشتمل بر آهنگ یا تبلیغات سوء و منحرف باشد جائز نیست. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۳
ورزش
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۵

ورزش

مسابقات ورزشی و تماشای آن

س ۱۶۲۰

اشاره

- ورزش «فوتبال- والیبال» و غیره که برد و باختی در میان نیست صرف ورزش است چه حکمی دارد؟

ج

- صرف ورزش که مشتمل بر فعل محرّم نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۲۱

اشاره

- در بسیاری از کشورها ورزش و بازی، از ارزش بیش از حد برخوردار می‌باشد و در نتیجه جوانهای ما هم برای درآمدی بیشتر و

همچنین برای مقبولیت در جامعه می‌خواهند فقط ورزشکار بشوند- آیا رفتن بچه‌های مسلمان به اماکنی برای گذراندن تمام وقت در لهو و لعب بنام ورزش به مصلحت اسلام و مسلمین می‌باشد.

ج

- بدیهی است مصلحت اسلام و مسلمین نیست و اشتغال به ورزش زاید بر آنچه برای سلامت جسم مفید است لهو یا لغو است و بحکم «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» مؤمن از آن خودداری مینماید و بهر حال اینگونه اعمال با
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۶
توجه بتعالیم اسلامی و تربیتی که منظور این دین حنیف است اگر حرام نباشد قطعاً مذموم و مکروه است.

س ۱۶۲۲

اشاره

- تماشای برنامه‌های ورزشی که از تلویزیون پخش می‌شود با توجه به لباسی که بازیکنان پوشیده‌اند (قسمت‌هائی از اندام پوشیده نیست) برای خانمی که به سن تکلیف رسیده چه حکمی دارد؟

ج

- چون این گونه برنامه‌ها معرض تهییج و مظفر ریبه و التذاذ است، تماشای آن برای خانمها محل اشکال است خداوند تعالی همه را از شرور و فتن و مصائد و مکاره شیطان حفظ فرماید. و اللّه العالم

س ۱۶۲۳

اشاره

- بفرمایید برای ورزشکار مسلمان و متعهد چگونه لباسی مناسب است؟

ج

- مناسب با ادب و شرف و حیا و وقار مسلمان در لباس ورزشی این است که بطوری که معمول شده کوتاه نباشد و علاوه بر قسمتهای بالای بدن بین ناف و زانو را هم بپوشاند. (ما بین السرة و الرکبة عورة)

س ۱۶۲۴

اشاره

- تبلیغات بیش از حد، بسیاری از جمله دختران را به سوی فوتبال و جمع‌آوری عکسهای فوتبالیستها و نصب آنها در منازل کشانده

و اثرات نامطلوبی را از نظر تحصیلی و الگودهی داشته و در برخی موارد موجب بروز برخی منکرات در جامعه گردیده است ارشاد حضرتعالی در این زمینه چیست؟
و نگاه کردن زنان به صحنه‌های ورزشی مانند شنا و کشتی و ... چه می‌باشد؟

ج

– متأسفانه نسبت به این امور بیش از حد تشویق و ترغیب می‌شود و عواقب سوء و آثار منفی بسیار دارد از جمله اثرات نامطلوبی که در سؤال ذکر کرده‌اید و آثار نامطلوب دیگر و فعلًا بصورت سرمایه پرسودی برای عده‌ای شده است. و نگاه کردن زنان هم به این گونه صحنه‌ها با توجه به عوارض قطعیه نامناسبی که دارد جایز نیست و خانواده‌های متدین از آن خودداری می‌کنند و اگر وضع، بشکل کنونی پیش برود شاید در مدتی نه چندان دور، ورزش بانوان هم به صورت غیر مشروع و مفسد اخلاق جامعه امری عادی و متعارف شود و هیچ‌کس هم اعتراض نکند خداوند همه را از شرور و فتن آخر الزمان محفوظ فرماید.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۷

س ۱۶۲۵

اشاره

– در مسابقه‌ای که شرطبندی جایز است (مثلًا تیراندازی) مبلغ شرط برای بازنده سنگین است و او را دچار مشکل می‌کند آیا عمل به شرط لازم است؟

ج

– در موردی که عقد سبق و رمایه دارای شرائط صحت باشد وفا بشرط لازم است.

س ۱۶۲۶

اشاره

– در مسابقاتی که امروزه کاربرد نظامی دارند، از قبیل موتور سواری در صحرا آیا شرط برد و باخت جایز است؟

ج

– جواز آن محلّ تأمّل است ولی حکومت می‌تواند برای برنده این مسابقات جوائزی قرار دهد.

س ۱۶۲۷

اشاره

– خریدوفروش عکسهای ورزشی چه حکمی دارد ضمناً برخی از این عکسها رنگی و با شورت می‌باشند راهنمایی لازم را مبذول فرمائید و آیا سود حاصله از ورزش حلال است؟

ج

– خرید و فروش آن عکسها اگر موجب ترویج فساد و انحراف اخلاق نگردد حرام نیست ولی برای افرادی که نگاه کردن به آنها موجب تحریک می‌شود نگاه کردن جایز نیست اما سزاوار است مؤمنین از ترویج و نشر اینگونه عکسها که موجب سرگرمی جوانان مسلمان به مسائل کم ارزش و دوری آنها از اهداف مقدس اسلامی و رشد و پیشرفت جامعه اسلامی می گردد خودداری نمایند. و اللّه العالم

س ۱۶۲۸

اشاره

– در بعضی مسابقات مخارج تهیه وسایل بازی از قبیل توپ و جایزه از بازیکنان دریافت می‌شود. دریافت مخارج جایزه از بازیکنان توسط برگزار کنندگان مسابقات چه حکمی دارد؟

ج

– در صورتی که فقط بازی کنندگان مخارج اعطاء جوایز را خودشان می‌دهند صورت قمار و برد و باخت دارد و حرام است.

س ۱۶۲۹

اشاره

– در شهری یکی از ورزشهای جایز، معمولًا با شرط برد و باخت انجام می‌شود (یعنی به صورت حرام) انجام این بازی در آن شهر و شهرهای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۸
دیگر بدون این شرط چه حکمی دارد؟

ج

– اگر انجام آن بدون برد و باخت حلال باشد اشکال ندارد.

س ۱۶۳۰

اشاره

- در شهری یک بازی را بازیکنان معمولًا مقارن با یک کار حرام می‌نمایند. این بازی در آن شهر چه حکمی دارد؟

ج

- اگر عملی حلال باشد مقارن واقع شدن آن با عمل حرام در صورتی که بهم مربوط نباشند و عمل حلال مقدمه یا ملازم عمل حرام نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۳۱

اشاره

- در بعضی مسابقات، تماشاگران بر روی برد و باخت بازیکنان شرطبندی می‌کنند این عمل چه حکمی دارد؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۶۳۲

اشاره

- بر فرض مذکور در سؤال قبل آیا بازیکنان در صورت اطلاع لازم است بازی خود را ترک کنند؟

ج

- بر آنها ترک بازی در صورتی که حلال باشد واجب نیست.

س ۱۶۳۳

اشاره

- بازی دو نفر نامحرم چه حکمی دارد؟

ج

- چون در بیشتر موارد معرض ریبه و فساد است حرام است و بطور کلّی مسلمان متّقی و متعهّد مطلقاً اختلاط با نامحرم پرهیز می‌نماید.

س ۱۶۳۴

اشاره

- مسابقه دو نفر نامحرم: در یک ورزش که حرکات تند ندارد، طرفین تماس با هم ندارند و نگاه لذت نمی‌کنند، مثلًا مسابقه تیراندازی چه حکمی دارد؟

ج

- همان طور که گفته شد اگر مورد حلال برای این اعمال فرض شود این برنامه‌ها با سنن و آداب اسلامی در ارتباط مردان با زنان سازگار نیست و غالباً انگیزه آن شکستن سنن اسلامی و افکار شیطانی است و در جامعه اسلامی این برنامه‌ها زمینه وقوع ندارد.

س ۱۶۳۵

اشاره

- شرکت در مسابقاتی که حریف در آن از کشور دشمن مسلمین
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۴۹
می‌باشد و انجام مسابقه به منزله رسمیت دادن به آن کشور است، چه حکمی دارد؟

ج

- اگر مسلمانان بطور متعارف رسمیت آن کشور را نپذیرفته باشند یا اصلًا آن را غاصب و غیر قانونی بدانند مسابقه با آن حریف جائز نیست.

س ۱۶۳۶

اشاره

- مسابقات علمی نظامی با شرط برد و باخت چه حکمی دارد؟

ج

- اگر جایزه را حکومت یا شخص ثالثی بدهد که بین بازیکنان برد و باخت نباشد بی‌اشکال است.

س ۱۶۳۷

اشاره

- جوائز مسابقه ورزشی یا در مسابقات علمی رادیوئی یا تلویزیون و یا جوائز قرض الحسنه بانکی و همچنین جوائزی که معمول است بصورت کتبی و تعیین جوائز توسط قرعه به کسانی که جواب درست داده‌اند، اعطا می‌شود.

واصل عمل چه حکمی دارد؟

ج

- موارد مختلف است اگر شرکت کنندگان پول جمع می‌کنند و مقداری از آن را بعنوان جائزه به بعضی می‌دهند اشکال دارد.

بکس

س ۱۶۳۸

اشاره

- بکس (مشت زنی) حرفه‌ای و آماتوری چه حکمی دارد؟

ج

- با اینکه معرض خطر و ضرر برای طرفین است جایز نیست.

س ۱۶۳۹

اشاره

- در بعضی از ورزشها استفاده از ضربه‌گیرها از نظر قوانین ورزشی الزامی است. تخلف از این قوانین، که احتمالًا موجب خطر شوند، چه حکمی دارند؟

ج

- اگر تخلف و عدم استفاده از ضربه‌گیرها معرض خطر باشد جایز نیست.

س ۱۶۴۰

اشاره

- حکم مسابقه بوکس و شمشیر بازی چون غالباً به زخمی شدن و صدمه زدن به طرف منجر میشود چیست؟

ج

- بکس جائز نیست و در صورت سیاه شدن و یا کبود و یا سرخ شدن و یا

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۰

مجروح شدن عضو، دیه دارد که در توضیح المسائل مقدار هر یک ذکر شده است و شمشیر بازی اگر موجب صدمات بدنی باشد

همین حکم را دارد.

احکام ورزشهای خطرناک

س ۱۶۴۱

اشاره

- در شمشیر بازی یا بوکس اگر یکی از طرفین مسابقه کشته شود ضامن کیست؟

ج

- بحسب موارد قتل عمـد و شـبه عمد و خطا، حکم قتل فرق دارد پس اگر عمدی بوده مباشـر قتل، قصاص می‌شود و اگر شـبه عمد بوده باید دیه بدهد و اگر خطا بوده دیه بر عاقله است.

س ۱۶۴۲

اشاره

- بعضی مربیان، حرکات ورزشی را دقیق نمی‌آموزند و این باعث ناراحتی‌هایی در مفصل و اندام ورزشکار می‌شود آیا مربی ضامن است؟

ج

- کسـی که به فنّ و عملی جاهـل است جـائز نیست بعنـوان معلّم و مربّی آن فنّ مردم را اغفـال کنـد و اگر کسـی را مغرور به انجـام عملی نماید که موجب زیان و ضرر شود طبق ضوابط شرعی ضامن است و باید از او جلوگیری شود.

س ۱۶۴۳

اشاره

- یک مربی ورزشـی بدون رضایت والدین کودکی نابالغ را به کلاس راه می‌دهد کودک بدون تقصـیر مربی در اثر سانحه ورزشی مجروح می‌گردد آیا مربّی ضامن است؟

ج

- بدون اذن پدر نباید او را بپذیرد و اگر بسـبب شرکت او در ورزش صدمه‌ای بر او وارد شود که عرفاً بعنوان سبب اقوی از مباشر به مربّی ورزشی نسبت داده شود مربّی ضامن میشود، ولی اگر شخص دیگری مباشرت در ایراد جرح داشته مباشر ضامن است.

س ۱۶۴۴

اشاره

– در فرض سؤال قبل اگر کودک کشته شود، آیا مربّی ضامن است؟

ج

– دائر مدار منتسب شدن قتل بمربّی است ولی اگر شخص دیگری او را کشته باشد همان شخص قاتل مسئول است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۱

مسائل مربوط به ورزش

س ۱۶۴۵

اشاره

– در بعضی از سبکهای ورزشی، استاد ضمن آموزش فنون رزمی مطالبی را از عقاید غیر اسلامی، معمولًا به طور مرموز در پوشش آیات و روایت القاء می‌نماید. شرکت در کلاسهای این اساتید چه حکمی دارد؟

ج

– حرام است.

س ۱۶۴۶

اشاره

– بر فرض سؤال قبل، اساتیدی فقط فنون ورزشی این سبکها را آموزش می‌دهند و از آموزش عقاید خودداری می‌کنند. شرکت در کلاسهای این اساتید چه حکمی دارد؟

ج

– اشکال ندارد.

س ۱۶۴۷

اشاره

– چه نوع ورزشهایی برای جوانان مسلمان مناسب است؟

ج

- هر ورزش مشروعی که برای پرورش و تربیت قوای جسمانی و همچنین برای آمادگی نظامی و رزمی جوانان برای مقابله نظامی با دشمنان اسلام مفید باشد مطلوب و بلکه در بعض موارد تا حدودی لازم است.

س ۱۶۴۸

اشاره

- افراط در ورزش بطوری که مسائل جدّی زندگی را تحت الشعاع قرار دهد چه حکمی دارد؟

ج

- بصورتهائی که رایج است و از حدود نظر به فوائد تربیت بدنی آن بیرون است رجحان ندارد و اگر مستلزم ترک کار و تحصیل معاش واجب و اختلال امور زندگی یا اخلاقی شود جایز نیست.

س ۱۶۴۹

اشاره

- افراط یا عدم یادگیری درست بعضی حرکات ورزش باعث ناراحتیهای مفصلی یا عضلانی می گردد بخصوص در ورزشهای رزمی؛ حکم در افراط یا عدم توجه به تذکرات استاد چیست؟

ج

- در ورزشهای رزمی باید بتذکرات استاد توجه شود و در هر موردی که عدم توجه به تذکّرات استاد باعث ضرر و نقص در بدن بشود عدم توجّه حرام است.

س ۱۶۵۰

اشاره

- بعضی جوانان مسلمان به ورزش کم توجهی دارند و تقویت عضلات خود را در دوران جوانی منظور نمی‌دارند ورزش برای جوانان چه حکمی دارد؟

ج

- اینگونه اشخاص کار مفیدی را ترک کرده‌اند.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۳
فعالیت اجتماعی بانوان
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۵

فعالیت اجتماعی بانوان

ورزش بانوان

س ۱۶۵۱

اشاره

- مستدعی است نظر مبارک خویش را در مورد ورزشهای بانوان از قبیل- دوچرخه سواری اسب سواری، قایقرانی و دو میدانی در اماکن و معابر عمومی بیان فرمایید. در ضمن بفرمایید تماشای این نوع برنامه‌ها از تلویزیون چه حکمی دارد؟

ج

- اجراء این گونه برنامه‌های خلاف عفّت و غیرت و سنن و تعالیم اسلامی باسم ورزش در اماکن و معابر عمومی علاوه بر آنکه نمایش و جلوه دادن مفاتن بدن بانوان بمردان اجنبی است مستلزم ترویج فحشاء و منکرات و مفاسد عظیمه است و تماشای این برنامه‌ها و تشویق و ترغیب به آنها حرام است خداوند متعال جامعه اسلامی ما را که در عصر حاضر پرچم اسلام و حاکمیت احکام اسلام را در دنیا به اهتزاز درآورده و مسلمانان را سربلند و عزیز قرار داده از اینگونه خطرات که موجب تشویش اذهان و خدشه‌دار شدن شخصیت اسلامی ما است حفظ فرماید.

س ۱۶۵۲

اشاره

- حضور بانوان در میادین ورزشی مردان، وقتی که مردان با شورت و زیرپوش یا فقط با شورت بازی می‌کنند، چه حکمی دارد؟

ج

- نگاه کردن به بدن اجنبی یا اجنبیه حرام است.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۶

س ۱۶۵۳

اشاره

- حضور بانوان در میادین ورزشی مردان، وقتی که مردان لباس کامل به تن دارند مثلًا (ورزشهای رزمی) چه حکمی دارد؟

ج

- جواز آن مورد تأمّل است.

س ۱۶۵۴

اشاره

- حضور مردان در میادین ورزشی زنان چه حکمی دارد؟

ج

- اگر مستلزم نظر ببدن آنها باشد بی‌شبهه حرام است و بدون آن اگر مستوره هم باشند چون مستلزم نظر به مفاتن بدن که از زیر لباس ظاهر است میباشد و معرض ریبه و فتنه و التذاذ است جایز نیست اصولًا این برنامه‌ها با مجموعه تعالیم اسلام در مورد روابط مردان با بانوان سازگار نیست و مرد مسلمان غیرتمند و هم چنین زن عفیفه مسلمان که به آداب اسلامی و در مجتمع اسلامی تربیت شده باشد وارد در این رشته برنامه‌های مفسده‌انگیز و خلاف عفت و غیرت اسلامی نخواهد شد نعوذ باللّٰه من شرور انفسنا.

س ۱۶۵۵

اشاره

- تماشای مسابقات ورزشی مردان از تلویزیون، وقتی که مردان شورت و زیرپوش یا فقط شورت بتن دارند، چه حکمی دارد؟

ج

- برای مردها اشکال ندارد.

شرکت در کلاسهای مختلط

س ۱۶۵۶

اشاره

- هم اکنون در کلیه واحدهای دانشگاههای آزاد اسلامی در کل کشور کلاسهای خانمها و آقایان جدا هستند نظر حضرتعالی چیست؟

ج

- البته جدا کردن کلاسهای دختران و پسران کار لازمی است چون معلوم است که کلاسهای مختلط مفسده زیاد دارد بطور کلی

ورود زن در صحنه اجتماع و دوشادوش مردان و به طور مختلط با آنها در همه امور، شرکت کردن، مفاسد بسیار دارد که مجال شرحش نیست و بلکه از کثرت وضوح، نیاز بشرح ندارد گذشته از اینکه بموازات آن، لطمه‌های فراوان به خانواده و تربیت اطفال و امور منزل وارد می‌شود خداوند متعال جامعه مسلمانان را از فتنه‌ها و مفاسدی که بیشترش در اثر غرب‌گرائی و تقلید از کفار و اعمال و رفتار آنها است حفظ فرماید و عفاف و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۷

حجاب و شخصیت ارزشمند اسلامی بانوان مسلمان را در حصن حصین ایمان و تعهد خودشان از هر گزند و خطری مصون بدارد و مردها را نیز در اظهار غیرت و شجاعت و صراحت بیان توفیق عطا فرماید.

س ۱۶۵۷

اشاره

- من دختری هستم دبیرستانی با اینکه مدرسه‌مان دخترانه است ولی تمام معلمهایمان مرد هستند و نیمی از معلّمها مجرد می‌باشند معلّمها در سر کلاس در حالی تدریس می‌کنند که با نگاه کردن توأم است و خود معلّمها به هیچ وجه راضی نیستند تدریسشان با نگاه نکردن توأم باشد و ما مطمئنیم که حد اقل برای یک معلّم شده با قصد لذّت نگاه می‌کند و در این موقعیّت ما اگر با پوشیه سر کلاس بیاییم اکثر اهالی روستا و خود معلّمها استهزاء و مسخره‌مان می‌کنند و یا اکثر دخترها راضی و حاضر به زدن پوشیه نیستند اکنون نظر خود را در مورد مدرسه رفتن ما مرقوم فرمایید که ما تکلیف خود را بدانیم.

ج

- با اهتمامی که وزارت آموزش و پرورش در رعایت جهات مذهبی ابراز میدارد با اینکه برای اسلامی شدن آموزشگاهها تأکیدات زیاد شده است مسئولین آموزش و پرورش منطقه موظفند ترتیبی بدهند که وضع اسلامی در کلاس بر قرار شود و الّا اگر کلاس بوضعی باشد که در سؤال مرقوم شده است حضور در آن جایز نیست.

س ۱۶۵۸

اشاره

- حکم شرکت جستن در کلاسهای مختلط از پسر و دختر دانشگاهها چیست؟

ج

- تحصیل علوم نافعه فی نفسه راجح است ولی در خصوص مورد سؤال حکم بر حسب موارد اشخاص مختلف است.

س ۱۶۵۹

اشاره

- در کلاس‌های ما دخترها یک طرف و پسرها یک طرف هستند.
گاهی اوقات شده است که من تنها داخل کلاس شده‌ام و از پسرها کسی نبوده و یک یا چند دختر همکلاسی ما فقط در کلاسند.
با توجه به اینکه وظیفه من سلام کردن است آیا به آنها که دختر هستند سلام بکنم یا خیر؟ گرچه اگر سلام نکنم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۸
مرا امُّل حساب می‌کنند و اگر سلام کنیم ممکن است سوء برداشت‌هایی شود.

ج

- در مواقعی که پسرها نیستند و فقط دخترها هستند حتی المقدور وارد کلاس نشوید تا هیچ گونه اتّهام و یا سوء برداشتی نشود. و اللَّه العالم

س ۱۶۶۰

اشاره

- در محیطهای دانشگاهی فرانسه هنگام بر خورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر ناگزیر به مصافحه هستیم و الّا حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود. مصافحه (دست دادن) با زنان غیر مسلمان در این بلاد چه حکمی دارد.

ج

- مصافحه با اجنبیه بدون حایل (مثل دستکش) جایز نیست باید عذر شرعی خود را برای آنها بیان کنید تا بفهمند که غرض خلاف ادب نیست بلکه بر اساس ادب و احترام به شخصیت اسلامی زن است اگر همه مسلمانانی که با بیگانگان در ارتباطند این جهت را رعایت کنند آنها این عمل را که یک ادب اسلامی است مثل سائر ممیّزات و مشخصات مسلمان مانند نخوردن گوشت خوک و نیاشامیدن شراب خواهند شناخت و این سوء تفاهم مرتفع میشود.

س ۱۶۶۱

اشاره

- ارتباط و دوستی بین دختر و پسر تا چه حدّ از نظر شرعی صحیح است؟ آیا ارتباط تلفنی جایز است؟

ج

- ارتباط برقرار کردن بین دو نامحرم با تلفن و غیره به هیچ نحوش صحیح نیست و معرض فتنه و فساد است. و اللَّه العالم

مشاغل اجتماعی بانوان

س ۱۶۶۲

اشاره

– وضعیت حقوق زن که در ارتباط با کار (شغلش) دریافت می‌کنند در رابطه با شوهر چه وضعیتی دارد؟

ج

– حقوقی که زن دریافت می‌نماید ملك خود اوست و به شوهر تعلّق ندارد.

س ۱۶۶۳

اشاره

– این جانب معلمی هستم که در یکی از مناطق محروم استان همدان مشغول تدریس هستم و نیز دانشجوی رشته مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور می‌باشم و نیز در مدارس مختلط تدریس می‌کنم و دانشگاه هم به صورت مختلط

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۵۹

است البته با رعایت حجاب اسلامی طبق مسأله شماره ۲۸۷۶ رساله عملیه جنابعالی این کار را جایز ندانسته است. می‌خواستم بدانم که آیا این مسأله مربوط به زمان سابق و زمانهایی است که شئونات اسلامی رعایت نمی‌شود یا هم اکنون را هم در بر می‌گیرد.

ج

– همانطوری که در مسأله ۲۸۷۶ توضیح المسائل ذکر شده چنانچه سنن اسلامی در ارتباط با بانوان و مردان رعایت نشود و در مدارس و مراکز تعلیم و تربیت کارهای حرام مثل خواندن غنا و نواختن آلات موسیقی و ملاحی و مناهی به فرزندان مردم تعلیم کنند حکمش مثل زمان سابق است و فرقی با این زمان ندارد ولی البته انتظار در عصر حاضر که انقلاب اسلامی مسلمانان فداکار برای نوسازی جامعه بر اساس معیارهای مقدس و الهی اسلامی به لطف خدا پیروز شد این ستکه همه مراکز مخصوصاً مراکز تعلیم و تربیت و مدارس و دانشگاه‌ها با مراعات تعالیم نجات‌بخش اسلام بهترین جلوه‌های قداست را همگام با کسب موفقیّتهای بزرگ علمی و تحصیلی داشته باشند.

س ۱۶۶۴

اشاره

– کار کردن زنان و مردان در ادارات در یك اطاق چگونه می‌باشد؟

ج

– اگر نظر و لمس و یا امور دیگری مثل خلوت مرد نامحرم با زن نامحرم که شرعاً حرام است واقع نشود و موجب فساد اخلاق نباشد فی حدّ نفسه اشکال ندارد و لکن نوعاً خالی از فساد نیست.

س ۱۶۶۵

اشاره

- خانمی است که با رضایت شوهرش برای تـدریس در آموزش و پرورش می‌رود، ولی بعـداً شوهرش ضـرر آن را بیش از منفعتش می‌بینـد و از رفتن ایشان ممانعت بعمل می‌آورد، آیا ادامه تدریس ایشان منوط به اجازه شوهرش است یا اینکه چون در ابتداء شوهر راضی بوده است اکنون نمی‌تواند جلوگیری کند؟

ج

- ظاهر این سـتکه جواز ادامه شغل همسر دائر مدار بقاء اذن شوهر است بلی اگر زن با اذن شوهر طبق ضوابط شرعی اجیر شده باشد عدول شوهر از اذن موجب فسخ اجاره نمیشود. و اللّٰه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۰

س ۱۶۶۶

اشاره

- رانندگی بانوان با حجاب اسلامی چه صورتی دارد؟

ج

- رانندگی بانوان فی حد نفسه جایز است ولی در معابر و خیابانها که غالباً مستلزم برخورد با مردها است اگر هم مستلزم فعل حرامی نشود بدون ضرورت و ناچاری ترک آن اولی و با عفت اسلامی زن موافقتر است.

س ۱۶۶۷

اشاره

- اسلام به دختران و زنان ماندن در خانه و کارهای مربوط به آن را انجام دادن توصیه می‌کند، یا تحصیل در مدارس و دانشگاهها؟

ج

- در این مسأله حکم دختران با بانوان شوهردار تاحـدی تفاوت دارد بطور کلی در خانه ماندن زن اگر ضـرورتهای شـرعی یا جهات مرجحه مهمتر در بین نباشـد اولی و ارجح است و حتی برای مخدرات شـرعاً امتیازی هست که برای بانوانی که عادت به بیرون رفتن دارنـد نیست مثل اینکه قاضـی دادگاه بخواهش مدّعی نمیتواند خانم مخدّره را به دادگاه احضار نماید بلکه باید خودش یا شخصـی را برای سؤال نزد او بفرستـد مع ذلـک تحصـیل در مـدارس بمقـداری که عرفاً ضـرورت دارد یا برای مشاغل یا مصالحی که موجب بی‌نیـازی بـانوان از مراجعه به مرد اجنبی میشود مثـل رشـته‌های مختلف پزشـکی در صورتی که تحصـیل با مراعات تکالیف شـرعی

انجام شود مستحسن و در بعض موارد واجب کفائی است. اما ادامه تحصیل برای بانوان شوهردار باید با موافقت شوهر باشد راجع به خانه‌داری هم معلوم باشد که بر خانمها خدمت در خانه واجب نیست ولی خانه‌داری و همکاری با شوهر و اداره خانه فضیلت و ثواب بسیار دارد و از اعمال صالحه مهمّه بانوان است. و اللَّه العالم.

صدای زن

س ۱۶۶۸

اشاره

- در مجالسی که بین اقوام و اقارب بعنوان شب‌نشینی، میهمانی و غیره تشکیل می‌شود غالباً زنان آنها هم حضور دارند، تکلم کردن زنها در اینگونه مجالس چه صورت دارد، درحالی‌که مردان صدای آنها را استماع کرده و آنها را می‌شناسند؟

ج

- اگر معرض تلذّذ و ریبه شنوندگان نامحرم نباشد اشکال ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۶۶۹

اشاره

- صحبت با همراه خود در معابر (مسیرهای رفت و آمد مثلًا خانه تا
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۱
مدرسه) در صورتی که نامحرم صدای ما را بشنود آیا از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج

- صحبت به نحو متعارف اشکال ندارد ولی اگر طوری صحبت کنید که نحوه صحبت نظر شنونده نامحرم را جلب می‌کند جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۶۷۰

اشاره

- گاهی اوقات مشاهده میشود زنان شاعره با حضور در برنامه‌های شب شعر، به قرائت سروده‌های خود که معمولًا با احساسات شاعرانه و تغییر صداها و حرکتهای موزون دستها که مستلزم جلب توجه به متن شعر است همراه میباشد می‌پردازد ... و برخی موارد در کنفرانسها و سمینارها از سخنرانان زن استفاده میشود که هیچ اجباری به حضور آن سخنران خاص جلسه نیست و میتوان از خطبای مرد دیگر استفاده نمود نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

ج

– قال الله تعالی فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ برنامه‌های مرقوم چون غالبا ساده و بی‌پیرایه انجام نمی‌شود و از تهییج و تحریک افرادی که به فرمایش قرآن در دل بیماری دارند مصون نیست و متضمن اختلاط زن و مرد و مفاسد بسیار است، مجاز نیست و گرایش به تشکیل این مجالس از وسوسه‌های شیطانی و تسویلات نفس اماره است.

س ۱۶۷۱

اشاره

– گوش دادن به صدای زن نامحرم در موارد زیر چه حکمی دارد؟
الف) گفتگوی معمولی ب) خنده و گریه ج) آوازخوانی د) قرآن‌خوانی.

ج

– در آوازه‌خوانی جائز نیست ولی در موارد دیگری که در سؤال ذکر شده چنانچه معرض تلذّذ و فتنه نباشد مانعی ندارد.

س ۱۶۷۲

اشاره

– آیا در صورتی که امام مرد و مأمومین زن باشند وجود مکبّر زن اشکال دارد؟

ج

– محل اشکال است.

س ۱۶۷۳

اشاره

– اگر کسی از راه تلفن مزاحم شود و با او دوست و با او حرف بزنند از نظر اسلام اشکال دارد؟

ج

– صحبت زن با اجنبی اگر با ریبه و لذت باشد حرام است.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۲

س ۱۶۷۴

اشاره

– استماع صدای زن در موارد ذیل چه حکمی دارد؟
الف) قرآن ب) سرود ج) همخوانی

ج

– در هر موردی که معرضیت برای انگیزش شهوت و تحریک اجنبی داشته باشد جایز نیست و غالباً معرضیّت دارد.

س ۱۶۷۵

اشاره

– قرآن خواندن یا سرود و دکلمه خواندن دختران دانش‌آموز در حضور معلمان مرد چه حکمی دارد؟

ج

– دختران و بانوان از خواندن سرود بصورت دسته جمعی خودداری نمایند. و اللَّه العالم

س ۱۶۷۶

اشاره

– شنیدن صوت ... قرآن زن برای مرد (به صرف استماع کلام خدا) چطور است؟ تواشیح و همخوانی چطور؟

ج

– اگر غناء نباشد و التذاذ و ریبه نیز در بین نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۷۷

اشاره

– دختری هستم ۱۵ ساله هشت ماه است که خداوند سعادت حفظ ۱۷۶ آیه از سوره مبارکه بقره را به روش ترتیل حفظ هستم. در مهد قرآن شهرستان ما که چند شاخه هم شده است (در زمان و مکانهای مختلف برای دخترها و پسرها) هرچند وقت یک بار آقایانی از استان جهت سنجش وضع کلاسها به مهد آمده و از ما پرسشهایی می‌کنند. از نظر شما خواندن قرآن من برای این افراد که مسلماً نامحرم هستند اشکال دارد یا خیر؟

ج

– اقدام شما به حفظ و تلاوت قرآن و ان شاء اللّه تقید به سایر امور مذهبی قابل تقدیر است و من جهت موفقیت امثال شما دعا می‌کنم و اما نسبت به قرآن خواندن زن با صدای بلند که مرد نامحرم آن را می‌شنود در صورتی که معرض ریبه و تلذذ باشد اشکال دارد. و اللّه العالم

س ۱۶۷۸

اشاره

– خواندن قرآن توسط زن نزد مردان چه حکمی دارد؟

ج

– اگر معرض التذاذ مرد اجنبی باشد جائز نیست «و لا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض» بطور کلی اجراء این برنامه‌ها از سوی زنها با حضور مردها غالباً خالی از رجحان و در بعض موارد معرض ریبه و تهییج و حرام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۳

است بر حسب بعض روایات جز در موارد ضرورت یا برای حوائج متعارف توصیه شده است که زن در حضور مرد اجنبی سکوت نماید.

س ۱۶۷۹

اشاره

– آواز دسته جمعی زنان چه حکمی دارد؟

ج

– برای خودشان و برای محارمشان اگر غنا نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۸۰

اشاره

– خوانندگی زن برای زنان چه حکمی دارد؟

ج

– اگر غنا نباشد و همراه با استفاده از آلات لهو نباشد اشکال ندارد.

س ۱۶۸۱

اشاره

- خوانندگی زن اگر بصورت محزون باشد، در نزد مردان چه حکمی دارد؟

ج

- برای غیر شوهر به هر نوعی که معرض ریبه و التذاذ و تهییج شهوت باشد جائز نیست.

آرایش بانوان

س ۱۶۸۲

اشاره

- آرایش کردن خانمها در بیرون از خانه و یا آنهایی که مشغول کار و یا درس هستند چه حکمی دارد؟

ج

- اگر در معرض دید نامحرم است باید خود را بپوشاند.

س ۱۶۸۳

اشاره

- آرایش ابرو برای خانم چه حکمی دارد؟ آیا زینت شمرده می‌شود که در این صورت پوشانیدن آن از نامحرم لازم باشد؟

ج

- بلی زینت است باید از نامحرم، مستور شود.

س ۱۶۸۴

اشاره

- در داخل شهرها، آرایشگاههای زنانه‌ای هستند که انواع و اقسام آرایشها را انجام می‌دهند و حتی بسیاری از خانم‌های بد حجاب در آن آرایشگاهها می‌روند و آرایش می‌کنند؛ با علم به این مسأله که هیچ آرایشگاه زنانه‌ای نیست که با آرایش در آن برخی زنان خود را برای مردان بیگانه به معرض نمایش نگذارند آیا می‌شود مردی همسرش را جهت آرایش و پوشیدن لباس عروس به آرایشگاه بفرستد یا خیر؟

ج

– صرف آرایش افراد بد حجاب در آرایشگاه زنانه موجب اشکال برای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۴
آرایش دیگران نمی‌شود.

س ۱۶۸۵

اشاره

– رنگ زدن ناخن‌ها با رنگ‌های مصنوعی (مانند لاک) در غیر مواقع غسل و وضوء به عنوان زینت چگونه است؟

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۱۶۴

ج

– مانعی ندارد. و اللّه العالم

پوشش و حجاب بانوان

س ۱۶۸۶

اشاره

– آیا پوشانیدن کف و روی پا از نامحرم برای زن لازم است؟

ج

– بنابر احتیاط لازم است.

س ۱۶۸۷

اشاره

– دست دادن زن با مرد نامحرم از زیر چادر چه حکمی دارد؟

ج

– در صورتی که معرض فساد نباشد و همراه با فشردن نباشد اشکال ندارد ولی خلاف رسوم اسلامی و معمول بین مسلمین است

شخص متـدین بـاتقوا از آن اجتنـاب میکنـد، از پیامبر اکرم- صـلی الله علیه و آله- روایت شـده که فرمودنـد: «نحن معاشـر الانبیاء لا نصافح النساء».

س ۱۶۸۸

اشاره

- آیا زن می‌تواند لباس یا کفش مرد را به مدّت کوتاهی بپوشد و بالعکس؟

ج

- قدر متیقّن از حرمت این ستکه مرد پوشـش مختص به زنها و زن پوشـش مختص بمردها را لباس خود قرار دهد، بنابراین پوشیدن موقت در منزل و امثال آن اشکال ندارد.

س ۱۶۸۹

اشاره

- بلند گذاشتن ناخن دست‌ها برای خانم‌ها با ملاحظه رعایت نظافت آنها چه صورتی دارد؟

ج

- کار مناسبی نیست و بر خلاف شئون زن مسلمان است. و اللَّه العالم

س ۱۶۸۹

اشاره

- ازدواج با زنان بد حجاب آیا جایز است یا خیر؟

ج

- ازدواج با بـد حجاب بنفسه باطل و حرام نیست بلکه اگر مطمئن باشـد که بتواند طرف را با موعظه وادار به پوشـیدن حجاب کامل نماید بسیار خوب است ولی اگر اطمینان به ترک بد حجابی نداشته باشد اقدام به ازدواج با او نکند. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۱۶۵

س ۱۶۹۱

اشاره

- آیا پوشیدن مانتو با مقنعه کفایت از چادر و حجاب می‌کند؟

ج

- مناسب است خانمها جهت پوشش از چادر استفاده کنند. و اللَّه العالم

س ۱۶۹۲

اشاره

- پوشیدن جورابهای نازك و بدن‌نما برای خانمها در جلوی افراد نامحرم چه حکمی دارد؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۶۹۳

اشاره

- بیرون گذاشتن موی سر از چادر و یا روسری از سوی خانمها در انظار عمومی و در دید نامحرمان چه صورت دارد؟

ج

- حرام است.

س ۱۶۹۴

اشاره

- پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب نظرکننده در اجتماع برای آقایان و خانمها چه حکمی دارد؟

ج

- مجرد رنگ موجب حرمت نیست لکن اگر بنحوی باشد که انگشت‌نما باشد یا موجب مفسده دیگری شود باید از آن اجتناب گردد.

س ۱۶۹۵

اشاره

- تراشیدن ریش از سوی آقایان و همچنین زینت‌آلات طلا اعم از انگشتر، ساعت و یا گردنبند برای آقایان چه صورتی دارد؟

ج

- حرام است و نماز مرد به همراه زینت‌آلات طلا باطل است.

س ۱۶۹۶

اشاره

- شرکت در مجالس عروسی و جشنهایی که در آن برنامه‌های موسیقی اجرا می‌شود چگونه است؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۶۹۵

اشاره

- آیا اینکه بعضی مواقع کاغذهایی نوشته می‌شود بدین مضمون که مثلًا دختری در حرم حضرت زینب خوابش برد و حضرت از او خواست که به زنان بگویند حجاب را رعایت کنند و ... و در پایان از خواننده کاغذ خواسته می‌شود از روی این کاغذ چند بار بنویسید و اگر ننویسد اتفاق بدی برای او می‌افتد نظر حضرت عالی در این مورد چیست و گاهاً دیده شده پشت مفاتیح نوشته می‌شود؟

ج

- رعایت حجاب در اسلام از مسائل ضروری است ولی نقل خواب بنحو مذکور و نشر آن وجه صحیحی ندارد.

س ۱۶۹۶

اشاره

- آیا پوشیدن دستها تا مچ و پاها و صورت برای زنها لازم است، یا خیر؟ توضیح دهید.

ج

- پاها باید پوشیده شود و نسبت به دست و صورت بنابر احتیاط واجب باید پوشیده شود. و اللَّه العالم

س ۱۶۹۷

اشاره

- حکم چادر با توجه به آیه ۵۹ سوره احزاب چیست؟

ج

- چادر بهترین پوشش اسلامی است و با آن مفاتن بدن مستور و عفت جامعه حفظ می‌شود.

س ۱۶۹۸

اشاره

- نظر حضرتعالی در مورد مباح بودن یا کراهت یا استحباب نقاب زدن (روبند) برای بانوان در جامعه امروز چیست؟

ج

- حفظ حجاب برای زن از امور واجبه است و احتیاط واجب برای زن، مستور نمودن صورت است با هر وسیله‌ای که ممکن است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۷

احکام نگاه کردن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۶۹

احکام نگاه کردن

نگاه به زن مسلمان

س ۱۷۰۰

اشاره

- نگاه مرد به صورت اجنبیه بدون شهوت و ریبه حلال است یا حرام؟

ج

- حرمت نگاه در مفروض سؤال خالی از قوت نیست.

س ۱۷۰۱

اشاره

- می‌دانید که زن‌هایی مثل زن عمو، دایی و .. و نیز زن‌های همسایه هستند که فرد به هر حال با آنها غریبه نیست. اگر شخص آنها را از نظر ظاهری نشناسد یا موقع برخورد نگاهی نکند. از لحاظ عرفی فکر می‌کنند هدف ما بی‌احترامی به آنها بوده، به علاوه ممکن است فرد جاها و مواقع مختلف به آنها برخورد کرده باشد ولی چون نمی‌خواسته نگاه کند و یا اصلًا قیافه آنها را نمی‌شناخته است با آنها مانند غریبه‌ها برخورد کرده و طبعاً احوال پرسی هم از خویش وابسته به آن زن‌ها هستند نکرده و این باعث پیدایش یک سری کدورت‌هایی می‌شود. با توجه به اینکه آن زن‌ها غالباً ما را نگاه کرده و می‌شناسند بفرمایید در مورد طرز
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۰
برخورد و نگاه کردن به آنها نظرتان چیست؟

ج

- قطع معاشرت و آشنایی نکنید ولی نگاه هم نکنید و علّت را برای آنها بگویید که حکم شرع است و بر همه واجب است اطاعت کنند. و اللَّه العالم

س ۱۷۰۲

اشاره

- نگاه بی‌اختیار مرد بزن بی‌روسری چه حکمی دارد؟ و آیا صحبت زن با مرد خویشاوند و غیر خویشاوند جایز است؟

ج

- در صورتی که بدون قصد و بر حسب اتفاق چشم انسان به زن نامحرم بیفتد و زود نظر خود را برگرداند و نگاه را ادامه ندهد اشکال ندارد و صحبت کردن با نامحرم خویشاوند باشد یا غیر خویشاوند اگر به صورت و موی آنها نگاه نکند و در صحبت کردن قصد لذت نکند اشکال ندارد.

س ۱۷۰۳

اشاره

- اگر زنی آرایش کرده وارد خیابان شود و جوان بی‌تقصیر به او نگاه کند حکمش چیست؟

ج

- اگر نگاه بی‌اختیار بیفتد گناه نیست و همین که دید فوراً نگاهش را بردارد که بر حسب روایات موجب زیاد شدن ایمان می‌گردد ولی نگاه عمدی گناه است و اگر خدای نخواسته کسی مرتکب آن شد باید فوراً توبه کند.

س ۱۷۰۴

اشاره

– آیا احکام نظر در همسر مطلقه (یا همسر موقتی که وقتش تمام شده باشد) مشابه فردی است که هیچ وقت محرم نبوده؟ مثلًا دیدن عکسهای خانوادگی گذشته که محرم یکدیگر بوده‌اند و بارها آنها را در گذشته دیده است چه حکمی دارد؟

ج

– همسر مطلقه که در عده رجعیه نباشد و همسر موقتی که مدتش تمام شده باشد حکم اجنبیه را دارد، لکن حرمت نگاه بعکس مذکور معلوم نیست.

س ۱۷۰۵

اشاره

– صحبت با زن نامحرم چه صورت دارد، نگاه به وجه و کفین زن نامحرم بدون شهوت چه صورت دارد، انداختن عکس زن نامحرم چه صورت دارد؟

ج

– صحبت با زن نامحرم اگر قصد ریبه و تلذّذ نباشد اشکال ندارد و نگاه به

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۱

وجه و کفّین اگر با قصد لذت باشد حرام است و نظر بدون لذت را هم بنابر احتیاط واجب باید ترک کند و انداختن عکس هم اگر مستلزم نظر نباشد اشکال ندارد و الا حکمش همان است که گفته شد. و اللَّه العالم.

س ۱۷۰۶

اشاره

– اگر مجبور شویم به صورت و دست نامحرمی (بدون قصد لذت) نگاه کنیم چگونه است؟

ج

– اجبار به معنی متعارف در بین مردم مجوز معصیت نیست بلی اگر اجبار شرعی باشد مثلًا بخاطر امری که اهمیّت آن شرعاً بیشتر از نظر به نامحرم است و اهمیت آن شرعاً ثابت شده باشد در این صورت اشکال ندارد.

نگاه به زن غیر مسلمان

س ۱۷۰۷

اشاره

- نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین بدون لذت و شهوت و بدون آنکه مقدمه گناه شود چه حکمی دارد؟

ج

- چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۷۰۸

اشاره

- احتراماً خواهشمندم حکم شرعی نگاه کردن به فیلم‌هایی که بازیگر زن خارجی (احیاناً مسیحی) در آن ایفای نقش می‌کند و موها و بقیه اعضای بدن پوشش اسلامی را ندارد را مرقوم فرمایید.

ج

- چنانچه نظر همراه با التذاذ باشد و یا مفسده اخلاق و لو در آینده داشته باشد جایز نیست. و اللَّه العالم

نگاه برای خواستگاری

س ۱۷۰۹

اشاره

- برای اینکه انسان جمال و زیبائی زن را ببیند در وقت ازدواج تا چند مرتبه می‌تواند عروس را ببیند و چه مقدار از بدن او را حق دارد ببیند؟

ج

- بنابر احتیاط واجب اکتفا کند به دیدن وجه و کفّین و اگر با یک مرتبه نگاه مقصود حاصل نشود یعنی اطلاع بر حال او پیدا نکند تکرار نظر مانع ندارد و شرط است در جواز نظر اینکه از حال او قبل از نظر، اطلاع نداشته باشد و احتمال تزویج با او را بدهد و الا جایز نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۲

نگاه زن به مرد

س ۱۷۱۰

اشاره

- دانش‌آموزان و دانشجویان دختری که در کلاس درس آقایان شرکت می‌کنند وظیفه آنها نسبت به نگاه کردن، سؤال و جواب و دیگر برخوردهای بین شاگرد و استاد چیست؟

ج

- نگاه عمدی با التذاذ و ریبه حرام و بدون آن نیز بنابر احتیاط واجب ترک شود و اما صحبت کردن در صورتی که التذاذ و ریبه در بین نباشد اشکال ندارد و الّا جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۷۱۱

اشاره

- آیا بر زن واجب است وجه و کفّین را از نامحرم بپوشاند و آیا نگاه اجنبی به وجه و کفین اجنبیه و نامحرم و بالعکس جایز است و آیا نگاه زن نامحرم به سر و گردن و پاهای مرد نامحرم آن مقداری که معمولًا آن را نمی‌پوشانند جایز است؟

ج

- بلی پوشاندن وجه و کفّین بنابر احتیاط لازم است و نگاه اجنبی بآنها حرام است و نگاه زن به مواضعی که در بین متدینین پوشاندن آنها مرسوم نبوده مانند سرو گردن چنانچه بدون نظر شهوت باشد اشکال ندارد.

س ۱۷۱۲

اشاره

- حکم نگاه کردن زنان به بازو، آرنج مردان نامحرم چیست؟

ج

- جایز نیست.

س ۱۷۱۳

اشاره

- چنانچه زنی بدون قصد و لذت به مرد نگاه کند جایز است؟

ج

– به مواضعی که بر حسب متعارف مردان آن را نمی‌پوشانند جایز است ولی احتیاط ترک نظر استقلالی است.

س ۱۷۱۴

اشاره

– آیا نگاه کردن زنان به مردان شناگر در سواحل و استخرها جایز است؟ در صورتی که چنین موردی پیش آمد وظیفه ما چیست؟

ج

– جایز نیست و در مواردی که پیش بیاید در صورت امکان و احتمال تأثیر باید نهی از منکر نمود. و اللّٰه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۳

نگاه به عکس و فیلم

س ۱۷۱۵

اشاره

– نگاه کردن به عکس بانوانی که آنان را می‌شناسیم و حجاب اسلامی هم دارند بدون قصد و لذّت چگونه است؟

ج

– خلاف احتیاط و غیرت اسلامی است.

س ۱۷۱۶

اشاره

– نگاه کردن به عکس بانوانی که آنان را می‌شناسیم و حجاب اسلامی ندارند بدون قصد و لذت چه صورتی دارد؟

ج

– اشکال دارد.

س ۱۷۱۷

اشاره

- نگاه کردن به عکس برهنه زنان مسلمان ناشناس بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

ج

- چون معرضیت برای فساد دارد جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۷۱۸

اشاره

- نگاه کردن به دست و ناخن‌های رنگ‌آمیزی شده خانم‌ها یا عکس‌هایی که دست و ناخن‌های بلند رنگ‌آمیزی‌شده خانمها را نشان می‌دهد، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج

- نگاه به دست و ناخن‌های رنگ‌آمیزی‌شده آنان اشکال دارد و نگاه به عکس ناخن‌های رنگ‌آمیزی شده هم اگر همراه با قصد لذّت و ریبه باشد جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۷۱۹

اشاره

- دیدن زن بی‌حجاب در تلویزیون چه صورت دارد؟

ج

- اگر معرض ریبه یا التذاذ نباشد و زن را نشناسد جواز آن بعید نیست.

عکس گرفتن و فیلمبرداری از زن

س ۱۷۲۰

اشاره

- اخیراً یعنی چند سالی است که در بین بعضی از مخدرات مذهبی عکس گرفتن در مجالس عروسی و جشنها و یا مهمانیهای خودمانی شایع گشته و حتّی بدون چادر با موهای پریشان و مثلًا آستینهای کوتاه مرتکب این امر می‌گردند و مدّعی هستند که چاپ‌کننده این فیلمها خانمها می‌باشند و بیگانه و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۷۴

اجنبی آن را نگاه نمی‌کند، امّا تحقیقی که حقیر در این امر نموده‌ام خبری که دال بر چاپ فیلم از جانب بانوان باشد بدست نیامد و

یا می‌گوینـد الآن چاپ فیلم توسط دسـتگاه کامپیوتر انجام می‌شود ولی در آن طرف دسـتگاه مردی ایسـتاده عکسـها را گرفته داخل پاکت می‌گذارد، علی ایّ حال نظر اینگونه افراد این است که اگر عکس را بیگانه چاپ کند چون نمی‌شناسد اشکالی ندارد آیا نظر حضـرتعالی در این مـورد چیست و آیـا اجـازه می‌فرماییـد به صـورت مزبـور عکس گرفته شود حـتی اینکه چاپ‌کننـده مرد باشـد و صاحبان عکس را نشناسند؟

ج

- نفس عمل در صورتی که در تمام مراحل بوسیله بانوان انجام گیرد اشکال ندارد و در صورتی که در معرض بعض مفاسد اخلاقی و یا بر خلاف عفت و حیاء باشد اشـکال دارد و اگر متصدی ظهور فیلم مرد نامحرم باشد و صاحبان عکس را بشـناسد نگاه کردن به آنها جایز نیست و در صورتی که آنها را نمی‌شناسد جواز نگاه محل اشکال است. و اللَّه العالم

س ۱۷۲۱

اشاره

- فیلمبرداری از مجـالس عروسـی و جشن عقـد کنان با توجه به اینکه کلیه مراسم و حتی رقص‌های زنان دیگر فیلمبرداری شود؛ چه حکمی دارد؟

ج

- اگر در معرض دید نامحرم و ترویج فساد باشد اشکال دارد.

پوشش آقایان

س ۱۷۲۲

اشاره

- حدود پوشش شرعی آقایان چیست؟ آیا لباس آستین کوتاه جایز است؟

ج

- در جایی که معرض نظر اجنبیه است احتیاط برای مرد پوشیدن لباس آستین‌دار است. و اللَّه العالم.

س ۱۷۲۳

اشاره

- آیا استفاده از لباس بدن‌نما برای آقایان بنحوی که حجم کامل بدن مشخص باشد جایز است؟

ج

– خلاف شرم و حیا و متانت است و اگر موجب رؤیت بـدن باشد برای ستر مواضـعی که پوشاندن آن واجب است، کافی نیست. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۱۷۵

س ۱۷۲۴

اشاره

– منظور از حـدّ شـرعی حجـاب برای آقایان چیست؟ این امر مورد شـبهه جامعه قرار دارد و می گوینـد با مسائلی که از سوی بعضـی افراد صادر می‌شود، لباس احرام در زمان حج از لحاظ حجاب مردان به زیر سؤال می‌رود.

ج

– بر مردان بر حسب حکم اوّلی، مستور نمودن عورتین واجب است و همه اعمّ از مرد و زن و محرم و نامحرم بجز همسر و مملو که نظر بر عورتین مرد حرام است و همچنین نظر زن اجنبی بسـایر مواضع مرد بجز جاهـائی که پوشانـدن آنها برای مرد از سابق متعارف نبوده حرام است و در حـال نمـاز و طواف هم اگر عورتین مسـتور نباشـد نمـاز و طواف باطـل است و این احکـام با قطع نظر از سایر ملاحظات است، لکن بعض احکام با ملاحظات دیگر، رعایت آنها لازم است مثلًا ظاهر شـدن مرد در اجتماع و در بین زنان و مردان با پیراهن آستین کوتاه که بازوها نمایان است طبعاً در بسیاری از موارد جلب توجه زنان را می کند و در انظار مردان نیز سبک است و تدریجاً موجب فساد اخلاق و شیوع بی‌عفتی در مردان و زنان و تبعات دیگر می‌شود لذا رعایت پوشش خوب برای مردان پوششی که موجب اینگونه امور نباشـد راجـح بلکه لازم بنظر می‌رسـد و پوشـش مخصوص در حـال احرام یک امر اسـتثنائی است که خود مشتمل بر اسرار و حکمتهائی است و با سایر احوال. قابل مقایسه نیست. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۱۷۷
لباس و زینت
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۱۷۹

لباس و زینت

لباس

س ۱۷۲۵

اشاره

– مستدعی است بیان فرمائیـد چنانچه کسـی لباس محلی شـهر خود را در شـهر دیگر بپوشـد به نحوی که جلب نظر کند چه حکمی دارد؟ در ثانی اگر از این کار هدفی داشته باشد مثلًا لباس اهالی آن شهر را مناسب نداند و قصدش این باشد که مردم را به پوشیدن

لباس محلی شـهر خودشان تشویق کند- با این فرض که لباس محلی مردم شـهر را اسـلامی‌تر بداند و یا لااقل سعی کند به وسیله آن لباس محلی از تهاجم فرهنگی بیگانه و و مانند آن جلوگیری کند- این عمل چه حکمی پیدا خواهد نمود؟

ج

- پوشـیدن لباس مربوط به شـهر و یا قبیله خاصـی از مسـلمین با آنکه مردم می‌دانند مربوط به آنهاست اشـکال ندارد و به آن صدق لباس شهرت نمی‌کند، بلی چنانچه به نحوی باشد که عرفاً انگشت‌نما شود به عنوان لباس شهرت اشکال دارد و البته این مسأله غیر از تشبه به کفار است.

س ۱۷۲۶

اشاره

- آیا اگر یک فرد غیر روحانی با عبا رفت و آمد کند این را خلاف

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۰

عرف و یا لباس شهرت می‌گویند؟ یا لباس خلاف عرف به لباسی می‌گویند که در بین مردم بیگانه و عجیب باشد؟

ج

- موارد خلاـف عرف مختلف است و عرف آن را بخوبی تشـخیص میدهـد و پوشـیدن عبـا و رفت و آمـد بـا آن برای غیر روحـانی اشکال ندارد.

س ۱۷۲۷

اشاره

- اخیراً در میـان برخی از جوانـان مـدل مو و لباس‌هایی مـد شـده که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می‌گردد (ماننـد رپ، هوی و ...) نظر به اینکه پوشیدن این لباس‌ها و خود را اینگونه آرایش دادن عرفاً از مصادیق تشبیه به کفار است آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج

- به طور کلّی تشبّه به کفار حرام است و جوانان مسلمان بایـد از آرایش بنحو مـذکور پوشـیدن اینگونه البسه اجتناب نمایند. و اللَّه العالم

س ۱۷۲۸

اشاره

– آیا لباسهایی که معمولًا شأن و موقعیت قاریان قرآن کریم نیست، از مصادیق لباس شهرت برای ایشان می‌باشد؟

ج

– مجرد مخالف شأن بودن لباس، آن را لباس شهرت نمی‌کند. و اللّٰه العالم

س ۱۷۲۹

اشاره

– پوشیدن لباس در رنگهای زننده و جلب‌نظرکننده در اجتماع، برای خانمها چه صورتی دارد؟

ج

– اگر به نحوی است که جلب نظر و توجه اجنبی می‌کند جایز نیست. و اللّٰه العالم

س ۱۷۳۰

اشاره

– پوشیدن لباسهای مارک دار، لباس و شلوار لی و ... چه حکمی دارد؟

ج

– برای زنان که موجب تهییج و جلب توجه اجنبی است جایز نیست و برای مردان هم بر خلاف شئون و متانت آنها است. و اللّٰه العالم

س ۱۷۳۱

اشاره

– استفاده از کراوات چه صورت دارد؟

ج

– گرچه حرام بودن آن مسلم نیست ولی سزاوار نیست مسلمین از آن استفاده کنند بلکه احتیاط ترک استفاده از آن است خداوند متعال مسلمین را در حفظ استقلال و شخصیت اسلامی در همه ابعاد موفق فرماید. و اللّٰه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۱

س ۱۷۳۲

اشاره

- با توجّه به تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین که از جمله می‌خواهند همچون گذشته با الان و غیر ساده بودن لباس مردان به ویژه جوانان و الوان غیر ساده بودن چادر و روپوش و جوراب زنان و یا نازک بودن آنها، جامعه را بفساد بکشانند، آیا تولید و مصرف اینگونه البسه چه حکمی دارد؟

ج

- عرضه هر نوع لباس و کفش و جوراب و هر کالا که معرض فساد جوانان و انحطاط جامعه و سلب مصونیت اخلاقی عموم باشد جایز نیست.

س ۱۷۳۳

اشاره

- عکسهای مبتذلی از زنان مکشفه و مردان بی‌حیا که بر روی البسه، روفرشیها و ظروف و بالشها و ... انداخته می‌شود چه صورتی دارد؟

ج

- استفاده از اینگونه البسه و فرشها اگر ترویج فحشاء و بدآموزی به افراد بر آن مترتب میشود جائز نیست ولی مجرّد داشتن عکس موجب حرمت تولید و خرید و فروش آنها نمیشود.

س ۱۷۳۴

اشاره

- لباسی که از پوست پلنگ است از اروپا می‌آورند آیا پوشیدن آن جایز است و پاك است یا نجس؟

ج

- در فرض سؤال که از بلاد کفر آورده شده پوشیدن آن جایز نیست و نجس هم هست بلی اگر مسلمان پلنگ را با رعایت شرائط ذبح کند پاك است ولی در این صورت هم نماز با آن باطل است.

س ۱۷۳۵

اشاره

- از موارد زیر کدام مستحب است؟

الف- عبا (در غیر از نماز)

ب- شال کمر (که دیده می‌شود بعضی از علما التزام به بستن آن دارند)

ج- کلاه (مثل آنچه که مسجدی‌ها بر سر می‌گذارند)

د- عصا (برای پایین تر از ۴۰ سال و برای غیر از سفر)

ج

- استحباب هیچ‌یک از موارد مذکوره بنظر نرسیده است.

س ۱۷۳۶

اشاره

- پارچه‌هائی که از بلاد کفر می‌آورند (چینی، ژاپنی و ...) حکم حلال یا حرام، پاک یا نجس بودن آنها چیست اگر چه می گویند با دستگاه تمام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۲

اتوماتیک است. و با دست انسان تماس ندارد ولی می‌دانیم که سازنده آن دستگاهها نیز همان کفار و مشرکین هستند؟

ج

- پارچه‌های غیر پوستی چنانچه علم به نجاست آن نداشته باشید محکوم بطهارت است. و اللَّه العالم

استعمال طلا برای مرد

س ۱۷۳۷

اشاره

- استعمال طلای سفید برای مرد به عنوان زینت چه حکمی دارد؟

ج

- با فرض طلا بودن حرام است.

س ۱۷۳۸

اشاره

- اگر بجنس طلای زرد چیزی اضافه کنند که مثلًا نقره‌ای شود، آیا حرمت استعمال برای مردان باقیست؟

ج

- جواز دائر مدار این ستکه عرفاً آن را طلا نگویند، استفاده از طلا با خلیط مس و یا نقره برای مردان جایز نبست و در این صورت فرقی بین طلای سرخ و زرد و سفید نیست.

س ۱۷۹۸

اشاره

- پلاتین و یا طلای سفید برای مرد اشکال دارد؟

ج

- اگر پلاتین طلا نباشد و فلزّ دیگر باشد برای مرد اشکال ندارد.

تراشیدن ریش

س ۱۷۴۰

اشاره

- شغل برادرم آرایش گری است و گـاهی به تقاضای افراد ریش آنها را می‌تراشد یعنی تیغ می‌زند چنانچه مزد گرفتن حرام باشد می‌شود برای تخلص از اجرهٔ حرام به امور زیر متمسک شد؟
الف- شخصی که ریش خود را می‌تراشد اجرت را هبه کند یا صلح کند؟
ب- اجرتی که در مقابل اصلاح سر است بگیرد و در مقابل ریش اجرت نگیرد.
ج- به افراد بگوید پولی که از شما می گیرم از بابت تراشیدن ریش حرام است ولی شما راضی باشید پول را به من بدهید؟
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۳

ج

- الف- ریش تراشیدن حرام است و باید آن را ترک کند ولی اگر مبلغی را که باو میدهد بطور جدی (نه صوری) با قصد به او هبه نماید ظاهراً رفع اشکال از پول می‌شود ولی حرمت عمل رفع نمی‌شود.
ج- ب- اگر طرفین بر آن قرار بگذارند اشکال ندارد ولی در این صورت هم حرمت عمل باقی است.
ج- ج- رفع اشکال نمی‌شود. و اللَّه العالم

س ۱۷۴۱

اشاره

– خریدوفروش تیغ و ماشین خودتراش که صرفاً جهت تراشیدن ریش به کار می‌رود چه حکمی دارد؟

ج

– اشیاء مذکوره فوائد محلله نیز دارد بنابراین خریدوفروش آن اشکال ندارد مگر این که فروشنده به قصد این که مشتری از آن در جهت ریش‌تراشی استفاده کند فروخته باشد که در این صورت معامله باطل است. و اللَّه العالم

س ۱۷۴۲

اشاره

– کوتاه کردن ریش با ماشینهای معمولی دستی تا حدود یک میلیمتر جایز است؟

ج

– باید بنحوی باشد که عرفاً صدق ریش کند. و اللَّه العالم

س ۱۷۴۳

اشاره

– آیا تراشیدن دو طرف گونه‌ها و گذاشتن ریش روی چانه کافی است و این مقدار صدق ریش می‌کند؟

ج

– تراشیدن اطراف ریش حرام نیست ولی تراشیدن خود ریش به هر صورت باشد و لو به نحو مذکور در سؤال جایز نیست.

س ۱۷۴۴

اشاره

– نظر حضرتعالی پیرامون تراشیدن سبیل و ریش چیست؟

ج

– تراشیدن ریش حرام است ولی تراشیدن سبیل اشکال ندارد.

س ۱۷۴۵

اشاره

– اگر مقدور است تا حدودی علت وجوب گذاردن ریش را توضیح فرمایید.

ج

– حرمت تراشیدن ریش از بعض روایات معتضده به سیره متشرّعه استفاده می‌شود و فقیه اگر وجوب یا حرمت کاری را از ادلّه استفاده نماید دانستن فلسفه آن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۴

لازم نیست هر چند در خصوص مورد ضررهای بهداشتی برای پوست صورت و لثه از قول اطباء متخصص نقل شده است و در این مورد می‌توانید به کتاب اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر اثر شهید دکتر رضا پاک‌نژاد و همچنین کتاب تراش ریش از نظر بهداشت مراجعه نمایید. و اللَّه العالم

س ۱۷۵۴۶

اشاره

– آیا افرادی که در اثر ریش گذاشتن احساس خارش می‌کنند بنحوی که موجب اذیّت می‌شود می‌توانند ریش خود را بتراشند؟

ج

– احساس خارش مجوز تراشیدن ریش نیست. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۵

مواد مخدر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۷

مواد مخدر

س ۱۷۴۷

اشاره

– تقاضا دارد فتوای آن مرجع عالیقدر را درباره مصرف مواد مخدر و مقدمات آن از قبیل- کشت، تولید، نگهداری، مخفی کردن، حمل، توزیع، خریدوفروش اعلام فرمائید.

ج

– ضرر این سموم مهلک و خطرات خانمانسوز آنها برای دین و ایمان و شرف و استقلال و سلامت روح و جسم و همه شئون جامعه

از واضحات است. هر عمل و معامله و حمل و نقلی که موجب سلب مصونیت جامعه اسلامی از خطر ابتلاء افراد باعتیاد به این سموم گردد مؤکداً حرام است، و نهی از منکر و جلوگیری از آن علاوه بر اینکه از وظائف مستقیم حکومت است بر همگان نیز طبق ضوابط شرعی واجب است، وهمه باید هم آهنگ از این منکر و سایر منکرات که موجب فساد و تباهی اخلاق اسلامی جامعه است جلوگیری نمایند.

س ۱۷۴۸

اشاره

- نظر حضرتعالی در ارتباط با استعمال دخانیات تریاک و مواد مخدر و سیگار چیست؟

ج

- ضرر اعتیاد به مواد مخدّره مسلم است لذا شرعاً حرام است و استعمال
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۸
دخانیات نیز در هر موردی که ضرر معتدّ به داشته باشد حرام است.

س ۱۷۴۹

اشاره

- معتادان به تریاک سوخته تریاک را جمع کرده و آن را طبخ می‌کنند و از آن شیره بدست می‌آید آیا شیره تریاک حلال است؟

ج

- شیره حکم خود تریاک را دارد.

س ۱۷۵۰

اشاره

- خوردن شراب مانع می‌شود که انسان تا چهل روز نماز او مورد قبول حق تعالی واقع نشود آیا خوردن عرق (که از تبخیر شراب بدست آید) چنین حکمی را دارد؟

ج

- عرق و شراب هر دو حرام و احکام آنها یکی است.

س ۱۷۵۱

اشاره

– استفاده از مواد مخدر به شرطی که در کنار آن از غذاهای مقوی و تأمین کننده نیازهای بدن استفاده شود چه حکمی دارد؟

ج

– جواز آن محل تأمل است علاوه بر اینکه تجویز آن فتح باب عذر ارتکاب این سمّ مهلک و خطرناک برای دیگران است و خلاف مصلحت نوعی تحریم این سمّ است.

س ۱۷۵۲

اشاره

– آیا شروع کردن به استفاده از سیگار و دخانیات حرام است و آیا ترک آن واجب؟ و آیا ترک سیگار در جامعه برای افرادی که مورد نظر و توجه می‌باشند مانند: مسئولین ادارات و سازمانها، مسئولین مجامع فرهنگی- آموزشی چون دانشگاهها و مدارس، بسیجیان، رزمندگان، معلمین، پاسداران، پزشکان و روحانیون واجب است؟ بر کدام دسته مورد تأکید بیشتری دارید؟

ج

– میزان در حرمت این است که ضرر معتد به داشته باشد و همین طور نسبت به وجوب ترک، بلی مواردی که موجب ایذاء غیر شود در آن مورد نیز از جهت عنوان ایذاء حرام است ولی در این صورت، حرمت مخصوص به همان مورد تحقق ایذاء است و البته از جنبه اخلاقی و حفظ متانت در شرائط کنونی عدم شروع به آن و یا ترک آن برای اصناف مذکوره تأکید بیشتر می‌دارد. و اللّٰه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۸۹

وصیت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۱

وصیت

وصی

س ۱۷۵۳

اشاره

– شخصی در زمان حیات زید قبول کرد که وصی او باشد پس از چند سال از فوت زید کلیه امور مربوط به اموال زید را به دیگری تحویل داده آیا با این کار ابراء ذمه از آن شخص می گردد؟

ج

– در فرض سؤال که وصی در زمان حیات موصی وصیت را پذیرفته است واجب است طبق آن عمل نماید و تحویل آن به غیر

موجب ابراء ذمه وصی نمی‌شود. بلی وصی می‌تواند برای انجام امور وصایت دیگری را وکیل کند. و اللَّه العالم

س ۱۷۵۴

اشاره

– شخصی در حضور عده‌ای از مؤمنین و فرزندان وصیت کرد که قطعه زمین معینی را پس از فوتش بعنوان ثلث مال محسوب دارند و درآمد آن را در امور خیریّه مصرف نمایند اما وصیّت‌نامه در دست نیست و وصی هم معلوم نیست که چه کسی است فرزندان شخص متوفی سالها در آمد زمین را صرف

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۲

امور خیریه محل نمودند آیا این وصیت لازم الاجراء است. و در صورت لزوم چون وصی معلوم نیست پسران و دختران با شرائط تقوی مساویند یا خیر؟

ج

– بطور کلی اگر شرعاً وصیّت ثابت شود و بیش از ثلث ترکه نباشد نافذ و عمل به آن واجب است و اگر وصی معلوم نباشد هر یک از ورثه اعم از پسر یا دختر که علم بوصیّت دارد می‌تواند آن را اجرا و عملی نماید.

س ۱۷۵۵

اشاره

– خانم محترمه‌ای (مقلد مرحوم آیت الله آقا نجفی ره) حدود ۲۰ سال قبل فوت کرده و وصیتنامه مفصلی تنظیم و جهت انجام امور وصیتنامه ۶ نفر را به عنوان وصی و ناظر تعیین کرده است. و جهت حق الزحمه این ۶ نفر ۱۲٪ از ثلث ماترک را قرار داده که بالسویه میان این شش نفر تقسیم شود.

در طول این سالها ۳ نفر از این ۶ نفر فوت کرده‌اند اکنون این سؤال مطرح است که:

آیا حق الوصایه ۳ نفر متوفی به ۳ نفر باقی مانده می‌رسد؟ (یعنی ۳ نفر باقی مانده سهم هر یک از آنها ۴٪ می‌شود؟ یا اینکه حق الوصایه ۳ نفر متوفی داخل در ثلث ما ترک شده و ۳ نفر باقی مانده همان ۲٪ قبلی را بایستی به عنوان حق الوصایه خود بردارند؟

ج

– با طلب مغفرت برای مرحومه موصیه که نوه مرحوم عالم مجاهد و مرجع شهیر آیة اللَّه آقای آقا نجفی اصفهانی علیه و علی والده الفقیه وجده المحقق صاحب الحاشیة و عم أبیه صاحب الفصول و علی اخوته المرحومین آیات اللَّه الشیخ محمد حسین والد صاحب الوقایة و الشیخ محمد علی و المجاهد الکبیر الحاج آقا نور اللَّه الرحمة عن اللَّه و الرضوان می‌باشد از این وصیت‌نامه که قوت ایمان و تقوی و تعبد و تعهّد دینی این بیت شریف ظاهر و لائح است استظهار می‌شود که مقصود از تعیین دوازده درصد برای شش نفر نامبردگان تملیک مجانی به آنها نبوده بلکه غرض تعیین حق العمل سه نفر مشروط علیهم و حق النظاره سه نفر ناظر بوده علی هذا با فوت هر یک از ناظرین حق نظارت او نسبت به آینده منتفی می‌شود و ظاهراً سهم او در ملکیت مشروط علیهم باقی می‌ماند و به

آنها تعلّق دارد اگر چه احتیاط این ستکه نسبت به آن با سائر ورثه مصالحه نمایند و اما اگر بعض از مشروط

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۳

علیهم فوت کرده باشند نظر به اینکه انفاذ شرط بر عهده ورثه او است و چیزی که برای او معین شده در مقابل عمل او است به وارث و قائم مقام او که عمل انجام می‌دهد می‌رسد نکته لازم به تذکر این ستکه چون ظاهر عبارت اعتبار استحصال نظارت هر یک از سه ناظر است احتیاط این ستکه بجای ناظر متوفی از طرف مجتهد جامع الشرائط شخصی معین شود و اگر اجرهٔ المثل عمل او کمتر از سهم ناظر متوفی از دوازده درصد است به همان اجرهٔ المثل اکتفا شود.

س ۱۷۵۶

اشاره

- آیا جایز است که با عدم حضور وصی میّت، اموال میّت رسیدگی شود یا خیر؟

ج

- رسیدگی به اموال میّت و عمل به وصایای او باید با حضور و دخالت وصی باشد. و اللَّه العالم

تصرف بر خلاف وصیّت

س ۱۷۵۷

اشاره

- آیا عمل به وصیت واجب است؟

ج

- عمل به وصیت شرعی واجب است. و اللَّه العالم

س ۱۷۵۸

اشاره

- مسلمانی از دار دنیا رفت وصیّت کرد که دو فرزند بزرگش وصی او شوند و یک سوم از محصول زمین مزروعی را بعنوان ثلث مال در نظر گرفته بود که هر ساله در جهت امور خیریه صرف نمایند. ولی این دو فرزند یکی اهل دین و دیانت دیگری بر عکس اول میباشد یعنی کلّ زراعت را بخودش اختصاص میدهد برای پدر هیچگونه خرجی نمی‌کند آیا با این وجود میشود زمین را بفروشند کلّیه پولش را بعنوان ثلث برای میّت خرج کنند یا خیر؟

ج

- باید طبق وصیت زمین مذکور را حفظ کنند و عوائد آن را مصرف امور خیریه بنمایند و تصاحب عوائد زمین و عدم صرف آن در امور خیریه غصب و حرام است.

س ۱۷۵۹

اشاره

- آیا جایز است که وصی پول سهمیّه میّت را که از فروش یکی از ملکهای مورد وصیت دریافت کرده است برای رفاه ورثه در خرید خانه صرف

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۴

کند و بعداً پس از فروش ملک دوم مورد وصیت یکجا تمام ثلث میّت را به مصرف شرعی برساند.

ج

- جائز نیست.

س ۱۷۶۰

اشاره

- آیا وصی شرعاً می‌تواند و حق دارد که قسمتی از ثلث میّت را که بایستی در امر خیر مصرف شود به عنوان قرض الحسنه به یکی از ورثه قرض دهد تا وی برای خود خانه‌ای تهیه کند و یا کار ازدواج خود را سر و سامان بخشد و بعداً به تدریج و کم کم وجه را دریافت نماید و صرف امور خیریه بنماید.

ج

- وصی شرعاً چنین حقی ندارد.

س ۱۷۶۱

اشاره

- در فاصله بین فوت و فروش ملک مورد وصیت بعضی از ورثه از آن خانه (ملک مورد وصیت) استفاده کرده‌اند حال بیان فرمائید که آیا لازم است مال الاجاره‌ای برای آن در نظر گرفته شود و ۱۳ بر ثلث افزوده گردد و یا نیازی به چنین محاسبه‌ای نیست؟

ج

- اگر تأخیر غیر فاحش بوده مال الاجاره لازم نیست و اگر تأخیر فاحش بوده اجرهٔ المثل اجاره محاسبه و به ثلث اضافه شود.

س ۱۷۶۲

اشاره

- اگر طبق گفته میّت عمل نشود وصی می‌تواند در کار میّت دخالت کند؟

ج

- وصی باید برای عمل به وصایای میّت دخالت کند. و اللَّه العالم

س ۱۷۶۳

اشاره

- بعرض می‌رساند که پدر این جانب قطعه زمینی در آبادان دارد و وصیت کرد محصول آن زمین برای خانواده کاشف الغطاء ارسال شود. در زمان جنگ محصول زمین که خرما باشد از بین رفت و همچنین به خانواده کاشف الغطاء دست رسی ندارم و ظاهراً کسی از این خانواده محترم نمانده حالا این جانب در جهت تعمیر زمین چه تکلیفی دارم؟ و در ضمن اگر محصولی داد صرف چه چیزی نمایم؟

ج

- در فرض مسأله میتوانید از عوائد زمین جهت تعمیر آن مصرف نمائید

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۵

و بقیه عوائد آن باید بخانواده مرحوم کاشف الغطاء قدس سرّه داده شود و بعید است کسی از آن خانواده باقی نمانده باشد باید از اشخاص مطلع کسب اطلاع نمائید تا آنها را شناسایی نمایند ولی در صورتی که نسل آن مرحوم بکلی منقرض شده باشد که بسیار بعید است قطعه زمین متعلق به ورثه حین الفوت موصی است.

س ۱۷۶۴

اشاره

- وصیت‌نامه ای توسط شخصی در قید حیات تنظیم و در متن وصیت‌نامه وراث را راهنمائی نموده‌اند که سهم الارث خود را به برادر کوچک خودشان و همچنین مادرشان واگذاری نمایند تمام وراث در قید حیات موصی، نامه را تنفیذ و امضاء نموده‌اند که حاکی از قبول آنان نسبت به وصیت‌نامه می‌باشد سؤال این است که اولًا: عمل به وصیت‌نامه با توجه به امضای تمام وراث ذیل وصیت‌نامه واجب می‌باشد یا خیر؟ (با توجه به اینکه وصیت مازاد بر ثلث ترکه می‌باشد).

ثانیاً: بر فرض اینکه از نظر قانون وراث موظّف به عمل کردن بر طبق وصیت‌نامه نباشند آیا در صورت مخالفت مرتکب معصیت شده‌اند یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال که طبق وصیّت‌نامه درخواست و تقاضای موصی را ورّاث قبول کرده‌اند بنابر احتیاط همانطوری که موصی از آنها خواسته عمل نمایند.

س ۱۷۶۵

اشاره

– شخصی در حال حیات به دامادش گفته که وصیت می‌کنم پانصد هزار تومان از مال مرا بعد از فوت در بانک بگذارید و یا به کسی بدهید و از ربح آن سالی پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنید دامادش گفته این کار جایز نیست و لذا وصیت کرده که از مبلغ پانصد هزار تومان هر سالی پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنید سپس از دنیا رفته ورثه این مبلغ را به کسی به مضاربه داده‌اند که از منافع آن پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنند و مازاد را به زوجه او بدهند آیا این عمل جایز است یا باید از اصل مال سالی پنجاه هزار تومان روضه‌خوانی کنند تا تمام شود؟

ج

– در فرض سؤال، به مضاربه دادن مبلغ مذکور جایز نیست بلکه باید آن مبلغ را در محل امنی محفوظ بدارند و هر سال مبلغ پنجاه هزار تومان از آن را صرف
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۶
روضه‌خوانی بنمایند تا تمام شود.

وصیت به ثلث

س ۱۷۶۶

اشاره

– کسی که وصیّت میکند ثلث اموال مرا خرج خیرات از قبیل خمس و نماز و روزه و غیره نمائید آیا جمیع اموال از قبیل پول نقد زمین کشاورزی ماشین باری تریلی و لودر را شامل میشود یا بعضی از این اموال را؟

ج

– بلی در فرض مذکور وصیت جمیع اموال موصی را شامل میشود.

س ۱۷۶۷

اشاره

- شخصی متولّی و وصیّ شده بر ثلث شخص که بعد از مرگ باغی را با دویست درخت خرما صرف در امور خیریه کند آیا می‌شود این باغ را فروخت و آن را جهت آن مرحوم صرف در خیرات نمود؟

ج

- باید چگونگی وصیت ملاحظه شود اگر موصی وصیت کرده که باغ را بعنوان ثلث صرف در خیرات بنمائید وصی میتواند بفروشد و صرف در خیرات نماید و اگر وصیت کرده که باغ بماند و عوائد آن صرف خیرات شود در این صورت باغ را نباید بفروشند بلکه باید عوائد آن را صرف خیرات نمایند.

س ۱۷۶۸

اشاره

- شخصی متولی ثلث کسی است در اثر جنگ درختان خرما که ثلث آن مرحوم است از بین رفت دولت خسارت نخلها را داده الآن با این پول چه کار کند صرف در خیرات کند یا واجب است درخت بکارد؟

ج

- باید غرس اشجار کند.

س ۱۷۶۹

اشاره

- پدر این جانب وصیت کرده که ثلث مالم را برای این جانب خرج کنید و وصی پدرم هم می‌خواهد تمام ثلث را یک جا بگیرد و ما از ایشان مهلت می‌خواهیم که به ما مهلت دهد ولی ایشان قبول نمی‌کند لطفاً بفرمائید وظیفه ما در این مورد چیست؟

ج

- تأخیر در عمل بوصیت بدون عذر شرعی جائز نیست شما باید ثلث را در اختیار وصیّ قرار دهید و تأخیر نیندازید.

س ۱۷۷۰

اشاره

- آیا میتوان مقداری از ثلث مال میّتی را که وصیت کرده برای نماز
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۷
و روزه و ردّ مظالم از آن استفاده شود جهت بنای مسجد جدید الاحداث استفاده نمود؟

ج

– با فرض اینکه مصرف ثلث را در انجام نماز و روزه و ردّ مظالم تعیین نموده باشد صرف آن در موارد دیگر هرچه باشد جایز نیست.

س ۱۷۷۱

اشاره

– شخصی فوت کرده ثلث مالش را وصیت کرده چند سال نماز و روزه و مابقی را در راه خدا مصرف کنند در ضمن چند تا پسر و دختر بی‌سرپرست و محتاج دارد آیا می‌شود از مابقی ثلث که در مورد خاصی وصیت نشده به فرزندان محتاج ایشان داده شود یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، وصیت از اولاد خود موصی منصرف است. و اللَّه العالم

س ۱۷۷۲

اشاره

– شخصی در زمان حیات خود ثلث مال خود را محاسبه نموده و با قیمت آن روز وصیت نموده که صرف نماز و روزه و امور خیریه گردد حال که فوت نموده ثلث مال او که شامل وسیله نقلیه و لوازم دیگر می‌باشد، قیمتش بیشتر از قیمت زمان محاسبه می‌باشد آیا کدام قیمت معتبر است؟ قیمت فعلی یا قیمت قبلی که خود محاسبه کرده؟
ثانیاً اگر لوازمی که به عنوان ثلث قرار داده نماء و سودی داشته باشد آیا آن نماء و سود هم جزء ثلث محسوب می‌گردد یا فقط عین همان لوازم ثلث اوست؟

ج

– در فرض مذکور چنانچه با تعیین قیمت ثلث حین الوصیهٔ وصیت بمبلغ معین کرده باشد وصیت در همان مبلغ نافذ است و اگر با وجود تعیین قیمت، به ثلث اموال حین الوصیهٔ وصیت کرده اعیان متعلق وصیت است و قیمت فعلی آن باید در آنچه موصی معین کرده صرف شود و نماء و سودی که بعد از وصیت حاصل شده نیز جزء کل ترکه است. بلی نماء و سودی که پس از فوت موصی برای عین تعیین شده برای ثلث حاصل شود تابع عین است و از ثلث محسوب می‌شود.

س ۱۷۷۳

اشاره

– آیا ثلث متوفی که وصیت شده بصورت خیرات و اطعام بفقراء مصرف شود میتوان کل یا قسمتی از آن را بصورت قرض و دین به زن و فرزندان آن مرحوم داد و این در صورتی است که آنان احتیاج فوری و خیلی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۸
شدید به این مقدار مال دارند و پس از رفع مشکلشان به موصی الیه برگردانند؟

ج

– ثلث میّت بایـد بـدون تأخیر بمصارف تعیین شده برسد و قرض دادن آن و لو مختصـر هم باشد به اشـخاص مذکور در سؤال جایز نیست.

س ۱۷۷۴

اشاره

– احتراماً مرحوم والد در زمان حیات وصیت نموده که کل سرمایه حجره‌شان که در حدود سی میلیون ریال میباشد به عنوان قسمتی از ثلث منظور گردد حـدود سه هفته قبل از فوت، ایشان مبلغ بیست و چهار ملیون ریال از سـرمایه فوق را جهت سـفارش خرید چای در اختیار اخوی محترمشان قرار میدهد. اینک حدود ۵ ماه از فوت ایشان میگـذرد چای مذکور وارد و فروخته شده است با توجه به متن وصـیت‌نامه، مبنی بر اینکه سـرمایه حجره تماماً بایـد صـرف ثلث گرد و در واقع متعلق به ورثه نمیباشـد و با عنایت به اینکه این جـانب به عنوان پسـر ارشـد تنها وصـی ایشان میباشم خواهشـمند است نظر مبارك را در مورد اینکه مبلغ مزبور در اختیار این جانب قرار گیرد تا به مصرف خیرات برسانم مرقوم فرمائید.

ج

– در مورد سؤال کلّ سـرمایه موجود در حجره حین الفوت موصـی از کالا و نقد اگر زائد بر ثلث ترکه نشده باشد جزء مال الوصایه است و باید بوسیله وصی در مواردی که موصی معین کرده صرف شود.

س ۱۷۷۵

اشاره

– اگر در حال وصـیت چیزی مشـخص را برای خانمش وصیت کرده باشد و پسر بزرگ نه در حال مرگ مادرش شیء مورد نظر را و نه بعد از فوت مادرش پرداخت نکند مدیون نیست؟

ج

– اگر آنچه برای همسـر خود وصـیت کرده از ثلث بیشتر نبوده یا اگر بیشتر بوده ورثه امضاء کرده باشـند شـیء مورد وصـیت بعد از فوت موصـی لها (همسـر) بورثه او می‌رسد و کما فرض اللّه بین پسـر بزرگ و سائر ورثه تقسـیم می‌شود و پسـر بزرگ اگر مخالفت

کند یا اگر در اختیار اوست سهم سائر ورثه را ندهد مسئول و ضامن است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۱۹۹

وصیت بیش از ثلث

س ۱۷۷۶

اشاره

- در باب ارث که پسر ۲ برابر دختر می‌برد آیـا برای پـدر و مادر جائز است که وصـیت کننـد که وارث ذکور و اناث مساوی ارث ببرند یا نه؟

ج

- وصـیت تا مقـدار ثلث نافـذ است و زائـد بر آن موقوف بامضاء و اجازه ورثه است بنابراین انسان میتوانـد وصـیت کند از ثلث مالم فلان مبلغ به فلان دخترم مثلًا علاوه بر سهم الارث بدهید و اما وصیت به اینکه پسر و دختر بعنوان ارث مساوی باشند نفوذ ندارد.

س ۱۷۷۷

اشاره

- انسان میتوانـد وصـیت کند تا همسـرم زنده است منزل مسـکونی باید در اختیار او باشد و هیچ‌کدام از ورثه حق دخالت و تصـرف ندارند آیا در این مورد رضایت و عدم رضایت وراث اثر دارد یا ندارد؟

ج

- بلی میتوانـد و رضـایت ورثـه شـرط نیسـت ولی بایـد تـوجه داشت که در این وصـیت هم بایـد ملاـحظه ثلث بشـود یعنی مجمـوع وصیتهای مالی او که وصیت به ثلث نموده و از جمله همین وصیت از ثلث ترکه بیشتر نشود.

س ۱۷۷۸

اشاره

- شخصـی وصیت نمود که وضع خانه مسکونی او و املاک صحرا به همان وضع که هست باقی بماند و ورثه بهم نزنند و در اختیار همسـر باشـد تا چنـدی که حیات دارد و بعد از فوت همسـرش ورثه سـهم خود را ببرند و ضـمناً ثلث اموال منقول و غیر منقول را به مصـرف نماز روزه و مخارج بعد از مرگ و خیرات مبرات برسانند و اگر قبل از فوت همسـر ورثه خواستند تقسیم کنند باید با اجازه مشار الیها باشد آیا وصیت نافذ است یا نه و آیا تقسیم موقوف به اجازه مشار الیها می‌باشد یا نه؟

ج

- در مورد سؤال اگر موصی اوّل ثلث مال خود را جهت صرف در استیجار نماز و روزه و مخارج بعد از مرگ و خیرات معین نموده وصیت او نسبت به اینکه خانه و غیره مادام الحیوهٔ در اختیار همسرش باشـد وصیّت زائـد بر ثلث است و نفوذ آن موقوف بر اجازه ورثه است و اگر اوّل درباره همسرش وصیت نموده و بعد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۰

نسبت به ثلث وصیت کرده حکم دیگری دارد در صورت حاجت مرقوم دارید تا جواب داده شود. و اللَّه العالم

س ۱۷۷۹

اشاره

- شوهر این جانبه فوت نموده است وصیت کرده و صریحاً نوشته است فرزندانم هیچ گونه حقی ندارند که مادرشان را از عمارت و خانه بیرون نمایند آیا این وصیت نافذ است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنـانچه وصایـای مـالی متوفیماننـد مخـارج ایـام ثلثه و اجرهٔ المثل تصـرفات همسـرانش در خانه و اثاث البیت تا چنـدی که زنـده هسـتند و شوهر نکرده‌انـد مجموعاً از ثلث ترکه، تجاوز نکنـد نافذ است و نسـبت به زائد بر ثلث منوط بامضاء کبار ورثه است و در سـهم صـغار، نفوذ نـدارد و اگر مجموع وصایا از ثلث تجاوز کنـد و ورثه مازاد بر ثلث را اجازه نکنند باید بمقداری که ثلث وافی باشـد عمل کننـد با رعایت ترتیبی که در وصیت‌نامه ذکر شده است توضـیحاً بدهی مالی میّت مانند مهریه و خمس و مظالم و غیرها اگر متوفی وصیت نکرده باشد که از ثلث پرداخته شود از اصل ترکه خارج میگردد و بعد ملاحظه ثلث می‌شود.

س ۱۷۸۰

اشاره

- شخصـی از دنیا رفته است و وصـیّت نموده که کلیّه اموال او را صـرف راه خیر کننـد، و این شـخص فرزند ندارد و وارثین او یک همسـر و پنـج برادر ویـک خواهر میباشـد یکی از برادرانش را وصـی خود قرار داده و فقـط گفته طبقه بالاـی ساختمـان و مغازه‌های جنب خیابان مال همسـرم باشد، حال نظریه مبارک را راجع به این وصیّت بیان فرمائید، چنانچه یکی از ورّاث بخواهد سهمیه خود را بگیرد وصی مسئولیتی دارد یا خیر؟

ج

- در فرض سـؤال، پس از اداء دیـون واجبه و پرداخت خمس، وصـیت نسـبت به ثلث بقیه مـاترک او نافـذ و زائـد بر ثلث محتـاج به امضاء ورثه هر کدام نسبت به سهم خود است و اگر امضاء نکنند هر وارثی میتواند سهم الارث خود را از دو ثلث ترکه مطالبه نماید و در این صورت باید وصی سهم الارث مطالبه‌کننده را بدهد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۱

منجزات مریض

س ۱۷۸۱

اشاره

- آیا وصیت مریض یا سفیه نافذ است؟

ج

- وصیت مریضی که عقل و شعور او بجاست نافذ و قبول است و سفیه هم نسبت به چیزهائی که احتیاج به صرف مال ندارد صحیح است و در امور مالی صحیح نیست. و اللَّه العالم

س ۱۷۸۲

اشاره

- شخصی با داشتن چند فرزند دختر و پسر در سن ۷۵ سالگی در اثر عارضه سکته مغزی از زبان و دست فلج شده ولی میتوانسته منظور خود را با ایماء و اشاره به اطرافیان بفهماند بنا به اظهار یکی از پسران آن مرحوم چند ماه قبل از فوت که منزل آن پسر مهمان بوده مغازه شخصی خود را که مدت ده سال تعطیل بوده در حضور عیال همان پسر به او بخشید بعد از این جریان روزهای متوالی مکرّر منزل بقیه فرزندان رفت و آمد داشته ولی در این مورد به هیچ یک از فرزندان اظهار نکرده‌اند حال تکلیف ورثه در این مورد چیست (توضیح آن که آن مرحوم وصیت‌نامه معتبر و سه وصی داشته است)؟

ج

- بطور کلی اگر او در حال صحت مشاعر به فرزند خود هبه نموده و بخشیده باشد و به قبض فرزند خود داده باشد هبه نافذ و صحیح است ولی اگر این کیفیّت مورد اختلاف باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۷۸۳

اشاره

- پدرم در حال موت (یعنی چند روز قبل از موت) می‌توانست حرف بزند ولی با اشاره مطلب و مقصود خود را رساند آیا وصیت او نافذ است یا نه؟

ج

- بلی در فرض سؤال که با اشاره مقصود موصی عرفاً مفهوم باشد صحّت وصیّت بعید نیست اگر چه با امکان مصالحه احوط تصالح

است. و اللَّه العالم

س ۱۷۸۴

اشاره

– شخصی در مرض موتش وصیت نموده تمام ما یملک او از جمله زمینی که دارد مصرف تکفین و تدفین و خیرات نماید و وارث او اولاد خواهر از طبقه دوّم می‌باشد آیا این وصیت زائد بر ثلث محتاج بامضاء ورثه است یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال نفوذ وصیت در زائد بر ثلث نسبت به سهم کبار ورثه
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۲
محتاج به امضاء کبار ورثه است و اگر ورثه صغیر دارد وصیت در زائد بر ثلث نسبت به سهم صغار معلّق به بعد از بلوغ آنها است که اگر بعد از بلوغ اجازه کردند در سهم خودشان نافذ است و الّا نفوذ ندارد.

س ۱۷۸۵

اشاره

– شخصی دو سال قبل از فوتش با وجود مرضی که منجر به فوت او شده است جمیع ما یملک خود حتی الوتد فی الجدار را فروخته به همسرش (ورثه شرعی او از ارث محروم شده‌اند) آیا این معامله صحت شرعی دارد یا خیر؟
اگر در فرض مذکور احتمال اجبار در معامله باشد حکم آن چیست؟
اگر در فرض مذکور احتمال قصد ضرر زدن به ورثه باشد حکم آن چیست؟

ج

– معامله مذکور محکوم به صحت است و احتمال اجبار و قصد ضرر زدن مضرّ بصحهٔ معامله نیست.

دیون میّت

س ۱۷۸۶

اشاره

– شخصی در حال حیات خود خمس و زکاه و حج مدیون است ولی مضایقه و مسامحه می‌کند تا از دنیا می‌رود و ضمناً فرد متوفّی بچّه صغیر دارد آیا تکلیف خمس و زکات و حج او چه می‌شود نحوه پرداخت بدهکاری ایشان به چه صورت است و چنانچه نماز روزه بدهکار باشد به چه شکل باید اداء گردد؟

ج

– در مورد سؤال بمقداری که متوفّی خمس و زکات مدیون است و همچنین به مقدار اجرت حجّ میقاتی باید از اصل ترکه میّت قبل از تقسیم ارث اداء شود و اما نسبت به نماز و روزه میّت چنانچه وصیّت نکرده باشد به عهده پسر بزرگ او است و اگر وصیّت کرده باشد از ثلث ترکه او باید نماز و روزه او را استیجار کنند البتّه وصیّت در زائد بر ثلث نفوذ ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۷۸۷

اشاره

– پدر این جانب هشتاد سال عمر نمود در زمان حیات خود چندان پایبند به اعمال واجب شرعیه من جمله نماز، روزه و حج نبود اکنون که ایشان

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۳

فوت نموده‌اند معادل حدود یک ملیون تومان (ملک) از خود بجای گذاشته، همسری علیل و دو پسر و چهار دختر هم از ایشان باقی‌ماندهاست، اعمال واجب شرعیه ایشان که به جای نیاورده‌اند تکلیفی داریم؟ آیا با وجود عدم وصیت ما تکلیفی نسبت به نماز، روزه، حج و احتمالًا خمس و سهم امام ایشان داریم یا نه؟

ج

– در فرض سؤال اگر به ملک او خمس تعلق نگرفته مثل اینکه خودش آن را نخریده و به ارث به او رسیده باشد از بابت خود این ملک ظاهراً اداء خمس واجب نیست ولی اگر آن را خریداری کرده یا کسی به او بخشیده خمس آن باید اداء شود و همچنین اگر می‌دانید که از راههای دیگر اشتغال ذمه به خمس یا زکات دارد باید از مال او اداء شود و همچنین اگر کفاره افطار عمدی یا عذری بر ذمّه او باشد باید از مال او اداء شود و اما نسبت به حج اگر وضع مالی او طرزی بود که بدون آنکه در معاش اختلالی واقع شود می‌توانست به حج برود و راه هم باز بوده باید برای او حج میقاتی بگیرید و اگر وضع معاش بطرزی بوده که واجب الحج نبوده از بابت حج چیزی بر ذمه او نیست و امّا قضاء نماز و روزه او اگر بجهت عذر شرعی انجام نداده باشد بر پسر بزرگتر او واجب است بلکه بنابر احتیاط اگر عمداً هم بجا نیاورده باشد پسر بزرگتر باید آن را قضاء یا برای قضاء آن اجیر بگیرد.

س ۱۷۸۸

اشاره

– این جانب به شخصی وکالت رسمی دادم که مقداری از درآمدهای مرا از اجاره مغازه و امثال آن جمع‌آوری و به من تحویل دهد نامبرده درآمدها را جمع کرده و قبل از تحویل فوت نموده است اکنون ورثه او اظهار می‌دارند که پرداخت دیون موکول به انحصار وراثت و امثال ذلک است خواهشمند است مرقوم فرمائید دیون متوفی از اصل ما ترک کسر می‌شود یا باید پس از تقسیم ما ترک پرداخت شود؟

ج

– ورثه بایـد دیون متوفّی را از اصـل ترکه پرداخت نماینـد و تـأخیر آن بـدون رضایت طلب کار جائز نیست و این محتاج به انحصار وراثت نیست.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۴

س ۱۷۸۹

اشاره

– شخصـی در کوره آجرپزی در اثر ریزش خـاک جـان خود را از دست می‌دهـد. و صـاحب کار دیه متوفی را می‌پردازد. از متوفی اولاـد به جای نمانـده و ورثه او منحصـر است به پـدر و مادر و زنش و ضـمناً مـدیون هم می‌باشـد و غیر از اثاثیه منزل از قبیل فرش، یخچال تلویزیون و .... از اموال دنیا چیزی از او باقی نمانده آیا قبل از پرداخت دیون و بدهی او ماترک و دیه بر ورثه تقسیم می‌شود یـا بعـد از پرداخت دیون او؟ در صورتی که دیون او تمـام مـا ترک و دیه را فرا بگیرد و یـا بیشتر از آن مسأله چه حکمی دارد؟ در صورتی که قضای نماز و روزه بر گردن او باشد آیا قضای آنها از ما ترک و دیه قبل از تقسیم بر ورثه برداشته می‌شود یا خیر؟

دیگر اینکه نفقه زن را در ایام عدّه چه کسی باید پرداخت کند و از کجا؟

پولهائی که پـدر متوفی از خودش بدون رضایت به عنوان شـیربهاء یا عناوین دیگر به فامیل عروسـش داده و مقدار آن هم زیاد بوده در صورت داشتن شهود می‌تواند آنها را پس بگیرد یا حق ندارد؟

ج

– در مورد سؤال باید قبلًا دیون مالی میّت از ترکه میّت که دیه هم جزء ترکه میّت محسوب است ادا شود سپس اگر چیزی باقی ماند بین ورثه کمـا فرض اللَّه تقسیم شود و برای قضـای نمـاز و روزه او اگر وصـیت نکرده باشـد از ترکه او برداشـته نمی‌شود و لکن در فرض سؤال که متوفی اولاد نـدارد احتیاط واجب این است که اگر قضاء بعهـده میت باشـد پـدرش آن را قضا نماید و زوجه در ایام عـدّه وفـات نفقه نـدارد، و امـا نسبت به چیزهـایی که پـدر متوفی به فامیـل عروس تملیـک نموده چنـانچه هبه یعنی بخشـش بوده و متّهب‌هـا نسبت نسبی بـا واهب ندارنـد اگر عین اشـیا موجود باشـد می‌توانـد پس بگیرد، ولی اگر عین آنها موجود نباشـد نمی‌تواند چیزی مطـالبه کنـد و این در صورتی است که صـاحب کار شـرعاً مـدیون پرداخت دیه باشـد ولی اگر مـدیون نباشـد و تبرعاً یا طبق روش عرفی آن را بورثه بدهد جزء ترکه میت محسوب نمی‌شود و به هر نحوی که صاحب کارخانه بورثه پرداخت، ملک خود آنها است و اداء دیون میت از آن واجب نیست.

س ۱۷۹۰

اشاره

– این جانب برادری داشتم مجرّد بوده چندی قبل بدون وصیّت‌نامه در

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۵

سن ۶۰ سـالگی فـوت کرده دارای ۳ برادر و دو خواهر میباشـد از ایشـان یـک خـانه بجـا مانـده که برادر بزرگتر می گویـد خـانه را

بفروشیم برایش نماز و روزه بخریم ولی دیگر ورثه با این برنامه مخالفند آیا برادر بزرگتر می‌تواند بدون رضایت دیگر ورثه خانه را بفروشد و صرف نماز و روزه کند یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال برادر بزرگتر بدون رضایت بقیه ورثه حق ندارد سهم آنها را بفروشد بلی نسبت به سهم خودش بهر نحو مایل است میتواند اقدام نماید ولی سزاوار است هر یک از ورثه از سهم خود برای میّت خیراتی مثل استیجار نماز و روزه بدهند.

س ۱۷۹۰

اشاره

- معروض میدارد ... بر اینکه شخصی فوت نموده ... پای صغیر در میان است خانه بهمین حال بماند و قرض ... کم کم از مالی باقی و غیره جور کرده ادا میکنم آیا بالغ وضع میتوانند خانه را بفروشند یا خیر و در صورت جواز فروش شرعاً کیفیت ارث بر گردن ورثه چگونه بوده و حق ... ترکه چه نحوی است و آنچه جهیزیه که ... است متعلق بزوجه است یا اینکه جزء اموال میّت است؟

ج

- در مورد سؤال، باید از ترکه میّت قرض میّت اداء شود و لو بفروختن خانه و صغیر بودن وارث مانع از جواز بیع نیست بلی اگر طلب کار برای اداء دین مهلت بدهد تأخیر اداء دین مانعی ندارد، و کیفیت تقسیم ارث در مورد سؤال این است که بعد از أداء دیون و وصیت نافذه میّت پدر و مادر هر یک یک ششم و زوجه میّت یک هشتم از ترکه را میبرد و بقیه ترکه به پسر او میرسد و جهیزیه‌ای که زوجه با خود بمنزل شوهر آورده متعلّق به زوجه است به ورثه متوفی تعلّق ندارد و ضمناً چون ولی صغیر جدّ پدری او است باید با ملاحظه صرفه و مصلحت صغیر عمل نماید.

در صورتی که مادر صغیر اینگونه اظهار شفقت به او می‌نماید و طلبکارها هم مهلت می‌دهند اگر پدر و مادر هم که هر یک شش یک خانه را می‌برند بنحوی ملاحظه صغیر را بنمایند احسان به او است و اجر و ثواب دارد.

س ۱۷۹۱

اشاره

- شخصی در وصیت خود فقط از مجالس و ختم و مصارف در مساجد یا قبرستان یادآوری کرده ولی از واجبات مثل نماز و روزه و رد مظالم و غیره مثل نماز وحشت و ختم قرآن و ختم در ماه رمضان یادآوری نکرده (با وجود وارث صغر) حم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال آنچه برای مصارف مذکوره تعیین نموده اگر از ثلث مجموع ترکه بیشتر نباشد باید بر حسب وصیت انجام شود و

اگر بیشتر از ثلث باشد در مقدار زائد بر ثلث منوط بامضاء کبار ورثه است نسبت به سهم خودشان و در سهم صغار نفوذ ندارد و اگر ورثه یقین داشته باشند که واجبات مالی مثل مظالم و کفاره و خمس و مهریه زن بر ذمّه دارد باید از ترکه او بپردازند هرچند وصیّت نکرده باشد و بعد از پرداخت آنها ثلث باقیمانده را در مواردی که در وصیت تعیین شده مصرف نمایند و اگر یقین دارند که نماز و روزه بر ذمّه دارد بر پسر بزرگ واجب است آنها را انجام دهد.

س ۱۷۹۲

اشاره

- اگر شخص وفات کند و ورثه او همه صغیر باشند چنانچه شخص متوفی وصیت نکرده باشد آیا میشود از اموال شخص متوفی که بعد از وفاتش تعلق به ورثه صغیرش گرفته برداشته صرف در خیرات و فاتحه نمایند و آیا قرض میّت را می‌شود پرداخت نمایند و یا نمی‌توانند و ضمناً آیا میشود خمس را از مال او اداء کرد یا نمی‌شود؟

ج

- اگر یقین به تعلّق خمس به اموال متوفی داشته باشند، یا بدانند که ذمه او مشغول است باید خمس و سایر دیون را بپردازند و سپس اموال را تقسیم نمایند و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۶

از سهم صغار نمیتوانند خرج مجالس فاتحه و خیرات برای میّت نمایند.

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۲۰۶

س ۱۷۹۳

اشاره

- کسی که در حیات خود ربا می‌خورده بعد از فوت او با اموالش چه‌کار باید کرد؟

ج

- هر مقداری که ربا گرفته باید از ترکه او به کسانی که ربا داده‌اند و یا ورثه آنها پرداخت شود.

س ۱۷۹۴

اشاره

- پدرم در وصیت‌نامه خود خواستار انجام امورات شرعیه از قبیل نماز، روزه، رد مظالم، تدفین و مراسم هفته و چهل و سالگرد شد که از اصل مال او پرداخت شود ولی تعیین ثلث در ما ترک و یا اینکه مستطیع می‌باشد یا خیر چیزی بیان ننموده است تکلیف

چیست؟

ج

– در مورد سؤال، نسبت به مظالم در صورتی که اشتغال ذمه موصی یقینی باشد و مخارج تدفین از اصل ترکه ادا می‌شود و اما اگر یقینی نباشد مانند اجرت نماز و روزه و مراسم هفته و چهلم و سالگرد از ثلث خارج می‌شود و در صورتی که زاید بر ثلث باشد نسبت به مقدار زاید موقوف به اجازه کبار ورثه از سهم خودشان است. و اللَّه العالم

س ۱۷۹۵

اشاره

– شخصی وصیت نموده که اولادش ۲۰ سال قضای نماز و روزه به جا آورند در صورتی که موصی عمداً و بدون عذر نماز و روزه‌اش را بجا نیاورده آیا این وصیت نافذ است و بر اولاد اکبر ذکور واجب است به این وصیت عمل نمایند یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال اگر اکبر ذکور یقین دارد این مقدار نماز و روزه بعهده والد او بوده واجب است بعد از موت والد خود انجام دهد اگر چه عمداً ترک کرده باشد و اگر وصیت کرده که پسر بزرگتر از ترکه او برایش نماز و روزه استیجار نماید پسر بزرگتر می‌تواند در صورتی که ثلث ترکه وافی برای این کار است از آن بردارد و در مازاد بر ثلث اجازه ورثه لازم است.

س ۱۷۹۶

اشاره

– شخصی وفات کرده حدود ۴ میلیون تومان به مردم بدهکار است و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۷

دارای ۷ فرزند که ۴ تن آنها صغیر می‌باشند. از مال دنیا فقط سه دانگ خانه دارد و مختصر اثاثیه منزل هم دارد اجناس هم دارد که کفاف قرض او را نمی‌دهد در این مورد چه جواب مرقوم می‌دارید و در بانک صادرات هم سه نفر ضامن‌اند.

ج

– در فرض سؤال، باید ورثه از ترکه متوفی هر چند خانه و اثاث خانه باشد و هر چند متوفّی صغیر هم داشته باشد به مقداری که ترکه وفا می‌کند از دین او بپردازند و اگر دینی باقی بماند ورثه یا پدر متوفّی تکلیفی نسبت به آن ندارند و اگر ضمانت بانکی به این نحو بوده که آن سه نفر ضامن شده‌اند که بانک به متوفّی وام بدهد مشروط به اینکه اگر متوفی آن وام را به بانک برنگرداند آنها بدهند ضمانت باطل است و چیزی بر عهده ضامن نیست. و اللَّه العالم

احکام متفرقه وصیت

س ۱۷۹۷

اشاره

– مادر ما از دنیا رفته است و وصیت نموده که ثلث مالش را صرف نماز و روزه او کنند و بقیه بین ورثه تقسیم شود. حال برادر ما، تمام ما ترک را ضبط کرده و نه سهم ما را می‌دهد و نه سهم ثلث را، و می گوید چون من عیال وار هستم ثلث بمن میرسد خواهشمندم تکلیف ورثه را تعیین فرمائید.

ج

– بطور کلی اگر متوفی وصیت کرده باشد ثلث را در مورد خاصی مصرف کنند باید بهمان مصرف برسد و ورثه هم هر یک سهم الارث خود را می‌بردند. و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۷۹۸

اشاره

– شخصی به این عبارت در وصیت‌نامه خود نوشته است. مبلغ شش میلیون تومان در بانک سپه بنام این جانب و دو دختر این جانب می‌باشد که طبق قرارداد شرعی که با آنها گذاشته شده، استفاده از آنها تا زنده بودن مربوط به خود این جانب می‌باشد، و اگر تا زمانی که زنده هستم و آنها شوهر کردند به خاطر جهیزیه‌ای که دادم آنها مال کلّ ورثه است و اگر شوهر نکرده باشند هرکدام دو ملیون که به نامشان می‌باشد غیر از سهم الارث متعلق به خود آنها می‌باشد.

مشار الیه به رحمت خدا رفته، درحالی‌که دو دختر نامبرده هنوز شوهر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۸

نکرده‌اند، آیا وصیت او که ظاهر در وصیت تملیکیه و در تعلیق ملکیت آنها به شوهر نکردن آنها در حیات موصی است شرعاً معتبر است یا خیر؟

ج

– با حمل بر صحت قرارداد واقع فیما بین موصی و دختران او ظاهر این ستکه مصالحه‌ای بین آنها در مورد چهار ملیون تومان از مبلغ مرقوم واقع شده که بر حسب آن چهار میلیون تومان را به دخترهایش صلح کرده و شرط کرده که مادام الحیوة حق تصرّفاتی را که منافی با مالکیت آنها نباشد در آن داشته باشد و چنانچه آنها در زمان حیات او شوهر رفتند جهیزیه آنها را در مقابل این وجه تهیه نماید بنابراین در صورتی که در زمان حیات او دخترها بشوهر نرفته‌اند این چهار میلیون تومان در ملکیت آنها باقی میماند و چنانچه فرضاً قرار داد مذکور قابل حمل بر صحت نباشد و چهار ملیون تومان ملك خود موصی باشد بر حسب این عبارت حدّ اقل وصیّت تملیکیه است و اگر زائد بر ثلث ترکه میّت نباشد نافذ است و در مازاد محتاج بامضاء سائر ورثه است و به دخترهای نامبرده علاوه بر سهم الارث آنها تعلق دارد و چون دلیل بر لزوم جزم و تنجیز در عقود اجماع است و با فرض تحقق آن و حمل آن بر اجماع تعبدی، قدر متیقن آن بعض عقود مثل بیع و نکاح و وکالت است و شامل وصیت که در اصل آن نیز تعلیق وجود دارد نمیشود و بر حسب

اطلاقات این وصیّت محکوم بصحت است.

س ۱۷۹۹

اشاره

- شخصی طی وصیت‌نامه پیوست به شرح متن وصیّت‌نامه ملکی را ثلث خود قرار داده است چند سؤال شرعی مطرح است
الف: اینکه نوشته شده اولاد ذکور مقصود اولاد ذکور پس از پنجاه سال است یا حین الفوت و یا ورثه آنها؟
ب: آیا قبل از تمام شدن مدت ۵۰ سال اجازه تبدیل به احسن داده می‌شود یا خیر؟

ج

- الف: استظهار اینکه مراد موصی از عبارت (و پس از مدّت پنجاه سال مورد ثلث باید بین أولاد ذکور بالسویه تقسیم نمایند) اولاد ذکور پس از پنجاه سال باشد قریب بنظر میرسد چنانچه ظاهر این ستکه در صورتی که اولاد ذکور بلا واسطه حین الوصیه موصی زنده باشند فرزندان آنها را شامل نیست ولی چنانچه پس از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۰۹
پنجاه سال بعض اولاد ذکور بلا واسطه فوت شده باشند فرزندان آنها با اولاد بلا واسطه در بردن سهم از مورد وصیّت مشارکت خواهند داشت و اگر چه ظاهر این است که با اولاد بلا واسطه بالسویه سهم میبرند احتیاط این است که با تراضی و مصالحه عمل نمایند و اگر همه اولاد بلا واسطه فوت شده باشند بین اولاد مع الواسطه بالسویه تقسیم میشود.
ب: قبل از تمام شدن مدت پنجاه سال تبدیل مورد وصیّت بعنوان تبدیل باحسن جایز نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۸۰۰

اشاره

- الف: شخصی وصیت کرده که وصی او از ثلث ماترک، حیاطش را از ورثه‌اش بمدت سی سال اجاره کنند تا پسرش در آنجا سکونت کند. آیا در این صورت ورثه می‌توانند این وصیّت را قبول نکنند یا اجاره ندهند، و در این صورت تکلیف وصی چیست؟
ب: اگر میّت، ورثه صغیر یا غایب داشته باشد جایز است او را در حیاط خود غسل داد یا نه؟ برای اینکه میّت را در حیاط خود غسل دهند اجازه ورثه لازم است یا نه؟

ج

- الف: در فرض سؤال، وصیّ باید برای اجاره نمودن حیاط، مراجعه به ورثه کند لکن بر ورثه واجب نیست حیاط را اجاره دهند بلی اگر اجاره دادند وصی باید از ثلث آن را اجاره نماید. و اللَّه العالم
ب: در مثل این فرض بنابر احتیاط اجازه ورثه لازم است اگر وارث صغیر داشته باشد احتیاطاً باید با اجازه ولی شرعی سهم صغیر را برای هر تصرّفی اجاره نمایند و مال الاجاره بمصرف صغیر برسد و در مورد غایب از حاکم شرع جامع الشرائط اذن بگیرند. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۱

اشاره

- الف- آیا در سکنی و عمری جایز است که شرطی شود یا نه مثلًا شخصی حیاط خود را یا قسمتی از آن را عمری می‌کند بزوجه‌اش مشروط بر این که مادامی که ازدواج نکرده تا آخر عمر در آنجا سکونت کند و در صورت ازدواج دیگر حقی نداشته باشد؟

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۰

ب- و آیا جایز است که انسان وصیت کند که پس از تمام شدن عمری یعنی پس از وفات کسی که برایش عمری شده ملك عمری شده به شخص معینی داده شود. البته در صورتی که بیشتر از ثلث نباشد یا نه.

ج

- الف: جایز است سکنی به این صورت باشد که شوهر سکنای خانه خود را تا موقعی که زوجه‌اش شوهر نکرده برای او قرار دهد و اگر به این صورت، قرار داد، زوجه بعد از ازدواج حق سکونت ندارد و اگر ازدواج نکرد و لو تا آخر عمر، حق دارد و عمری قرار دادن به صورت شرط، به نحو مذکور در سؤال هم مانع ندارد. و اللّه العالم.

ج- ب: در عمری ملك عمری شده به ملکیت، مالك آن باقی است بنابراین، وصیت به این که بعد از اتمام شدن عمری، ملك، به شخص معینی داده شود و حسب الفرض، زائد بر ثلث هم نباشد اشکال ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۲

اشاره

- اگر ورثه در اثر تقلید از مراجع مختلف اختلاف نظر داشته باشند، به چه نحوی باید عمل نمایند؟

ج

- در صورت مفروضه چنانچه ورثه با یکدیگر در نحوه عمل توافق کنند احوط است و الّا رفع امر به حاکم شرع جامع الشرائط می‌شود و او طبق نظر خود حکم می‌کند. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۳

اشاره

- از این به بعد ورثه نسبت به استفاده از ترکه تقسیم ناشده همچون استفاده از میوه درختان چگونه باید عمل کنند؟ آیا حکم رفتن به خانه برادر و خواهر و دوست را دارد؟ یا باید هر کس به اندازه سهم آینده‌اش استفاده نماید؟

(و لو مقدار اندك یك کیلو میوه)

ج

– اگر استفاده از آنها با تراضی نسبت به یکدیگر باشد اشکال ندارد و الّا حکم بقیّه اموال متوفّی را دارد که هر یک از ورثه در آن حسب السهم شریکند. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۳

اشاره

– اگر شخصی در زنده بودن خود با عقل و هوش سالم ملکی را در وصیت‌نامه‌ای که نوشته است به نوه خود ببخشد و در وصیّت‌نامه ذکر کند که کسی از وراث حقی به او ندارند و وصیت‌نامه هم به مهر و امضای شورای روستا رسیده باشد و این شخص هم ملک آن مرحوم را که به او بخشیده احیا کرده باشد و تمام دستورات شخص فوت شده را که در وصیت‌نامه ذکر شده است از قبیل نماز و روزه و رد مظالم و بدهی‌های دیگر و تکالیف آن مرحوم را انجام داده باشد آیا وراث می‌توانند این ملک را به تصرف خود در بیاورند؟

ج

– بطور کلی اگر کسی در حال حیات ملکی را به نوه خود و یا به هر کس دیگر ببخشد و ملک را در اختیار متهب قرار دهد یعنی به قبض او بدهد ورثه حقی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۱
به آن ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللَّه العالم

س ۱۸۰۴

اشاره

– در مواردی که هزینه مخارج هفتم و چهلم و ... باعث تصرف در اموال میت که صغیردار و یا بخطر افتادن آبروی شخص مصیبت‌دیده می‌شود و برای حفظ آبروی خود ناچار به گرفتن قرض از این و آن می‌شود، حکم شرعی چیست؟

ج

– در مورد سؤال، چنانچه متوفی وصیت به صرف مخارج ایام هفته و چهلم و غیره نموده باشد بمقدار ثلث ترکه با ملاحظه سایر وصایای نافذه اعتبار دارد و لو ورثه صغیر داشته باشد ولی اگر وصیت نکرده باشد از سهم ورثه صغیر صرف در مخارج ایام هفته و چهلم و غیره جائز نیست و کبار مختارند از مال خودشان مصرف نمایند البته توجه داشته باشید در صورتی که ورثه هم متمکن نباشند نباید خود را با قرض و غیره در مضیقه قرار دهند. یادآوری این مطلب لازم است که اگر مؤمنین بجای بعض مخارج غیر لازم که در اینگونه موارد مرسوم شده است و چنانچه در سؤال نوشته‌اید گاهی باید تصرّف در مال صغیره یا قرض کردن انجام شود اموری را که بیشتر بدرد متوفی می‌خورد نظیر قضاء نماز و روزه و اداء حقوق واجبه مانند خمس و زکاة و مظالم بجا آورند بسیار

بهتر و بلکه در بعض موارد لازم است. و اللّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۱۳

ارث

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۱۵

ارث

تقسیم ارث

س ۱۸۰۵

اشاره

- زنی فوت کرده اولاد نـدارد پدر و مادر و چهار برادر و ۲ خواهر دارد تکلیف تقسیم ارث و مهری که طلب دارد و جهیزیه‌ای که در خانه شوهر دارد چیست؟

ج

- در فرض سؤال بعـد از اداء دیون مالی و وصـیت نافـذ، نصف ترکه آن زن به شوهرش می‌رسد و مهریّه و جهیزیه هم جزء ترکه او محسوب است و یک ششم ترکه او به مادرش می‌رسد و بقیه ترکه به پدر او می‌رسد.

س ۱۸۰۶

اشاره

- در صورتی که شخصـی بدون وصـیت از دنیا رفته و فرزند بزرگ هم دارد و صـغیری به تکلیف نرسیده نیز دارد مصارف اموال او چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال آنچه را که ورثه می‌داننـد بر ذمّه متوفی است مانند دیون به مردم و یا وجوهات شـرعیه و یا حج باید از اموال او به مصرف آنها برسانند هر چند صغیر داشته باشد توضیح اینکه دیون مالی از اصل مال خارج می‌شود و بعد

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۱۶

باقیمانده بین ورثه تقسیم میگردد و قضاء نماز و روزه هم اگر بر ذمه میّت باشد بر عهده پسر بزرگ است یا خودش انجام دهد و یا از مال شخصی خودش استیجار نماید.

س ۱۸۰۷

اشاره

- شخصی در زمان حیات خویش حقوق تنها وارث خود را که خواهرش بوده بعنوان مصالحه از او سلب نموده که با پرداختن مبلغ ۱۴۰۰۰ تومان به وارث خود، مشار الیها هیچ‌گونه حقی نسبت به ارث برادر خود بعد از وفات وی نداشته باشد و جمیع ما یملك را نیز به همسر خویش صلح نموده است و این صلح و مصالحه دو سال قبل از فوت مشار الیه و در حالت مرضی بوده است که منجر به وفات وی شده است با توجه به اجمالی که گذشت آیا این صلح و مصالحه صحیح است و مانع ارث می‌شود یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، صلح مذکور صحیح نیست و مانع ارث نمی‌شود ولی صلح به همسر اگر با شرائط صحت واقع شود نافذ است و خواهر مصالح نسبت به مورد صلح بعنوان ارث حقی ندارد.

س ۱۸۰۸

اشاره

- اشخاصی که در شرکتهای غیر دولتی و یا کارخانه‌های شخصی مشغول کار هستند در صورت فوت از طرف شرکت مبلغی به ورثه آنان وجه نقد می‌دهند آیا این وجه داخل در ترکه میّت است یا نه؟

ج

- این امر تابع مقرّرات شرکت و یا کارخانه مربوطه است و حکم ترکه را ندارد.

س ۱۸۰۹

اشاره

- اگر زنی که خانه دار است از اموال شوهر بدون رضایت او، و باغ یا زمین و طلا هم جهت زینت ایشان خریداری نموده است که شوهر طلا را به او بخشیده است آیا بعد از فوت زن، این اموال مال شوهر است یا مال وارث زن؟

ج

- در مورد سؤال اگر خرید زمین و باغ و غیره به ذمه بوده (کما اینکه معمولا همینطور است) آنها ملك زوجه شده و بعد از فوت او به ورثه او می‌رسد و لو اینکه از مال شوهرش بدون رضایت او قیمت آنها را پرداخته باشد بلی هر مقدار از مال شوهر بدون رضایت شوهر برداشته باید از مال او برداشته شود و به شوهر و یا ورثه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۷

او داده شود و اما نسبت به طلاجات هر مقدار طلاجات را شوهر به زوجه خود بخشیده است حکم بقیه ترکه زوجه را دارد و اگر نبخشیده متعلق به شوهر است و به وارث زوجه نمی‌رسد.

س ۱۸۱۰

اشاره

– کسانی که از میت باقی مانده‌اند: ۱– زوجه دائمی (که دختر عموی متوفی بوده) ۲– دختر عموی دیگر از مادر دیگر ۳– یک نفر پسر دایی ۴– از دایی دیگر سه پسر دایی و سه دختر دایی ابوینی ۵– دو پسر خاله و دو دختر خاله از یک مادر و پدر (ابوینی) لطفاً معلوم فرمائید آیا دختر دایی‌ها و پسر و دختر خاله‌ها بطور مساوی ارث می‌برند یا «للذکر مثل حظ الانثیین»؟

ج

– در مورد سؤال، زوجه دائمی او به عنوان زوجیّت ربع ترکه را ارث می‌برد البته زوجه در مورد سؤال از زمین منزل مسکونی ارث نمی‌برد و از قیمت هوایی منزل ربع می‌برد و ثلث ترکه را اولاد دایی و خاله او می‌برد و در مورد سؤال که فرض شده از دو دایی و یک خاله اولاد باقیمانده، سهم الارث یک دایی به اولاد او می‌رسد یعنی مثلًا یکی از دائی‌ها که فقط یک فرزند از او باقی مانده تمام سهم الارث یک دایی به یگانه فرزند او می‌رسد و سهم الارث یک دایی دیگر به شش فرزند او (سه پسر و سه دختر) می‌رسد و سهم الارث یک خاله به دو پسر و دو دختر که از او باقی مانده می‌رسد و به نظر این جانب نسبت به تقسیم سهم الارث دایی و خاله ابوینی و همچنین اولاد آنها بنابر احتیاط مصالحه شود و بقیه ترکه به اولاد عموی ابوینی او که زوجه او می‌باشد می‌رسد و دختر عموی دیگر که در سؤال برای او ذکر شده چون نوشته‌اید از مادر دیگر است یعنی فقط أبی است با بودن دختر عموی ابوینی (که زوجه اوست) ارث نمی‌برد. و اللّه العالم

س ۱۸۱۱

اشاره

– متوفی اضافه بر اموالی که داشته یک باب منزل و یک دستگاه تلفن را قانوناً به نام یکی از ورثه نموده و در زمان حیات خود تصمیم فروش آن را داشته، از نظر شرعی برای بقیه ورثه چه حکمی دارد آیا این دو شیء متعلق به کلیه ورثه یا این که به مالک قانونی آن تعلق دارد؟

ج

– در فرض سؤال، اگر منزل و تلفن را با اینکه بنام یکی از ورثه کرده

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۸

نبخشیده و چنانچه در سؤال مذکور است قصد فروش آن را داشته متعلّق بهمه ورثه است و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۸۱۲

اشاره

– مقـدار نسـبتاً زیـادی کتب فقهی، تفسیری، اعتقـادی، اخلاقی و غیره از یکی از علماء که برحمت ایزدی پیوسـته موجود است، آن مرحوم دارای سه فرزند است یک پسـر روحانی و دو دختر، حال سؤال این است: آیا کتابها فقط به پسر می‌رسد یا جزء ماترک میت است که بحسب قانون ارث بین ورثه باید تقسـیم شود ضـمناً بر فرض اینکه فقط به پسـر می‌رسد، بعد از پدر آن پسر هم از دنیا رفته در این فرض کتابها به پسر بزرگ می‌رسد یا باید بین همه ورثه تقسیم شود.

ج

– کتابها متعلّق به همه ورثه است هر چند پسر روحانی داشته باشد بنابراین موردی برای سؤال دوّم باقی نمی‌ماند.

س ۱۸۱۳

اشاره

– باسـتحضار می‌رساند که پدری با داشتن همسر ۲ پسر و ۲ دختر فوت می‌نمایـد و بعد از فوت پدر یک پسـر و یک دختر نیز فوت می‌کننـد حال می‌مانـد یک پسـر و یک دختر و مادرشان، تا اینکه دختر شوهر می‌کند و یک دختری از او بجا می‌ماند و خودش نیز می‌میرد حال می‌ماند یک پسر و یک دختر که خواهرزاده پسر می‌باشد حالا امر بفرمائید؟
خواهر زاده چقدر ارث از دارائی می‌برد– و مادر چقدر از ارث و از دخترش که فوت کرده چقدر ارث می‌برد؟

ج

– در فرض سؤال، پس از فوت پدر یک هشـتم از تمام ترکه او بعد از اسـتثناء دیون میّت و وصـیّت نافذه به همسـرش می‌رسد و بقیه طوری تقسـیم می‌شود که هر پسـری دو برابر دختر ببرد و بعد از فوت یک پسـر و یک دختر اگر اولاد نداشـته‌اند سهم الارثی که از پدر به آنها رسـیده به مادرشان می‌رسد و بعد از فوت دختری که شوهر رفته و یک دختر دارد سـهم الارث پدری و سایر اموالی که دارد یک چهارم آن به شوهر و بقیه چهار قسمت می‌شود یک قسمت به مادرش و سه قسمت به دخترش می‌رسد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۱۹

طبقات

س ۱۸۱۴

اشاره

– متوفی در وصـیت نامه خود زمین خویش را برای دختر خویش وصـیت نموده چون اولاد ذکور نداشته و مدتی بعد از فوت متوفی دختر ایشـان نیز فوت کرده مـادر دختر در قیـد حیـات است آیا زمین متوفی بعـد از فوت دختر برای مادرش انتقال پیـدا میکنـد چون دختر وارث دیگر نـدارد یا به پسـر عموی دختر منتقل می‌شود اگر بعد از فوت دختر زمین به مادر منتقل شود، و پسـر عموی دختر با قدرت خود تصرف کرده باشد حکم مسأله چیست؟

ج

- بعد از فوت دختر اگر دختر مادر داشته ارث او به پسر عمویش نمی‌رسد و تصرّف پسر عمو بدون رضایت مالك شرعی غصب و حرام و موجب ضمان اجرة المثل است.

س ۱۸۱۵

اشاره

- در باب ارث فقهاء عظام میفرمایند طبقه اول ورّاث پدر و مادر و اولاد هستند و با نبودن اولاد، اولاد اولاد هر چه پائین بروند سؤال این است که اگر میت هم اولاد دارد و هم اولاد اولاد از اولادهای دیگر آیا اولاد میت مانع و حاجب از ارث برادرزاده‌ها یا خواهرزاده هستند یا خیر. برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها سهم پدر و یا مادر خود را می‌برند و اولاد میت تا هستند فقط حاجب از ارث فرزندان خود می‌باشند نه فرزندان برادر و یا خواهر.

ج

- با بودن اولاد بلاواسطه اولاد اولاد (یعنی نوه مطلقاً) ارث نمی‌برد.

س ۱۸۱۶

اشاره

- محترماً بعرض عالی میرساند شخصی دار فانی را وداع کرده است فرزندانی از او باقی مانده است و زوجه او هم در حیات می‌باشد و وصیّت ننموده است و یکی از پسران مرحوم فرزندی دارد آیا این نوه که پدرش قبل از پدر بزرگش از دنیا رفته است در ارث سهیم می‌باشد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال که متوفی فرزند بلا واسطه دارد نوه او ارث نمی‌برد. و اللَّه العالم

س ۱۸۱۷

اشاره

- خانمی چندین سال قبل فوت نموده که در هنگام فوت اولاد و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۰

همسر و پدر و مادر نداشته فقط شش خواهر داشته که پنج خواهر با او پدر و مادری بوده‌اند و یک خواهر هم پدری تنها بوده یعنی از مادر با زن فوت شده جدا بوده بفرمائید آیا با بود خواهران پدر و مادری خواهر پدری تنها سهم ارث میبرد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، با بود خواهران پدر و مادری- خواهر پدری تنها از متوفی ارث نمیبرد.

س ۱۸۱۸

اشاره

- پسر بنـده فوت کرد و یک زن و یک بچه از او باقی مانـد بعد از مدتی بچه فرزندم هم فوت کرد آیا بنده و زوجه پسـرم از بچه و فرزندم ارث می‌بریم یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، موقعی که پسـر شـما فوت نموده وارث او پدر و مادر و بچه و زوجه او بوده یعنی یک شـشم به مادر و یک ششم به پـدر و یک هشـتم به زوجه می‌رسـد و بقیه متعلق به بچه اوست و موقعی که بچه فرزنـد شـما فوت نموده آنچه از بچه فرزند شـما باقی مانده به مادرش می‌رسد و با وجود مادر به شما که جد او محسوب میشوید از مال او ارث نمی‌رسد.

س ۱۸۱۹

اشاره

- خانمی دو شوهر کرده است شوهر اول قبل از خودش برحمت خـدا رفته مهریه خانم از شوهر اول یک ساعت آب ملک می‌باشـد شوهر دوم این خانم هم زنـده می‌باشد این خانم ۴ برادر ۳ خواهر دارد و شوهر اولی ۲ برادر ۲ خواهر از نظر ارث چه حکمی دارد؟ (در ضمن این خانم از هیچ‌کدام از شوهرها بچه ندارد)

ج

- در مـورد سـؤال بعـد از اداء دیـون و وصـیت نافـذه نصـف ترکه آن خـانم هر چه هست به شـوهر دوم او می‌رسـد و بقیه ترکه بین برادران و خواهران او کمـا فرض اللّه تقسیـم می‌شود اگر برادران و خواهران ابوینی هسـتند هر برادر دو برابر خواهر ارث میـبرد. و با وجود خواهر و برادر ابوینی برادر و خواهر ابی ارث نمیبرد و ارث او به برادر و خواهر شوهر اول نمی‌رسد.

س ۱۸۲۰

اشاره

- میت ورّاث طبقه اول و طبقه دوم ندارد عیال هم نگرفته بوده از طبقه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۱

سوم عمه و خاله هم ندارد ۲ عمو داشته که هر دو فوت شده‌اند از یک عمو ۱ پسر داشته که آن هم فوت شده و یک نوه پسر از آن

مانـده و عمو دیگر سه دختر داشـته هر سه فوت شده‌انـد و چهار نوه پسـر و یک نوه دختر مانده که موجودند و یک دائی داشـته که فوت شده و یک پسر دائی زنده است لطفاً حکم ارث را ذیلًا مرقوم بفرمائید.

ج

- بطور کلی با بودن پسر دائی، نوه عمو ارث نمی‌برد.

س ۱۸۲۱

اشاره

- شخصی فوت کرده که فرزند ندارد و خواهر و برادر هم ندارد فقط چند خاله زاده دارد که همه خاله‌زاده‌های پدر و مادری هستند یعنی مادر متوفّی با مادر خاله زاده‌ها همگی خواهرهای پدر و مادری بوده‌اند آیا این خاله‌زاده‌ها از متوفی ارث می‌برند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه متوفی خاله‌های متعددی داشته سهم هر یک از خاله‌ها به فرزندش می‌رسد توضیح اینکه اگر از یک خاله مثلًا یک بچه دارد و از خاله دیگر مثلًا پنج بچه، سـهم خاله اول به آن یک بچه می‌رسد و سـهم خاله دوم به آن پنج بچه، که به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود چه فرزندان خاله از یک جنس باشند و پسر و دختر باشند.

س ۱۸۲۲

اشاره

- آیا هر وقت شخصـی قبل از پدرش فوت نماید فرزندان آن شـخص از ارث پدری او بهره‌مند میشوند یا خیر؟ (یعنی شخصی فوت می‌نمایـد و چنـد تا بچّه هم دارد و پـدر آن شـخص در حیات میباشد. آیا فرزندان متوفی از پدر پدر یعنی از جد خود ارث میبرند یا خیر)؟

ج

- در فرض سؤال، اگر پدر پدر فرزند داشته باشد یا بودن فرزند بلا واسطه نوه‌ها که فرزندان بواسطه باشند ارث نمی‌برند.

س ۱۸۲۳

اشاره

- شخصی فوت کرده همسر نداشته بلا عقب است نامبرده سه نفر خواهر ناتنی مادری دارد ویک برادر پدری دارد ویک خواهر پدر و مادری دارد توضیح بفرمائید ترکه ایشان به چه نحو تقسیم می‌شود؟

ج

- در فرض سؤال بعد از اداء دیون مالی و وصیّت نافذه، ثلث مال او به سه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۲

خواهر مادری او می‌رسد که بین خودشان بطور مساوی تقسیم میکنند و دو ثلث بقیه به خواهر ابوینی او می‌رسد و با بود خواهر ابوینی برادر پدری او ارث نمی‌برد.

س ۱۸۲۴

اشاره

- خانمی از دنیا رفته و دارای هیچ فرزندی نیست و در ضمن شوهر و پدر و مادر ایشان هم از دنیا رفته‌اند و ایشان دارای یک خواهر ابوینی و یک برادر ویک خواهر امّی میباشد. آیا به ایشان ارث می‌رسد و قسم هر کدام چقدر می‌باشد؟

ج

- در فرض سؤال، بعد از اداء دیون مالی و وصیّت نافذه متوفّی، ترکه او سه قسمت می‌شود ثلث آن به برادر و خواهر امّی می‌رسد که بین خود بطور مساوی تقسیم میکنند و دو ثلث آن به خواهر ابوینی می‌رسد.

احکام ارث زوجین

س ۱۸۲۵

اشاره

- خانه‌ای داریم به قیمت شش میلیون و پانصد و شصت هزار تومان لطفاً جنابعالی معلوم کنید سهم هر کدام از افراد ذیل را، خانواده دارای ۵ دختر و ۲ پسر می‌باشد در ضمن سهم زوجه را هم تعیین کنید چون پدر خانواده در قید حیات نیستند.

ج

- به نظر این جانب چنانچه زوجه از متوفّی فرزند دارد مانند بقیّه ورثه از همه ترکه اعم از منقول و غیر منقول ارث می‌برد و سهم او ۱۸ است و بقیه به فرزندان متوفی می‌رسد و هر پسری دو برابر دختر می‌برد. و اللّٰه العالم

س ۱۸۲۶

اشاره

- احتراماً به عرض می‌رساند خانمی است که سه سال پیش ازدواج نموده که حدود ۵ ماه پیش بر اثر بیماری فوت نموده است در ضمن بچه هم ندارند تکلیف مهریه و جهیزیه ایشان به چه صورت می‌باشد؟

ج

- در فرض سؤال، نصف ما ترک زوجه اعمّ از مهریه و جهیزیه و طلاجات و سایر اموال او، به زوج و بقیه به پدر و مادرش می‌رسد.

س ۱۸۲۷

اشاره

- زیـد حیـاط مسـکونی خود را بـا مخلفـات و ما فیها من الاثاث از ثلث ما ترک به یکی از ورثه یا غیر ورثه وصـیت نموده است آیا همسرش از اعیان آن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۳

سهمیه می‌برد یا نه و در صورت عدم آیا از سایر ما ترک معادل آن را می‌برد یا نه؟

(توضـیح اینکه سایر ما ترک شـخص معهود کلا اراضی بدون اعیان هستند که اگر زن از مخلفات ارث نبرد دیگر چیزی که ارث به آن تعلق گیرد وجود ندارد).

ج

- بنظر این جـانب چنـانچه زوجه از متوفی فرزنـد نداشـته باشـد از زمین خـانه ارث نمی‌برد نه عینـاً و نه قیمتاً ولی از قیمت اعیانی در صورتی که متوفی از زن دیگر دارای فرزنـد باشد هشت یک و در صورت نداشـتن فرزند چهار یک می‌برد و از بقیه اموال میّت چه زمین و چه غیر آن ارث می‌برد و چنانچه زوجه از متوفی فرزند داشته باشد از همه اموال میّت ارث می‌برد و در فرض سؤال که خانه و اموال منقول متوفی بعنوان ثلث تعیین گردیده زوجه از زمینهای زوج سهم الارث خود را می‌برد.

س ۱۸۲۸

اشاره

- در تاریـخ ۲۲/ ۱/ ۷۰ عقـد زناشوئی بین من و شوهرم انجام شـد، شوهرم چون مرد شـصت‌ساله بود نسـبت به سـنش خریـد آینه و شمعدان را قبیح می‌دانست و قرار شد پول آینه و شمعدان را در هر زمان که شد بدهد. ولی نداد و عند المطالبه باقی ماند.

در عقـدنامه نوشـته یـک جلـد کلام اللّه مجیـد پول طلا بقیمت سـیصد هزار تومان و آینه و شـمعدان پول آینه و شـمعدان مشـخص نیست. حالاـ ورثه شوهرم می‌خواهنـد مهریه و مطالبات شـرعی بالا را بپردازنـد آیا بایـد به قیمت آن زمان باشـد یا خیر؟ قیمت زمان فوت شوهرم محاسبه شود یا خیر؟ نسبت به وضع مالی شوهرم که بسیار خوب بوده محاسبه شود یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که در عقـدنامه آئینه و شـمعدان جزء مهریه آمـده اگر نوع آن مشـخص شده باید خود آن و یا قیمت فعلی آنها از ترکه او پرداخت شود، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۸۲۹

اشاره

- شوهر مرحومم دارای خـانه مسـکونی و دکـان و زمین و اموال منقول می‌باشـد از متوفی فرزنـدی دارم سـهم الاـرث این جـانبه در ماترك او به چه ترتیبی است لطفاً بیان فرمائید؟

ج

- به نظر حقیر پس از اخراج مخارج تغسیل و تکفین و دفن و دیون ثابته که
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۴
مهر زوجه نیز از آن محسوب است یک هشتم از عین کل ترکه اعم از منقول و غیر منقول که منزل مسکونی را نیز شامل می‌شود، به شما می‌رسد.

س ۱۸۳۰

اشاره

- بـا توجه به اینکه شوهر این جـانبه در یـک درگیری و نزاع فوت نموده و از او دارای فرزنـدی نمی‌باشم و چون دارای پـدر و مادر می‌باشد لذا تقاضا می‌شود سهم الارث این جانبه را در ذیل این ورقه مرقوم دارید؟

ج

- در فرض سؤال که زوج اولاد ندارد زوجه یک از تمام ترکه او باستثناء عین و قیمت زمین خانه حکم اموال او است و زوجه از آن سهم خود را می‌برد.

س ۱۸۳۱

اشاره

- دختر این جانب که حدود ۱۴ ماه در عقد دائمی شخصی بوده است و حدود ۱۰ روز به ازدواج رسمی آنها مانده بود که دخترم بر اثر حادثه سوختگی در بیمارستان فوت نمود.
در ضـمن به اطلاع می‌رسانم که مهریه آن مرحومه از قرار زیر می‌باشد. یک جلد کلام اللّه مجید. آئینه شـمعدان. ۵ مثقال طلا. ۱۱۲ سکه بهار آزادی. شیر بهاء مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان که دریافت نموده‌ام، و ۵ مثقال طلا هم بعنوان مهریه برای دختر خریده‌انـد و تحویل داده‌انـد مقـدار زیادی لباس و وسایل لازمه ازدواج که شوهرش خریـداری نموده است. این جانب در این مـدت که فرزندم در عقد ایشان بوده مقـداری جهیزیه برایش تهیه نموده بودم که در صدد بودم بطور کامل تکمیل نمایم که بر حسب حادثه دخترم فوت شـد از محضـر جنابعالی خواسـتارم که بطور کامل و واضـح در مورد مسائل شـرعیه آن مرحومه و مسائل مربوط به نماز و روزه را پاسـخ

بفرمائید.

ج

– در مورد سؤال، آنچه مهریه بوده تمام آن را استحقاق دارد و مانند سایر اموالش اگر داشته باشد، بین ورثه تقسیم می‌شود و همچنین طلائی که شوهر برای دختر خریده و تحویل او داده و نیز لباسها و سائر اشیائی که زوج تحویل داده و تملیک نموده تماماً متعلق به دختر است و آنچه بعنوان شیربها گرفته‌اید هر مقدار که عین آن باقی است با مطالبه زوج باید برگردانید و آن مقداری که در آن تصرف شده

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۵

برگرداندن آن لازم نیست و حق ندارند آن را مطالبه نمایند و جهیزیه را هم اگر تحویل نداده‌اید متعلق به خودتان است و باحتیاط واجب هر مقدار نماز و روزه که یقین دارید بر ذمه دختر بوده باید برایش بجا آورید یا برایش استیجار نمائید یادآوری می‌شود تقسیم ارث دختر بدین گونه است نصف تمام ترکه دختر به زوج و ثلث آن به مادر و بقیه به پدر می‌رسد.

س ۱۸۳۲

اشاره

– این جانب پسری داشتم که در اثر تصادف فوت نموده است که دارای زن و یک پسر و حقیر و مادرش وارثین او هستیم و تمام دارائی مرحوم پول خونی است که به ما داده‌اند به اضافه یک قطعه زمین بدونِ ساختمان و مبلغ ۰۰۰ /۱۵۰ تومان (صد و پنجاه هزار تومان) پول مهریه زوجه اوست:

آیا پول مهریه را از اصل مال باید بدهیم یا از سهمیه پسر مرحوم ضمناً جهیزیه زن مرحوم به خود زن تعلق می‌گیرد یا خیر؟ (چون به عنوان شیربهای او گرفته شده).

ج

– در فرض مسأله مهریه از اصل مال باید اداء شود و آنچه از جهیزیه که ملک زن بوده متعلق به خود زن است و کسی در آن حقی ندارد. و اللّه العالم.

س ۱۸۳۳

اشاره

– شوهرم چندی قبل مرحوم شد و اولاد هم نداشت، خواستم ۲ مسأله را بعرض برسانم:

الف: اول اینکه مهریه من زمین است. از تاریخ ازدواج با ایشان تا ۱۶ سال قبل که عازم مکه مکرمه بود بمن گفت اگر اجاره زمینت را تا حال که عازم مکه هستم بمن صلح کنی من شما را هم با خود می‌برم، من هم صلح کردم و با ایشان به مکه رفتم. از ۱۶ سال قبل تا حال که فوت کردند هر چه مطالبه می‌کردم مقداری از اجاره زمینم را بمن بده تا برای دوا و دکتر یا کمبود لباس و غیره به مصرف برسانم ایشان امتناع می‌کردند. آیا این اجاره را باید از اموال ایشان برادرش که وارث است بدهد یا خیر؟

ب: و دیگر اینکه آیا من از زمین مزروعی ایشان حق دارم یا خیر؟

ج

- الف: در مورد سؤال چنانچه اجاره زمین را نگرفته‌اید و نبخشده‌اید

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۶

میتوانید از ترکه زوج حق خود را مطالبه نمائید. و اللَّه العالم.

ب: بنظر این جانب زوجه از زمین مزروعی ارث میبرد. و اللَّه العالم.

س ۱۸۳۴

اشاره

- بنده به عقد دائمی فردی در آمدم با اینکه ایشان مریض بوده و هیچ‌گونه ابراز نکرده مدتی قبل نامبرده فوت نمود آیا از مهر چیزی بمن تعلق می‌گیرد یا نه و چه کسی مدیون می‌باشد؟

ج

- بطور کلی اگر مردی در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته زنی عقد کرده و با او نزدیکی نکرده آن زن از آن زوج ارث نمیبرد و حق مهر ندارد و اگر در آن مرض حین العقد از دنیا رفته و لکن علت موت او مرض دیگر یا از جهت دیگر باشد احتیاط این است که با ورثه در مهر و میراث مصالحه نمایند و زوجه نیز احتیاطاً عده وفات نگه دارد. و اللَّه العالم.

س ۱۸۳۵

اشاره

- اگر وارث میّت فقط یک خواهر پدری و یک خواهر مادری و یک زوجه باشد، ارث میان آنان چگونه تقسیم می‌شود؟

ج

- در فرض سؤال زوجه ربع مال و خواهر مادری یک ششم مال و بقیه را خواهر پدری میبرد و زوجه در مورد سؤال از زمین خانه ارث نمیبرد نه از خود زمین و نه از قیمت آن ولی از قیمت هوائی آن ارث میبرد. و اللَّه العالم.

س ۱۸۳۶

اشاره

- شخصی در حدود ۷۰ ساله که سکته ناقصی هم باو رسیده بود و همیشه قرص میخورد با این حال با دختری ازدواج کرده و بخانه

آورده و در حدود یک ماه یا کمتر با هم بودند و در این مدت مقدمات جماع را هم فراهم کرده‌اند. ولی مرد در اثر مریضی که داشت یا پیری قادر به مجامعت نشده است حال آن مرد وفات کرده مستدعی است حکم مهر و ارث زوجه را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال، زوجه تمام مهر را از شوهر طلبکار است و سهم الارث خود را نیز اگر موت زوج مستند به آن سکته نبوده، کما فرض اللَّه می‌برد، و اللَّه العالم.

س ۱۸۳۷

اشاره

- آیا کادوهایی را که هنگام عروسی آورده‌اند به زوجه تعلق می گیرد یا جزو ارثیه زوج است؟

ج

- هر کادویی که برای شخص زوجه آورده شده مثل این که پدر و مادر

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۲۷

زوجه و یا منصوبین دیگر او اشیایی را بعنوان کادو به قصد این که مال زوجه باشد آورده باشند متعلق به زوجه است و جزء ارثیه متوفی نیست. و اللَّه العالم

س ۱۸۳۸

اشاره

- آیا لباسهایی که شوهرم برایم خریده و به او تملیک نکرده بعد از فوت شوهرم می‌توانم استفاده نمایم؟ (در ضمن از همسرم فرزندی ندارم).

ج

- لباسهای زوجه که شوهر برای او خریده بعد از فوت شوهر جزء اموال شوهر محسوب است و همه ورثه از آن ارث می‌برند البته زوجه هم سهم الارث خود را از آن لباسها میبرد.

س ۱۸۳۹

اشاره

- آیا زنی که در عقد دائم بوده، ولی هنوز مراسم عروسی برگزار نشده است، از شوهر متوفای خود، ارث می‌برد یا نه؟

ج

– بلی زوجه دائم از شوهر ارث می‌برد هر چند عروسی نکرده باشد. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۰

اشاره

– آیا در صورت تعلق ارث، مقدار سهم الارث یک چهارم از دیه کامل است یا کمتر؟

ج

– در صورتی که زوج مقتول اولاد نداشته باشد زوجه یک چهارم از دیه کامل زوج را ارث می‌برد. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۱

اشاره

– آیا زن دائمه بر خلاف مصالحه خانواده شوهر حق الارث خود را مطالبه کند؟

ج

– زوجه می‌تواند نسبت به سهم الارث خود از دیه مصالحه نکند و تمام ربع دیه کامله را مطالبه نماید. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۲

اشاره

– آیا با توجه به اینکه تمام درآمد شوهرم از تهران برای پدر و مادرش ارسال می‌شد، حقیر می‌توانم از خانواده شوهر، مهریه را مطالبه کنم؟ به چه میزان، مهریه کامل یا نصف آن؟

ج

– از خانواده شوهر نمی‌توانید مهریه طلب کنید ولی از ماترک میّت که از جمله آنها دیه است می‌توانید تمام مهریه خود را مطالبه نمایید و بر ورثه او واجب

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۸

است که مهریه زوجه او را مانند سایر دیون متوفی از ما ترک او بپردازند. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۴

اشاره

- بیوه‌زنی هستم که از شوهر مرحومم یک باب خانه مسکونی به ارث مانده است ۱/۴ (یک چهارم) این خانه مهریه این جانب است، آیا از بقیه زمین خانه ارث می‌برم یا خیر؟ لازم به توضیح است که ساختمان این خانه مخروبه است و ارزشی ندارد ولی زمین آن دارای ارزش است. ضمناً از شوهر مرحومم فرزندی وجود ندارد و ورّاث آن مرحوم طبقه دوم (برادرزادگان) می‌باشند.

ج

- در فرض سؤال، شما فقط ۱۴ که مهریه است حق دارید و از بقیّه زمین خانه مذکور، ارث نمی‌برید. و اللَّه العالم

س ۱۸۴۴

اشاره

- این جانب دارای ۴ فرزند ذکور که سه فرزند ازدواج نموده که مشترکاً کشاورزی موتور آب و نانوایی و غیره داشته و کار می‌کنیم و هیچ گونه اموال و املاک در اختیار هیچ‌کدام و به تصرّفشان ندادم اخیراً یکی از فرزندانم که کر و لال و دارای جنون ادواری بود. در عین حال که در امورات کشاورزی فردی کارآمد بود ولی هزینه درمان سالانه وی نیز زیاد بود مرحوم شده ضمناً ایشان فاقد فرزند نیز می‌باشد مرقوم فرمایید حقوق شرعی همسر ایشان به ذمه این جانب چگونه می‌باشد؟

ج

- در مورد سؤال هر مقدار که فرزند متوفای شما به دستور شما برای شما کار کرده و در حال جنون بوده اجرهٔ المثل کار خود را استحقاق دارد و اگر در حال افاقه بوده، و قصد مجّان در کار کردن نداشته اجرهٔ المثل کار خود را (اگر اجرهٔ المسمّی در بین نبوده) استحقاق دارد که بعد از کسر نمودن مخارج خود و زوجه‌اش (اگر مخارج آنها را شما مجّانی نمی‌داده‌اید) آنچه باقی مانده ترکه آن مرحوم محسوب است که بعد از اداء دیون مالی و وصیت نافذه بین ورثه او که زوجه هم یکی از آنها است کما فرض اللَّه تقسیم می‌شود و مهریه زوجه اگر قبلًا داده نشده جزء دیون میّت محسوب است و اگر متوفی مالی از خود باقی نگذاشته و از پدر هم چیزی به عنوان کار طلب ندارد زوجه او حقّی به پدر متوفّی ندارد. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۲۹

ارث کسانی که در یک حادثه کشته شده‌اند و تقدم و تأخر فوت آنها معلوم نیست.

س ۱۸۴۵

اشاره

- در مورد ارث بردن اشخاصی که از یکدیگر ارث میبرند و بواسطه هدم و غرق و یا غیر اینها فوت شوند، به صورتی که تاریخ فوت (تقدم و تأخر و تقارن) مجهول باشد، آیا احکام مربوط به هدم و غرق در مورد غرق در غیر از آب نیز اثری دارد یا خیر؟

ج

– بنظر این جانب احکام مذکوره اختصاص به هدم و غرق در آب ندارد بلکه در هر حادثه ای که مشابه آنها باشد مانند غرق در غیر آب و یا سقوط هواپیما و تصادف ماشین جاری است. و اللَّه العالم.

س ۱۸۴۶

اشاره

– به عرض می‌رساند که زن و شوهری که فاقد اولاد می‌باشند در اثر سانحه تصادف اتومبیل دار فانی را وداع گفته‌اند از آن مقام محترم تقاضامندیم حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

– در مورد سؤال چنانچه تقدم و تأخر و تقارن فوت زوج و زوجه معلوم نیست و وارث طبقه اول نیز ندارند آنچه زوج هنگام فوت داشته بعد از اخراج دیون مالی و وصیت نافذه چهار یک ترکه زوج بعنوان ارث بزوجه می‌رسد و از زوجه هم به وارث زنده او می‌رسد (البته زوجه از زمین خانه ارث نمیبرد) و همچنین آنچه زوجه حین فوت داشته بعد از اداء دیون مالی و وصیت نافذه نصف آن بعنوان ارث به زوج می‌رسد و از زوج هم به وارث زنده او می‌رسد و بقیه ترکه هر کدام به سایر ورثه خود آنها کما فرض اللَّه می‌رسد.

س ۱۸۴۷

اشاره

– در یک حادثه رانندگی تمام اعضای یک خانواده اعم از مرد– زن– یک پسر و دو دختر همگی فوت می کنند ولی به نقل قول از کسانی که بعد از تصادف بالای سر آنها میرسند اظهار میدارند که یکی از فرزندان آنها که دختر بوده یکی دو ساعت زنده بوده و بعداً فوت می کند ولی هیچ کسی که بگوید که آن چهار نفر بقیه کدام اوّل فوت نموده و کدام بعد، وجود ندارد و کسی نمی‌داند جز

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۰

خداوند تبارک و تعالی و با توجّه به اینکه همگی از دار دنیا رفته‌اند و با فرض اینکه آخرین فردی که از آن خانواده فوت می کند همان دختر باشد مستدعی است نحوه تقسیم ارث آنان را بیان فرمائید.

الف: مرد متوفی دارای پدر و مادر و چهار برادر و پنج خواهر می‌باشد و برادران و خواهران مرد متوفی همگی از یک پدر و مادر می‌باشند.

ب: زن (متوفی فیه) دارای پدر و مادر و سه برادر و یک خواهر می‌باشد که برادران و خواهر (زن متوفی فیه) همگی از یک پدر و مادر می‌باشد.

ج

– در فرض سؤال برادران و خواهران مرد متوفی از او ارث نمیبرند بلکه ارث او به پدر و مادر زنده و فرزندان و زوجه او که در تصادم فوت نموده‌اند می‌رسد یعنی بعد از اداء دین و وصیت نافذ متوفی یک ششم از ترکه به پدر و یک ششم به مادر ویک هشتم به زوجه او می‌رسد و بقیه به فرزندان او می‌رسد که پسر دو برابر دختر میبرد و آنچه به فرزندان رسیده دو ثلث آن به جد و جده پدری و یک ثلث آن به جد و جده مادری آنها می‌رسد و یک هشتم زوجه به دختری که بعد فوت نموده و پدر و مادر زوجه می‌رسد و سهم این دختر نیز به اجداد چهارگانه او می‌رسد که کما فرض اللّه بین آنها تقسیم می‌شود و اگر زوجه و فرزندان قبل از فوت مالی داشته‌اند تقسیم آن هم با بعض تفاوت بهمان تفصیل است که راجع به اموال مرد متوفی ذکر شد که باید با راهنمائی شخص مسأله دان تقسیم شود. و اللّه العالم.

میراث غائب و مفقود الاثر

س ۱۸۴۸

اشاره

– این جانب خواهری دارم که مدت چهار سال است که مفقود الأثر شده و چند خواهر و برادر دارد خواهشمند است نسبت به تقسیم اموال او، ما راهنمائی فرمائید.

ج

– در مورد سؤال، تا ورثه یقین بفوت مفقود الأثر پیدا نکنند نمیتوانند ترکه او را تقسیم کنند و در صورت یقین به فوت بعد از اداء دیون شرعی، بمقدار یکه یقین دارند که در ذمّه متوفّی و در عین ترکه او هست، میتوانند اموال او را بین خود کما فرض اللّه تقسیم کنند. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۱

س ۱۸۴۹

اشاره

– شخصی در حدود ۷۰ سال پیش در سن ۳۰ سالگی رفته روسیه، و تا حال از وی خبری نرسیده زنده است یا مرده دارای اولاد است یا نه، یک برادر ابوینی داشته و یک برادر امی برادر ابوینی‌اش در حدود ۱۴ سال پیش وفات کرده و دارای اولاد هم بود. اکنون در مورد املاک او چه میتوان کرد؟ عمر طبیعی تا چند سال است؟ اگر فرض کنیم که زنده است، در املاک او چه کسی اولی بتصرف است؟

ج

– در فرض سؤال باید بمقداری صبر کنند که یا از طریق تواتر اخبار و یا قرائن علم بموت او حاصل گردد و یا بیّنه شرعیه بر موت او قائم شود و یا از جهت طولانی شدن مدّت غیبت او اطمینان پیدا کنند که مرده است و تا به این مرحله نرسیده حق تصرّف در اموال

او را ندارنـد و مـوقعی که موت او به یکی از راههـائی که گفته شـد به ثبوت شـرعی رسـید وارث او کسـی است که در حین ثبوت شرعی موت وارث می‌باشـد پس اگر امروز مثلًا موت او شـرعاً ثابت شود وارث او منحصـراً برادر امی است و اگر بعـدها ثابت شود حکم مسأله از جهت ارث ممکن است تفاوت پیـدا کنـد و اگر فرزنـدان برادر ابوینی مدعی باشـند که موت او قبل از موت پدرشان بوده است باید به ثبوت شرعی برسانند، و الا مسموع نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۸۵۰

اشاره

- احتراماً بعرض میرساند که اخوی این جانب دوازده سال قبل در جنگ مفقود الأثر گردیده و مشـخص نبود که شـهید است یا اسیر و اکنون پس از دوازده سال شـهادت او مسلّم و محرز شده است. این شـهید همسـر داشته اما فرزند ندارد استدعا دارد به سؤال ذیل پاسخ فرمائید:

الف: حقوق این شـهید در طول این دوازده سال بطور کامل و یکجا توسط همسـر او گرفته شـده و خرج می‌شـده است آیا تمام این حقوق از او بوده است یا اینکه چیزی از آن بعنوان ارث یا غیره به پدر و مادر و برادر و خواهر آن شهید می‌رسد)؟

ب: اکنون که شـهادت او مسلّم شده است مقداری پول بعنوان پول خون یا غرامت توسط اداره ای که آن شهید در آن کار می‌کرده داده می‌شود این پول از چه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۲

کسی است آیا منحصراً از همسر اوست یا فقط سایر ورثه یا باید بین آنان تقسیم شود؟

ج: با توجه به اینکه وی در سال ۶۱ شهید شده و خبر شهادتش در سال ۷۳ آمده است و از طرفی پدر آن شـهید در سال ۶۶ مرحوم شده آیا پدر آن شـهید از شـهید ارث می‌برد یا شهید از پدر خود ارث می‌برد و ملاك روز شهادت آن شهید است یا روزی که خبر شهادت او آمده است؟

د: دو سال قبل از آنکه شـهادت آن شـهید محرز شود همسر او از بنیاد شهید تقاضای طلاق نموده و رئیس بنیاد شهید حکم طلاق او را صادر کرده او را طلاق داده است آیا این همسر از آن شهید ارث می‌برد یا خیر و آیا از پول خون ارث می‌برد یا نه و آیا در مدّت این دو سال حق داشته است که حقوق شهید را گرفته و خرج کند یا خیر؟

ج

- الف: در مورد سؤال باید از مسئولین بنیاد شهید سؤال شود و طبق مقرّرات بنیاد شهید که حقوق را می‌دهد رفتار شود و حکم ارث را ندارد. و اللَّه العالم.

ب: حکم جواب اوّل را دارد. و اللَّه العالم.

ج: با فرض اینکه فرزند قبل از فوت پدر شـهید شده فرزند مذکور از پدر ارث نمی‌برد ولی پدر از آن شـهید ارث میبرد یعنی ملاك روز شهادت آن شهید است نه روز خبر شهادت. و اللَّه العالم.

د: در مـورد سـؤال که در وقت شـهادت شـهید زوجیت محقق بوده زوجه از مـا ترک شـهید ارث می‌برد و امّـا نسبت به پول خون و حقوق دریافتی به جواب اول و دوم مراجعه نمائید. و اللَّه العالم.

نزاع در ارث

س ۱۸۵۱

اشاره

– ملکی دو قسمت آن در بالای جاده و قسمت دیگر آن در زیر جاده واقع است. در مورخ ۸/ ۱۰/ ۷۴ این زمین‌ها بین وراث طبق نوشته‌ای تقسیم شده است. دو نفر از وراث از کیفیت زمینها با اطلاع بوده و وارث دیگر بی‌اطلاع
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۳
و بی‌سواد بوده است زمینی که در زیر جاده و متعلق به شخص بیسواد است دارای عیوب زیادی است خواهشمند است جهت حل اختلاف بین سه فرد مسلمان نظر خود را بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال وارثی که مغبون شده حق فسخ تقسیم را دارد و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۸۵۲

اشاره

– ملکی بعد از فوت پدر حدود ۴۰ سال است که در دست ماست ولی هنوز هم تقسیم نشده است حالا وارثین سه برادر از ما ادعای زمین و سود حاصله از آن را می‌کنند. حق ارث و طلب سود حاصله را دارند یا نه؟

ج

– در مورد سؤال با فرض اینکه زمین موروثی بین ورثه تقسیم نشده یعنی همه وارثین حق خود را از آن نبرده‌اند باید سهم آنها با اجرهٔ المثل اجاره سهمشان را متصرف بپردازد مگر اینکه سائر ورثه عین یا منافع آن را به ورثه‌ای که متصرفند واگذار کرده باشند و اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیّه لازم است.

س ۱۸۵۳

اشاره

– در مسئله ارث بعضی موارد اتفاق افتاده زمین مزروعی نزد اولاد برادر مانده مثلًا ۳۰ سال، برادر و خواهر مرحوم شده اولاد خواهر ادعای حق مادر را میکنند آیا اولاد برادر باید اثبات هبه یا رضایت خواهر نماید یا ذو الید مقدم است و اولاد خواهر باید ثابت کند که امانت مانده (واقع قضیه هم معلوم نیست که خواهر راضی شده یا نه)؟

ج

– در مورد سؤال اگر ذو الید قبول دارد که ملک قبلًا متعلّق به دیگری بوده است باید بطریق شرعی اثبات کند که ملک به هبه و غیره به او منتقل شده و مجرّد ذو الید بودن در این فرض اثر ندارد اجمالًا فرض سؤال نزاع موضوعی است و محتاج به مرافعه شرعیه است.

س ۱۸۵۴

اشاره

– محترماً بعرض عالی میرسانم شخصی فوت شده و در بین ورثه هم صغیر هست و طلبکار هم دارد با چه شرایطی طلب ثابت می‌شود و ورثه ملزم به دادن دین از اموال مرحوم شده اگر چک یا سفته ارائه بدهند و یا بگویند در دفتر مرحوم هم نوشته شده است آیا با اینها در طلب ثابت می‌شود و واجب می‌شود

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۴

به ورثه دین مورّث را از مالش بدهند؟

ج

– دعوای دین بر میّت با اقامه بیّنه و قسم مدّعی، ثابت می‌شود و به مجرّد چک و سفته در صورتی که حتی با ضمّ قرائن دیگر موجب علم نشود حکم بثبوت آن نمی‌شود و بر ورثه نیز با عدم علم به اشتغال ذمه میّت تکلیفی نیست بلی اگر ورثه قطع باشتغال ذمّه میت و شک در اداء دین داشته باشند بعید نیست که استصحاب اشتغال ذمّه جاری بشود. و اللّٰه العالم.

س ۱۸۵۵

اشاره

– الف: زن و شوهری مدّت ۵۲ سال زندگی مشترک داشته‌اند و صاحب اولاد نشده‌اند زوج فوت نموده و حال زوجه ادّعا دارد که در زمان حیات از ایشان مطالبه اجاره زمین مزروعی شخصی خود را نموده و شوهر نپرداخته، آیا می‌تواند از ورثه مطالبه نماید؟

ب: زوجه فوق بعد از سه سال شوهرداری بخاطر بچّه دار نشدن سه جریب زمینِ خود به شوهر صلح نموده است آیا بعد از فوتِ ایشان شرعاً این زمین به زوجه عودت داده می‌شود یا خیر؟ در صورتی که زمینِ مذکور به زوجه تعلق بگیرد اجاره بها دارد یا خیر؟

ج: آیا طلب زوجه قبل از تقسیم به ورثه برداشته شود یا بعد از تقسیم به ورثه؟

ج

– الف: فرض سؤال از مصادیق ادّعای بر میّت است که نیاز به بیّنه و قسم مدّعی در نزد حاکم شرع جامع الشرائط دارد. و اللّٰه العالم.

ب: با فرض تحقق صلح صحیح شرعی ملک مذکور از ما ترک زوج محسوب می‌شود. و اللّٰه العالم.

ج: کلّیه دیون میّت که از جمله آن طلب زوجه است، قبل از تقسیم ترکه باید ادا شود.

س ۱۸۵۶

اشاره

– شخصی سفارش می‌دهد که وسیله‌ای را برای او خریداری نمایند تا پس از تحویل گرفتن پول آن را بدهد. وسیله خریداری می‌شود و به وی تحویل می گردد ولی آن فرد وجه آن را نمی‌دهد و خریدار نیز که فرزند وی بوده مطالبه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۵

نمی کند و پس از مدتی سفارش دهنده فوت می کند و از وسیله خریداری شده نیز استفاده نمی‌نماید آیا وسیله خریداری شده متعلق به ورثه است یا متعلق به فرزندی که خریده و پول آن را نگرفته.

ج

– در فرض سؤال، چنانچه همه ورثه قبول دارند که پول وسیله خریداری شده پرداخت نشده باید پول آن را از ترکه میّت بپردازند و وسیله متعلّق بهمه ورثه است و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۸۵۷

اشاره

– اعیانی خانه مسکونی که ملک زید بوده پس از فوت او به فرزندان صغیر و کبیرش رسیده و یکی از آنها اقدام به تهدید بنا کرده است، آیا دیگران سهمی در این خانه جدید دارند؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه وارثی که خانه را تجدید بنا کرده با اجازه ورثه از مال خودش برای شخص خودش بنا کرده ورّاث دیگر از آن سهمی ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است توضیح آنکه در اجازه نسبت به سهم صغیر امر باقیم شرعی او است که طبق مصلحت او عمل نماید.

س ۱۸۵۸

اشاره

– هنگام تقسیم ترکه پدر سهم دختران را ندادند و آنها سکوت نموده پس از گذشت چند سال مدعی شده‌اند آیا سکوت آنها دلیل بر رضایتشان نبوده است؟

ج

– در مورد سؤال مجرد خاموشی دختران هنگام تقسیم ترکه پدر، دلیل اعراض از سهم خود و یا تملیک آنها سهم خود را به برادران نیست. و اللّه العالم

س ۱۸۵۹

اشاره

– چنانچه افرادی از ورثه ماترک متوفی را از قبیل اثاث البیت و آب و زمین و اشجار پنهان و آشکار بنفع خود تصرف نموده و حق سایر ورثه ضعیف را نداده‌اند، تصرف در اموال آنها شرعاً چه صورتی دارد؟

ج

– بطور کلی تصرف هر یک از ورثه در ماترک متوفی بدون رضایت وارثی که حقّش پرداخت نشده حرام است. و اللَّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۶

نماء ارث

س ۱۸۶۰

اشاره

– شخصی در وصیت‌نامه خود اینچنین وصیت نموده است که عینا بیان می گردد «هر چه در بانک دارم به اسم خودم مبلغ ۶۷۰۰۰۰ تومان بابت مهریه همسرم مدیون می‌باشم بدهید و بقیه را از کارخانه برداشت کنید و به او بدهید» با توجه به گذشت زمان به علت طی نمودن مراحل اداری انحصار وراثت و ترخیص پول از بانک مقداری سود بر این پول اضافه شده است که در حال حاضر از مبلغ دین افزون تر است لطفاً بفرمائید مبلغ اضافی از دین متعلق به فرد مذکور می‌باشد یا باید بین ورثه تقسیم شود؟

ج

– در فرض سؤال آنچه بر پول مذکور اضافه شده متعلّق بهمه ورثه است و باید کما فرض اللَّه حسب السهم تقسیم شود.

ارث دیه

س ۱۸۶۱

اشاره

– آیا تقسیم دیه بین ورّاث بر حسب سهم الارث صورت می گیرد بالسویّه؟ دیه متوفایی که وراث او منحصر به پدر و مادر می‌باشند به چه نسبت بین ایشان تقسیم می‌شود؟

ج

– دیه هم مانند سایر اموال، طبق سهام ارث تقسیم می‌شود بلی متقرّب به ام از دیه ارث نمی‌برد و در صورت انحصار وارث به پدر و

مادر تقسیم دیه متوفی به این نحو است که اگر مادر حاحب نـدارد یک ثلث به مادر و دو ثلث به پـدر می‌رسـد و اگر حاحب دارد ۱۶ به مادر و ۵۶ به پـدر می‌رسد و مقصود از حاحب این است که متوفی دو برادر یا یک برادر و دو خواهر و یا چهار خواهر پدری داشته باشد. و اللَّه العالم

س ۱۸۶۲

اشاره

– شخصی در اثر تصادف ماشینش با ماشین دیگر کشته شده است آیا همسر نیز مانند بقیه اولیاء مقتول از دیه‌ای که گرفته می‌شود یا نه؟

ج

– همسر نیز جزء ورثه است و از دیه ارث می‌برد.

س ۱۸۶۳

اشاره

– در قتل خطایی و قتل شبه عمد آیا قاتل از مورث ارث می‌برد یا نه؟

ج

– قاتل در مورد قتل خطایی از مقتول ارث می‌برد ولی از دیه‌ای که عاقله
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۷
می‌پردازد ارث نمی‌برد و شبه عمد هم همین حکم را دارد. و اللَّه العالم

س ۱۸۶۴

اشاره

– اگر مردی زوجه خود را بـا مرد اجنبی در یـک فراش ببینـد یا در حالتی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهـده کنـد و هر دوتای آنها را بکشد، آیا زوج از زوجه خود ارث می‌برد یا نه؟

ج

– آنچه را فقهاء ذکر نموده‌انـد این است که اگر مردی زوجه خود را در حال زنا ببیند جایز است در همان حال هر دو را بکشد پس اگر در چنین حالتی قتل انجام شود زوج از زوجه ارث می‌برد. و اللَّه العالم

ارث محجور

س ۱۸۶۵

اشاره

– پـدر این جانب حـدود چهار سال پیش فوت نموده است از ایشان همسر، فرزنـدان و مادر ایشان در قیـد حیاتند و با توجه به اینکه مادر نامبرده که ۱۶ از ما یملک ارث می‌برد اکنون هوش و حواسی ندارد.

الف: آیا فرزندان ایشان می‌توانند نسبت به حساب و کتاب و تحویل سهم ایشان اقدام کنند یا خیر؟

ب: از مادر متوفی یک پسر و سه دختر در قید حیاتند آیا تمام فرزندان باید دخالت کنند یا وکالت فقط با پسر ایشان است؟

ج

– در مورد سؤال امر اموال نـام برده بـا رعـایت غبطه و مصـلحت با حاکم جامع الشـرائط است و مـداخله فرزنـدان در مال او با اجازه حاکم شرع جائز است. و اللّٰه العالم.

س ۱۸۶۶

اشاره

– آیا به دیوانه ارث پدری می‌رسد یا نه؟

ج

– بلی به دیوانه هم ارث می‌رسد و در این جهت فرقی با عاقل ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۸

ارث صغیر

س ۱۸۶۷

اشاره

– شوهر بنـده فوت نموده است متوفی دارای عیال و یک فرزند ذکور ۵/ ۵ ساله و یک مادر می‌باشند طفل صغیر فعلًا تحت حضانت مادر قرار دارد.

سؤال شـرعی این است که آیـا عیـال متوفی شـرعاً حق دارد مهریه‌اش را از ماترک متوفی وصول نمایـد و وسـیله معاش صـغیر از چه راهی تأمین می‌شود و مادر صغیر می‌تواند موجودی نقدی و غیر نقدی متوفی را در اختیار خود بگیرد و هزینه زندگی صغیر را تأمین سازد یا اینکه جدّ مادری این وظیفه را عهده‌دار شود؟

ج

– در فرض سؤال یـک شـشم ترکه متوفّی به مادرش و یک هشـتم آن بشـما می‌رسـد و بقیه متعلّق به فرزنـد است و اگر متوفّی برای خودش وصـی تعیین ننموده شـما میتوانیـد بـا اجـازه مجتهـد جامع الشـرائط مهریه خود را بر داریـد و معاش صـغیر را از سـهم الارث خودش مصرف کنید لکن برای مخارج خودتان نمیتوانید از سهم صغیر مصرف کنید. و اللَّه العالم.

س ۱۸۶۸

اشاره

– زید از دنیا رفته وارث او مادر و همسـر و سه فرزند هسـتند بعد از مدتی مادر او هم از دنیا می‌رود حال همسـر متوفی با داشـتن سه فرزند صغیر اقدام به فروش مغازه و منزل مسکونی متوفی نموده است آیا این کار برای اداره زندگی آنها جایز است؟

ج

– در مورد سؤال ترکه متوفی بعد از موتش باین طریق تقسیم می‌شود که بعد از اداء دیون میّت اگر داشته باشد و مهریه همسر، (۱۶) شش یک سهم مادر و (۱۸) هشت یک سـهم همسـر و بقیه متعلّق به فرزندان او است و هر پسری دو برابر دختر میبرد و بعد از فوت مادر متوفی سـهم الارث او به فرزندانش که برادر و خواهر متوفای مذکور هسـتند می‌رسد و همسر متوفی اگر از طرف مجتهد جامع الشـرائط قیّم صـغار شده باید در مخارج و حفظ اموال صـغار ملاحظه و مصلحت آنها را بنمایند و همچنین اگر خود متوفی او را قیّم نموده باشد و الا حق تصرف در اموال را ندارد.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۳۹

ارث فرزندی که از لقاح مصنوعی متولد می‌شود

س ۱۸۶۹

اشاره

– ارث بردن فرزند متولد از لقاح مصنـوعی– که عبارت از قرار دادن نطفه مرد است در رحم زن– اگر نطفه از یک مرد اجنبی باشـد چه حالتی دارد؟ و آیا این فرزند از مادر و مادر از فرزند ارث می‌برد؟

ج

– احتیاط لازم بر این طفل و سایر ورثه این است که با یکدیگر مصالحه نمایند. و اللَّه العالم

ارث فرزند خوانده

س ۱۸۷۰

اشاره

– از نظر دین اسلام، فرزند خوانده، حکم فرزند واقعی را ندارد (ارث نمی‌برد با همسر انسان محرم نمی‌شود) حالا شخصی، فرزند نداشته فرزند کسی را به عنوان فرزندی گرفته مدت ۲۰ سال نگه داشته از او کار گرفته آیا شرعاً نباید اجرت المثل به او پرداخت کند؟ لقب آن کودک را به لقب خودش تغییر داده است؟ حالا تکلیف این فرزند خوانده چیست؟

ج

– اگر بچه مذکور، از زمانی که بتکلیف رسیده با رضایت خود بدون مطالبه اجرت کار کرده نسبت به این مدّت حق مطالبه اجرت ندارد ولی اجرهٔ المثل قبل از زمان بلوغ را طلبکار است و اگر برای بچه بعنوان فرزند خودش شناسنامه گرفته باید ابطال کند و باید معلوم کند که فرزند واقعی او نیست تا امر مشتبه نشود و از جهت ارث و سلسله نسب و محرمیّت و غیرها و لو در آینده با مشکلات عدیده مواجه نشوند.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۱

تصرف در مال غیر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۳

تصرف در مال غیر

اراضی اصلاحات ارضی و زمین‌شهری

س ۱۸۷۱

اشاره

– فرد تحویل‌گیرنده زمین از سازمان زمین‌شهری که بعضاً مالك اصلی آنها اعلام نارضایتی می‌کنند چه وظیفه‌ای دارد؟

ج

– اگر مالك شرعی زمین راضی نباشد جایز نیست و هر تصرّف در ملکی که به خود شخص تعلق نداشته باشد باید با اذن مالك شرعی آن باشد خواه مالك شخصی باشد یا جهت و شخصیت حقوقی، و با احتمال عقلائی مالکیت سازمان و جهل به مالکیت غیر، تصرف در آن با اذن سازمان جایز است.

س ۱۸۷۲

اشاره

– زمینی را که بوسیله قانون اصلاحات ارضی مالکش به حکومت وقت فروخته باشد و این زمین را حکومت وقت به کشاورزی که روی آن کار می‌کرده است فروخته است آیا خریدن اینگونه زمین‌ها از کشاورزی که امروزه مالك است جایز می‌باشد؟

ج

- چنانچه مالک زمین با طیب نفس و رضا و رغبت زمین را به حکومت وقت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۴

فروخته و کشاورز زمین را با رعایت ضوابط شرعی خریداری کرده باشد خریدن آن از کشاورز مرقوم اشکال ندارد، و الّا اختیار آن با مالک شرعی آن است.

س ۱۸۷۳

اشاره

- در روستاهای کشور بعد از اصلاحات ارضی برای روستائیان سند اصلاحات ارضی صادر گردیده است روستائیان در مواقع نیاز یک قطعه زمین از آن سند طبق عرف محل با حضور چند نفر شهود با سند عادی به دیگری میفروشند و صیغه هم جاری می گردد آیا چنین سند عادی در شرع مقدس اسلام و قانون جمهوری اسلامی قابل قبول است یا خیر؟

ج

- زمینهائی که با سند تقسیم اراضی در تصرّف روستائیان قرار گرفته اگر با رضایت واقعی مالک در اختیار آنها قرار گرفته فروش آنها با سند عادی اشکال ندارد ولی اگر بی‌رضایت مالک به روستائیان فروخته شده به ملکیت مالک اصلی باقی است و قابل خریدوفروش با سند عادی یا رسمی نیست و متصرف غاصب و ضامن است. و اللّٰه العالم.

س ۱۸۷۴

اشاره

- ملکی در مدت ۳۰ سال قبل از طرف دولت توسط اداره کشاورزی به کشاورزی فروخته شده است و این کشاورز راضی نیست که وضوخانه برای مسجد در این زمین ساخته شود آیا برای این که صاحب زمین راضی نیست اگر این وضوخانه را بسازند غصبی است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر کشاورز مالک شرعی آن زمین باشد ساختن وضوخانه در آن زمین بدون رضایت او جائز نیست و غصب است و احکام غصب بر آن جاری است و اگر کشاورز مالک شرعی نیست اختیار با مالک آن است.

س ۱۸۷۵

اشاره

– با توجه به اینکه دولت بعـد از واگذاری زمین کشاورزی به روسـتائیان، پول زمین‌ها را بصورت اقساط دریافت کرده است، شـرعاً تصرف و زراعت در زمین‌های فوق صحیح می‌باشد یا خیر؟

ج

– در فرض مسأله اگر مالکین شرعی زمین راضی باشند مانعی ندارد و الّا باید بنحوی که ممکن است رضایت آنان جلب شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۵

س ۱۸۷۶

اشاره

– آیـا خریـدن محصولات کشاورزی از کشاورزی که زمینش غصبی است مثلًا از زمینهای اصلاحات ارضـی است جایز است؟ اگر این کشاورز محصولی را که از این زمین غصبی بدست آمده است بفروشد آیا جایز است که این محصول را از آن فرد دوم بخریم؟ اگر این کشـاورز مقـدار دیگری زمین هم داشـته باشـد که غصـبی نیست و مـا نـدانیم که این محصـول از کـدامیک از این دو زمین بدست آمده است آیا لازم است که از او در این مورد سؤال کنیم؟

ج

– معامله صـحیح است، بلی در صورتی که زراعت را در زمین غصبی انجام داده باشـد فعل حرام، مرتکب شـده و ضامن اجرهٔ المثل مدت تصرّف نیز هست.
و اللّه العالم.

تصرف زن و فرزند در مال پدر

س ۱۸۸۷

اشاره

– فرزندی که پدر او در سال فقط ۲ هفته الی ۴ هفته در خانه باشد و فرزند بخواهد چیزی را به دیگران بدهد آیا اشکال دارد؟

ج

– باید آنچه به دیگران می‌دهد با رضایت پدر باشد.

س ۱۸۷۸

اشاره

- زنی که شوهر او در خانه نیست آیا این زن می‌توانـد از خانه شوهر به دیگران کمک کنـد و از خانه شوهر در تمام کارهای بیرون از خانه شرکت کند؟

ج

- باید آنچه را به دیگران کمک می‌کند با اجازه شوهر باشد و خروجش از منزل نیز محتاج به اجازه شوهر است.

اشراف بر خانه همسایه

س ۱۸۷۹

اشاره

- آیا جایز است شخص آن قدر ساختمان منزل خود را بالا ببرد تا مشرف به خانه‌های همسایه گردد یا خیر؟

ج

- ظاهراً دلیلی بر عدم جواز نیست و اشراف بر خانه همسایه که فعل شخص است غیر از تعلیه بناء است بفرمایش علامه قدس سرّه (و یمنع فی الملک من الاشراف علی الجار لا من التعلیهٔ المقتضیهٔ لإمکانه).

س ۱۸۸۰

اشاره

- شخصی در همسایگی ما پنجره اتاقش را به سمت حیاط ما باز
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۶
می‌نماید و به حیاط این جانب نظر می‌کند آیا جایز است یا نه؟

ج

- پنجره باز کردن برای او جایز است ولی نظر نمودنش بداخل حیاط شما جایز نیست و شما می‌توانید روی دیوار خودتان حائلی که جلو پنجره او را بگیرد احداث نمائید. و اللّه العالم

مسائل متفرقه تصرف در مال غیر

س ۱۸۸۱

اشاره

– کوچه بن‌بستی هست که چندین خانوار در آن ساکن هستند و همه در آن کوچه به منزلشان در دارند و یک قسمت کوچه حریم بعضی از ساکنین کوچه هست که قبلًا در نداشته فعلًا یکی از ساکنین می‌خواهد از حریم خودش به کوچه در قرار بدهد و بعضی از همسایه‌ها مانع می‌شوند آیا همسایه مجاور یا مقابل می‌تواند از حریم و دیوار خود این شخص مانع درب قرار دادن آن باشد یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال مالک دیوار بدون اجازه کسانی که منزلشان به کوچه درب دارد حق تردد در کوچه مذکوره را ندارد و مجرد مالکیت دیوار مجوز تردد نیست.

س ۱۸۸۲

اشاره

– جاده‌ای است عمومی که می‌خواهند توسعه داده و آسفالت کنند اکثر مردم موافقت کرده‌اند و زمین خود را داده‌اند شخصی زمین خود را به هیچ عنوان نمی‌دهد و لو به فروختن آیا جایز است جبراً و با تهدید زمین را از او گرفت یا خیر؟

ج

– اجبار او بر فروش، بدون ضرورتهای شرع‌پسند جایز نیست.

س ۱۸۸۳

اشاره

– اگر شاخه درخت کسی در باغ همسایه برود آیا همسایه می‌تواند میوه این شاخه را تصرف کند؟

ج

– در فرض سؤال، جواز تصرف همسایه در میوه درخت یا شاخه او منوط به اجازه صاحب درخت است.

س ۱۸۸۴

اشاره

– اگر شاخه‌های درخت زید عمرو را از استفاده نمودن از بام خود
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۷
مانع شود آیا بر زید قطع شاخه‌های درخت خود لازم است یا نه و اگر لازم باشد و زید راضی به قطع نباشد قطع نمودن آن با رجوع به حاکم شرع و بدون رجوع به حاکم توسط عمرو چه صورت دارد؟

ج

– در فرض سؤال عمرو می‌توانـد از زیـد که مالـک درخت است بخواهـد که شاخه‌های درخت خود را از فضای ملک عمرو خارج کنـد و یا قطع کنـد و اگر زیـد که صاحب درخت است امتناع کنـد خود عمرو می‌توانـد اگر ممکن است بـدون قطع کردن شاخه را برگرداند به ملک خود زید و اگر برگرداندن ممکن نیست می‌تواند آن را با اجازه حاکم قطع کند. و اللَّه العالم

س ۱۸۸۵

اشاره

– در زمان کودکی مالی از راه غیر مشروع به زید رسیده و شاید از ماجرا بی‌خبر باشد آیا بر من واجب است که به او بگویم که این مال چگونه به دستش رسیده یا نه؟

ج

– گفتن او به عنوان ارشاد جاهل مانع ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۸۸۶

اشاره

– در حدود سـی و هشت سال قبل در اثر جاری شدن سیل نهالی از زمین زید به زمین عمرو آمده و نهال مزبور الحال بزرگ شده و قیمت آن در حـدود دوازده هزار تومان است صاحب نهال می‌گویـد مال من است و صاحب زمین می‌گویـد مال من است مسـتدعی است حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

ج

– در مورد سؤال چنـانچه صـاحب نهـال (زیـد) از آن نهـال اعراض کرده بوده دیگر حقّی به آن نـدارد و اگر اعراض نکرده درخت متعلق به او است. و اللَّه العالم

س ۱۸۸۷

اشاره

– شخصـی مقـداری از طلاـی همسـرش را فروخته و خرج نموده و حالا فوت کرده است آیا ولی میت عین طلاها را به زوجه متوفی بدهد یا قیمت آن را بپردازد؟

ج

- اگر طلا ملك زوجه بوده و به شوهر نبخشیده بوده باید از ترکه متوفی پرداخت شود پس اگر مانند سکه بوده و بدون اذن زوجه فروخته و یا زوجه آن را قرض داده بوده باید مثل آن را بدهند ولی اگر مانند گوشواره و گلوبند و انگشتر بوده در صورتی که با اذن زوجه فروخته همان قیمت فروخته شده را اگر زوجه به او

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۸

نبخشیده بدهکار بزوجه است و اگر بدون اذن او بوده مسأله تفضیل دارد.

خسارت وارده بر مال غیر

س ۱۸۸۸

اشاره

- شخصی به خیال اینکه مال متوفی به او می‌رسد، از مال متوفی سه کیلو نخود برداشته و کاشته است آیا حاصل این سه کیلو که مثلًا پنجاه کیلو هست به وراث متوفی می‌رسد یا کسی که آن را کاشته، و در صورت رسیدن به وراث، آیا به این شخص (کشت‌کننده نخود) مزدی می‌رسد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، تمام پنجاه کیلو متعلّق به ورثه متوفی است و شخص مذکور، هر چند اشتباه کرده و به خاطر این عمل گناه نکرده لکن مستحق اجرت نیست. و اللَّه العالم

س ۱۸۸۹

اشاره

- اگر شخص یا اشخاصی ملك زراعتی شخصی را بزور تصرّف نمایند علاوه بر اینکه اصل زمین را باید به مالك اصلی برگرداند آیا محصولات کشاورزی زمین را ضامن هستند که به مالك اصلی برگردانند یا نه؟ و همچنین اگر خساراتی بر اشجار و ساختمانهای مسکونی زمین مغصوبه وارد آورده باشند نیز ضامن هستند یا نه؟ و هکذا زمینهای زراعتی که در قلمرو ملك مالك اصلی احداث نموده‌اند ملك مالك اصلی است یا ملك احداث‌کننده؟

ج

- غصب حرام است و غاصب ضامن اجرهٔ المثل عین مغصوبه در مدّت غصب است و همچنین غاصب ضامن خسارات وارده بر اشجار و ساختمان مغصوبه است و اگر زمین مغصوبه را غاصب آباد و تعمیر کرده باشد حق مطالبه اجرت در مقابل آن را از مالك زمین ندارد بلی محصولی که غاصب در زمین مغصوبه زراعت کرده ملك خود او است.

س ۱۸۹۰

اشاره

– در خصوص املاك اصلاحات ارضی که شخصی از آن زارع اولیه بعنوان نصفه کاری در آن کشاورزی می‌کند آیا برای زارع دوم درآمد آن ملك حلال است یا خیر؟

ج

– بطور کلّی تصرّف در ملك شرعی دیگری بدون اذن و رضایت او حرام و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۴۹
غصب است و متصرّف اجرة المثل زمین را به صاحب شرعی آن مدیون است ولی زراعتی که در ملك غصبی شده باشد متعلّق بزارع است.

س ۱۸۹۱

اشاره

– شخصی که متنبه شده و به جبران ما فات پرداخته در ضمن اصلاح خود به یاد می‌آورد که در سن نوجوانی ۲ رأس گوسفند پیدا کرده و به جای آنکه دنبال صاحبان آنها بگردد یکی را فروخته و پول آن را مصرف و دیگری را ذبح کرده و خورده حال اگر بخواهد به قیمت آن وقت نوجوانی از جانب صاحبش صدقه بدهد مبلغ چندانی نخواهد بود و مشکلی نیست ولی اگر بخواهد به قیمت یوم الدفع بپردازد مبلغ زیادی می‌شود که از توان او خارج است اینك بفرمائید تکلیف او چیست؟

ج

– باید بمقدار قیمت یوم التلف صدقه بدهد.

س ۱۸۹۲

اشاره

– آیا زمینی که دارای سند مالکیت رسمی می‌باشد می‌توان آن را تصرف نمود بدون آن که معوض یا وجه آن را بدهند؟ در صورتی که بخواهند وجه آن را بدهند باید به نرخ چه سالی کارشناسی شود؟

ج

– بطور کلی حکم غصب معلوم است که غاصب حق تصرف ندارد و باید ملك را به مالك برگرداند و اجرت المثل مدت تصرف را نیز ضامن است و بدون رضایت مالك نمی‌تواند به جای زمین قیمت یا معوض را بدهد و در صورت رضایت مالك به قیمت باید به هر نرخی که مالك رضایت بدهد پرداخت شود، و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیّه لازم است. و اللَّه العالم

س ۱۸۹۳

اشاره

- شخصی در کودکی بدون اجازه مقداری از مال کسی را برداشته و می‌خواهد جبران نماید بطوری که صاحب مال هم نفهمد آیا از طرف صاحبش صدقه دهد یا در خانه او بگذارد؟

ج

- داخل در مال او کند بطوری که یقین کند که به دست او رسیده است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۰

تصرف در مال صغیر

س ۱۸۹۴

اشاره

- اگر در معامله‌ای که ولی قهری برای فرزند صغیرش انجام داده رعایت غبطه و مصلحت صغیر نشده باشد آیا آن معامله صحیح است یا خیر؟

ج

- اگر معامله ولی در اموال صغار بر اساس غبطه و مصلحت صغار نباشد نفوذ ندارد.

س ۱۸۹۵

اشاره

- آیا به منزل صغیر می‌شود رفت و آمد کرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه ولیّ شرعی یعنی جدّ پدری داشته باشد و یا خود متوفّی و یا حاکم شرع جامع الشرائط قیّم تعیین نموده باشند با اجازه آنها رفت و آمد مانع ندارد.

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۲۵۰

س ۱۸۹۶

اشاره

- شخصی سه فرزند صغیر دارد این شخص در حال حیات خود به دیگر ورّاث می گوید من اجازه می‌دهم که بعد از وفات من اشخاص تا چهل روز به خانه‌ام رفت و آمد نمایند آیا این مقدار اجازه مجوز ورود افراد به خانه او می‌شود یا خیر؟

ج

- همین مقدار کافی است.

س ۱۸۹۷

اشاره

- این جانب با دختر عمویم که دارای یک پسر و یک دختر صغیر از شوهر قبلی است ازدواج نمودم و خودم هم صاحب یک دختر و یک پسر هستم و خودم مبلغی با رضایت قیّم که مادرشان است بعنوان اجاره خانه پرداخت می کنم و محل کار من در قم است و سکونت دائمی در آن خانه دارم و خرج بچه‌های خودم به عهده من است و چون عقد رسمی است مبلغی بعنوان خرجی به زنم پرداخت می کنم آیا به بچه‌های خودم کرایه تعلق می گیرد یا نه؟ آیا مهمانی که به خاطر من به آن خانه می‌آید اشکال شرعی دارد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال، شما باید در مدّت اجاره، مال الاجاره عادله بر طبق قیمت روز برای سکونت خود و بچه‌هایتان تعیین نمائید و در صورتی که بچه‌های همسرتان جد پدری نداشته باشند با اجازه مجتهد جامع الشرائط باشد و در این
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۱
صورت سکونت بلا اشکال است.

س ۱۸۹۸

اشاره

- در سال ۱۳۷۰ مرد خانواده مرحوم شد و یک سال و نیم بعد یکی از پسران او فوت کرده و از وی بچه‌های صغیر باقی است. طبق معمول همسر وی (همسر پدربزرگ صغیر) در خانه مسکونی مرحوم زندگی می کند آیا می‌تواند با اجازه وراثی که در قید حیاتند بعضی از لوازم غیر ضروری منزل را به فروش رساند و لوازم دیگری که مورد نیازشان می‌باشد جایگزین نماید؟

ج

- اجازه وراث اثری نسبت به سهم صغیر ندارد بلی اگر فروش و یا تبدیل به مصلحت صغیر باشد در این صورت ولیّ یا قیّم شرعی

صغیر می‌تواند این را به فروش برساند یا تبدیل نماید. و اللَّه العالم

س ۱۸۹۹

اشاره

- پدری مغازه فرزند صغیر خود را به مدت معین با شرط واگذاری، به غیر اجاره داده است پدر فوت شده، آیا مادر طفل صغیر که قیّم است حق دارد اجاره را فسخ نماید یا خیر و آیا مستأجر حق دارد اجاره را به غیر واگذار نماید یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه نحوه واگذاری، به نحو مشروع (که تفصیل آن در توضیح المسائل مسأله شماره ۲۸۵۱ مذکور است) بوده قیّم نمی‌تواند فسخ کند ولی بعد از تمام شدن مدت اجاره، قیّم باید ملك را تحویل بگیرد و نسبت به باقیمانده مدت اجاره هم اگر شرط واگذاری به غیر در ضمن عقد لازم ذکر شده باشد مستأجر می‌تواند بقیه مدت را به غیر واگذار نماید و الّا نمی‌تواند. و اللَّه العالم

س ۱۹۰۰

اشاره

- بنده چند سال قبل با زنی ازدواج نمودم که آن زن دو فرزند داشت پس از ازدواج و گذشت شش سال آن زن و فرزندانش از من ادعاء مال می‌کنند و در موقع ازدواج تمام دارائی آنها یک گاو ماده و یك رأس الاغ و بیست هزار پول افغانی بود که نزد این جانب بود، چیز دیگری نزدم نداشتند آیا آنان حق مطالبه اشیاء فوق الذکر را دارند یا نه البته با توجه به اینکه من مدت شش سال

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۲

مخارج‌شان را داده‌ام و از افغانستان به ایران آوردم آیا در صورتی که آنها حق مطالبه این ۳ قلم را داشته باشند من هم حق مطالبه مخارج آنها را که پرداخت نموده‌ام دارم یا نه؟

ج

- در مورد سؤال چنانچه در انفاق به آن دو فرزند قصد مجان نبوده و بدستور ولی شرعی آنها در صورتی که صغیر بوده‌اند به آنان انفاق نموده‌اید می‌توانید مقداری که نفقه به آنها داده‌اید مطالبه واخذ نمائید و بقیه اموال را به ایشان مسترد دارید و چنانچه قصد مجان داشته‌اید و یا بدون اذن ولی شرعی صغار چیزی بر ایشان خرج کرده‌اید نمی‌توانید مطالبه نمائید و اموالشان را باید مسترد نمائید. و اللَّه العالم.

س ۱۹۰۱

اشاره

- آیا مادر می‌تواند جهت نگهداری و سرپرستی فرزندانش مثلًا در حد یک کارگر ساده و یا بیشتر حقوق دریافت بدارد؟ (البته بعد از دریافت مهریه و حق الارث خود) ضمناً بعرض می‌رساند پدربزرگ پدری نیز درگذشته است.

ج

- در مورد سؤال با نظر وصی، اگر باشد و اگر وصی در بین نیست با نظر حاکم شرع جامع الشرائط پرداخت اجرت به مادر مانعی ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۹۰۲

اشاره

- شخصی ۱۶ سال قبل فوت کرده فرزند ارشد ایشان اموال باقی مانده از پدرش را که نزد او به امانت گذاشته شده بوده به نفع خود می‌فروشد، بدون اجازه حاکم شرع و دادستان و قیم و تا این تاریخ هیچ مبلغی به سه صغیر پرداخت نشده است آیا شرعاً حق فروش دارد یا خیر؟ آیا با توجه به اینکه دیناری پرداخت ننموده به قیمت ۱۶ سال قبل ارزیابی شود یا امروز؟

ج

- بطور کلی معامله آنچه فرزند ارشد از ترکه بدون اذن سائر ورثه و شرکاء و قیم صغار فروخته نسبت به سهم شرکاء فضولی است که در صورت رد باید عین آن (در صورت باقی بودن) و در صورت تلف عین اگر قیمی است قیمت یوم التلف آن را حساب نماید توضیح اینکه در فروش اموال صغار علاوه بر اذن قیم رعایت مصلحت آنها نیز لازم است.

س ۱۹۰۳

اشاره

- اگر پدر شخص متوفی که قیم و ولی قهری صغار متوفی هم می‌باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۳

اقرار به شرکت زوجه آن مرحوم نسبت به خانه موروثی از باب مهرش بنماید آیا نسبت به سهم صغار آن مرحوم از باب قاعده «من ملك شیئاً ملك الاقرار به» نفوذ دارد و میتوان نسبت به سهم بوده صغار هم مالك دانست همانطور که از باب اقرار نسبت بسهم خود ولی قهری مالکیت و شرکت زن محرز می‌شود؟

ج

- اقرار ولیّ علیه مولّی علیه بما هو اقرار نفوذ ندارد لکن ولیّ میتواند طبق یقین خود عمل نماید بلی اقرار ولیّ نسبت به تصرّفات و اعمالی که بر حسب ولایت در اموال مولّی علیه می‌نماید، نافذ است. و اللَّه العالم.

قیّم صغیر

س ۱۹۰۴

اشاره

– شخصی بدون وصیّت، به رحمت خدا رفته است و چند پسر و دختر صغیر و کبیر و دو برادر دارد، اما صغار ولیّ شرعی ندارند. آیا ممکن است پسر بزرگ او را با نظارت عموهایش قیّم اطفال صغار قرار داد یا نه؟

ج

– در فرض سؤال به مجتهد جامع الشّرائط یا مأذون از مجتهد در امور حسبیه اگر در محل باشد مراجعه نمایید تا با رسیدگی و ملاحظه مصلحت صغار، برادر صغار را اگر صالح شناخت یا شخص صالح دیگر را به عنوان قیّم معین نماید این در صورتی است که صغار جدّ پدری نداشته باشند و الّا امر آنها با جدّ پدری آنها است. و اللَّه العالم

س ۱۹۰۵

اشاره

– یکی از دو برادر که باجناق هم هستند، از دنیا رفته آیا باجناق دوّم می‌تواند سرپرستی خانواده برادرش را که از دنیا رفته بعهده بگیرد یا اینکه زن باید خودش قیّم شود. (در ضمن این زن دارای ۵ بچه است که بزرگترین آنها ۸ سال دارد و بی‌سرپرست می‌باشند) به همین خاطر برادرش که باجناق هم هست می‌خواهد سرپرستی خانواده برادر را بعهده بگیرد آیا این کار شرعاً صحیح است؟

ج

– در مورد سؤال چنانچه متوفّی باجناق و یا زوجه خودش را وصی و قیّم صغار قرار نداده باشد آنها هیچ کدام شرعاً قیّم صغار نیستند اگر صغار جدّ پدری ندارند باید برای صغار توسط مجتهد جامع الشرائط قیّم تعیین شود.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۴

مال پیدا شده و بدون صاحب

س ۱۹۰۶

اشاره

– میزان در تشخیص مال مجهول المالك و لقطه چیست؟

ج

- لقطه در اصطلاح فقهاء عظام عبارت است از هر مالی که مالکش آن را گم کرده، و مجهول المالک در اصطلاح آن بزرگواران مالی است که مالک آن معلوم نیست ولی گمشده هم نیست مثلًا زمینی است که مردم مالک آن را نمی‌شناسند یا با فوت مالک ورثه را نمی‌شناسند. و اللَّه العالم.

س ۱۹۰۷

اشاره

- لطفاً محل مصرف مجهول المالک را بیان فرمایید؟

ج

- فقرای غیر سادات، که باید از طرف مالک واقعی به عنوان صدقه به آنها پرداخت شود و احتیاطاً با اذن مجتهد جامع الشرائط باشد. و اللَّه العالم

س ۱۹۰۸

اشاره

- در یکی از دبیرستانها مقداری طلا به تدریج پیدا شده علی رغم تلاش و پیگیری مسئولین دبیرستان صاحبان طلا پیدا نشده است بفرمایید تکلیف شرعی چیست؟

ج

- در مورد سؤال اگر به مقدار یک سال تعریف شده و مأیوس از پیدا شدن صاحب آنها هستید، مجازید آنها را از طرف صاحبانش به فقیر غیر سید صدقه بدهید. و اللَّه العالم

س ۱۹۰۹

اشاره

- اگر شخصی کوپن پیدا کند تکلیف او چیست؟

ج

- باید مکرّراً اعلام کند تا صاحبش پیدا شود و در صورتی که بعد از اعلام مأیوس از پیدا شدن صاحبش بشود باید آن را به فقیر غیر سیّد بعنوان صدقه از جانب صاحبش بدهد و احتیاطاً از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.

س ۱۹۱۰

اشاره

- شخصی مبلغی پول خارجی (مانند دلار و پوند) پیدا کرده است و از پیدا شدن صاحب پول ناامید است و یا طبق موازین شرع آن را تعریف کرده است و پول پیدا شده زیاد و مورد توجه است و می‌خواهد آن را از طرف صاحب پول به چند نفر صدقه بدهد و این پول پیدا شده دو نوع قیمت و ارزش دارد قیمت دولتی هر دلار مثلًا ۳۰۰ تومان و قیمت آن در بازار آزاد ۴۵۰ تومان آیا این
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۵
شخص مجاز است این پول را برای این منظور به پول ایرانی تبدیل نماید و در صورت جواز قیمت قانونی و دولتی آن را صدقه بدهد یا باید قیمت آزاد آن را به فقرا پرداخت نماید؟

ج

- در فرض سؤال، می‌تواند خود پولهای خارجی را از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر فروخته باشد باید تمام ثمنی را که گرفته صدقه بدهد و نمی‌تواند به مقدار نرخ دولتی صدقه بدهد و بقیه را برای خود بردارد، لکن اگر صاحبش بعداً پیدا شد باید به او بگوید که صدقه دارم پس اگر راضی به صدقه نشد باید وجه را به او برگرداند و این در صورتی است که بدون تعریف از پیدا شدن صاحبش مأیوس باشد و اگر طبق دستور شرع تعریف کرده جایز است پولها را تملک کند با ضمانت این که اگر صاحبش پیدا شد و راضی نشد، به او برگرداند و یا از طرف صاحبش صدقه بدهد و اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد پول را به او برگرداند.
و اللّه العالم

س ۱۹۱۱

اشاره

- چنانچه قطعه جنس قیمتی (مانند طلا و ساعت و ...) باشد پیداکننده طبق شرع حاکم شرع آن را تعریف نموده و یا از پیدا شدن آن جنس ناامید بوده است آیا پیدا کننده آنها شرعاً مجاز است به کارشناس و خبره مراجعه کرده طبق تعیین قیمت این اجناس را بفروشد و یا خودش به همان قیمت تعیین‌شده آنها را بر دارد و پول آنها را بفقرا بدهد و یا باید خود جنس را به یک نفر فقیر بدهد؟ لازم به یادآوری است که منظور از این فروش بردن سود مشخص نیست.

ج

- در فرض سؤال، خود اجناس را صدقه بدهد بلی می‌تواند آنها را پس از صدقه دادن به فقیر بخرد و می‌تواند به همان نحوی که در سؤال قبل ذکر شد برای خود تملّک کند. و اللّه العالم

س ۱۹۱۲

اشاره

- فردی حدود پنج سال پیش چند کارتن سیگار پیدا نموده است و حدود چهار سال است تفحص نموده است ولی از صاحب سیگارها ناامید و مأیوس شده است در حال حاضر ارزش این سیگارها به قیمت فعلی حدود مبلغ صد هزار تومان می‌باشد و فردی که پول سیگارها نزد اوست ساکن روستا می‌باشد و در این روستا توسط اهالی یک باب منزل به عنوان خانه روحانی ساخته شده است که فعلًا خانه مذکور احتیاج مبرم به تعمیرات اساسی دارد چنانچه اجازه می‌فرمائید پول مذکور را خرج منزل روحانی نمایند کتباً مرقوم فرمائید و چنانچه خانه مذکور شرائط آن را ندارد آیا اجازه می‌فرمائید که مبلغ فوق را بین ۲۰ نفر از اهالی همین روستا تقسیم نمایند.

ج

- در مورد سؤال صرف پول مذکور در تعمیر خانه عالم جائز نیست، بلکه باید پول مذکور به فقیر غیر سیّد عوض صاحبش صدقه داده شود مجازید که پول را به بیست نفر از فقرای غیر سیّد روستای مذکور بپردازید.

س ۱۹۱۲

اشاره

- سالیان متمادی زمینی بی‌صاحب است و هیچ کسی هم ادعایی نسبت به آن ندارد و حتی کسانی که کشت می‌کنند هم نه قرار دادی و نه مدرکی در دست ندارند وظیفه آنان چیست می‌شود وقف کرد و یا فروخت و در راه خیر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۶

مصرف کرد؟

ج

- در فرض مذکور اگر مأیوس از دسترسی به صاحبان آن باشید باید با اجازه حاکم شرع آن را به فقراء غیر سید تحویل دهید. و اللَّه العالم

س ۱۹۱۳

اشاره

- حدود ۱۰ سال پیش با یک افغانی شریک شدیم که خانه‌ای بسازیم و بفروشیم خانه را ساختیم و قولنامه کردیم بعد از قولنامه کردن او خواست به افغانستان برود و پولی که داده بود نگرفت و رفت که بیاید و تا امروز برنگشته سهم استفاده او از این خانه ۱۵۰۰۰۰ ریال شده است تکلیف ما با این پول چیست؟

ج

- در صورتی که از پیدا شدن صاحب آن مأیوس باشید مجازید وجه را از طرف صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهید البته اگر

صاحب پول پیدا شد و راضی بصدقه نگردید باید وجه را مجدداً به او بپردازید.

س ۱۹۱۴

اشاره

– چاه نفتی نزدیک محل ما بود سرپرست آن برای محل لوله‌کشی کرد که مردم از آب لوله استفاده کنند بعداً برنامه بهم خورد لوله‌ها همچنان ماندند. نیامد آنها را ببرد اگر کسی یک تکه لوله را ببرد و استفاده شخصی کند از نظر شرعی چگونه است؟

ج

– اگر صاحب لوله از آن اعراض کرده باشد استفاده از آن برای غیر جائز است و اگر اعراض معلوم نیست تصرّف در آن جایز نیست.

س ۱۹۱۵

اشاره

– در زمینهای روستائی و کشاورزی درختهای گردوئی می‌روید که بذر آن را کلاغ از جاهای دیگر می‌آورد و در زمین پنهان می‌کند و درخت گردو سبز می‌شود و رشد می‌کند و به آن کلاغ کاشته می‌گویند می‌دانیم که بذر این درخت مجهول المالک است حال تکلیف صاحب زمین در مورد این درخت چیست؟

ج

– در اینگونه موارد که صاحبان گردو می‌دانند، گردوها معرضیّت برای خوردن و یا اتلاف بوسیله حیوانات دارد ظاهراً اعراض صدق می‌کند و کسی که در زمین او درخت بعمل آمده میتواند آن را تملک کند. و اللّٰه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۷

س ۱۹۱۶

اشاره

– در روستاها مردم مرغ و اردک و غاز خود را در بیرون رها می‌نمایند تخمی که این حیوانات در مزارع و یا حاشیه مرداب می‌گذارند با علم به اینکه این تخمها یا خوراک حیوانات وحشی می‌شوند و یا از بین می‌رود آیا صاحب زمین زراعی و یا اهالی می‌توانند از آن تخمها استفاده نمایند؟

ج

- اگر از عمل صاحبان آنها ثابت شود که اعراض از تخم آنها کرده‌اند برداشتن آن اشکال ندارد و اگر اعراض ثابت نشود حکم مجهول المالک را دارد. و اللَّه العالم.

س ۱۹۱۷

اشاره

- کتابهائی که در فرودگاه جده طی سال گذشته توسط مأموران سعودی از زائران خانه خدا اخذ و ضبط گردیده، اکنون به سازمان حج و زیارت عودت داده شده است. درحالی‌که اکثر کتابها تکراری و مشابه و صاحبان آنها در بین هفتاد هزار از زائران سال گذشته نامشخص است و تشخیص کتابها هم حتی از سوی صاحبان آنها کاری است دشوار و گاهی غیر ممکن و مراجعه صاحبان آنها به سازمان برای دریافت کتب موجب عسر و حرج می‌باشد لطفاً حکم شرعی را نسبت به این کتابها بیان فرمائید.

ج

- در صورتی که اطمینان حاصل شود که صاحبان آنها بعد از ضبط دولت عربستان اعراض از آن نموده‌اند تصرّف اشکال ندارد و الّا در صورتی که صاحبان آنها معلوم باشند باید به آنها برگردانند و اگر معلوم نباشد مجهول المالك است و حکم آن را دارد. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۵۹
شرکت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۱

شرکت

احکام شرکت

س ۱۹۱۹

اشاره

- اگر انسان مشترکاً با شخصی لباسی را بخرد و آن شخص بگوید من راضی نیستم، با آن می‌شود نماز خواند یا خیر؟

ج

- نماز با لباس مذکور جایز نیست مگر با اذن شریک.

س ۱۹۲۰

اشاره

– این جانب بیست و پنج سال قبل خانه‌ای مسکونی به مساحت تقریبی صد و هفتاد متر مربع دارای دو اتاق و یک آشپزخانه بدون هیچ گونه امکانات دیگر شراکتاً به طور مساوی با زید خریداری کرده و از آن تاریخ تاکنون بدون هیچ گونه صحبت و یا قرار داد خاصی در اختیار این جانب بوده است و در خلال این مدت این حقیر با سرمایه شخصی خود مبادرت به تجدید بنا و احداث ساختمان جدید و سایر امکانات رفاهی از قبیل لوله‌کشی آب، گاز، برق، تلفن و غیره نموده و در این خصوص نیز نامبرده نه مخالفتی با این کار داشته و نه پولی بابت احداث ساختمان جدید و سایر امکانات آن پرداخته است و اکنون پس از گذشت بیست و پنج سال اظهار می‌دارد که در تمام ساختمان شریک می‌باشد،

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۲

مستدعی است در این خصوص حکم شرعی را بیان نمائید.

ج

– در مورد سؤال چنانچه تجدید بناء و ایجاد امکانات رفاهی با سرمایه شخصی خود شما بوده دیگری در آن بناء و امکانات رفاهی شریک نیست.

س ۱۹۲۱

اشاره

– شخصی کالای مواد اولیه مانند (نخ و پارچه) را نقد، با شرکت دیگران به قیمت نقدی خریداری می‌کند سپس کالای خریداری شده را خودش به مدت با قیمت زیادتری برمی‌دارد نخ و پارچه را برای خودش تکمیل نموده به فروش می‌رساند سؤال بنده این است تفاوتی که به صاحب پول بابت مدت کالای خریداری شده که خودش برمی‌دارد می‌دهد چه صورتی دارد این معادله صحیح است یا خدای نخواسته اشکال شرعی دارد؟ (ضمناً پوشیده نباشد صاحب پول یا شریک کالای مذکور را روشن نکرده و نمی‌کند فقط با اعتمادی که نسبت به ایشان دارد معامله صورت می‌گیرد).

ج

– در صحت خریدوفروش شرط است مالی که مورد معامله واقع می‌شود مجهول نباشد و بوصف و دیگر خصوصیات لازم معلوم و معین باشد لذا با فرض تعیین و مشخص بودن مورد معامله شریکی که تمام آن را برای خود برمی‌دارد اگر از طرف سائر شرکاء وکالت در فروش سهام آنها بخودش به مبلغ معین یا هر مبلغی که خواست داشته باشد مسأله صحیح است و اضافه قیمتش که به شریک می‌پردازد مانعی ندارد. و اللّٰه العالم.

س ۱۹۲۲

اشاره

– چند نفر برادر در زمان پدرشان و بعد از فوت ایشان زندگی داشته و با هم کار کرده‌اند و یکی را بعنوان امین و بزرگ قرار داده‌اند ولی ایشان خیانت کرده و قسمتی از املاک و دارائی که خریده‌اند بنام خود کرده آیا این چهار برادر شریک هستند و یا

اینکه فقط مخصوص صاحب سند است؟

ج

- در مورد سؤال، چنانچه املاک مذکوره برای چهار برادر خریداری شده ولی یکی از آنها در مقام نوشتن قباله ملک را باسم خود ثبت کرده این ثبت کردن شرعاً اثری ندارد و ملک متعلّق بهمه چهار برادر است ولی اگر امین و بزرگ ملک را برای خودش خریده و در این صورت اگر معامله عین به عین بوده نسبت به سهم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۳

برادران معامله فضولی است در صورت اجازه معامله از طرف آنها ملک خریداری شده متعلق به همه برادران است و در صورت عدم اجازه آنها معامله نسبت به سهم آنها باطل است و اگر نسبت به ثمن معامله ذمّه‌ای بوده ملک متعلق به خریدار است و دیگران در آن حقی ندارند و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است.

س ۱۹۲۳

اشاره

- این جانب ساکن یکی از روستاهای استان مرکزی مدت زیادی با پدرم مشترک زندگی می‌کردم و اموال از منقول و غیر منقول با هم تهیه کردیم و شاید بتوان گفت که بنده در جمع‌آوری مال نقش بیشتری داشتم حال پدرم می‌گوید شما از این اموال حقی ندارید چون هرچه فرزند مال داشته باشد مال پدر است خواهشمند است حکم شرعی را بیان فرمائید که آیا بنده حقی دارم یا نه؟

ج

- بطور کلی ملک فرزند متعلق به پدر نیست بلکه متعلق به خود فرزند است و چنانچه تحصیل اموال منقول و غیر منقول در گذشته معلوم نباشد که بچه نحو بوده آیا برای پدر بوده یا برای خودش و یا هر دو قسم بوده اگر کار را با مصالحه تمام کنند موافق با احتیاط است بلی اگر نزاع موضوعی در بین باشد محتاج به مرافعه شرعیه است. و اللَّه العالم.

س ۱۹۲۴

اشاره

- پدرم سرمایه مغازه‌اش را در اختیار من و برادرم گذاشته تا سود حاصل از آن مال ما باشد مدت سه سال با هم کار کردیم و سود را هم ضمیمه سرمایه نمودیم پس از بررسی اموال معلوم شد که مقداری از سود را برادرم بدون رضایتم برداشته و بقیه سود با اصل سرمایه در اختیار پدرم می‌باشد و حقم را نمی‌دهند آیا می‌توانم بدون رضایت پدرم حقم را تدریجاً از سرمایه‌ای که سود در آن است بردارم یا نه و اگر راه دیگری هست راهنمایی فرمایید.

ج

– در فرض سؤال تملیک سود قبل از حصول آن از جانب پدر به شما و برادرتان صورت شرعی نداشته و اگر معاملات به عین سرمایه دکان و سود آن انجام می‌شده تمام آن ملک پدر شماست به هر نحوی که روی آن عمل کند مختار است فقط شما اجرهٔ المثل عمل خودتان را اگر بیشتر از سودی که به شما در آن معامله

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۴

می‌رسیده نباشد طلبکارید و می‌توانید آن را با مراجعه به حاکم شرع جامع الشرائط و اذن او از سرمایه و سود موجود تقاصاً برداشت کنید، و اگر معاملات را برای خودتان و به اثمان کلی خریداری می‌کردید آنچه را به ذمه خریده‌اید ملک شما شده و معاملاتی که روی آن شده همه به خود شما و برادرتان مربوط می‌شود هرچند ثمن آنها را بعداً از سرمایه دکان داده باشید به هر حال چون در این صورت مسأله تفاصیلی پیدا می‌کند و تفکیک معاملات واقع شده از یکدیگر محتاج به محاسبات دقیق است بهتر این است که با پدر و برادرتان در این جریان تراضی نموده و به مصالحه و سازش رفع اختلاف نمایید. و اللّه العالم

س ۱۹۲۵

اشاره

– جمعی از مردم به شرکت یک حلقه چاه عمیق جهت شرب زراعت خود حفر نموده‌اند که این چاه هم با موتور وهم با برق کار میکند عده‌ای از شرکاء هر رشن آب مالکی خود را هرچند ساعت که باشد استفاده میکنند وعده دیگر همه رشن‌ها احتیاج به گرفتن سهم آب خود ندارند و آبی نمیگیرند ولی کارکرد موتور هم هزینه مصرف برق وهم هزینه کار کرد موتور و فرسودگی موتور را نسبت به سهم خود پرداخت مینمایند آیا آن عده که از آب موتور همیشه وهمه رشن‌ها استفاده نمی‌کنند چنانچه موتور مرقوم احتیاج به تعمیر و یا هزینه مصرف برق داشته باشد بایستی با آن عده که همه رشن‌ها از کارکرد موتور استفاده میکنند هزینه پرداخت نمایند یا خیر و آیا آن عده که همه رشن‌ها به مالکیت خود را از موتور مذکور استفاده مینمایند رضایت بقیه که همه رشن‌ها از آب موتور استفاده نمی‌کنند را احتیاج دارد و یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، هزینه برق و تعمیر باید به نسبت مقدار استفاده از آب پرداخت شود، و تصرّف در مال مشترک باید با رضایت شرکاء باشد ولی چنانچه از اوّل رشن‌بندی، قرار همه شرکاء بر این بوده که هر کس به نسبت سهم خود حق استفاده از موتور را دارد، چه بقیّه شرکاء از موتور استفاده کنند و چه نکنند مادام که از رضایتی که داده‌اند عدول نکرده‌اند تجدید رضایت لازم نیست.

س ۱۹۲۶

اشاره

– آیا در امور مربوط به شرکت‌های سهامی عام (با تعداد شرکاء و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۵

سهامداران زیاد) و غیر دولتی رأی اکثریت و بالای ۵۰ درصد آن گونه که در مدیریت و اداره این شرکت‌ها نافذ است در امور مرتبط با مالکیت نظیر هبه، پاداش و دخل و تصرف در اموال نیز نافذ بوده و یا صرفاً در محدوده و حیطه اموال و حق السهم شرکاء و

سهامدارانی که نسبت به انجام چنین اموری اعلام رضایت نمایند عملی می‌باشد؟

ج

– در مورد سؤال رأی شرکاء در امور مربوط به مالکیت فقط در محدوده حق السهم خود معتبر است.

س ۱۹۲۷

اشاره

– آیا استفاده از اموال نظیر خودروها و منازل سازمانی که عملًا متعلق به کلیه سهامداران بوده و رضایت تمامی آنان محل تردید است، مجاز می‌باشد؟

ج

– در صورت شک در رضایت تمام و یا بعض شرکاء تصرّف جایز نیست.
و اللَّه العالم

س ۱۹۲۸

اشاره

– در صورت علم و اطلاع از نارضایتی تعدادی از شرکاء و یا سهامداران چه حکمی دارد؟

ج

– تصرّف جایز نیست. و اللَّه العالم

س ۱۹۲۹

اشاره

– کارخانه برنجکوبی بین چند وارث باید تقسیم بشود یکی از شرکاء می گوید یا سهمیه مرا بخرید یا بفروشید یکی از شرکاء میگوید نه میفروشم و نه میخرم درب کارخانه را می‌بندم تکلیف سایر شرکاء و سایر وراث چیست؟ (اگر کارخانه بسته شود ضرر زیادی به این شرکاء وارد می‌زند و عده زیادی شالی در کارخانه گذاشته‌اند که تبدیل به برنج نمایند).

ج

– تصرّف هر یک از شرکاء در کارخانه باید به رضایت سائر شرکاء باشد و باید با هم در اداره کارخانه توافق کند و اگر یک نفر یا

بیشتر از شرکاء از توافق خودداری کند با مراجعه به دادگاه شرعی دادگاه حکم لازم را برای جلوگیری از تعطیل کارخانه و ورود ضرر بشرکاء صادر می کند، و شریکی را که از توافق خودداری کرده ملزم به قبول می‌نماید و اگر جلوگیری از بسته شدن کارخانه متوقف بر فروش آن به شریک ممتنع یا خرید سهم او باشد در این مورد نیز تصمیم عادلانه گرفته می‌شود، لازم بیاد آوری است شریکی که بدون اذن و وکالت از طرف سائر شرکاء

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۶

مخارجی برای کار خانه نموده حق مطالبه آن را از آنها ندارد.

س ۱۹۳۰

اشاره

– کارخانه برنجکوبی چند وارث و چند شریک دارد شوهر یکی از وراث که حقی در کارخانه دارد بدون اجازه شرکاء کارخانه را تعمیر و لوازم خریده چند سال بهره‌برداری می کند از درآمدش مخارج خود را بر میدارد و منافع را بین شرکاء تقسیم می کند اکنون اختلاف پیدا کرده‌اند میگوید چون بدون اجازه این عمل را انجام دادم باید مصالحی خود را بردارم آیا حقی دارد که مصالح که خریده بعد از چند سال ببرد یا نه ثانیاً چنانچه حق برداشتن داشته باشد، ضرری که به اصل کارخانه وارد می‌آید مربوط به این شخص هست یا نه؟

ج

– در فرض سؤال، کسی که بدون اجازه شرکاء کارخانه را تعمیر کرده مخارجی را که بعنوان انجام بعض کارها مانند نصب ادوات و یا نظائر آن متحمل شده نمیتواند مطالبه کند ولی اعیان مصالحی که بکار رفته متعلق به او است و میتواند بردارد هر چند سالها بر آن گذشته باشد مگر اینکه صریحاً اعلام کرده باشد که این مصالح را به شرکاء بخشیده‌ام بلی اگر برداشتن مصالح، مستلزم تخریب باشد باید خرابیها را از مال خود جبران نماید و اگر مخارجی را که برای تعمیر و خرید لوازم می کرده از عوائد کارخانه بوده نسبت بسهم شرکاء ضامن است و اگر صورت عمل آنها در این چند سال بنحوی بوده که عرفاً شخصی که شوهر یکی از شرکاء است به عنوان وکالت عمل مینموده و مصالح را از عوائد کارخانه خریداری میکرده مصالح متعلّق به همه شرکاء است و به هر صورت در هر یک از این مسائل چون نزاع موضوعی در بین است باید مراجعه به دادگاه شرعی شود.

س ۱۹۳۱

اشاره

– ۶ ماه قبل تعدادی از فرهنگیان تصمیم می گیرند که یک مدرسه غیر انتفاعی تأسیس کنند و با یکی از فرهنگیان که مجوّز تأسیس مدرسه دارد مشارکت می‌نمایند و در مدت ۴ سال با تلاش زیاد مدرسه را سر و سامانی می‌دهند سپس بین آنها اختلاف افتاده و چون مدرسه قانوناً بنام یک نفر است در اختیار همان یک نفر قرار می گیرد و بقیه بالاجبار دستشان از مدرسه کوتاه می‌شود و سایر اعضا اگر چه پس از چند ماه و تعدادی پس از یک سال سهم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۷

خود از میز و صندلی و سرمایه موجود در حساب بانکی را گرفتند ولی هنوز مدعی هستند که زحمات آنها در این مدت بی‌نتیجه مانده. این جانب پس از گذشت یک سال از جدایی آنها با صاحب امتیاز فوق مشارکت نموده‌ام. حال با توجه به اینکه اعضای قبلی مدعی هستند که رضایتشان جلب نشده خواهشمندم این جانب را راهنمایی فرمائید که آیا می‌توانیم به مشارکت با گروه جدید ادامه دهم یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال چنانچه شرکاء سهم خود را از همه اعیان گرفته‌اند تصرف در آن اعیان برای صاحب امتیاز و شریک بعدی مانعی ندارد و ادّعای حق شرکاء سابق نسبت به افزایش اعتبار مدرسه و امثال ذلك بجهت تلاش آنها در مدرسه، با توجه به اینکه می‌دانسته‌اند امتیاز بنام دیگری است شرعاً اعتباری ندارد. و اللّه العالم.

س ۱۹۳۲

اشاره

- خرید سهام از شرکتهای دولتی و یا سرمایه‌گذاری در شهرک‌سازی و یا فروشگاههای زنجیره‌ای که سال بسال به صاحبان سهام مقداری سود پرداخت می‌شود چه حکمی دارد؟

ج

- اگر کارخانه‌ای را مثلا سهم‌بندی کنند و بفروشند اشکال ندارد و اشخاصی که از آن سهام میخرند در سود و زیان آن حسب السهم شریك می‌شوند و قبل از وجود کارخانه یا شهرك، فروش معنی ندارد، بلی اگر از اشخاص پول بگیرند که با آن پولها مشترکا کارخانه یا شهرك بسازند و اشخاصی را که پول داده‌اند به نسبت پولی که داده‌اند شریك کنند بلامانع است و مانند فرض اوّل در سود و زیان، حسب السهم شریك می‌شوند. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۶۹

احکام شفعه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۱

احکام شفعه

س ۱۹۳۳

اشاره

- زمینی از مرحوم پدرمان به من و چهار خواهرم به ارث رسید و خواهرانم پس از تقسیم زمین سهم خود را به شخص دیگری فروختند که این شخص اسباب ناراحتی مرا فراهم نموده، آیا حق شفعه برای این جانب هست یا خیر؟

ج

- در مفروض سؤال شما حق شفعه ندارید حق شفعه در مورد دو نفر شریک است و شما چند شریک بوده‌اید.

س ۱۹۳۴

اشاره

- اگر در یک محدوده سه چهار قطعه زمین پهلوی هم باشد و آب نهر و یا کاریز آن نیز یکی باشد صاحب زمین قطعه چهارم اگر بخواهد زمین خود را اجاره دهد سالانه به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان اجاره می‌کنند، همین مبلغ را بیشتر همسایه‌های صاحب زمین می‌دهند ولی صاحب زمین حاضر نمی‌شود، آیا شرکاء حق شفعه دارند؟

ج

- در فرض مذکور حق شفعه ثابت نیست.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۲

س ۱۹۳۵

اشاره

- اگر یکی از شرکاء بخواهد سهم آب زمین خود را به غریبه‌ای بفروشد آیا سایر شرکاء می‌تواند مانع شوند و آیا در اجازه زمین یا آب حق شفعه هست؟

ج

- حکم این مسأله حکم مسأله قبلی است.

س ۱۹۳۶

اشاره

- شخصی یک مقدار زمین کشاورزی را به پسر دائی خودش هبه نموده که این پسر دائی به مدت هفت سال از این زمین استفاده برده و بعد از هفت سال این زمین را به کسی دیگر فروخته و مدّت هفت سال دیگر این شخص ثانی از آن زمین استفاده برده بعد از چهارده سال پسر عموی صاحب اوّلی زمین که زمینش را هبه کرده ادعای شفعه بر این زمین را نموده آیا حق شفعه برای پسر عموی بعد از چهارده سال ثابت می‌شود یا نه؟

ج

- در مورد سؤال حق الشّفعه شده مگر آن که شفیع از فروش زمین تا هفت سال بعد مطلع نشده باشد.

س ۱۹۳۷

اشاره

- شخص زارعی زمینی را به مقدار ۲۵ جریب بمدت تقریباً ۵۰ سال به عنوان مزارعهٔ کشت و زرع می‌کرد و در این مدت نهال زیادی در آن غرس کرده که بعضی آنها به ثمر رسیده و بعضی در شرف ثمر رسیدن است اکنون صاحب زمین می‌خواهد آن را به دیگری بفروشد زارع می‌گوید بنده زمین را خریدارم و قیمت آن را مطابق عرف محل می‌پردازم ولی مالك زمین قبول نمی‌کند با توجه به آنکه زارع در اشجار مغروسه با مالك زمین شریک است و طبق فتوای حضرت آیهٔ اللَّه العظمی گلپایگانی زارع حق ریشه در زمین مذکور طلب دارد و فقهاء رضوان اللَّه تعالی علیه در کتاب شفعه فتوی می‌دهند که اگر شخصی با مالك در زمین شریک نباشد ولی در نهر و یا طریق آن شریک باشد حق الشفعهٔ طلب دارد و همین طور که در اشجار آن شرکت دارد تبعاً للارض آیا زارع مذکور حق اولویت خرید زمین دارد یا نه و اصولًا برای چنین زارعی حق الشفعهٔ ثابت است یا خیر حکم اللَّه را بیان فرمائید.

ج

- اگر مالك و زارع در زمین و اشجار شریك باشند و مالك سهم خود از زمین و درخت را با هم به کسی بفروشد زارع حق شفعه دارد و اگر مالك در همین فرض که با زارع در زمین و درخت شریك هستند درخت را تنها بفروشد زارع حق شفعه ندارد و نیز در فرض سؤال که زارع فقط در درخت شریك باشد و مالك سهم خود را از زمین و درخت به کسی بفروشد زارع نسبت به هیچ یک از زمین و درخت حق شفعه ندارد. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۷۵

هبه

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۷۷

هبه

س ۱۹۳۹

اشاره

- شخصی منزلی را تملیک پسرش کرده مسلوب المنفعه ما دام الحیاهٔ این تملیک صحیح است یا نه؟

ج

- معنای این تملیک هبه و بخشش به فرزند است ولی مادام که بقبض او نداده میتواند از هبه خود برگردد و در این صورت اگر بخواهند معامله با اینکه ما دام الحیات مسلوب المنفعه باشد تمام شود به صورت مصالحه تملیک نماید و فرزندش اگر کبیر است قبول کند و اگر صغیر است خود پدرش از طرف او قبول نماید.

س ۱۹۴۰

اشاره

- شخصی شش پسر و شش دختر دارد و به دخترها هنگام ازدواج جهیزیه لازم داده ولی به پسرها چیزی نداده است آیا جایز است

آنچه از اموالش باقی مانده است همه را به عنوان هبه بین پسرها تقسیم کند؟

ج

- مانع ندارد و برای تحقق و لزوم هبه و هدیه باید اموال مورد هدیه را به قبض و تصرف پسرها بدهد و الّا اگر فوت کند و به قبض و تصرف آنها نداده باشد دخترها نیز از آن اموال کما فرض اللَّه ارث میبرند.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۷۸

س ۱۹۴۱

اشاره

- شخصی می‌خواهد پسرش را زن بدهد آیا می‌تواند بدون اجازه سایر فرزندانش هرچه بخواهد از اموال و دارائیش را به آن پسر ببخشد؟

ج

- پدر می‌تواند هرچه می‌خواهد از اموالش را به یکی از فرزندانش ببخشد و اجازه سایر فرزندان لازم نیست. بلی رعایت انصاف لازم است تا اینکه موجب اختلاف و مشاجره بین آنها نشود.

س ۱۹۴۲

اشاره

- پدر این جانب حدود چهار سال پیش فوت نموده است از ایشان همسر فرزندان و مادر ایشان در قید حیاتند که نتیجتاً ۱۶ از ما یملک به مادر متوفی میرسد مادر متوفی چند روز بعد از فوت پدرم که در آن زمان گاهی حواسش جمع و گاهی حواس‌پرتی داشت در حال جمع بودن حواس سهم خودرا صریحاً به بقیّه وارث بخشیده است ولی اکنون هیچ‌گونه هوش و حواسی ندارد و با توجه به اینکه مادر متوفّی یک پسر و سه دختر دیگر دارد که همگی در قید حیاتند آیا این بخشش صحیح است یا خیر و از نظر شرعی تکلیف ما چیست؟
لازم به تذکر است که مورد بخشش تمام در تصرف این جانبان (سایر ورثه) بوده و هست.

ج

- در مورد سؤال چنانچه آن مادر درحالی‌که مشاعرش سالم بوده سهم الارث خودرا به کسی بخشیده و به قبض متهب داده یعنی در اختیار متهب قرار داده یا در اختیار او بوده مال موهوب ملک متّهب شده و دیگران حقی در آن ندارند و اگر مشاعر واهبه حین هبه سالم نبوده مال موهوب به ملکیّت او باقی است. و اللَّه العالم

س ۱۹۴۳

اشاره

– زیدی ملک مشاعی به عمر هبه غیر معوضه نموده آیا زید می‌تواند ملک هبه شده را از وارث عمر و مطالبه نماید (در حالی که ملک موجود است و در آن هیچ گونه تغییری داده نشده)؟ آیا انجام امور واجبه و مستحبه در آن ملک اشکال شرعی ندارد؟

ج

– در صورتی که عین موهوبه به قبض موهوب له داده شده باشد بعد از موت موهوب له، هبه لازم می‌شود هر چند هبه غیر معوّضه باشد و عین موهوبه هم موجود باشد بنابراین واهب حق ندارد عین موهوبه را از ورثه موهوب له مطالبه
جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۷۹
کند. و اللّٰه العالم

س ۱۹۴۴

اشاره

– اگر شخصی منزل را بنام همسرش در محضر اسناد ثبت کند ولی نه صیغه هبه بخواند و نه اقباض شرعی کند باین معنی که این منزل را نه تخلیه کرده، نه در اختیارش قرار داده، بلکه خودش با فرزندانش و همسر مذکور در آن منزل زندگانی می کند تا اینکه آن زن وفات می کند آیا این منزل ملک آن زن محسوب می‌شود، یا مال شوهر است که پولش را ادا کرده است؟

ج

– بطور کلی در هبه صیغه خواندن لازم نیست بلکه اگر مالک ملکی را بقصد تملیک مجانی در اختیار کسی قرار دهد یعنی بقبض او بدهد ملکیت حاصل میشود بلی چنانچه در هبه قبض محقّق نشده باشد ملکیت حاصل نمی‌شود و در مورد سؤال تحقیق قبض محل اشکال است بلی اگر معلوم شود که تصرف شخص مذکور باذن همسرش بوده در تحقق قبض کافی است.

س ۱۹۴۵

اشاره

– مقدار یک هزار و دویست کیلو نسق زراعتی داشته قبل انقلاب به فرد یا افراد بخشیده‌ام صیغه در بین هم جاری نشده حتی از طرف دولت حق واگذاری را نداشته‌ام حال مغبون می‌باشم آیا می‌توانیم در این مدت چند سالی که از آن بهربرداری کرده‌اند نسق خود را پس بگیرم؟

ج

– بطور کلّی اگر متّهب ذی رحم نباشد و هبه معوضه نبوده است و یا اگر معوضه بوده تصرف در عوض نکرده باشید حق رجوع دارید.

س ۱۹۴۶

اشاره

– آیا پدر می‌تواند، زمینی را که سی سال پیش به دخترش بخشیده و او در آن زمین زراعت کرده است بازپس گیرد؟

ج

– بخشش و هبه به ذی رحم با حصول قبض لازم است و قابل برگشت نیست. و اللّه العالم.

س ۱۹۴۷

اشاره

– زیـد فرزندی نداشت لذا چندین سـند تنظیم نموده و در آن سـندها قسـمتی از اموال خود را به یکی از ارحامش و پاره دیگر را به یکی دیگر داده و آن سندها را به عنوان اقرارنامه به ثبت رسانیده است (چون زمینهای ما ثبتی نیست)
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۰
و بعد که صاحب اولاد شده از این کار پشـیمان و سـندها را پاره نموده است و پس از وفات وی یکی از همان اشخاصـی که قسمتی از اموال را به او داده بود رفته و از دفتر ثبت رونوشت سندها را گرفته و آورده و اموال و ما ترک زید را طبق سندهای کذایی جابجا کرده‌اند. حال بیان فرمایید که این اموال برای آنها حلال است یا نه؟ در صورتی که می‌دانیم که زید این اموال را یا به عنوان وصیت و یا به عنوان بـذل به آنها داده و می‌دانیم که وصـیت و بـذل بدون قبض و اقباض هر دو قابل فسخ است و سـند بهر عنوان که تنظیم شده فقط صوری بوده است.

ج

– در فرض سؤال چنـانچه فقط تنظیم سـند نموده و اموال را به قبض آنها نـداده تصـرف موهوب له و یا موصـی له در آن اموال جایز نیست و تصرف آنها غاصبانه است.

س ۱۹۴۸

اشاره

– اگر افرادی پول و یا کالائی به کسی بخشیده باشند بعد از فوت آن شخص افراد می‌توانند آنچه را که بخشیده‌اند عین همان را که موجود باشد مالك شوند یا خیر؟ و چنانچه این مالکیت با رضایت بقیّه ورّاث باشد مسأله چه صورتی خواهد داشت؟

ج

– بعد از قبض موهوب و موت واهب یا موهوب له هبه لازم است و واهب یا وارث او حق رجوع ندارند. و اللّه العالم.

س ۱۹۴۹

اشاره

– شخصی فوت کرده و از او سه دختر و یک پسر مانده پدر مرحوم حصّه از زمین خود را به پسر این مرحوم هبه می کند با این شرط که مادر این بچه با برادر مرحوم ازدواج کند و خودش از طرف نوه ولایهٔ قبض می کند. آیا هبه صحیح است؟ و بر فرض صحهٔ قابل فسخ است؟ پسر موهوب له بعد از یک سال از ازدواج مادرش می‌میرد، بعد جدّش تمام زمین را به پسرانش هبه و تملیک می کند. آیا این هبه دوم نسبهٔ بحصهٔ قابل فسخ است؟

ج

– در مورد سؤال، هبه مذکوره محکوم بصحت است و چون هبه به ذی رحم است فسخ آن جائز نیست، هبه دوم نسبت به سهم الارث سائر ورثه متوفی بدون رضایت آنها صحیح نیست. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۸۱

مضاربه

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۲۸۳

مضاربه

س ۱۹۵۰

اشاره

– مبلغ ۳۵۰ هزار تومان را به شخصی داده‌ام که با پول من کاسبی کند و در ازای هر ۱۰۰ هزار تومان ماهی ۳ هزار تومان بطور ثابت به من می‌دهد امروزه این معامله را پول مضاربه ای می گویند خواهشمندم حلال و یا حرام بودن آن را مشخص کنید.

ج

– مضاربه بنحو مذکور در سؤال صحیح نیست یکی از شرائط شرعی مضاربه آن است که سهم سود هر یک از طرفین به نحو کسر مشاع مانند ثلث، نصف و ربع مقرّر گردد و اما تعیین مقدار معیّن مانند ماهی ۳ هزار تومان برای صاحب پول صحیح نیست بلی صاحب پول آخر هر ماه و یا آخر سال می‌تواند سهم سود خودرا در صورتی که سودی حاصل شده باشد به مبلغ مذکور مصالحه نماید. و اللَّه العالم

س ۱۹۵۱

اشاره

– مبلغی پول به آقائی داده‌ام که ماهیانه مبلغی را بعنوان سود بدهد ولی ورشکست می گردد و می گوید که کار نکرده‌ام تا به شما سود بدهم حکم شرعی آن را بیان فرمائید.

ج

– در فرض سؤال چنانچه پول را به نحو مضاربه و با رعایت شرائط آن در اختیار عامل قرار داده است در صورتی که عامل معامله‌ای

نکرده باشد و سودی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۴

عایـد نشـده باشـد، صـاحب پول حق دریافت سود نـدارد و اگر پول را قرض داده که در ماه مبلغی سود بگیرد چه معامله بشود و چه نشود، در این صورت حکم ربا دارد و جایز نیست.

س ۱۹۵۲

اشاره

- اگر پولی را به شـخص کاسبی بـدهیم که معامله کنـد و نامبرده در قبال آن بگوید اگر ضـرر کردم خودم ضـررش را قبول دارم و اگر سود کردم هر مـاه مبلغ معینی حـد اقل بشـما می‌پردازم مثلًا در قبال ۵۰۰۰۰۰ تومان ماهیانه ۱۳۰۰۰ تومـان می‌پردازم و اگر سود بهتری داشتم ممکن است چیزی اضافه بدهم این معامله شرعاً صحیح است یا خیر و منفعت این پول حلال است یا خیر؟

ج

- این معامله مشـروعیت ندارد و اگر غرض این بوده که گیرنده پول برای خودش با آن معامله کند عنوان قرض ربوی پیدا می‌کند و حرام است.

س ۱۹۵۳

اشاره

- برای اینکه پولی را به کسی بدهیم که کاسبی کند و سودی به صاحب پول بدهد راه صحیح شرعی آن چیست؟

ج

- پول را به عنوان مضـاربه به کـاسب بدهـد که او بـا آن معـامله کنـد به این صورت که مثلًا ثلث یـا نصف یـا ربع درآمـد متعلّق به صاحب پول دو ثلث یا نصف یا سه چهارم متعلق به کاسب و عامل باشد و اگر سـرمایه تلف شود از صاحب سـرمایه باشد و کاسـب ضامن نباشد.

س ۱۹۵۴

اشاره

- کسـانی که پولی را به انسان می‌دهنـد که با آن معاملاتی بشود و شـخص وکیل می‌گردد که معاملات را انجام داده و در قبال آن پول سودی را که مورد توافق طرفین می‌باشد به طرف سرمایه‌گذار متعهد گردد به چه شکل می‌باشد؟

ج

- اگر بصورت مضاربه عمل کند بی‌اشکال است ولی بصورتی که مرقوم شده صحیح نیست.

س ۱۹۵۵

اشاره

- مبلغ پانصد هزار تومان میخواهم به کسی بدهم که با آن کار کند و از قرار هر ماه مبلغ سی هزار تومان به بنده بدهد آیا این عمل جایز است یا خیر؟

ج

- عمل بنحو مذکور صحیح نیست و راه صحیح این است که با کاسب قرار بگذارد که سود این پول هرچه شد نصف یا ثلث آن مثلًا مال من و بقیه مال تو باشد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۵

یعنی بنحو کسر مشاع (درصد) تعیین نمایند بلی اگر آنچه را ماهیانه می‌گیرد بعنوان علی الحساب بگیرد و در آخر ماه یا سال تمام سود سهم خود را به آنچه تا آن موقع گرفته، مصالحه نماید اشکال ندارد.

س ۱۹۵۶

اشاره

- این جانب مبلغی پول در یک شرکتی گذاشته‌ام بدون هیچ‌گونه قراردادی و هیچ‌گونه حرفی در هر سه ماه مبلغی پول به این جانب می‌دهند آیا از نظر شرع مقدس اسلام صحیح است یا خیر؟

ج

- بطور کلی چنانچه قرض را مشروط به گرفتن زیاده نداده باشید و خود شخص مبلغی می‌دهد و طوری باشد که اگر ندهد شما خود را طلبکار ندانید و مطالبه ننمایید اشکال ندارد و همچنین است اگر به جهت انجام معامله مشروع پول را به او پرداخته‌اید و او هم از سود معاملات به شما می‌پردازد. و اللّٰه العالم

س ۱۹۵۷

اشاره

- پولی بعنوان قرض الحسنه به تاجری می‌دهیم و همان قدر هم رسید می‌گیریم نه بیشتر او با آن پول کار می‌کند و بدون اینکه هیچ شرط و قراری با هم بگذاریم او خود ماهیانه مبلغی باختیار خود بما می‌دهد و یا می‌بخشد این مسأله چه حکمی دارد حلال است یا حرام؟

ج

- چنانچه در قرض قرارداد سود نباشد و قرض‌گیرنده با رضایت و طیب خاطر چیزی به قرض دهنده بدهد اشکال ندارد، بلکه مستحب است. و اللّٰه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۷

اراضی موات

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۸۹

اراضی موات

س ۱۹۵۸

اشاره

- زمینهای بایری در خارج از شهر تهران که متعلق به خانواده شخصی کلیمی بنام القانیان بوده است توسط بنیاد مستضعفان و جانبازان به اشخاص فروخته شده و نامبردگان در زمینهای مزبور اقدام به عمران و آبادانی و خیابان‌کشی و درختکاری نموده‌اند و حالیه بصورت قطعات اقدام به فروش می‌نمایند.

استدعا دارد با توجه به مراتب مشروحه نظر مبارکتان را در مورد خرید قطعاتی از املاک فوق الذکر اعلام و ذیلًا مرقوم فرمائید.

ج

- از جریان این موضوع شخصی اطلاع نداریم بطور کلّی اگر زمین موات باشد و حریم معموره نباشد از انفال است و هیچ شخصی حقیقی یا حقوقی مالک آن نمیشود و خریدوفروش آن مشروعیت ندارد علی هذا اگر اراضی مرقوم که علی الفرض در ید القانیان بوده موات بوده است به او تعلق نداشته و به اشخاصی که آن را احیاء کرده یا احیاء بنمایند تعلّق دارد و اگر در حالتی که موات بوده آن را از

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۰

شخص حقیقی یا حقوقی خریده باشند میتوانند مبلغی را که پرداخته‌اند استرداد نمایند و اگر وضع زمین بصورت دیگر است توضیح دهید تا جواب مقتضی داده شود.

س ۱۹۵۹

اشاره

- آیا احیاء اراضی موات مطلقاً موجب تملک میشود یا نیاز به اجازه ولیّ فقیه دارد (البته بعد از تشکیل حکومت اسلامی).

ج

- احیاء زمین موات با شرائطی که در جای خود ذکر شده موجب تملّک احیاءکننده است.

س ۱۹۶۰

اشاره

- شخصی در سال ۱۳۱۰ شمسی یک قطعه زمین از اراضی موات را احیاء می‌نماید در سال ۱۳۲۰ شمسی پس از انجام مراحل و

تشریفات ثبتی و قانونی در زمین احیاء شده مبادرت به احداث بناء نموده و در سال ۱۳۳۸ شمسی زمین و اعیانی مستحدثه را به فرزند خود انتقال میدهد اگر چه بر طبق فتاوای جمهور علماء شیعه (من أحیا أرضاً میتةً فهی له) زمین شرعاً محکوم به مالکیت مُحیی بوده مع ذلک با توجه باینکه دولت وقت (رژیم سابق) ادعا می‌نماید که زمین احیاء شده جزء اراضی خالصه دولت میباشد (در حالتی که کمترین بیّنه و حجت شرعیه بر خالصه بودن زمین وجود نداشت) دوباره من غیر وجه شرعی بهاء زمین را (به قیمت عادله روز) از منتقل الیه اخذ می‌نماید آیا از نظر معظم له مالکیت و تصرف شخصی منتقل الیه نسبت به قطعه زمین شرعاً ثابت است یا خیر؟

ج

- بطور کلی هر زمین موات را که حریم محیات نباشد هر کس احیا کند مالك آن می‌شود و اگر برای زراعت و کارهای کسبی و شغلی احیا کرده باشد خمس آن را باید بدهد و اگر برای خانه مسکونی مورد حاجت احیاء کرده خمس هم ندارد.

س ۱۹۶۱

اشاره

- شخصی زمینی را می‌خرد، بعداً معلوم می‌شود به دلیل موات بودن سازمان زمین آن را به نام خود نموده و به فروشنده و یا خریدار زمین می گوید

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۱

مبلغی را می‌بایستی پرداخت تا ما به شما حق تصرّف بدهیم و خریدار زمین ناچاراً این مبلغ را می‌پردازد، آیا فروشنده بدلیل تعیین نکردن چنین عیبی و یا عدم احیاء آن و یا عدم پرداخت آن مبلغ قانونی، شرعاً ضامن پول آن خریدار هست یا نه؟ و چنانکه این معامله بخواهد شرعی باشد، چگونه خواهد بود؟ و آیا خریدار و فروشنده می‌توانند برای مشروع نمودن معامله بصورتی مصالحه نمایند؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه زمین مورد معامله موات بوده و هیچ گونه احیائی در آن انجام نشده باشد خریدوفروش آن صحیح نیست و در حقیقت مالك ندارد و کسی که آن را فروخته باید وجهی را که گرفته به خریدار پس بدهد و هم چنین کسی حق ممانعت از احیاء یا گرفتن وجهی از کسانی که می‌خواهند آن را احیاء نمایند ندارد همان احیاء زمین موات سبب مالکیت آن می‌شود ولی اگر زمین بصورتی احیاء شده باشد و احیاءکننده آن را فروخته باشد و به تصرف خریدار داده باشد و دیگری بطور قهر از او مطالبه وجهی بنماید فروشنده ضامن نیست و اگر فروشنده بدون پرداخت وجه به دیگری قادر به تصرف دادن زمین به خریدار نباشد و نپردازد اصل معامله اشکال پیدا می کند و به هر حال اگر طرفین با هم مصالحه و تراضی نمایند اشکال برطرف می‌شود. و اللّٰه العالم.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۳

قرض

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۵

قرض

قرض ربوی

س ۱۹۶۲

اشاره

- آیا دریافت وام ربوی در حال ضرورت جایز است یا خیر؟

ج

- ضرورتهای متعارفی که مردم آن را ضرورت حساب می‌کنند مجوز گرفتن وام ربوی نیست. بلی اگر بحد الجاء و اضطراری برسد که ارتکاب حرام جایز می‌شود بمقدار دفع اضطرار جایز است. و اللَّه العالم

س ۱۹۶۳

اشاره

- اگر شخصی مبلغی بعنوان قرض از فردی گرفته باشد و طرفین قرار گذاشته باشند که شخص مقروض هر ماه مبلغی به عنوان بهره پول (مثل بانکهای فعلی) پرداخت نماید و پس از گذشت ماهها و تمدید آن مبلغ بهره پول همانطور مستمر و معمول بوده است. بفرمائید:

۱- اکنون که مبلغ بهره از کلّ قرض اولیّه بیشتر شده است آیا بدهکار می‌تواند این معامله را فسخ نماید و بهره‌ها را از قرض اولیّه کم کند؟

۲- اگر بدهکار متوجه ربوی بودن این معامله گردید با آن که در قرارداد

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۶

ملتزم شده است که مبلغ را پرداخت نماید، آیا ملزم به رعایت این قرارداد و پرداخت آن می‌باشد یا خیر؟

۳- حکم این گونه قراردادها چیست؟

ج

- بطور کلّی در صورتی که قرض دهنده مبلغی معادل یا بیشتر از اصل قرض به عنوان ربا از قرض‌گیرنده دریافت کرده باشد ذمّه قرض‌گیرنده از بدهی به قرض دهنده به تهاتر بری شده و مقرض حق مطالبه از مقترض را ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۹۶۴

اشاره

- الف: یک نفر میگوید مقداری پارچه پنبه نقد خریداری نموده ام و حالا شما پول پارچه را نقد بدهید و من چک آن را مدت یک ماه از قرار هر یک کیلو پارچه پنبه ۴۵ تومان برای مدت آن نفع میدهم آیا معامله صحیح است- و اگر معامله صحیح نیست

می‌تواند ۴۵ تومان منافع را بذل کند؟
ب: این جانب معامله را فسخ نموده و چهار قطعه چک را تحویل دادم بعد بدون هیچ گونه شرط و قرار دادی تاریخ چک‌ها را تغییر داده و مبلغ پولی روی چک گذاشته به این جانب داده است آیا این صحیح است یا خیر؟

ج

– الف: عمل مذکور در سؤال قرض و اقتراض ربوی است و حرام است ولی اگر قرض گیرنده بدون شرط و قرار داد قبلی مبلغی به قرض دهنده هبه نماید اشکال ندارد. و اللَّه العالم
ج– ب: در صورت عدم قرارداد سود، اگر مدیون به رضا و رغبت خود علاوه بر طلب چیزی به طلبکار بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است و ثواب نیز دارد. و اللَّه العالم

س ۱۹۶۵

اشاره

– شخصی ۵۵ سال پیش از شخص دیگری به عنوان قرض الحسنه ۲۰۰ تومان اسکناس معادل ۲۰۰۰ ریال قرض گرفته تاکنون موفق نشده که قرض را ادا کند راجع به این مسأله تکلیف این شخص چیست؟ دستور بفرمایید که آیا همان وجه دریافت شده را باید داد یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال شخص قرض‌گیرنده که تاکنون بدهی را نپرداخته همان مبلغ دویست تومان را بدهکار است ولی اگر قرض دهنده مطالبه می‌کرده و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۷
قرض‌گیرنده با قدرت بر اداء مسامحه می‌کرده باید ضرر قرض دهنده را از این جهت جبران نماید و احتیاط این است که با هم مصالحه و تراضی نمایند. و اللَّه العالم

س ۱۹۶۶

اشاره

– بعضی‌ها می‌گویند ربا گرفتن یا دادن به بانک اشکالی ندارد چون خطاب تأکلوا الربا خطاب به اشخاص است و بانک شخص نمی‌باشد. آیا این حرف نزد حضرتعالی صحیح است یا نه؟

ج

– ربا دادن و گرفتن نسبت به اشخاص و یا بانک حرام است و تفاوتی در این جهت بین شخص و عنوان نیست چون از ادلّه استظهار

میشود که نفس ربا حرام است.

س ۱۹۶۷

اشاره

- اگر بپـذیریم پول هماننـد سـایر منـابع اقتصاد مشـمول کمیابی است و بنا به این کمیابی دارای قیمت به نام نرخ بهره بوده آیا با این تفسیر می‌توان نرخ بهره را بعنوان غیر ربا تلقی کرد؟

ج

- تفسیر مذکور مقتضی ربا نبودن بهره پول در قرض نیست.

س ۱۹۶۸

اشاره

- آیا انسان اگر پول داشته باشد و مثلًا به یک طلافروش بدهد و ماهی سه هزار تومان پول بگیرد اشکال دارد؟

ج

- اگر قرض داده و ماهی مبلغی بعنوان سود بگیرد ربا و حرام است.

س ۱۹۶۹

اشاره

- عده‌ای دارای صندوق تعاونی محلی می‌باشند و از این صندوق وامی می‌گیرند در ازای آن وام در هنگام پرداخت، مبالغی را بیش از وام گرفته شده (که مبلغ اضافه آن از پیش تعیین شده) می‌پردازد آیا این پرداخت اضافی حکم ربا را دارد و یا خیر؟

ج

- اگر وام مشروط به پرداخت اضافه باشد ربا و حرام است.

س ۱۹۷۰

اشاره

- از طرف دانشـگاه هر ترم پولی به عنوان کمک هزینه تحصـیلی به ما داده می‌شود پس از پایان درس و اشتغال به کار آن پول را با ده درصد اضافه از ما پس می‌گیرند و نمی‌دانیم تحت چه شرایطی ده در صد اضافه گرفته می‌شود. آیا

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۸
گرفتن این کمک هزینه اشکال داد یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال که بعنوان کمک هزینه داده می‌شود و بعد هم پس می‌گیرند قرض است و زیاده گرفتن ربا و حرام است بلی اگر شما پول را که می‌گیرید مبنی بر دادن ده درصد اضافه نگیرید و ملتزم به آن نباشید و در این معنی قصد جدّی داشته باشید و بدانید که در این صورت هم متصدیان امر راضی بتصرف شما در آن پول هستند گرفتن پول برای شما اشکال ندارد هر چند زیاده را از شما جبراً بگیرند. و اللَّه العالم.

س ۱۹۷۱

اشاره

- چنانچه برای زراعت و یا غیر آن پولی به اسم مساعده از کسی بگیرد و قرار داد کند که محصول کار را نزد پول دهنده برده و به او بفروشد و حق العمل فروش بردارد چه صورت دارد؟

ج

- ربا و حرام است.

س ۱۹۷۲

اشاره

- شخصی که وضع مالی‌اش خوب نبوده پولی از کسی قرض گرفته و صاحب پول از قرض‌گیرنده مبلغی به عنوان نزول گرفته است تکلیف قرض‌گیرنده چیست؟

ج

- قرض‌گیرنده میتواند آنچه را بعنوان نزول به قرض دهنده داده است از او مطالبه کند و میتواند هم به او ببخشد.

س ۱۹۷۳

اشاره

- زید نیاز به پول دارد و عمر بادام دارد زید بادام از عمر کیلویی ۴۶۰ تومان می‌خرد تا پول را پس از ۳ ماه به عمر بدهد و در همان مجلس عمر بادام را از زید کیلویی ۴۳۰ تومان می‌خرد و پول را به زید می‌دهد، حکم این مسأله چیست؟

ج

– اگر معامله اوّل مشروط به معامله دوّم باشد صحیح نیست. واله العالم

س ۱۹۷۴

اشاره

– شخصی مبلغ پولی را به صورت نزول به کسی می‌دهد که مثلًا در هر ماهی در مقابل صد هزار تومان سه یا پنج هزار تومان به عنوان سود به صاحب پول پرداخت کند و پس از پایان مدت تعیین شده اصل تمام پول را به صاحب پول
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۲۹۹
برگرداند. آیا چنین معامله شرعیّت دارد؟ در صورت بطلان معامله مبلغ پولی را که به عنوان سود (نزول) به صاحب پول پرداخت شده است می‌تواند برگرداند و یا از اصل پول حساب کند؟

ج

– پول دادن و سود گرفتن به نحو مذکور در سؤال ربا و حرام است و اگر کسی به این نحو به کسی پول قرض داد و سود گرفت، شخص قرض‌گیرنده می‌تواند آنچه را به عنوان سود داده برگرداند و یا از اصل بدهی کسر نماید. واله العالم

فرار از ربا

س ۱۹۷۵

اشاره

– اگر کسی برای فرار از ربا مقداری از خانه زید را می‌خرد و به او اجاره می‌دهد تا مدت معینی و این مقدار پول را در قبال اجاره از او می‌گیرد و بعد از فرارسیدن مدت دوباره پولش را می‌گیرد آیا این صحیح است یا نه؟

ج

– اگر خانه را با قصد جدی بفروشد و در ضمن شرط کند که تا مدت معینی اختیار فسخ معامله را داشته باشد و در همان مدت تعیین شده معامله را فسخ کند و خانه خود را پس بگیرد صحیح است ولی اگر آن مدت بگذرد و معامله را فسخ نکند دیگر حقی به خانه ندارد و اجاره دادن آن خانه از طرف خریدار به فروشنده اشکال ندارد. و اللَّه العالم

س ۱۹۷۶

اشاره

– صندوقی دارای ۲۰ عضو، که ماهانه مبلغی را به عنوان پس‌انداز در اختیار مسئول آن میگذارند و طبق نوبت به همه اعضاء آن

بـدون هیچ شـرطی وام قرض الحسـنه داده میشود، گاهی یکی از اعضاء یا غیر اعضاء معامله‌ای میکند مثلًا خانه یا زمین یا دسـتگاه یا مغازه و غیره میخرد و صندوق با دادن مبلغی آن جنس را با آن شخص شریک میشود و در همین مجلس آن جنس را به او گرانتر و به صورت اقساط میفروشد آیا این معامله جائز است یا نه؟ و اگر جائز نیست برای تصحیح معامله چه راه حل پیشنهاد میفرمائید؟

ج

– در مورد سؤال، اگر صندوق یک پنجم جنس را از فروشنده میخرد و به آن

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۰

شخص به قیمت گرانتر می‌فروشد اشکال ندارد.

س ۱۹۷۷

اشاره

– شخصـی که میخواهـد وام در مـدت معینی بگیرد آیا میتوانـد مبلغی به وام‌دهنـده صـلح کند و در ضـمن آن مصالحه وام مزبور را شرط کند مثلًا بگوید پنجاه هزار تومان بتو صلح میکنم بشرط آنکه دویست هزار تومان ده ماه بمن قرض بدهی و او هم این صلح را قبول کند؟

ج

– اشکال ندارد.

تصرف در مالی که از راه رباخواری به دست آمده

س ۱۹۷۸

اشاره

– اگر کسی به عنوان نزول خوار در جامعه باشد و مسئولین و مردم نیز از این امر آگاه باشند و بعد آن فرد فوت کند آیا از نظر شرع لازم است بر وارثین او که مال مردم را برگردانند به صاحبان اصلیش یا خیر؟

ج

– اگر شرعاً ثابت شود که متوفی ربا گرفته و معلوم باشد که از این بابت چه مقدار مدیون است باید به صاحبان آنها برگردانده شود ولی اگر احتمال داده شود که متوفّی آنچه اضافه می‌گرفته به صورتهای شـرعی دریافت می‌کرده بر ورثه او که باین احتمال اطمینان به اشتغال ذمّه او ندارند چیزی نیست و اگر کسی ادعائی بر متوفی دارد باید با مراجعه نزد حاکم شرعی ثابت نماید.

س ۱۹۷۹

اشاره

– آیا ربا خوار اموالی را که از طریق ربا بدست آورده باید به صاحبانش برگرداند؟

ج

– بلی باید به صاحبانش برگرداند.

س ۱۹۸۰

اشاره

– با اشخاصی زندگی می‌کنیم که احتمالًا بعضی از غذاهائی که به خانه می‌آورند مخلوط به مال ربوی است تکلیف چیست؟

ج

– در فرض سؤال، تا یقین نداشته باشید عین آنچه را که به خانه شما می‌آورند از مال حرام است برای شما اشکالی ندارد و مجرد اینکه اموال او مخلوط بحرام است موجب عدم جواز تصرّفات شما نمیشود.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۱

س ۱۹۸۱

اشاره

– معامله با کسانی که سالهای قبل ربا می‌خوردند چه صورتی دارد.

ج

– در فرض سؤال، چنانچه پولی که بشما می‌دهد یقین نداشته باشید که آن پول حرام است اشکال ندارد.

ربا بین پدر و فرزند

س ۱۹۸۲

اشاره

– آیا دختر می‌تواند از پدر ربا دریافت نماید ضمناً اگر دختر دارای شوهر باشد تکلیف چیست؟

ج

– ربا گرفتن دختر از پدر و بالعکس اشکال ندارد، و تفاوتی ندارد که دختر شوهر داشته باشد یا نداشته باشد. و اللَّه العالم.

س ۱۹۸۳

اشاره

– آیا بین مادر و فرزند، و زن و شوهر ربا جایز است یا نه؟

ج

– ربا گرفتن پدر و فرزند و زن و شوهر از یکدیگر اشکال ندارد ولی ربا گرفتن مادر و فرزند از یکدیگر جائز نیست. و اللَّه العالم

کارمزد

س ۱۹۸۴

اشاره

– بعضـی از صـندوقهای قرض‌الحسنه هنگام پرداخت وام به وام‌گیرنده، از یک تا پنج درصد مبلغ وام را به عنوان کارمزد و هزینه از وام کسـر می‌کننـد و بقیه را به وام‌گیرنـده می‌دهنـد به گونه‌ای که اگر وام‌گیرنـده این عمل را نپـذیرد وام تعطیل می‌گردد و آیا این عمل صورت شرعی دارد؟ آیا شرط در قرض اشکال دارد یا نه؟

ج

– در فرض سؤال اگر وجهی را که صـندوق قرض می‌دهد ملک صـندوق یا مشترک بین صـندوق و اشـخاص باشد شرط مذکور به نفع صندوق و در حکم زیاده و ربا و حرام است. ولی اگر وجوهی که قرض داده می‌شود ملک اشخاص باشد و صندوق فقط وکیل صاحبـان وجوه و واسـطه گی بین طرفین را در وقوع معامله عهـده‌دار باشـد می‌توانـد آنچه را برای انجام معامله هزینه می‌نمایـد و هم چنین حق‌العمل واسـطه گی خود را برای اداره امور صـندوق و اسـتمرار عمل آن از قرض گیرنـده دریافت نمایـد و بـدون قبول آن از طرف قرض گیرنده معامله را انجام ندهد. و

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۲

اگر وجوهی که به قرض داده می‌شود ملک صندوق باشد و قرض و استقراض متوقف بر عملی باشد که عرفاً مالیّت داشته باشد مثل نوشـتن سـند و نگـاه‌داری حسـاب و صـندوق به درخواست قرض گیرنـده نه شـرط و الزام بر او آن عمـل را انجـام دهـد یا اوراقی را مصـرف نماید قرض گیرنده باید اجرهٔ المسمی یا اجرهٔ المثل عمل صندوق و بهای اوراق را بپردازد مع ذلک گرچه با هر یک از این دو راه و راههای دیگر از جمله فروش دفترچه حساب به متقاضـی وام می‌توان بطور مشـروع مخارج صـندوق قرض الحسـنه را تأمین نمود، سـزاوار است برای اینکه این اقـدام خیر کامـل و موجب اجر و ثواب بیشتر و اعـانت زیادتر به ضـعفا گردد مخارج صـندوق را مؤمنین از تبرعات و هدایا به صـندوق یا معاملات مشـروع دیگر تأمین نمایند و از قرض گیرنده بطور مشروع هم وجهی بیش از اصل قرض نگیرند.

س ۱۹۸۵

اشاره

- آیا صندوقهای قرض الحسنه می‌توانند مخارج و هزینه‌های پرداخت و دریافت وام را از گیرنده آن طلب کنند؟

ج

- اگر صندوق قرض الحسنه و مسئولان آن بعنوان واسطه بین صاحبان وجوه عمل می‌کنند که بوکالت از آنها پول آنها را به وام‌گیرنده قرض می‌دهند، که وام‌دهنده، صندوق یا مسئول صندوق نباشد، و خود صاحب پول باشد در این صورت صندوق و مسئول آن می‌توانند مبلغ معینی را بعنوان حق العمل و مخارج کاغذ و غیره از گیرنده وام بگیرد ولی اگر وجوهی که گرفته می‌شود جزء موجودی صندوق و ضمیمه وجوه بودجه و اعتبار وامی صندوق می‌شود که طبعاً صندوق هم وام‌دهنده می‌شود وام دادن بشرط اینکه وام‌گیرنده پول و بهای این هزینه‌ها را بصندوق بدهد اشکال دارد و حکم ربا را دارد، راه دیگر علاوه بر صورت اولی که صندوق بوکالت عمل کند این است که وام‌گیرنده قبل از گرفتن وام مبلغ معینی به بانک بشرط اینکه بانک مبلغ معینی را به او وام بدهد هبه کند مثلًا یک هزار تومان نقد به صندوق به این شرط که یکصد هزار تومان به او قرض الحسنه بدهد هبه کند و یک هزار تومان را به صندوق بدهد و بعد صندوق یکصد هزار تومان به او قرض بدهد، ولی بهتر از همه که ثواب آن بیشتر و با نیت خیرخواهانه مؤسسین موافقتر است و خلوص نیت وام‌دهندگان را بیشتر جلوه می‌دهد و اعانت به ضعفاء و برادران و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۳
خواهران ایمانی نیازمند است این است که این افراد موفقی که صندوق تشکیل می‌دهند هزینه‌ها و مخارج را نیز از کیسه احسان خود یا کمک محسنین و نیکوکاران دیگر بدهند و از وام‌گیرنده چیزی بنام هزینه و غیره دریافت ننمایند، هم اکنون بعضی صندوقها به این صورت عمل می‌نمایند.

عملیات بانکی (جوائز حساب قرض الحسنه و سود سپرده بانکی)

س ۱۹۸۶

اشاره

- شخصی فقط بخاطر اعتماد و حفاظت پولش را در حساب قرض‌الحسنه بانک می‌گذارند و بانک به طریق قرعه جوایزی به صاحبان حساب می‌دهد این جایزه حلال است یا حرام (خصوصاً اگر نظر ضمنی هم بجایزه داشته باشد و در صورت حلّیت در مازاد مؤونه خمس به آن جایزه میرسد).

ج

- ظاهراً در صورتی که دادوستد مبنی بر شرکت دادن او در قرعه‌کشی برای جایز نباشد جایزه حلال است و در مازاد بر مصرف در مؤونه خمس به آن تعلّق می‌گیرد.

س ۱۹۸۷

اشاره

- اگر کسی با قصد دریافت سود پولی در حساب خود در بانک بگذارد گرفتن اضافی جایز است یا خیر؟

ج

- اگر با قرار دریافت سود باشد اگر چه به زبان هم نیاورند جایز نیست.

س ۱۹۸۸

اشاره

- سپردن پول در بانکهای جمهوری اسلامی بقصد اخذ بهره معین چه حکمی دارد؟

ج

- قرض بشرط سود مطلقا حرام است بنابراین اگر سپردن پول و دادوستد آن بر مبنا و شرط پرداخت بهره باشد ربا و حرام است.

س ۱۹۸۹

اشاره

- سپردن پول در صندوقهای قرض الحسنه به قصد دریافت جوایز غیر معین چه حکمی دارد؟

ج

- اگر سپردن پول به بانک قرض الحسنه به شرط شرکت دادن قرض دهنده در قرعه‌کشی جوائز نباشد و خود بانک برای تشویق قرض‌دهندگان جوائزی معین کند و قرض دهنده پول را به قصد قرض الحسنه بلا شرط بدهد اشکال ندارد هر چند قرض دهنده از برنامه جوائز بانک مطلع باشد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۴

س ۱۹۹۰

اشاره

- پولی که در بانک به رسم کوتاه مدّت بدون قید یا شرطی گذاشته می‌شود بعد از مدتی مبلغی بصاحب پول می‌دهند به رسم علی الحساب آیا جائز است یا خیر بیان فرمائید؟

ج

– اگر بطریق مضاربه شرعیه پول را به بانک بدهد و یا وکالت بدهد که بانك از طرف او معاملات شرعیّه انجام دهد اشکال ندارد ولی وام به شرط سود ربا و حرام است.

س ۱۹۹۱

اشاره

– در جمهوری اسلامی ایران که وضع بانکها تغییر کرده گذاشتن سپرده و گرفتن ماهیانه مبلغی چه صورت دارد و نیز گرفتن وام از بانك و دادن مبلغ بعنوان کار مزد یا چیزی دیگر چه صورت دارد؟

ج

– اگر بانك با آن پول معاملات شرعی انجام دهد و شرائط آن معاملات را هم رعایت کند و مراجعه‌کننده هم بانك را وکیل در انجام آن معاملات کند اشکال ندارد و اگر قرض بشرط سود بدهد ربا و حرام است. و اللَّه العالم.

س ۱۹۹۲

اشاره

– قسمتی از مقرّرات مادّه واحده بانک ملّی ایران ذیلًا درج میگردد خواهشمند است ملاحظه فرمائید با توجه به مقرّرات جاری بانك سپرده‌ها به نظر جنابعالی صحیح است یا خیر صراحتاً اعلام نظر فرمائید متشکرم.
(مادّه واحده بانك ملّی ایران به وکالت از طرف سپرده‌گذار با داشتن حق توکیل وجه سپرده را طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا بطور مشاع بکار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله طبق آئین‌نامه و مقرّرات مربوط یا داشتن حق مصالحه منافع بین بانك و سپرده‌گذاران به تناسب مبلغ و مدّت بکار گرفته شده تأدیه خواهد نمود).

ج

– اگر سپرده‌گذار با توجه بمفاد ماده واحده مسئولین بانك را وکیل کند اشکال ندارد. و اللَّه العالم.

س ۱۹۹۳

اشاره

– بانکها در جمهوری اسلامی تحت عناوین شرعیّه «مضاربه- مساقات- مزارعه- شرکت- جعاله و ...» با مشتریان و بالعکس قرارداد منعقد میکند و هر ماه علی الحساب ۱۴٪ یا کمتر و بیشتر در اختیار مشتریان قرار داده و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۵

در پایان مدت تصفیه حساب میکند نظر باینکه مردم عادی و مشتریان عموماً شرایط و قیود مندرج در برگه قرارداد را مطالعه نمی‌کنند و نوعاً به امضاء کردن اکتفاء می‌کنند و بدین وسیله رضایت خودرا در پذیرش کلیّه شرایط و قیود اعلام میدارند آیا صرف امضاء کردن یا قبول کلیّه شرایط بطور شفاهی با آنکه از خصوصیات و عناوین شرعیّه آگاهی ندارند سبب تحقق عقود مذکور و مشروعیّت آنها می‌شود یا لازم به تفهیم و تفهّم از طرف بانکها یا متعاقدین می‌باشد.

ج

– صحت در کلیه عضو المعاملات توجه طرفین و تعیین نوع معامله در رعایت شرایطی که در صحت آن معتبر است لازم است و بامضاء ناآگاهانه و خالی از قصد نوع و شرایط معامله اکتفا جایز نیست. و اللَّه العالم.

س ۱۹۹۴

اشاره

– پول را جهت حفظ و نگهداری در بانک به حساب می‌گذاریم پس از مدتی بانک مقداری سود به صاحب حساب می‌پردازد آیا اشکالی دارد و در صورت اشکال اگر چنین پولی را دریافت نموده‌ایم باید چه کرد؟

ج

– چنانچه پول را فقط جهت نگهداری در بانک بگذارید و منظور شما گرفتن سود نباشد بطوری که اگر بانک سود را ندهد مطالبه نمی‌کنید اشکال ندارد.

س ۱۹۹۵

اشاره

– پرداخت سود بانکها با تضمین سود و فروش اوراق با سود تضمینی چه حکمی دارند؟ و جرائم دیر کرد اقساط وام بانکی چطور؟

ج

– اگر پرداخت سود تحت عنوان یکی از معاملات شرعی با مراعات شرائط شرعی آن باشد مانعی ندارد و الّا جائز نیست و گرفتن جرائم دیرکرد اقساط جائز نیست مگر اینکه در ضمن عقد شرط شده باشد و برای مهلت و تأخیر در مطالبه نباشد.

س ۱۹۹۶

اشاره

– بانکها وامهایی به عنوان مضاربه و شرکت و امثال ذلک در اختیار افراد قرار می‌دهند و مقداری سود دریافت میدارند و در مقابل

تأخیر در پرداخت اقساط، دیرکرد می‌گیرند بفرمائید اینگونه وامها شرعاً چه صورتی دارد؟

ج

- در مضاربه شرط دریافت سود سهم صاحب سرمایه از عامل به اقساط اگر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۶
چه سود حاصل نشده باشد صحیح نیست بلی نسبت به پرداخت سود حاصل شده شرط اقساط جایز است لکن گرفتن دیرکرد به صورت مرسوم فعلی جایز نیست و در این صورت اگر در ضمن عقد شرط کنند که اگر در پرداخت قسط تأخیر کند فلان مبلغ معین را بدهد جائز است بشرط این که به اذن در تأخیر و تأجیل معجّل در مقابل پرداخت زیاده برگشت نکند.

س ۱۹۹۷

اشاره

- آیا مادر می‌تواند در ضمن قراردادی که با بانک منعقد می‌کند بگوید:
من این مبلغ پول را به صورت امانت در اختیار بانک می‌گذارم و بانک متعهد است در صورتی که فرزندم به سن رشد رسید، آن را تحت اختیار او قرار دهد و تا زمانی که او به سن قانونی نرسیده، این امانت در تصرف بانک می‌باشد و حق دخل و تصرف با خودم (مادر) است؟

ج

- واگذاشتن پول به عنوان امانت صحیح نیست چون بانک آن را نگه نمی‌دارد و در آن تصرف می‌کند و بر مالی که در گردش و تصرف است امانت صدق نمی‌کند و اگر مال به عنوان هبه به فرزند صغیر تملیک شود حصول ملکیت برای صغیر متوقف بر قبض ولیّ شرعی (پدر و جدّ پدری و با فوت آنها مجتهد جامع الشرائط) است بنابراین اگر مادر در حالی می‌خواهد پول در بانک برای فرزند صغیر بگذارد که با شوهر خود زندگی می‌کند می‌تواند با گفتگوی قبلی مال را به عنوان هبه به فرزند، به پدر او که ولی شرعی است بدهد و او ولایةً قبض نماید و در این خصوص نوشته‌ای تنظیم نمایند با گواهی محضر رسمی و قانونی و بعد پول را به نام فرزند در بانک بگذارد چون قبض ولی شرعی محقق نشده به ملکیت مادر باقی است و نتیجه‌ای برای فرزند ندارد و در این مورد بهتر این است که پول را به نام خود در بانک بگذارد و وصیتنامه رسمی تنظیم نماید و در آن وصیت کند که بانک آن را به فرزندش بدهند در این صورت اگر مبلغ مذکور زاید بر ثلث کل ترکه نباشد تمام آن و الّا با عدم امضاء سایر ورثه مبلغی از آن که معادل با ثلث باشد به فرزند او داده می‌شود. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۷

س ۱۹۹۸

اشاره

- این جانب مقداری زمین در شهرستان داشتم که بعد از اعلام دولت مبنی بر دادن وام مخصوص به کارمندان آن را فروختم و در

بانک مسکن گذاشتم تا وام مسکن بگیرم، حالا که نوبت وام رسیده می گویند حرام است یا اشکال دارد و از طرفی من در برخی مسائل از امام خمینی (ره) عدول کرده‌ام و در بعضی مسائل مقلد ایشان مانده‌ام والان مقلد شما هستم. حالا نمی‌دانم وام بنده چه حکمی دارد از طرفی چون در فروش زمین ضرر کرده‌ام و اکنون نیز مشکل مسکن دارم و به دشواری افتاده‌ام راه چاره چیست؟ لطفاً راهنمایی کنید ضمناً در استخاره خرید خانه بد و برای وام و ساختن خانه خوب آمده است، لطفاً مرا راهنمایی فرمائید تا مشکل مسکن من حل شده و به حرام نیز نیافتم.

ج

– وام با سود ربا و حرام است و استخاره برای انجام عمل حرام معنی ندارد. اشکال این عمل از دو جهت است اول گذاردن پول در بانک مسکن و بعبارت دیگر قرض دادن آن به بانک به شرط اینکه بانک وام مسکن به او بدهد این معامله ربوی حرام است ولی حال که انجام شده وام‌دهنده میتواند به بانک اعلام کند که از حق عرفی الزامی که بر بانک دارد صرف نظر کرده است و بانک خود مختار است در این صورت اگر بانک خودش وام مسکن را به او بدهد ظاهراً اشکال ندارد، و دوم از جهت اینکه بانک مسکن بخواهد چیزی زیادتر از اصل وام از وام‌گیرنده دریافت کند در این صورت این مسائله هم اگر بصورت وام به شرط سود باشد ربا و حرام است و اگر بعنوانی از عناوین شرعیه مثل مشارکت و حتی فروش اسکناس به مبلغی بیشتر انجام شود ظاهراً رفع اشکال می‌شود.

س ۱۹۹۹

اشاره

– من جانباز جنگ تحمیلی هستم و برای ساختن منزل مسکونی بانک مبلغی وام پرداخت می کند ولی چند در صد بهره می گیرد آیا جایز است (لازم به ذکر است که من نمی‌دانم بنابر چه ضوابطی آن بهره را می گیرند).

ج

– قرض به شرط سود ربا حرام است بلی چنانچه پول را قرض ندهد بلکه به عنوان یکی از معاملات شرعی با مراعات شرائط شرعی آن معامله باشد اشکال ندارد.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۸

س ۲۰۰۰

اشاره

– در عملیات بانکی بدون ربا در سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران اساس کار بر معاملات مجاز و مشروع استوار است. چنانچه شخصی از بانکی تحت عنوان یکی از عقود مشارکت- مضاربه- جعاله- فروش اقساطی و غیرهم وجهی در قبال تضمین معتبر یا ترهین ملك و امثال آن بنام تسهیلات بانکی دریافت کند و آن وجه را در راه غیر از آنچه با بانك قرار داد داشته مصرف کند آیا مرتکب فعل حرام شده یا آن عمل حلال است؟ به عنوان نمونه فردی برای تعمیرات مسکن خود عقد جعاله منعقد کند و وجه

اعطائی را صرف خرید سهام شرکتها یا سرمایه‌گذاری در جای دیگر یا خرید اتومبیل یا تأمین جهیزیه عروسی فرزند خود نماید. اگر منفعتی از این راه بدست آورد مشروع است یا خیر؟ اگر منفعت بدست آمده را روی اصل وجه بگذارد سپس به صورتی تمام یا قسمتی از آن را مطابق قرار داد اولیه با بانک مصرف کند چه حکمی دارد؟ اکنون اگر بانک از مصرف وجه اعطائی در راه غیر قرار داد مطلع شود شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

ج

– اگر گرفتن وجه از بانک مشروط به استفاده در مورد خاص باشد و مشتری آن را در مورد دیگری مصرف نماید بانک پس از اطلاع می‌تواند قرار داد را فسخ و وجه خود را مطالبه کند ولی معاملاتی که مشتری بذمّه انجام داده باطل نیست.

س ۲۰۰۱

اشاره

– سودی که از بانکها هر ماه به صاحب پول می‌پردازند می‌شود با مالیات و عوارض دیگر مصالحه نمود یا نه؟

ج

– مورد اشکال است.

س ۲۰۰۲

اشاره

– چرا بانکها معمولًا یک نرخ مشارکت را برای کلیّه عقود در نظر می‌گیرند آیا با وجود تفاوت عقود مختلف در بازدهی و ریسک آن که طبیعتاً درجات یا نرخهای مشارکت متفاوتی را می‌طلبد با نفس بانکداری اسلامی مطابقت دارد یا خیر؟

ج

– در عقود مشروعه نحوه معامله در حدود مشروع بستگی به تراضی متعاملین دارد، و متعاملین ملزم به اینکه مقدار بازدهی را در نظر بگیرند نمی‌باشند.

س ۲۰۰۳

اشاره

– این جانب برای بازسازی و نوسازی منزل پدری از بانک مسکن و در سال ۶۸ وام گرفته‌ام آیا مشارکت بانک با این جانب و خرید اقساطی این جانب

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۰۹
از بانک اشکال دارد یا خیر و به طور کلّی وامی که برای تعمیرات و یا بنای جدید از بانک می‌گیریم در مدت ۱۵ سال به صورت اقساط اشکال دارد یا خیر؟

ج

- از جمله طرق شرعیه تخلّص از ربا این است که بانک خانه شما را یا قسمتی از آن را نقداً از شما واقعاً بخرد و سپس آن را اقساطی به شما بفروشد ولی اگر معامله صوری باشد و در واقع وام به شرط سود باشد ربا و حرام است.

س ۲۰۰۴

اشاره

- افرادی هستند که در بانک مسکن پول پس‌انداز می‌کنند تا از طریق قرعه‌کشی صاحب خانه شوند. این روش خانه دار شدن برای افرادی که پول زیادی ندارند تا یکجا خانه بخرند و از این طریق عمل می‌کنند چه حکمی از نظر شرع مقدس اسلام دارد؟

ج

- در فرض سؤال، چنانچه پول را به داعی اینکه او را در قرعه‌کشی شرکت دهند و احتمالًا صاحب خانه شود در بانک بگذارد مانع ندارد ولی اگر به شرط شرکت دادن در قرعه‌کشی باشد در حکم ربا است و جائز نیست.

س ۲۰۰۵

اشاره

- آیا بانکها شرعاً می‌توانند پولی را که در بانک به امانت گذارده شده با دستور دادگستری و یا اداره تأمین اجتماعی خودشان بدون اجازه صاحب حساب برداشت نمایند؟

ج

- پولهایی که در بانک گذارده میشود حکم امانت ندارد چون به حال خود باقی نمی‌ماند و در تغییر و تبدیل و مورد استفاده اشخاص است بلکه قرض دادن به بانک است و به هرحال برداشت پول بدون اجازه صاحب خود حساب جائز نیست و در واقع برداشت نمی‌شود و بانک ضامن پرداخت آن به صاحب وجه است بلی در بعض موارد مثل اینکه مجتهد جامع الشرائط حکم به افلاس شخصی بکند و از تصرف در این گونه اموالش ممنوع شود پرداخت آن به صاحب حساب جائز نیست و باید طبق دستور مجتهد جامع الشرائط عمل شود. و اللّه العالم.

س ۲۰۰۶

اشاره

- بانک میگوید مثلا بیست هزار (۲۰۰۰۰) تومان برای گرفتن سکه نام‌نویسی کنید، پس از مدت دو ماه که برای گرفتن سکه میرود، میگوید مثلا دو هزار تومان دیگر بدهید، آیا گرفتن سکه اشکال دارد، (یا اینکه در بازار قیمت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۰

آن بیشتر است) همچنین اسم نوشتن برای ماشین که بعد از مدت دو سال تحویل می‌دهد و بخاطر پولی که قبلا گرفته بوده، قیمت را کمتر از قیمت روز حساب می‌کند؟

ج

جامع الاحکام ؛ ج۲ ؛ ص۳۱۰

اگر از اوّل قیمت سکه را تعیین نکننـد چون معامله واقع نمیشود بانک میتواند در موقع تحویل، قیمت را تعیین و بر مبنای آن ثمن را تعیین کند و برای کسـی که قبلا پول بحساب ریخته اشـکال ندارد بلی اگر این مبلغ را ببانک بدهد بشـرط اینکه در موقع معین سکه به او بفروشد اشکال ربا دارد و همچنین پول برای ماشین دادن بشرط اینکه در موقع ماشین به او بفروشند اشکال دارد. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۱

احکام خوراکیها

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۳

احکام خوراکیها

وسیله ذبح

س ۲۰۰۷

اشاره

- ذبح حیوان با کارد استیل چه حکمی دارد؟

ج

- اگر استیل آهن باشد اشکال ندارد. و اللّه العالم

س ۲۰۰۸

اشاره

- حضـرت عـالی فرموده‌ایـد که در ذبـح یکی از شـرایطش آهن است و اگر روکش آن آهن باشـد و یـا مخلوط و از نقره و مس و

دیگر فلزات باشد، صحیح است یا نه؟

ج

- بایـد فقط آهن باشـد بلی اگر مخلوط آن که غیر آهن است بقـدری کم باشـد که چیزی بحساب نیایـد و عرفا آهن محسوب شود اشکال ندارد. و اللّه العالم

گفتن بسم اللّه وقت ذبح

س ۲۰۰۹

اشاره

- در مورد اینکه در کشـتارگاههای مرغ که مرغها را به دستگاهی می‌بندند و سر آنها را می‌برد می‌خواستم بدانم که آیا این‌طور سر بریدن اشکالی

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۴

ندارد و این مرغها را که ما می‌خوریم حلال است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال چنـانچه آنچه را در ذبـح معتبر استماننـد بسم اللّه گفتن و رو بقبله بودن رعـایت نماینـد بعیـد نیست ذبیحه حلال شود بشـرط اینکه اگر ذبـح بطور تدریجی انجام می گیرد برای هر مرغی بسم اللّه گفته شود و اگر دفعتا چند مرغ با هم ذبح می‌شود برای هر دفعه بسم اللّه بگوید.

س ۲۰۱۰

اشاره

- آیا نوشتن «بسم اللّه» بر دیوار کشتارگاه، در ذبح کفایت می کند؟

ج

- کفایت نمی کند.

س ۲۰۱۱

اشاره

- آیا گفتن یک بسم اللّه در صبح هنگام شروع کار دستگاه تا هنگام غروب کفایت می کند؟

ج

– کفایت نمی کند.

س ۲۰۱۲

اشاره

– در صورتی که جواب دو سؤال قبل منفی است تکلیف ما، با توجه به اینکه نمی‌دانیم مرغ‌های موجود در سطح شهر از کدام کشتارگاه آمده و هنگام ذبح بسم اللّه گفته شده است یا نه چیست؟

ج

– اگر از دست مسلمان میخرید و احتمال میدهید که ذبح شرعی شده باشد اشکال ندارد و پاک و حلال است.

س ۲۰۱۳

اشاره

– آیا گفتن یک مرتبه بسم اللّه هنگام روشن کردن دستگاه در کشتار مرغ کافی است؟

ج

– ظاهرا برای هر مرتبه روشن کردن دستگاه کافی است بشرط اینکه همه مرغها دفعهٔ با هم ذبح شوند ولی اگر پی‌درپی ذبح شوند اگر چه سریعا انجام شود کفایت یک مرتبه بسم اللّه برای حلیت مرغهائی که بعد از مرغ اوّل ذبح میشود محل اشکال است بلکه کافی نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۵

ذبح کننده

س ۲۰۱۴

اشاره

– حکم ذبیحه سنّیهای مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی چیست؟

ج

– ذبیحه آنها پاک است.

س ۲۰۱۵

اشاره

- حکم ذبیحه «محارب» و اهل کتاب چیست؟

ج

- محاربینی که محکوم بکفر هستند و همچنین ذبیحه اهل کتاب نجس و حرام است.

س ۲۰۱۶

اشاره

- حکم ذبیحه «جاحد النّبی» چگونه می‌باشد؟

ج

- جاحد النّبی صلی اللّه علیه و آله کافر است و ذبیح او حرام و نجس است.

س ۲۰۱۷

اشاره

- حکم ذبیحه «غلاۀ»، «خوارج»، «ناصبی»، «ساب النّبی (ص) أو أحد الائمۀ (ع)» چیست؟

ج

- ذبیحه غلاۀ و خوارج و ساب النبی (ص) و ائمه علیهم السلام حرام و نجس است.

س ۲۰۱۸

اشاره

- حکم ذبیحه «مجسمه»، «مشبهه»، «جبریه»، «مفوضه» و ذبیحه «قدریه» چیست؟

ج

- طوائف مذکور اگر شهادتین را و لو اجمالا قبول دارند و توجه به توالی فاسد اعتقاد خود از لحاظ استلزام انکار ضروری ندارند ذبیحه آنها پاک است.

غذائی که به وسیله غیر مسلمان تهیه می‌شود

س ۲۰۱۹

اشاره

- از غـذاهایی که غیر مسـلمان- کتابی یا غیر کتابی- درست می‌کنـد اعم از برنج و غیر برنج و گوشت و غیر گوشت جایز است که از آنها بخوریم یا خیر؟

ج

- اگر غـذا بـا دست و یـا عضو دیگر غیر مسـلمان ملاقـات کرده باشـد خوردن آن جایز نیست و همچنین اگر با گوشت غیر مـذکّی درست شده باشد.

س ۲۰۲۰

اشاره

- سوسیس‌هایی که از کشورهای خارجی وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال اگر مشتمل بر گوشت و پیه و مانند آن باشد که حلیّت آن
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۶
موقوف بر تذکیه است و از بلاد کفر وارد شده و شک در تذکیه آن داشته باشد محکوم به حرمت و نجاست است. و اللَّه العالم.

س ۲۰۲۱

اشاره

- آیـا کنسـروهایی که در کشورهـای خـارج بسـته‌بندی می‌شود و در ایران بفروش می‌رسـد خوردن آن چه صورت دارد آیـا حلال است یا حرام؟

ج

- در مورد سؤال اگر یقین ندارید که ماهی فلس‌دار را زنده از آب گرفته‌اند خوردن آنها حرام است. و اللَّه العالم.

س ۲۰۲۲

اشاره

- اگر یک نفر غیر مسلمان- کتابی یا غیر کتابی- و یا مورد اعتماد و غیر اعتماد بگوید گوشت درون غذا یا این گوشت مثلًا ذبح اسلامی است می‌شود از او قبول کرد یا خیر؟

ج

- اگر از گفته کسی یقین به تذکیه شرعی پیدا شود و یا بیّنه شرعی به تذکیه اقامه شود گوشت محکوم به تذکیه است و الا محکوم به نجاست است.

غذائی که بوسیله مسلمان تهیه می‌شود

س ۲۰۲۳

اشاره

- اگر یک نفر مسلمان ولی نه چندان قابل اعتماد مدعی است که این غذا یا گوشت از مذبوح اسلامی درست شده جایز است از او بپذیریم یا خیر؟

ج

- قول یک نفر حجّت نیست هر چند مورد اعتماد باشد مگر اینکه از قول او یقین حاصل شود یا ذی الید باشد.

س ۲۰۲۴

اشاره

- اگر یک نفر مسلمان اعم از مورد اعتماد و غیر اعتماد ما را برای صرف غذا در منزلش دعوت کند خوردن غذای او جایز است یا خیر؟ و آیا در مورد اسلامی بودن نتیجه باید سؤال کرد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال استفاده از غذای دعوت‌کننده جایز است و سؤال لازم نیست.

س ۲۰۲۵

اشاره

- اقوامی که می‌دانیم از منبع غیر شرعی، امرار معاش می‌کنند، ارتباط با آنها در صورتی که اطمینان نداشته باشیم که غذا یا آبی که

برای ما می‌آورند از
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۷
همان منبع است خوردن آن چگونه است؟

ج

- در صورتی که نمی‌دانید از آن منبع است اشکال ندارد.

س ۲۰۲۶

اشاره

- آیا برای شوفر خوراک مجانی که در هتلهای بین راه یا ارزانتر از سرنشینان ماشین می‌دهند حلال است؟ و همچنین مأمورین خرید ارگانها و یا گروه‌ها که بخاطر خریدشان از فروشنده به آنان تخفیف میدهند بعد از اتمام معامله پذیرائی می‌کنند آیا این کار جایز است؟

ج

- در مورد راننده اگر توقف او در مکان خاصی از لحاظ سرنشینان ماشین تفاوت نداشته باشد خوراک مجانی یا ارزانتر برای او بی‌اشکال است و با وجود تفاوت اگر خوراک در برابر این عمل باشد بی‌اشکال نیست و در مورد مأمورین ارگانها و گروهها نیز اگر این برنامه موجب شود که جنس را به قیمتی که بیشتر از قیمتی که خرید آن از فروشنده یا محل دیگر ممکن باشد خریداری کند اشکال دارد و خیانت است.

حیوانات حرام گوشت

س ۲۰۲۷

اشاره

- نظر خود را نسبت به خرچنگ که در آب زندگی می‌کند بمنظور صادرات به کشورهای غیر مسلمان بیان فرمائید. (البته کشورهای مسلمان غیر تشیّع مصرف‌کننده کل موجوداتی که از دریا صید می‌کنند می‌باشند.)
آنچه مسلم است این است که منفعت محلله خریدوفروش و نهایتاً آمدن ارز به کشور که با صدور این قبیل کالاها که در کشور ایران مصرف نداشته و می‌توان با تولید و پرورش آن مبالغ بسیار زیادی ارز وارد کشور کرد و با پول آن اقتصاد شیعه و مملکت را بهبود بخشید. لذا خواهشمند است موضوع فوق را از هر دو دیدگاه مصرفی و اقتصادی ملاحظه فرموده نظر مبارک را اعلام فرمائید؟

ج

- خوردن خرچنگ جائز نیست و فروختن آن نیز برای خوردن جائز نیست بلی چنانچه خرچنگ منفعت محلّله داشته باشد از قبیل خوراک طیور و غیره، فروختن آن برای این جهت اشکال ندارد.

س ۲۰۲۸

اشاره

- بین گروهی مردم بخصوص افرادی که در زمینه شکار حیوانات

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۸

دخالتی دارند شایع است که گوشت خرگوش و نوعی جوجه‌تیغی که علفخوار است و جثه بزرگی دارد و گویا شکنبه هم دارد مکروه است و می‌توان گوشت این جانوران را خورد تقاضا می‌نمایم حکم شرعی این مسأله را بیان بفرمائید.

ج

- گوشت خرگوش و جوجه‌تیغی هر نوع که باشند حرام است.

س ۲۰۲۹

اشاره

- آیا فروش گوشت کوسه جایز است و حلال میباشد یا خیر؟

ج

- کوسه حرام گوشت است و اگر گوشت آن منافع محلّله‌ای داشته باشد فروش آن بمنظور صرف در آن منافع اشکال ندارد.

س ۲۰۳۰

اشاره

- بنظر حضرتعالی طاووس از اقسام مأکول اللحم است یا خیر؟

ج

- طاووس مأکول اللحم نیست.

س ۲۰۳۱

اشاره

- در حرمت گوشت خرگوش بین نر و ماده آن فرق است یا نه؟

ج

- نر و ماده آن در حرمت گوشت آن تفاوت ندارد. و اللَّه العالم

احکام ماهی‌ها

س ۲۰۳۲

اشاره

- اگر ماهی در تور ماهیگیری درون آب بمیرد آیا حرام می‌شود یا نه؟

ج

- حلال است.

س ۲۰۳۳

اشاره

- خوردن خاویار ماهی فلس‌دار چگونه است؟

ج

- حلال است.

س ۲۰۳۴

اشاره

- ما صیادان و ماهیگیران، ماهی به اسم خشاك صید می‌نماییم و به عاملین ماهی می‌فروشیم و ایشان می گویند که ما به کشور ژاپن می‌فروشیم. آیا خوردن و خریدوفروش این ماهی حلال است یا حرام؟

ج

- چنانچه ماهی مذکور، فلس ندارد خوردن آن حرام است و امّیا فروش آن در صورتی که منافع حلال مانند مصارف دامی یا داروئی داشته باشد جایز است ولی فروش به جهت اکل حرام است.

س ۲۰۳۵

اشاره

- ماهی فلس دار که از غیر مسلمان خریداری می‌شود و ماهی بازار
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۱۹
غیر مسلمانها چه حکمی دارد؟

ج

- در فرض سؤال اگر احراز تذکیه شرعی نشود خوردن آن جایز نیست و با اینکه از دست غیر مسلمان و بازار کفّار گرفته می‌شود اگر مسبوق بودن آن به مسلمان معلوم نیست خوردن آن نیز جایز نیست.

س ۲۰۳۶

اشاره

- خوردن نوشابه‌های خارجی از نظر شرعی چه حکمی دارند آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

ج

- اگر یقین به نجاست آنها نداشته باشید مانعی ندارد البته سزاوار است که مسلمین از محصولات کفّار که ضرورتی در مصرف آن ندارند اجتناب نمایند. و اللَّه العالم

مسائل متفرقه خوراکیها

س ۲۰۳۷

اشاره

- بره‌ای که از شیر سگ خورده آیا مثل خوردن شیر از خوک است و آن احکام را دارد؟

ج

- حکم شیر خوک را ندارد. و اللَّه العالم

س ۲۰۳۸

اشاره

- چیزهایی که در ذبیحه گوسفند حرام است مثل مغز حرام که در میان تیره پشت است در مرغ اگر یافت شود حرام است؟

ج

- بلی اگر هر یک از آنها در مرغ باشد حرام است. و اللَّه العالم

س ۲۰۳۹

اشاره

- خوردن تخم مرغ آغشته به خون چه حکمی دارد؟

ج

- خون تخم مرغ بنابر احتیاط واجب نجس است و خوردن آن حرام است.

س ۲۰۴۰

اشاره

- آیا استفاده کشمش در داخل غذا که در بعضی موارد باید آن را سرخ یا در بعضی مواقع در داخل غذاهای دیگر در آب جوش قرار می گیرد جایز است؟

ج

- کشمش به جوش آمدن و سرخ کردن نجس نمیشود و خوردن آن نیز اشکال ندارد.

س ۲۰۴۱

اشاره

- جوشاندن اقسام خرما و کشمش و خوردن آن دو و سرخ کردن خرما
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۰
و کشمش در روغن همچنین استفاده از کشمش در آبدوغ و دیگر موارد جایز است یا خیر؟

ج

- هیچ یک از موارد مذکور در سؤال اشکال ندارد. و اللَّه العالم

س ۲۰۴۲

اشاره

- با توجه به رعایت شرع اسلام در مورد ذبح شرعی حیوانات مکرراً مشاهده می‌شود که مذبوح را به سمت راست خوابانیده و با دست چپ سر مذبوح را جدا می‌کنند، و عده‌ای هم به سمت چپ خوابانیده و با دست راست سر حیوان را جدا می‌کنند لذا از محضر حضرتعالی استدعا دارم جواب صحیح ذبح حیوان را اعلام و توضیح اینکه در غیر این صورت مذبوح چه حکمی را خواهد داشت.

ج

- مقادیم بدن حیوان که بطرف قبله باشد فرقی نمی‌کند بر سمت راست خوابانده شود یا بر سمت چپ. و اللّه العالم

س ۲۰۴۳

اشاره

- چون بعضی از اقلیت‌های مذهبی گوشت برخی از حیوانات را که از نظر شرع مقدس اسلام حرام است مصرف می‌نمایند:
۱- آیا مجاز است که مسلمانی در تولید و بسته‌بندی این نوع گوشتها (مانند خوک، گراز و ...) صرفا برای مصرف غیر مسلمین و یا صادرات تولید نماید.
۲- آیا می‌شود که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده شود با ایجاد واحدهای صنعتی نسبت به تولید وف روش فرآورده‌های این نوع گوشتها توسط اقلیت‌های مذهبی و صرفا برای مصرف اقلیت‌های مذهبی کشور و یا صادرات به کشورهای غیر مسلمان اقدام شود.
۳- آیا می‌شود توسط دولت اجازه داد تا اقلیت‌های مذهبی نسبت به تولید مشروبات الکلی صرفا برای صادرات و یا مصرف غیر مسلمین اقدام کنند.

ج

- هیچ‌یک از موارد مذکوره در سؤال جایز نیست مضافا باینکه موجب وهن نظام مقدّس جمهوری اسلامی و لطمه شدید به وجهه اسلام است اعاذنا اللّه من الفتن و اتباع الهوی، و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۱
قضاوت
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۳

قضاوت

مستند حکم قاضی

س ۲۰۴۴

اشاره

– آیا قاضی موظف است به علم خود عمل نماید یا فقط مجاز به عمل است؟

ج

– ظاهر ادلّه وجوب عمل به علم است.

س ۲۰۴۵

اشاره

– آیا قاضـی به علمی که از راه حـدس برای او حاصل شده می‌تواند عمل نماید؟ (بعنوان مثال اگر خارج از محتویات پرونده قاضـی حدس بزند که شخص مجرم است و منشأ علم او نیز همین حدس باشد آیا می‌تواند به استناد آن علم حکم نماید؟)

ج

– اگر برای قاضی علم حاصل شود تفاوت نمی‌کند که از مطالعه پرونده یا قرائن خارجیه دیگر باشد و در هر دو صورت منشأ علم او حدس است و در اعتبار علم اگر حاصل شود فرقی بین اینکه سبب آن حسّ یا حدس باشد نیست.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۴

س ۲۰۴۶

اشاره

– در صورتی که منشأ علم قاضـی، رؤیت و شـهود او باشد چه فرقی با شهادت دارد؟ و آیا می‌توان گفت قاضی نیز مانند یک شاهد است و در صورت تکمیل شهود (بینه شرعی) که قاضی نیز جزء آن است می‌توان حکم نمود؟

ج

– قول به اینکه علم قاضـیماننـد یک شاهد است و برای حجیّت آن شاهد دیگر لازم است، ظاهراً بین فقهاء قائل ندارد، و از جهات متعـدّد مردود است و اگر منشأ علم قاضـی حسّ باشـد فرقش با بیّنه که بایـد عن حسّ باشـد این سـتکه در حجّیت بینه برای قاضـی حصول علم شـرط نیست و اگر اتفاقاً علم برای او حاصل شـد حکم او مسـتند به علم است که اقوی از بیّنه است به هر حال در حکم حاکم به علم، علم او موضوعیت دارد.

س ۲۰۴۷

اشاره

– در کتب فقهاء امامیه بعضا و همچنین در قانون مجازات اسلامی ایران یکی از راههای ثبوت ادعای مدعی و یا موضوع ادعاء شده را علم قاضی می‌دانند حال در اینجا چند سؤال مطرح است:

۱– آیا علم قاضی باید بر اساس مدارک و دلائل و قرائن وجود در پرونده باشد تا حجت باشد؟

۲– با وجود دلایل و مدارک و محتویات پرونده اگر خود قاضی شاهد قضیه بوده و آن را از نزدیک دیده باشد می‌تواند بر همان مشاهدات خود حکم صادر نماید؟

۳– آیا با وجود مدارک و محتویات و قرائن پرونده اگر قاضی علم و یقین بر خلاف آنها پیدا کرد نمی‌تواند به علم خود عمل کند؟

ج

– در تمام موارد سؤال، قاضی می‌تواند بر طبق علم خود حکم کند.

و اللّه العالم

س ۲۰۴۸

اشاره

– اگر قاضی به یک حالت روحی، وجدانی دست یابد که بدون داشتن هیچ دلیل و مدرکی و بدون هیچ مشاهده حسّی، برایش علم و یقین حاصل شود آیا در این صورت می‌تواند طبق همین علم و یقین خود حکم صادر نماید؟

ج

– در فرض مذکور اگر قاضی قطّاع باشد اگر چه قطاع برای خودش حجت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۵

است ولی وجود این حال در شخص و خروج او از متعارف موجب سلب صلاحیت و عدم نفوذ حکم او و بلکه حرمت مداخله او در امور قضائی است.

س ۲۰۴۹

اشاره

– طرق شرعی احراز عدالت شاهد در قضاوت را ذکر فرمایید؟

ج

– ۱– قاضی شخصاً عدالت شاهد را از حسن ظاهر مثل مواظبت او در فعل واجبات و ترک محرمات و شرکت در جماعات و غیرها احراز کند. ۲– دو نفر شاهد معلوم العدالهٔ عند القاضی شهادت به عدالت او بدهند. ۳– شهرت و شیاعی که موجب اطمینان باشد.

س ۲۰۵۰

اشاره

– نظر اسلام را پیرامون اعتبار اسنادی که توسط دستگاههای مدرن تهیه می‌شود بیان فرمایید: مانند فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، تلفنگرام، زیراکس، فتوکپی، پرینتر و اسکنر کامپیوتر و ... کدام یک می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد و به عنوان مؤید تا چه حدّ قابل استفاده‌اند؟

ج

– اسناد مذکوره با اسناد متعارفه در جهت اعتبار تفاوتی ندارند زیرا در هر دو قسم باید اطمینان به صحت مضمون و صحت استناد به صاحب آن حاصل شود.

س ۲۰۵۱

اشاره

– آیا یک شاهد همراه با قسم مدعی را برای اثبات دعوا کافی می‌دانید؟

ج

– در بعض موارد مانند دین یک شاهد و یمین مدعی برای اثبات دعوی کافی است.
و اللَّه العالم

س ۲۰۵۲

اشاره

– قتلی واقع شده و قاتل مردد بین دو نفر است قاضی ظن دارد که قاتل احد الفردین لا بعینه هست و شواهد و قرائن هم ظن قاضی را تأیید می‌کند در این صورت آیا با قرعه معین کنند قاتل را یا برنامه دیگری است؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه اولیای مقتول مدعی هستند که قاتل یکی از این دو نفر است ولی بینه شرعیه ندارند و برای قاضی از شواهد و قرائن ظن به صدق اولیای مقتول حاصل شده از موارد لوث است که باید مدعی قسامه بیاورد اگر قسامه آورد، قاتل در یکی از دو نفر بطور لا بعینه تعیین می‌شود و در این صورت باید هر دو نفر را قسم بدهند پس اگر هر دو قسم خوردند بر عدم قتل و یا هیچ یک قسم نخوردند باید دیه را مشترکاً به ورثه مقتول بدهند ولی اگر یکی از دو نفر قسم خورد
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۶

و دیگری نکول کرد قتل بر ناکل ثابت می‌شود. و اللَّه العالم

س ۲۰۵۳

اشاره

– اگر مقتولی در شارع عام یا در اماکنی که محل آمد و رفت عمومی است به صورت مجهول الهویه کشف شود و در مقام بررسی و تحقیقات در محاکم قضائی از جهت استناد عمل مجرمانه قتل نسبت به شخصی با وجود قرائن ظنیه از موارد لوث تشخیص گردد و برای مقتول ولی دمی شناخته نشود اجرای قسامه با چه شخصی است و اگر با ولی امر مسلمین است به چه کیفیت؟

ج

– در صورت مذکوره که ولی دم مقتول مجهول است و یا لااقل معلوم العدم نیست قضیه متروکه می‌ماند، هر وقت ولی دم معلوم شد و ادعا کرد طبق موازین باب قسامه عمل میشود و الا (الحاکم ولی الغائب) در مثل این مورد که در صورت اقامه قسامه از طرف قاتل موجب سلب قاعده (الغائب علی حجّته) می‌شود جاری نیست، ولی اگر معلوم باشد که مقتول وارثی غیر از امام علیه السلام ندارد، مثل اینکه همه ورثه او کافر باشند و از جهت ولاء عتق و ضمان جریره نیز وارث نداشته باشد، در این صورت قول به ولایت حاکم جامع الشرائط بر طلب قسامه بعید نیست.

س ۲۰۵۴

اشاره

– شخصی با کمک دو نفر، جوانی را عالماً و عامداً بعلت وجود اختلافات شدید با ضربات کارد مجروح کرده بعد از حمل به بیمارستان فوت میکند. پدر متوجه فوت فرزندش در بیمارستان میشود و بلافاصله مسلحانه به منظور انتقام از قاتل فرزندش بیمارستان را ترک دفعتاً به عموی قاتل که او نیز از محرکین بوده است بر خورد و با شلیک یک رگبار پنج تیری او را بقتل میرساند و خود را به مأمورین معرفی و سلاح را نیز تحویل و اقرار به قتل قاتل فرزندش می‌کند و بر اقرار خود نیز باقی است. اولیاء مقتول دوّم اخیراً مدعی هستند که پدر مقتول اول قاتل نیست بلکه فرزند دیگرش که در بیمارستان بر بالین مقتول اوّل بوده قاتل است و چند نفر شاهد نیز در این زمینه معرفی کرده‌اند که شهادتشان محلّ تأمل است. لطفاً بفرمائید از نظر شرع انور قاتل قتل اخیر پدر مقتول اول است که اقرار به قتل نموده و بر اقرار خود نیز باقی است یا فرزند منکر او که مورد ادعای اولیاء مقتول دوم میباشد؟

ج

– در مورد سؤال، در صورتی که ورثه مقتول مدّعی باشند که قاتل برادر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۷

مقتول اوّل است و به پدر مقتول اوّل ادّعا نداشته باشند و بر ادعاء خود در محضر حاکم شرع بیّنه شرعیّه اقامه نمایند اقرار مقرّ به قتل موجب ردّ بینه نمی‌شود مگر اینکه حاکم شرع از قرائن و امارات یقین به صدق مقرّ پیدا کند که در این صورت بر طبق بیّنه حکم نمی‌دهد و حکم علیه مقرّ نیز در صورتی صادر میشود که ورثه علیه او اقامه دعوی نمایند. و اللَّه العالم.

س ۲۰۵۵

اشاره

– همـانطور که در بـاب قتـل در موارد لوث احتیاج به قسامه می‌باشـد (البته در دادگاه) آیا در آیات و یا احادیث و روایات نصّی بر اینکه بتوان در دادگاه در حضور قاضی قسم به نفع متهم خورد و بی‌گناهی متهم را با قسم خوردن ثابت کرد وجود دارد یا نه؟ (مثلًا یک عده قسم بخورند که این شخص قاتل نمی‌باشد)

۲- علی فرض عدم وجود دلیل بر مطلب فوق آیا از ضمن ادله یا فحوای احادیث و روایات می‌شود این مطلب را فهمید؟

ج

– آنچه از ادلّه شـرعیه نسـبت به قسم اسـتفاده می‌شود این است که منکر و یا مدّعی در موارد خاصّی خودشان و یا بانضمام منسوبین ذکور در مورد قسامه قسم می‌خورند و در غیر این موارد جهت اثبات دعوای دیگری یا ردّ آن قسم پذیرفته نیست. و اللَّه العالم.

س ۲۰۵۶

اشاره

– اگر متّهمی به محکمه و قاضی کتباً اعلام کند که من از تخلّفات و تقصیرات منتسبه مبرّا هستم و از محکمه و قاضی بخواهد که او را احضار کننـد، حضوراً توضـیحات لازم را بدهـد و مدارک بی‌گناهی خود را ارائه نماید در چنین فرضـی آیا قاضـی و دادگاه حق دارد به تقاضای او توجهی نکرده و بـدون احضار متهم غیاباً رأی صادر کنـد و اگر چنین حکمی صادر شود محکوم به بطلان اسـت یا خیر؟

ج

– در موردی که به نظر قاضـی جامع الشـرائط حضور متّهم لازم نباشـد نظر قاضـی متّبع است بلی اگر قاضـی احتمال هم بدهـد که با حضور متهم که با حضور متهم نظرش تغییر می‌کند حضور متهم لازم است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۸

شرائط قاضی

س ۲۰۵۷

اشاره

– قضاوت غیر مجتهد مأذون از ناحیه مجتهد در زمان غیبت امام علیه السلام جایز است یا خیر؟

ج

- فعلًا به نظر این جانب مسأله محلّ اشکال است. و اللَّه العالم.

س ۲۰۵۸

اشاره

- در صورت کمبود قاضی آیا قضاوت قاضی غیر مجتهد را تجویز می‌فرمایید و این قاضی غیر مجتهد باید طبق نظرات مقلد خود حکم کند یا طبق نظرات مقلَّد متهمان یا قانون مدون؟

ج

- قضاوت قاضی غیر مجتهد صحیح نیست فقط می‌تواند بیان فتوی کند که باید بگوید فتوای مرجع تقلید متهم در این مورد چنین است و حکم کردن اختصاص به مجتهد دارد. و اللَّه العالم

س ۲۰۵۹

اشاره

- در مورد دادگاه‌های اداری که به تخلفات کارمندان رسیدگی می‌کنند و حکم به پرداخت جریمه و یا انفصال از خدمت به طور موقّت یا دائم و امثال اینها صادر می‌نمایند آیا همان شرایطی که در قاضی لازم است از قبیل اجتهاد و عدالت و غیره در اعضاء حکم‌دهندگان این دادگاه‌ها لازم است وجود داشته باشد یا لازم نیست؟

ج

- به طور کلّی در هر موضوعی که اختلافی در بین باشد که رفع آن محتاج به حکم قاضی باشد باید رفع نزاع به وسیله قاضی جامع الشرائط انجام بگیرد. و اللَّه العالم

س ۲۰۶۰

اشاره

- مستدعی است نظر مبارکتان را در رابطه با قضاوت زنان و ورود زنان به دستگاه قضاء جهت رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری و امور حسبیّه از بدو تشکیل پرونده، مرحله تحقیقات و ختم رسیدگی و اصدار و ابلاغ و اجرای حکم مرقوم فرمائید.

ج

- قضاوت زنان جائز نیست و از اوّل پیدایش اسلام تاکنون در هیچ عصری زن متصدی منصب قضاوت نبوده است و ورود آنها به دستگاه قضائی هرچند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۲۹

قاضـی نباشند هم مستلزم مفاسد و تبعات سوء اخلاقی است این گرایشهای غیر اسلامی همه از غرب گرائی و تبلیغات استعمارگران و خودباختگی برخی از زنان و مردان مسـلمان است خداوند متعال اسـتقلال و عزت بانوان اسـلامی و شخصـیت آنها را از این خطرات حفظ نماید. و اللَّه العالم.

س ۲۰۶۱

اشاره

- با توجه به اینکه تحقیقی از طرف دانشگاه در مورد قضاوت زن در اسلام برایمان تعیین شده است لذا در جهت این امر در صورت ممکن نظر و دلایل مورد نظرتان را مرقوم فرمایید.

ج

- مسأله مشـروط بودن جواز قضاء به ذکوریت قاضـی از مسائل مسلمه و مورد اجماع و اتفاق است و علاوه بر دلالت روایات و سیره مسـتمره و ارتکاز متشـرعه و اقتضاء مجموع برنامه‌ها و تعالیم اسلامی در مورد بانوان، مقتضای اصل نیز عدم نفوذ قضاء زنان است. و اللَّه العالم

س ۲۰۶۲

اشاره

- آیا حسب فتوای حضرت عالی قاضی تحکیم جایز است و حکم او نافذ است یا نه؟

ج

- حکم قاضی تحکیم در صورتی که واجد شرایط باشد نافذ است. و اللَّه العالم

تجدید نظر در حکم قاضی

س ۲۰۶۳

اشاره

- بدواً به استحضار می‌رساند در قوانین سابق قانون‌گذار در مواردی که احکام صادره قابلیت تجدید نظر داشته و از آنها تجدید نظر خواهی شـده است، قائل به اثر تعلیقی بوده است یعنی اجراء حکم تا صدور مرجع استینافی معلق بوده و اجراء آن ممکن نبوده است. سؤال این که در کتب فقهاء خصوصاً در باب حدود قائل به عدم وجود اثر تعلیقی هستند بواسطه صدور حکم از جانب مجتهد جامع الشرائط بوده است یا شامل قضاوت قاضی مأذون نیز می‌باشد؟

ج

- اصل جواز اذن در قضاء به غیر مجتهد خصوصاً در باب حدود محل اشکال بلکه محکوم به عدم جواز است و اگر در باب حدود از جانب حاکم شرع
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۰
واجد شرائط حکم صادر شد قابل تعلیق نیست. و اللَّه العالم.

س ۲۰۶۴

اشاره

- آیا ولایت حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) و به تبع آن فقیه جامع الشرائط که والی مسلمین است، تا این حد گسترش دارد که برای کلیه احکام قضائی اولًا قائل به قابلیت تجدید نظر خواهی شود و ثانیاً اثر تعلیقی را بر آن بار نماید؟

ج

- منع از اصدار حکم قبل از رجوع به امام علیه السلام بعضاً یا کلًا از جانب امام علیه السلام جایز است ولی بعد از صدور حکم موردی که واقع شده باشد فعلًا در نظر نیست و به هر حال نسبت به مجتهد جامع الشرائط منع قبلی و تعلیق حکم او بعد از اصدار جایز نیست. بلی شخص مجتهد می‌تواند در موارد نادره اگر مصلحت اهم لازم الاستیفاء در معرض تفویت باشد یا مفسده اهم واجب الدفع در بین باشد از اصدار حکم یا اجراء آن منع نماید. و اللَّه العالم.

س ۲۰۶۵

اشاره

- بر فرض که شارع مقدس قائل به تجدید نظر در بعضی احکام صادره شود آیا تجدید نظر کردن بدون اثر تعلیقی مجوز شرعی دارد؟ خصوصاً اگر با اجرای حکم بدون جبران خسارات وارده میسر نباشد؟

ج

- عنوان تجدید نظر در حکم قاضی جامع الشرائط مطلقاً مطرح نیست. بلی در موارد تعزیرات شخص حاکم می‌تواند به ملاحظه مقامات و موارد تعزیر را به اخفّ از آنچه که خود حکم داده تخفیف دهد و در واقع تجدید نظر در حکم خود بنماید حتی به شفاعت اشخاص ترتیب اثر بدهد و اجراء حکم را متوقف سازد. و اللَّه العالم.

س ۲۰۶۶

اشاره

– اگر در موضوعی حاکم شرع، حکم صادر کرد ولی مرجع تقلید ما آن را خلاف شرع یا مبتنی بر اشتباه دانست به کدام یک از دو نظر باید ملتزم شد؟

ج

– بطور کلی چنانچه بین حکم قاضی جامع الشرائط و فتوای مرجع تقلید اختلاف باشد حکم قاضی متبع است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۱

مسائل متفرقه قضاء

س ۲۰۶۷

اشاره

– اگر دو نفر کتابی متحد المذهب دعوایی به محکمه اسلامی آورند؟

ج

– در فرض سؤال قاضی مخیّر است بین این که مطابق دین خود آنها حکم کند و یا مطابق دین اسلام. و اللّه العالم

س ۲۰۶۸

اشاره

– اگر دو نفر کتابی مختلف المذهب به محکمه اسلامی دعوایی را بیاورند؟

ج

– در فرض سؤال، قاضی مطابق دین مقدس اسلام حکم می‌کند. و اللّه العالم

س ۲۰۶۹

اشاره

– در و صرت رجوع یک مسلمان و یک اهل کتاب وظیفه دادگاه در پذیرش و حکم چگونه است؟

ج

– حکم سؤال قبل را دارد. و اللّه العالم

س ۲۰۷۰

اشاره

- اگر یک مسلمان با یک اهل کتاب توافق کرده باشند در صورت بروز اختلاف بین آنان طبق قانون اهل کتاب حکم شود آیا این توافق از نظر محکمه اسلامی محترم است؟

ج

- این توافق صحیح نیست. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۳
دیات
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۵

دیات

احکام دیه

س ۲۰۷۱

اشاره

- آیا اخذ دیه امری تعبّدی است یا از مقدار آن می‌توان عدول کرد؟

ج

- اصل دیه و مقدار آن تعبّدی است ولی چون حقّی است برای مجنی علیه و یا ورثه او که از طرف شارع مقدس قرار داده شده مجنی علیه و یا ورثه او می‌توانند تمام دیه و یا مقداری از آن را عفو کنند.

س ۲۰۷۲

اشاره

- آیا دیه به عنوان خسارت است یا مجازات مالی؟

ج

- حکم دیه تعبّد است هر چند از حکمت‌های آن یکی از این دو امر یا هر دو باشد.

س ۲۰۷۳

اشاره

- آیا همه موارد دیه اصل است (کدامیک از موارد ششگانه)؟

ج

- همه موارد اصل است.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۶

س ۲۰۷۴

اشاره

- آیا ضرر و زیان زاید بر دیه قابل مطالبه است یا خیر؟

ج

- زائد بر دیه قابل مطالبه نیست.

س ۲۰۷۵

اشاره

- آیا دیه همان خسارت است یا جانی بایـد علاوه بر دیه خسارات وارده به مجنیّ علیه و کلیه هزینه‌های درمان را بپردازد؟ جائی که مقدار دیه از خسارت بیشتر، مساوی یا کمتر باشد چه حکمی دارد؟

ج

- جـانی زائـد بر مقـدار دیه ضـامن خسارات وارده از جهت درمان و معالجه نیست، بلی در جرح خطائی مادون السـمحاق نسـبت به مخارج احتیاط آن است که جانی و مجنیّ علیه مصالحه کنند. و اللَّه العالم

س ۲۰۷۶

اشاره

– اولا: ارش مثل دیه مهلت پرداخت دارد یا خیر؟
ثانیا: اگر میزان آن به ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد یا نه؟ و آیا اصولا ـ ارش همان دیه غیر معین است و طبعا آثار و خواص گوناگون آن را دارد یا صدمه و خسارتی است نظیر خسارتهای دیگر.

ج

– ظاهرا دیات مقدره و همچنین غیرم قدره که بوسیله ارش معلوم می‌شود و در مواردی که با صلح یا حکم حاکم تعیین می گردد در احکام عامّه مشترک می‌باشند. و اللّه العالم

س ۲۰۷۷

اشاره

– گرچه فتوای مشهور فقهاء بزرگوار (رض) اینست که دیه را باید یوم الاداء پرداخت نمود و قیمت دیه را یوم الاداء محاسبه می‌نمایند لیکن اخیرا مستندا به نظریه برخی از اساتید و بزرگان عصر حاضر شاید بدلیل برقراری یک رویه و نظم خاص در پرداخت دیه قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می کنند حال سؤال این است نظر مبارك حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه یوم الاداء است یا روز صدور حکم و یا روز وقوع حادثه لطفا ارشاد نمائید.

ج

– در فرض سؤال، به نظر این جانب قیمت دیه را مطابق قول مشهور، باید یوم الاداء محاسبه نمود و وجه وجیهی برای محاسبه آن بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم یا روز وقوع حادثه بنظر نمی‌رسد و وحدت‌رویه که در مواردی
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۷
مطرح می‌نمایند و قاضی را ملتزم برعایت آن می کنند موجب اشکالات متعدّد است و در خصوص این مورد جانی یوم الحادثه اشتغال ذمّه به دیه پیدا می کند بلی اگر در یوم حادثه اداء تمام اشیاء معین شده برای دیه معتذر باشد در این صورت ممکن است گفته شود مخیر بین اداء قیمت یوم الحادثه آنچه از دیه قمی است و اداء قیمت یوم الاداء مثل آنچه مثلی است می‌باشد. و اللّه العالم.

س ۲۰۷۸

اشاره

– شخصی با مراجعه به دادگاه مدعی است که بر اثر صدمه وارده توسط زید مبلغ یک میلیون تومان هزینه دارو و درمان نموده است درحالی‌که ۴۰۰۰۰۰ تومان دیه به او تعلق گرفته و خواستار ۶۰۰۰۰۰ تومان مابقی می‌باشد دادگاه تکلیفی دارد یا خیر؟

ج

– مجنیّ علیه بیشتر از دیه مقرّره شرعی چیزی طلبکار نمی‌شود. و اللّه العالم.

س ۲۰۷۳

اشاره

– گرچه فتوای مشهور فقهاء بزرگوار (رض) اینست که دیه را باید یوم الاداء پرداخت نمود و قیمت دیه را یوم الاداء محاسبه می‌نمایند لیکن اخیراً مستنداً به نظریه برخی از اساتید و بزرگان عصر حاضر شاید بدلیل برقراری یک رویه و نظم خاص در پرداخت دیه قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می‌کنند حال سؤال این است نظر مبارک حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه یوم الاداء است یا روز صدور حکم و یا روز وقوع حادثه لطفاً ارشاد نمائید.

ج

– در فرض سؤال، به نظر این جانب، قیمت دیه را مطابق قول مشهور، باید یوم الاداء محاسبه نمود و وجه وجیهی برای محاسبه آن بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم یا روز وقوع حادثه بنظر نمی‌رسد و وحدت رویه که در مواردی مطرح می‌نمایند و قاضی را ملتزم برعایت آن می‌کنند موجب اشکالات متعدّد است و در خصوص این مورد جانی یوم الحادثه اشتغال ذمّه به دیه پیدا می‌کند بلی اگر در یوم حادثه اداء تمام اشیاء معین شده برای دیه متعذر باشد در این صورت ممکن است گفته شود مخیر بین اداء قیمت یوم الحادثه آنچه از دیه قیمی است و اداء قیمت یوم الاداء مثل آنچه مثلی است می‌باشد. و اللّه العالم.

س ۲۰۷۸

اشاره

– شخصی با مراجعه به دادگاه اعلام می‌دارد برای خرج زیدی که بر اثر ضربه به وی مجروح گردیده ۲۰۰۰۰۰ تومان خرج دارو و درمان نموده است آیا می‌توان از دیه مقرره مبلغ فوق را کسر نمود یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه خرج مـذکور را با امر زیـد صـرف نموده می‌تواند از مقدار دیه کسـر کند یا دیه را بدهد و بعد مبلغ خرج شده را از زید بگیرد. و اللّه العالم.

س ۲۰۷۹

اشاره

– اگر شخصی به بچه‌ای که به سن بلوغ نرسیده جنایت وارد نماید و یا اینکه ضربه‌ای بزند که موجب دیه است آیا ولیّ شرعی (پدر یا جد پدری) و در صورت نبودن آنان حاکم شرع می‌تواند از دیه ضرب و جرح، جانی را عفو نماید یا نه؟

ج

– ولی شرعی اعمّ از پدر و جدّ پدری و وصی و حاکم شرع حق ندارد دیه ضرب و جرح جانی را عفو کند.

س ۲۰۸۰

اشاره

– اگر شخصی به غیر بـالغ امر کنـد که فلان شـخص را به قتل برسان بـدون آنکه بچه را اکراه به قتل کرده باشـد تکلیف شـرعی را نسبت به آمر و قاتل بیان فرمائید.

ج

– آمر، حبس ابد می‌شود و دیه مقتول به عهده عاقله قاتل است.

س ۲۰۸۱

اشاره

– شخصـی با اسـلحه ساچمه‌ای مورد اصابت یک گلوله واقع می‌شود، با توجه به اینکه ساچمه‌های گلوله تفنگ ساچمه‌زنی متفرق و به نقـاط مختلف بـدن اصـابت می‌نماینـد و ساچمه‌هـا بعضاً وارد بـدن می‌شود، آیا اصابت گلوله به شـرح فوق در حکـم جائفه واحد است و یا اصابت هر عدد ساچمه یک جائفه

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۳۸

محسوب می گردد؟

ج

– مجرد فرو رفتن ساچمه بر بدن جائفه نیست و جائفه عبارت است از وارد شدن سلاح به داخل شکم، بنابراین هر یک از ساچمه‌ها که به درون شکم رفته حکم جائفه دارد و الا حکم دیگر دارد و ظاهراً ساچمه‌های متعدّد که به محلّ متعدد بدن اصابت نموده هر یک حکم جدای خود را دارد و دیه آن به تعدد زخم متعدد است. و اللَّه العالم.

س ۲۰۸۲

اشاره

– شخصی در سالهای قبل بواسطه رساندن جنایتی بر دیگری محکوم به دیه شده، و به قیمت درهم از او دریافت دیه شده و مجنی علیه هم رضایت داده است اینک که مبلغ دیه بیشتر معیّن شده مطالبه ما به التفاوت را مینماید آیا چنین ادعایی از او مسموع است یا خیر؟

ج

– این مسأله و مطالبه مبلغ بیشتر ظاهراً مبنی بر این است که اجراء حکم صادر بر اداء دیه به قیمت درهم اشتباه بوده، یا از جهت اینکه دینار و درهم در زمان حاضر وجود خارجی ندارد علی هذا تعیین قیمت آن بی‌موضوع، و دیه متعین در چهار چیز دیگر می‌شود یا از این جهت که گفته شود هزار دینار یا ده هزار درهم که دیه کامله معلوم شده بلحاظ قیمت اشیاء دیگر بوده و جانی مخیّر شده بین اداء قیمت یا تحویل عین یکی از چهار چیز (شتر، و گاو و گوسفند و حلّه) و در هر دو صورت جانی به پرداخت قیمت هر یک از اشیاء چهارگانه هرکدام قیمتشان کمتر است یا تسلیم عین یکی از آنها محکوم می‌شود، اگر چه الزام مجنی علیه بر قبول قیمت و الزام جانی بر اداء آن با وجود عین اشیاء مذکوره بنابر وجه اوّل محلّ اشکال است بنابراین نظر به اینکه اعمال انجام شده بر اساس قیمت درهم صحیح نبوده و مجنی علیه و جانی از جهت جهل به این جهت رضایت داده‌اند باید بر اساس تحویل عین یا قیمت هر کدام از اشیاء چهارگانه که قیمت آن کمتر است دیه ادا شود، اگر جانی مبلغ بیشتری پرداخته استرداد کند و اگر کمتر پرداخته به مجنی علیه بپردازد، بلی اگر مجنی علیه با علم و اطلاع به تفصیل حکم مذکور رضایت داده حق مطالبه ما به التفاوت را ندارد.

س ۲۰۸۳

اشاره

– شخصی به علت واژگون شدن خودرو پایش شکسته و اعلان

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۳۹
بخشش نموده و رضایت به راننده داده، بعد از ۲۱ ماه میگوید حقّم را می‌خواهم آیا بعد از بخشش حق دارد یا ندارد؟ آیا پول خرج کرد را حق دارد یا دیه پا را؟
آیـا بعـد از اینکه پا خوب شـد تمام دیه پا را حق دارد یا ما به التفاوت سالم و ناسالم را؟ آیا ما بین سالم و ناسالم را بایـد دکتر معین کند یا خود شخص مدعی؟

ج

– در فرض سؤال مجنی علیه بعد از عفو و بخشش دیگر حق مطالبه دیه و یا خرج کرد را ندارد، و لو اینکه پای او معیوب شده باشد.

س ۲۰۸۴

اشاره

– همسـر و فرزند خردسالم تصادف کرده‌اند به طوری که هر دو زیر ماشـین رفته‌اند و از ناحیه پشت سـر تا قسـمت بناگوش و تقریباً نزدیک پیشانی پوست گرفته شده و ضـربات زیادی از آن تصادف دیده‌اند و همچنین همسرم که با این همه مشکلات زیادی که به وجود آمده بود بعد از مرخص شدن از بیمارستان سریعاً به دادگاه رفته‌اند و بدون دریافت دیه و بدون ضمانت از آن طرف رضایت داده‌اند آیا من حق مطالبه دیه را دارم؟

ج

– در فرض سؤال که همسرتان رضایت داده و از حق خود صرف نظر نموده دیگر حق مطالبه ندارد لکن نسبت به بچه رضایت مادر، اثری ندارد و می‌توانید دیه آن را مطالبه نمائید.

س ۲۰۸۵

اشاره

– پدرم طی سانحه‌ای به رحمت ایزدی پیوسـته است شخصـی که رانندگی خودرو سانحه دیده را به عهده داشته است، قاعدتاً توسط مراجع قضائی و قانونی به پرداخت دیه کامل و حبس تعزیری و کفاره محکوم خواهـد شد. قرار است این جانب جهت آمرزش روح مرحوم والـد از طرح شـکایت در مراجع دولتی خودداری نمـایم و در عوض، راننـده و عاقله‌هـای ایشان دیه کامل یک مرد مسـلمان آزاد را به این جـانب تـأدیه نماینـد که دارای وکـالت نامه ثبتی و شـرعی از وراث مرحوم می‌باشم. متمنی است پاسـخ دهیـد آیا این عمل حقیر منع شـرعی دارد یا خیر؟ و اگر پاسـخ منفی است متمنی است در ذیل کمیت و کیفیت دیه کامل مرد مسـلمان آزاد را که به قتل خطا تلف شده باشد، مرقوم بفرمائید.

ج

– در صورتی که بدون شکایت، عاقله و یا خود قاتل دیه را بپردازند شکایت

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۰

کردن لازم نیست و دیه کامله مرد مسلمان یکی از شش چیزی است که در رسائل عملیه ذکر شده به مسأله ۲۸۰۸ توضیح المسائل مراجعه فرمائید، و اختیار تعیین یکی از موارد با قاتل است.

س ۲۰۸۶

اشاره

– این جانب در سنّ پانزده سالگی در حالت جوانی که با کسی درگیری داشته‌ام با چوب سر وی را شکسته‌ام بطوری که پوست سر پاره شده الآن که پنجاه سال گذشته و حقیر او را نمی‌شناسم و نمی‌توانم پیدایش کنم تا رضایتش را حاصل نمایم دیه‌اش را معین کنید تا بپردازم و از مدیونی در بیایم البته مبلغ هزار تومان در این مورد به فقیر داده‌ام لطفاً جواب مرحمت فرمائید.

ج

– تفصیل دیه در مورد سؤال این است که اگر پوست سر پاره شده یک شتر و اگر به گوشت رسیده و قدری از آن را پاره کرده دو شتر و اگر خیلی از گوشت را پاره کرده سه شتر و اگر به پرده نازک استخوان رسیده چهار شتر و اگر استخوان نمایان شده پنج شتر و اگر استخوان شکسته ده شتر تا آخر مسأله که در توضیح المسائل مسأله ۲۸۱۵ ذکر شده و اگر دسترسی به او ندارید باید مقداری را که ضامن هستید از طرف او به فقیر غیر سید صدقه بدهید و چون احتیاط آن است که در این امر از حاکم شرع اجازه گرفته شود به شما اجازه داده می‌شود و آنچه را که قبلًا داده‌اید اگر بعنوان صدقه از طرف آن شخص بوده می‌توان از بدهی کسر کنید و چنانچه به هیچ‌وجه تمکن مالی از پرداخت آن نداشته باشید می‌توانید فقیر غیر سیّدی را پیدا کنید و مبلغ بدهی را از کسی قرض نمائید و به آن فقیر بدهید و او با رضایت قلبی واقعی بعد از قبول، به شما برگرداند البته اگر تمکن داشته باشید که تدریجاً بپردازید عمل بنحو مذکور مبرء ذمّه نیست.

س ۲۰۸۷

اشاره

– در اثر درگیری دسته جمعی یک نفر کشته شده، اهل قریه‌ای که آن نفر را کشته‌اند باید دیه پرداخت نمایند- با توجه به این که بعضی از این مردم که در اینجا زمین دارند در هیچ یک از برنامه دعوی و قتل شرکت نداشتند و در خارج از کشور زندگی می‌کنند آنهائی که در آنجا هستند ادّعا دارند که باید دیه مقتول را همه پرداخت نمایند چه در قتل و دعوی شرکت داشته و چه

نداشته‌اند

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۱
و در غیر این صورت حق ندارند از زمین شان یا کوه عام استفاده نمایند آیا آنانی که در قریه حاضرند می‌توانند- از آنهائی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند و در دعوی و قتل شرکت ندارند مطالبه کنند یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال کسانی که در درگیری دسته جمعی نبوده‌اند دیه بدهکار نیستند و ممانعت آنها از استفاده ملک مشروعشان جائز نیست.

س ۲۰۸۸

اشاره

- دو نفر عمداً و یا خطأً تیری را به فردی شلیک نموده‌اند که موجب قتل وی گردیده و معلوم است که قتل بوسیله یکی از دو تیر صورت گرفته ولی تیر کدامیک بوده غیر معلوم است حکم شرعی را بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال، چنانچه اولیاء دم بدانند یا احتمال بدهند که خود آن دو نفر میدانند که تیر کدامیک آنها اصابت کرده می‌توانند هر دو نفر را قسم بدهند بر نفی علم، پس اگر هر دو قسم بخورند بر عدم علم یا هیچ‌یک قسم نخورد و قتل عمدی باشد باید دیه را مشترکاً به ورثه مقتول بدهند و اگر خطائی باشد عاقله هر دو مشترکاً بدهند ولی اگر یکی از دو نفر قسم بخورد و دیگری نکول کند قتل بر ناکل ثابت می‌شود که اگر عمدی است قصاص می‌شود و اگر خطائی است دیه بر عاقله اوست.

س ۲۰۸۹

اشاره

- شخصی پول خوبی گرفته البته بدستور دادگاه ... شخص فاعل که پول را ... کرده چند صغیر تحت تکفل دارد که از آن پسرش و چند آن خون دارد ... این شکل یک ماشین پیکان بوده و یک ساختمان ... ایشان واگذار نموده به خانواده مقتول و فعلًا منتظر می‌باشد و هیچ ... ندارد ... کند آیا این پول که خانواده مقتول گرفته می‌توان خرج ساختن مسجد کرد یا خیر؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه قتل شبه عمد بوده مدت اداء آن دو سال است و اگر عمد بوده و تراضی به دیه شده یک سال و اولیاء مقتول حق ندارند قاتل را مجبور به پرداخت فوری کنند علاوه بر اینکه دیه دین است بر ذمّه قاتل، و اولیاء مقتول نمی‌توانند قاتل را مجبور به واگذاری خانه محلّ سکونت خود و یا فروش آن نمایند مانند سایر دیون و در هر حال پولی که بعنوان دیه بر طبق حکم شرع گرفته شود اولیاء مقتول در مصرف آن مختارند لکن اگر امرار معاش قاتل منحصر است به ماشین و موهائی که واگذار نموده مقتضی است کبار ورثه مقتول هر کدام از سهم خود مقداری از آنها را با رضایت خود به قاتل برگردانند تا بتواند زندگی خود را اداره کند امید است ان شاء اللّه از اجر و ثواب الهی بهره‌مند شود.

س ۲۰۸۹

اشاره

– این جانب مرتکب قتل غیر عمد شده‌ام و از طرف دادگاه محکوم به مبلغ چهار میلیون و هفتصد هزار تومان به دیه شتر شده‌ام ولی خدا و رسول او گواه بر این مطلب هستند که این جانب قادر به پرداخت دیه نیستم چون وضع زندگی من بسیار ضعیف و در سطح پایین می‌باشد و الان مدت پنج سال است که در زندان به سر می‌برم (به علت پرداخت نکردن دیه) و خرج و مخارج زندگی این جانب در این مدت پنج سال از ناحیه فامیلان صورت گرفته لذا نظر حضرتعالی برای موارد ذکر شده چیست آیا دادگاه می‌تواند از طریق اعسار دیه این جانب را از بیت المال پرداخت نماید؟

ج

– به طور کلی دیه قتل (شبه عمد) حکم سائر دیون را دارد، در صورتی که برای قاضی بعد از تحقیق ثابت شود که قاتل غیر از مستثنیات دین مالی ندارد که دیه را ادا کند نباید او را حبس کند بلکه باید او را آزاد کند تا وقتی که تمکّن پیدا کرد دیه را ادا کند. و اللّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۲

دیه تنبیه فرزند

س ۲۰۹۰

اشاره

– شخصی برای تربیت کردن فرزندانش دست به کتک با کمربند و یا هر چیز دیگری می‌زند و آنان را به وضعی تنبیه می‌کند که جای آن کبود، سیاه می‌شود و یا خون می‌آید آیا چنین کاری شرعاً جایز است؟

ج

- تأدیب فرزنـدان بر پـدر لازم است لکن در حـدودی که شـرع مقدّس اجازه داده و دسـتور شـرع به اتفاق همه مراجع این است که تنبیه باید بنحوی باشد که موجب دیه نشود پس اگر طوری باشد که بدن یا صورت سرخ یا کبود یا سیاه شود و یا خون بیاید حرام و معصیت اسـت و هر یـک دیه دارد که تفصـیل آن در توضـیح المسائـل مسـأله ۲۸۱۶ ذکر شـده ضـمناً یـادآوری می‌شود زدن زیاد مخصوصاً به صورت مذکوره در سؤال، غالباً نتیجه معکوس دارد و در آینده عکس العمل‌های غیر مطلوب از طرف فرزندان دارد به هر حـال بایستی کمال ملاحظه را در تأدیب فرزنـدان نمود که هـدف تربیت باشـد نه تشـفّی قلب و غیره که به خاطر حال عصبی که پیدا شده پیش می‌آید.

س ۲۰۹۱

اشاره

- شخصـی فرزند خودش را طوری زده است که دیه واجب شده و این شـخص دیه را به صاحب دیه نپرداخت تا فرزند بالغ شد حال باید دیه را بدهد به فرزند و اگر فرزند خودش ببخشد یا مصالحه کند بریء الذّمهٔ می‌شود یا نه؟

ج

- در مورد سؤال اگر فرزند دیه را ببخشد و یا مصالحه کند پدر بریء الذمه می‌شود.
و اللَّه العالم

س ۲۰۹۲

اشاره

- معلّمی که شاگرد خود را کتک بزند بحدّی که دیه واجب شود، دیه را به ولیّ شرعی می‌دهند یا بعد از بلوغ به فرد مضروب؟ و اگر دیه را به پـدر کودک دادنـد آیا او می‌تواند مصـرف کند یا باید نگهدارد و بعداً به فرزند بدهد؟ و اگر کودک کتک خورده بعد از بلوغ و رشد فکری بگوید من راضی هستم و پدر قبلًا مقدار دیه را مصرف کرده باشد باید برگرداند یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال باید دیه به ولیّ شرعی طفل پرداخت شود و ولیّ باید دیه را برای طفل حفظ کند یا به مصارف لازم او برساند بلی ولیّ می‌تواند بعنوان قرض
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۳
دیه را مصرف نماید و بعد از بلوغ طفل به او بپردازد و طفل بعد از بلوغ می‌تواند عفو نماید و عین دیه را اگر باقی باشد یا عوض آن

را به جانی برگرداند ولی بر ولیّ میت که طبق ولایت عمل کرده چیزی نیست. و اللَّه العالم

دیه جنین

س ۲۰۹۳

اشاره

- زنی اقدام به سقط جنین نموده است آیا کفاره دارد یا نه؟ اگر دارد چه مقدار است و چه چیزی است و باید به چه کسی بدهد؟ آیا دیه به زن تعلّق می گیرد یا به شوهرش؟

ج

- این کار، دیه دارد و دیه آن در حال نطفه بودن بیست مثقال شرعی طلای سکه دار است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است و اگر علقه یعنی خون بسته باشد چهل مثقال و اگر مضغه یعنی پاره گوشت باشد شصت مثقال و اگر استخوان شده باشد هشتاد مثقال و اگر گوشت آورده ولی هنوز روح در او دمیده نشده باشد صد مثقال و اگر روح دمیده شده چنانچه پسر باشد هزار مثقال و اگر دختر باشد پانصد مثقال و دیه را در مورد سؤال اگر خود زن قرص و دوائی که موجب سقط می‌شود خورده باشد باید زن بدهد و اگر دکتر مرتکب سقط جنین شده دیه بر ذمّه دکتر است.

س ۲۰۹۴

اشاره

- دیه سقط جنین بر زن واجب است یا بر دکتری که آمپول می‌زند یا کورتاژ می کند؟

ج

- هر کس مباشر سقط باشد ضامن دیه است و در فرض سؤال دکتری که آمپول می‌زند و بچه سقط می‌شود و یا کورتاژ می کند مباشر است. و اللَّه العالم

س ۲۰۹۵

اشاره

- اگر زن حامله فوت نماید و دکتر متخصص تشخیص بدهد که حمل زنده است دکتر می‌خواهد طبق وظیفه شرعی و انسانی با

عمل جراحی حمل را زنده از شکم مادر بیرون آورد ولی شخصی از اقرباء زن مانع خارج نمودن حمل می‌شود و بچه در شکم مادر فوت می‌کند لطفاً بیان فرمائید شخصی که مانع از خارج کردن حمل شده ضامن دیه بچه فوت شده خواهد بود یا خیر؟

ج

- اگر شخص مذکور بطور قهر مانع شده باشد ضامن دیه است و الّا منع غیر قهری او سبب سقوط تکلیف ولیّ طفل و همچنین پزشك نمی‌شود ولی با ترک تکلیف و عدم اخراج طفل ظاهراً کسی ضامن دیه نیست هر چند معصیت کرده‌اند. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۴

س ۲۰۹۶

اشاره

- اگر زن حامله کاری کند بچه‌اش سقط شود و در رسائل عملیه می‌نویسند که باید دیه آن را به وارث بچه بدهد و به خود زن از آن چیزی نمی‌رسد اگر شوهر اطلاع داشته و راضی باشد از این کار و اجازه بدهد در سقط جنین، آیا دیه به شوهر یعنی پدر این بچه می‌رسد؟ یا نه بلکه باید ببرادر و خواهر و جد و جده این بچه بدهد که طبقه دوم محسوبند و در صورت عدم تعلق به پدر آیا شوهر در اداء دیه با آن زن شریک است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اگر مادر مباشر سقط جنین بوده دیه بر عهده مادر است و باید آن را بشوهر بدهد، و اگر با موافقت و رضایت شوهر بوده احتیاط این است که پدر بچه و کسانی که بعد از پدر وارث بچه هستند که در مورد سؤال برادر و خواهر و جدّ و جدّه می‌باشند با هم مصالحه کنند و شوهر در اداء دیه با زن شریک نیست.

دیه اعضاء

س ۲۰۹۷

اشاره

- بر اثر درگیری و در مقام دفاع از نفس بطوری که داشتم خفه می‌شدم در فروردین ماه ۱۳۵۷ در اثر گاز گرفتن بینی یکی از مهاجمان قسمتی از نوک بینی ایشان کنده شد و این موضوع مورد تأیید کارشناس پزشکی قانونی و ریاست دادگاه قرار گرفته است و در نظریه پزشکی قانونی نوشته شده است قسمتی از نوک بینی پارگی و کندگی دارد نقص عضوی بوجود نیامده است.

علی‌هذا نظر باینکه طبق ماده ۳۵۸ قانون مجازات اسلامی دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل

انسان تعیین شده خواهشمند است در مقام استفتاء بیان فرمایید، کنده شدن قسمتی از نوک بینی که نقص عضو نیز ایجاد نشده باشد همان میزان دیه را دارد یا خیر؟

ج

– دیه کنده شدن نوک بینی که به آن روثه گفته می‌شود نصف دیه کامله است و در فرض سؤال که قسمتی از نوک بینی جدا شده دیه مقدّره ندارد و باید ارش داده شود و چون تعیین ارش در این زمان ممکن نیست طرفین باید با مصالحه یکدیگر را راضی نمایند بلی اگر در مقام دفاع از خود بوده و بغیر این طریق راه دیگری برای دفاع نداشته چیزی بر او نیست ولی اگر نزاع موضوعی در بین باشد مرافعه شرعیه

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۵

لازم است. و اللَّه العالم.

س ۲۰۹۸

اشاره

– اگر گلوله به دست یا پای کسی فرو رود و از طرف دیگر خارج شود و موجب فلج دست یا پا نیز بشود آیا فقط دیه جائفه بر عهده جانی است یا دیه فلج نمودن دست یا پا یا هر دو دیه بر عهده جانی مستقر است و در هر صورت اگر زخم ظاهری نیز ایجاد شده باشد دیه مستقل دارد یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال باید دیه فلج شدن که دو ثلث دیه خود عضو است داده شود و با حصول فلج چیزی جهت زخم ظاهری آن زائد بر دو ثلث دیه عضو لازم نیست.

س ۲۰۹۹

اشاره

– اگر در اثر جنایت جانی مچ دست کسی بشکند و در اثر ضربه، محدودیت در حرکت دست به میزان هفتاد در صد ایجاد شود بیان فرمائید دیه چنین جنایتی چه می‌باشد.

ج

- اگر شکستگی زند موجب خشک شدن کف یا شل شدن تمام انگشتها شود دیه آن دو ثلث دیه دست است با توجه به اینکه توانائی حرکت دست هفتاد در صد از بین رفته است بعید نیست که جانی ضامن هفتاد در صد دو ثلث دیه تمام دست باشد لکن احتیاط به مصالحه ترک نشود.

س ۲۱۰۰

اشاره

- این جانب بعنوان کارگر در موتور آب مشغول کار بودم و موقع برگشت جهت صرف عصرانه و چای به موتورخانه، کارفرما مشغول دسته نمودن بیل بود و بنده را صدا زد بیا اینجا بنشین تا بیل را دسته بزنم و با هم برویم متأسفانه پیشه‌ای از بیل ایشان به چشم بنده فرورفت و ایشان به خانم خود دستور داد با آهن‌ربا پیشه را در بیاور متأسفانه خسارات جبران‌ناپذیری به چشم بنده وارد شده که قادر به جبران آن نیستم چون از نظر مالی خیلی بی‌بضاعت می‌باشم لذا خواهشمندم شما بفرمائید به این امر، ایشان باید دیه بپردازد یا خیر؟

ج

- در مورد سؤال اگر کار فرما و خانم ایشان باعث مصدوم شدن چشم شده‌اند باید دیه بدهند و نسبت به مقدار آن با هم مصالحه نمائید.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۶

س ۲۱۰۱

اشاره

- دیه شرعی مربوط به شکستگی استخوان گونه صورت، طرف چپ را تعیین فرمائید. ضمناً لازم به ذکر می‌باشد که عمل جراحی این شکستگی با پیوند استخوان از قسمت لگن انجام گرفته است.

ج

- دیه شکستگی استخوان صورت، ده شتر (عشر دیه نفس) است.

س ۲۰۱۰۲

اشاره

– پسر بچه ۱۱ ساله‌ای در اثر تصادف با ماشین، مضروب و مجروح گردیده که موارد جرح به شرح زیر می‌باشد:

۱– پوست و گوشت قسمت زیادی از ماهیچه ساق پا و ران مجروح و لِه گردیده (در حدی که گوشت‌های جدا شده از پا به زمین ریخته).

۲– باعث خرد شدن و قطعه‌قطعه شدن کاسه زانو و مفصل گردیده.

۳– بعضی از اعصاب و رگ‌های زیر زانو و ماهیچه‌ها که در سلامت و حرکت پا نقش دارند در حد پاره شدن بوده.

۴– صفحه رشد ما بین مفصل زانو (که از سنین کودکی الی ۱۸ سالگی باعث قد کشیدن و رشد استخوان ساق پا و ران می‌شود) از بین رفته در نتیجه این پا کوتاه می‌ماند و پای دیگر رشد طبیعی خود را دارد. نهایتاً پس از جراحی‌های مکرر و پیوندهای لازم، پای مصدوم کج و کوتاه و زانویش بی‌حرکت و مقداری خمیده مانده که طبق نظریه پزشکی قانونی در مجموع و شرایط فعلی ۶۵ درصد نقص عضو (نسبت به ارزش عضوی) ایجاد شده است خواهشمند است مقدار دیه و یا ارش را که شخص ضارب و مقصر نسبت به موارد فوق باید بپردازد را بیان فرمایید.

۵– جهت ترمیم گوشت و پوست پای مصدوم، از پای دیگرش گوشت و پوست برداشته و پیوند زده‌اند آیا پای سالم هم که تکه‌برداری شده و اثراتش باقی است، ارش دارد؟

ج

– ظاهراً مورد سؤال از موارد رضّ است و چون صدمه به پای مصدوم وارد شده و با معالجه بهبودی کامل نیافته دیه آن یک ششم دیه کامله است که باید پرداخت شود ولی نسبت به گوشت و پوست پای دیگر مصدوم که جهت معالجه جراحت وارده برداشته شده و اثرش نیز باقی مانده جانی ضمانی ندارد. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۷

س ۲۱۰۳

اشاره

– فردی در اثر ضربه وارده به سر وی– خونریزی، داخلی مغزی پیدا کرده است و جرحی به سر وی وارده نشده تا به کیسه مغز برسد آیا این عمل به حکم ماموه و جانی باید ثلث دیه را بپردازد یا آنکه ارش باید بپردازد؟

ج

– مورد سؤال ظاهراً از موارد مأمومه نیست و از موارد ارش است و چون تعیین ارش در این زمان به دقت ممکن نیست باید اختلاف با مصالحه حل شود. و اللّه العالم.

قتل عمد و خطا

س ۲۱۰۴

اشاره

- شخصی غیر وارد، یک خانه درست کرده متأسّفانه یک عدّه زیر آوار مانده، خانه خراب شده است، کارشناسان و معماران ارزیابی نموده و تشخیص میدهند که خانه خراب شده را کسی درست کرده است که وارد نبوده، و در مصالح ساختمانی هم خیانت شده است لذا از حضرت عالی تقاضامندیم که آیا قتل عمد است یا خیر؟

ج

- مورد سؤال، قتل عمد محسوب نمی‌شود.

س ۲۱۰۵

اشاره

- ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی- قتل در موارد زیر قتل عمدی است- بند ن: مواردی که قاتل عمداً کاری انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد، نظر حضرتعالی چیست؟

ج

- بلی در صورت مذکوره قتل عمد است. و اللّٰه العالم

س د ۲۱۰

اشاره

- در قتل اگر قاتل قصد زدن را داشته باشد اما قصد کشتن نداشته باشد اینگونه قتلها عمد است یا خیر و چه حکمی دارد؟ مثلًا برای ترساندن یا تنبیه کردن.

ج

- اگر با وسیله‌ای باشد که غالباً قتل به آن واقع می‌شود و ضارب عالم به این جهت باشد اگر چه قصد قتل نداشته باشد حکم قتل عمد را دارد.

س ۲۱۰۷

اشاره

- اگر دو نفر یا بیشتر یک نفر را عمداً بکشند آیا اولیاء مقتول می‌توانند
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۸
با پرداخت دیه قاتلین، تمام قاتلین را اعدام کنند یا خیر؟

ج

- اولیاء دم می‌توانند با پرداخت دیه اضافی قاتلین را قصاص کنند.

س ۲۱۰۸

اشاره

- ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی، در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می‌شود، نظر حضرتعالی چیست؟

ج

- مورد سؤال قتل خطا است. و اللّٰه العالم.

س ۲۱۰۹

اشاره

- مردی ۴۰ سال قبل زن سیده‌ای را متعه کرده اولادی از او متولد شده زن دائمی آن آقا، شوهر را وادار کرده که بچه را از بین ببرند دو نفری مقداری تریاک در نعلبکی ریخته او را می‌کشند حالا پشیمان شده‌اند آیا دیه او را باید در چه راه صرف کنند؟ (البته آن سیده که متعه بوده فوت کرده برادر او زنده است).

ج

- پناه بخداوند متعال از اغوائات شیطان و تسویلات نفس اماره البته عاملان این عمل فجیع باید در توبه و استغفار، اهتمام و اصرار نمایند و کفاره قتل نفس عمدی کفاره جمع، آزاد کردن مملوك، دو ماه پی‌درپی روزه و اطعام شصت مسکین است که هر کدام محلول تریاك را بحلق طفل ریخته و او را کشته است باید از عهده این کفاره برآید و نسبت به آزاد کردن مملوك چون فعلًا غلام و کنیز در دسترس نیست تکلیف ندارد و اما دیه اگر کسی که محلول تریاك را به طفل خورانده پدر او بوده باید دیه بدهد و دیه به وارث او که مادر او بوده می‌رسد و اگر او فوت کرده بوارث او می‌رسد و اگر کشنده طفل که محلول را باو خورانده زن پدر او بوده حکم قتل عمدی را دارد که قصاص است و ناچار باید بوارث مادر مقتول مراجعه نماید که یا به تفضیلی که در فقه معیّن شده تحت نظر حاکم شرع جامع الشرائط قصاص شود و یا ورثه مادر را راضی به عفو و گذشت نمایند البته حکم مجازات هر کدام که بچه را نگاه داشته تا دیگری او را بکشد در صورت ثبوت نزد حاکم شرع حبس دائم است ولی چون موضوع در محضر حاکم مطرح نشده اقرار بجرم نزد او واجب نیست امید است با همان توبه و استغفار جبران بشود. و من یعمل سوءاً أو یظلم نفسه ثم یستغفر اللّه یجد الله غفوراً رحیماً و اللّه العام

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۴۹

س ۲۱۱۰

اشاره

- در حال رانندگی با موتورسواری تصادف نموده و منجر به مرگ او شد حال علاوه بر دیه معمولی مبلغی به خاطر وقوع در ماه رجب از من مطالبه می‌شود آیا در قتل خطائی هم می‌توانند چنین مبلغی را مطالبه نمایند یا فقط در قتل عمد و شبه عمد است؟ و در صورت جواز مطالبه به چه کسی باید پرداخت گردد؟

ج

- تغلیظ دیه اضافه بر دیه معمولی در ماههای حرام نسبت به قتل عمد و شبه عمد ثابت ولی در مورد قتل خطائی محلّ اشکال است و بهتر است نسبت بمقدار زائد بر دیه معمولی بین طرفین مصالحه شود و مقدار زائد باید به ورثه مقتول داده شود. و اللّه العالم

عاقله

س ۲۱۱۱

اشاره

- استحضار دارید نظریه مشهور بین فقها در قتل خطای محض که با بیّنه ثابت می‌شود، آن است که دیه مقتول بر عهده آن دسته از خویشاوندان قاتل که عاقله نامیده می‌شوند، می‌باشد و آنها می‌بایست دیه را پرداخت نمایند و لازم نیست خود قاتل چیزی بپردازد. و همچنین است در جنایات مربوط به صغار یا مجانین که دیه مقتول بر عهده عاقله صغیر یا مجنون است.

آیا این نظریه که حکم مزبور منحصر به جوامعی است که ساختار اجتماعی آنها در قالب یک نظام قبیله‌ای باشد، درست است؟ یا به نظر حضرت عالی، ارتباطی به نوع زندگی اجتماعی نداشته، شامل همه جوامع در همه زمانها و مکانهاست؟

ج

- احکام شرعیّه بطور کلی شامل همه جوامع و اماکن و همه ازمنه و اعصار است و فتح باب مثل این احتمال در مثل این حکم که اختصاص به زمانی دون زمان یا قبیله و مردم خاصی داشته باشد که قابل تسریه به بسیاری از احکام است با خاتمیّت اسلام و جاودانی بودن دین حنیف منافات دارد «و من یبتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» حلال محمد حلال إلی یوم القیامة و حرامه حرام إلی یوم القیامة.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۰

س ۲۱۱۲

اشاره

- در صورت پذیرش نظریه مشهور، آیا عاقله، تکلیفاً مسئول پرداخت دیه است و ضمان بر عهده خود قاتل می‌باشد، یا این حکم در موارد مزبور، تکلیفاً و وضعاً، بر عهده عاقله ثابت است و قاتل هیچ نوع مسئولیتی ندارد؟

ج

- حکم نسبت به عاقله وضعی است که حکم تکلیفی اداء دیه از آن منتزع است.

س ۲۱۳۱

اشاره

- فرزند ۳ ساله این جانب در یک جلسه مهمانی در موقع صرف میوه که با بچه‌های دیگر مشغول بازی بوده ناگهان چاقوی میوه‌خوری پرتاب می‌کند و به چشم پسر بچه دیگری برخورد کرده و بطور کلی یک چشم کودک مضروب از کار افتاده و بکلی دید ندارد و در اثر بازی این حادثه رخ داده است و بزرگترها هیچ‌گونه مداخله‌ای نداشته‌اند استدعا دارد طبق موازین شرعی حکم را مرقوم فرمائید

ج

- ظاهراً در مورد سؤال دیه بر عاقله است.

حکم دیه اعضاء میت

س ۲۱۱۴

اشاره

- سوزاندن میّت و جدا نمودن سر او از بدن دیه دارد یا نه و در صورت دیه وارث از آن ارث می‌برد یا خیر؟

ج

- دیه دارد و ورثه از آن ارث نمی‌برد باید مصرف خیرات جهت میّت بشود.

احکام دیه در سوانح رانندگی

س ۲۱۱۵

اشاره

- اگر راننده‌ای ناگهان خود را مخیر بین دو محذور ببیند مثلًا یا باید از تصادف با ماشین مقابل فرار کند و به ناچار با عابر پیاده برخورد نماید و یا با ماشین مقابل تصادف نموده و موجب قتل مسافرین گردد و سرانجام راه اوّل را انتخاب نموده و با عابر برخورد و موجب قتل عابر شود آیا قتل عمد محسوب
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۱
است و حکمش قصاص است و یا حکم دیگری دارد؟

ج

- مسأله شقوق و فروض مختلف دارد، یک فرض اینست که راننده ماشین ببیند ماشینی که از روبرو می‌آید بوضع غیر عادی و غیر مجاز چنان در حرکت است که تصادم او با او، و تلف مسافرینش و بلکه مسافرین ماشین روبرو قطعی است و برای نجات خود و مسافرینش راهی غیر از تغییر مسیر و قتل عابر پیاده نباشد در این صورت تغییر مسیر و قتل عابر پیاده برای دفع خطر ماشین مذکور جایز نیست و قتل، قتل عمد و قصاص دارد و دوران امر بین المحذورین نیست فرض دوم این ستکه ماشین او خود بخود با ماشین مقابل یا شیء دیگری تصادم می‌کند و رفع تصادم متوقف بر قتل عابر پیاده است در این صورت نیز قتل عابر جائز نیست و قتل عمد است و مثل این ستکه سیل به خانه‌ای که در آن ده نفر باشند متوجّه باشد و شخصی آن را بخانه‌ای که پنج نفر در آن تلف می‌شوند بگرداند فرض سوّم این ستکه حادثه طوری پیش آمده باشد که راننده یا باید ماشین را باختیار به سمتی که تصادف در جلو دارد ببرد و جمعی را هلاک کند یا بسمتی که منجر بقتل یک نفر می‌شود، برود در این صورت عقلًا بلکه شرعاً باید اقل المحذورین را

انتخاب نماید و نظیر آن این سکته راننده ملاحظه کند یا باید به اختیار ترمز کند و عدّه‌ای تلف شوند یا باید جلو برود و به تصادف با خطر دیگری برخورد کند که در این صورت هم اقلّ المحذورین را باید انتخاب کند و به هر حال در صوری که مسأله دوران امر بین المحذورین باشد و خود راننده سبب حادثه شده باشد چون قتل از روی عمد و قصد واقع می‌شود ظاهراً حکم قتل عمدی را دارد اگر چه احتیاط این سکته ورثه مقتول به دیه اکتفاء کنند و اگر راننده سبب نشده و حادثه در اثر مثل نقص فنّی و جریان ناگهانی واقع شده حکم قصاص ندارد و باید به دیه اکتفاء شود.

س ۲۱۱۶

اشاره

– اتومبیلی با سرعت مجاز و رعایت مقررات راهنمائی و رانندگی از کوچه‌ای در حال عبور بوده که ناگهان فردی از یکی از منازل با سرعت به قصد ورود به منزل مقابل بیرون می‌آید و با اتومبیل برخورد نموده و کشته می‌شود آیا قتل از موارد خطاء محض است و یا خون عابر هدر است؟

ج

– در این فرض اگر قتل مستند به بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی خود عابر باشد و
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۲
راننده با مراعات سرعت مجاز قادر بکنترل وسیله سواری نباشد ظاهر اینست که خون عابر هدر است و الّا قتل به هر صورت واقع شده شبه عمد یا خطا، حکم آن را دارد.

س ۲۱۱۷

اشاره

– اگر شخصی از راننده‌ای بخواهد او را به تهران ببرد، در وسط راه بر اثر بارندگی شدید و ترمز کردن راننده، ماشین دچار حادثه شود و شخص مسافر به رحمت خدا واصل شود، راننده اکنون زنده است. سؤال این است که نسبت به کفاره این قتل آیا راننده مسئولیتی دارد یا نه؟ (در ضمن در موقع بارندگی به امر مسافر راننده تصمیم می‌گیرد سرعت ماشین را کم کند ولی اشتباهاً ترمز می‌کند که منجر به واژگونی ماشین می‌شود)؟

ج

– در فرض سؤال که قتل بر اثر اشتباه راننده در ترمز گرفتن صورت پذیرفته است قتل خطائی است و کفاره آن بترتیب، عتق رقبه و ۶۰ روز روزه گرفتن و ۶۰ مسکین طعام دادن است که با عجز از هر کدام دیگری واجب می‌شود.

س ۲۱۱۸

- شخصی ماشین سواری دارد و کارش حمل مسافر و گرفتن کرایه نیست روزی رفیقش را با هدف احسان و خدمت به او سوار میکند که به مقصد برساند بدون کرایه در بین راه بر حسب اتفاق چرخ ماشین می‌ترکد و ماشین واژگون می‌شود و آن شخص فوت می‌کند آیا دیه او بر راننده واجبت یا خیر؟

ج- در فرض سؤال، چنانچه صاحب ماشین هیچ‌گونه مسامحه‌ای در رسیدگی به ماشین و برطرف نمودن عیب و نقص آن و همچنین در مراعات نحوه رانندگی از جهت سرعت و غیره ننموده قتل مستند به راننده نیست و دیه ندارد، و اگر در رعایت امور مذکوره مسامحه شده باشد قتل شبه عمد است و دیه آن بر عهده خود قاتل است. و اللّه العالم

س ۱۲۱۹

اشاره

- این جانب راننده نیسان‌بار با شخص موتورسواری تصادف کردم (یعنی موتور آمده روی ماشین) به‌هرحال موتورسوار فوت شده است و منجر بقتل خطایی و دیه متوجه این جانب شده است:

۱- قتل خطایی که دیه بر عاقله شخص فوت شده پسر عمومی مادر پدرم بود

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۵۳

است و نسبتا بین فامیلهای این جانب متمکن بوده و فعلا از اولیا دم همچنان متمکنند آیا عاقله شامل آنها خواهد شد که مرا در دیه کمک کنند.

۲- دیگر اینکه دیه خطایی در چند مدت باید ادا شود.

ج

- مدّت پرداخت دیه در قتل خطائی سه سال است و ابتدای مدت از حین موت مقتول است و نسبت بعنوان قتل خطائی بوده یا شبه عمد، اگر راننده وانت هیچ‌گونه تقصیری نکرده و تقصیر از موتور سوار بوده که خود را در معرض تصادف قرار داده راننده وانت ضامن نیست و اگر در وقوع تصادف هیچ‌یک مقصر نبوده است قتل خطائی است و عاقله که باید دیه را بدهد عبارت است از خویشان پدری قاتل مانند پدر و عمو و جدّ پدری و برادر و پسر عمو و در مورد قتل خطائی، دیه بر عهده قاتل نیست و چنانچه بیان شد بر عاقله است. و اللّه العالم

س ۲۱۲۰

اشاره

- در تصادفی ما بین اتوبوس و موتوری و خاور، راکب موتورسیکلت فوت مینماید نحوه تصادف به شرح زیر بوده:

۱- اتوبوس شهری در جاده در حرکت بوده که بعلت متوقف شدن ماشین قبلی متوقف می‌شود و برای اینکه به حرکت خود ادامه بدهد بدون توجه به وضعیت پشت سر خود و نگاه به آئینه سمت چپ فرمان را به سمت چپ می‌پیچد.

۲- موتور سواری که از پشت سر اتوبوس و در جهت اتوبوس حرکت مینموده به محض انحراف اتوبوس به قسمت بدنه جلو اتوبوس اصابت نموده و کنترل موتور از دستش خارج و به وسط جاده پرتاب می‌شود. خاوری که از همان جاده و در جهت مخالف اتوبوس و موتوری در حرکت بوده موتور سوار را زیر لاستیک خود می گیرد و موتوری فوت می‌نماید.

۳- راننده اتوبوس مدعی است موتوری پس از پرتاب شدن و به زمین خوردن بلند شد و ایستاد و اگر راننده خاور سرعتش زیاد نبوده و او را زیر نمی گرفت موتوری کشته نمی‌شد. بعضی از شهود و ناظرین صحنه اظهار میدارند راکب موتور پس از خوردن به زمین بلند شد و نشست و دستهای خود را روی سر گرفت که خاور او را زیر گرفت.

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۴

۴- هیچ گونه خط ترمزی از خاور در جاده مشاهده نشده است.

۵- راننده اتوبوس و بعضی از شهود و ناظرین صحنه اظهار می‌دارند فاصله خاور با راکب حدود بیست متر بوده است ولی راننده خاور مدعی است که فقط صدائی شنیده است و پس از ایستادن متوجه شده موتوری زیر چرخ خاور رفته و منظورش این است که فاصله‌اش با اتوبوس در حین برخورد موتورسیکلت بسیار کم بوده.

۶- کارشناسان تصادف، مقصر در حادثه را راننده اتوبوس بعلت انحراف به چپ می‌دانند با توجه به شرح واقعه و سببیّت اتوبوس و مباشرت خاور حکم موضوع را بیان فرمائید آیا در صورتی که ثابت شود فاصله خاور حدود بیست متر بوده و هیچ گونه اثر ترمزی نیز از خاور مشاهده نشده می‌توان راننده خاور را مقصّر صد در صد فرض نمود، یا اینکه در هر صورت سبب اقوی از مباشر بوده و در نتیجه اتوبوس مقصر در حادثه و ضامن دیه است یا حکم دیگری دارد؟

ج

- با فرض اینکه موتور سواری که به اتوبوس خورده پس از آن زنده بوده و موت او بواسطه این واقع شده که خاور او را زیر گرفته چنانچه خاور با سرعت مجاز در حرکت بوده و راننده قادر به کنترل آن نبوده ظاهراً قتل مستند به راننده اتوبوس می‌شود زیرا سبب اقوی از مباشر است و اگر خاور با سرعت غیر مجاز در حرکت بوده یا راننده قادر به کنترل آن بوده است قتل به راننده خاور مستند می‌شود. البته استناد قتل به راننده خاور موجب سقوط دیه جراحاتی که از جهت اتوبوس به مقتول وارد شده نیست و اگر راننده اتوبوس با راننده خاور در دعوی اختلاف داشته باشند و با بیّنه شرعیّه دعوی احد طرفین ثابت نشود و قاضی نیز از اوضاع و احوال و امارات علم پیدا نکند مورد، مورد تحالف است و با تحالف طرفین بعید نیست که اگر طرفین به تنصیف دیه توافق نکنند حکم رجوع به قرعه باشد.

س ۲۱۲۱

اشاره

- این جانب مدت ۹ سال است که با فردی یک دستگاه اتوبوس که هر کدام سه دانگ از آن را به شراکت خریدیم و در این مدت شریکم راننده آن بوده است و هر چه بدست می‌آورد، بدون پرسیدن از آن هر بار مقداری از درآمد به این جانب می‌داد و در مخارج اتوبوس هم، با هم شریک بودیم. در اواخر ماه صفر

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۵

به علت خارج شدن اتوبوس از جاده و واژگون شدن ان راننده شریکم و یک نفر از مسافران آن کشته شدند. لازم به ذکر است که

وضع زندگی آنها از لحاظ مالی خوب می‌باشد و قیم آنها نیز خانمش می‌باشد و فرزندان مرحوم ۸ نفر و خانواده خودم نیز ۱۰ نفر می‌باشند. اکنون وظیفه ما نسبت به سهمی که به شراکت داشتیم از لحاظ شرعی چیست؟ آیا خسارت ناشی از حادثه با خانواده شریکم راشد می‌باشد یا به طور شراکت؟

ج

– بطور کلی مجرد شرکت در ماشین موجب شرکت در ضمان دیه مقتول نیست دیه مقتول اگر قتل شبه عمد باشد بعهده قاتل است و اگر خطائی باشد بعهده عاقله قاتل است و اما نسبت به خسارت وارده بخود ماشین اگر راننده تعدّی و تفریط در محافظت ماشین نکرده باشد ضامن خسارت وارده بر ماشین نیست. و در نزاع موضوعی مرافعه شرعیه لازم است. و اللّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۷
قصاص
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۵۹

قصاص

احکام قصاص

س ۲۱۲۲

اشاره

– آیا مجازات قتل عمد فقط قصاص است یا قصاص و دیه؟

ج

– مجازات قتل عمد قصاص است بلی اولیاء دم می‌توانند با دریافت وجه یا بدون آن از قصاص صرف نظر نمایند. و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۳

اشاره

– آیا قصاص حق انحلالی است یا غیر انحلالی (بسیط) است؟

ج

– حق قصاص برای همه اولیاء دم است و اگر بعضی از آنها عفو کنند باید قصاص‌کننده به مقدار سهم عفوکننده از دیه را به ورثه قاتل بدهد و اگر بعضی از اولیاء دم راضی به دیه شوند باید قصاص‌کننده به مقدار سهم راضی شونده از دیه را، به راضی شونده بدهد. و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۴

اشاره

- آیا برای اجرای اعدام در مواردی که شارع نحوه آن را مشخص ننموده است، واجب است حکومت نوعی را انتخاب کند که حد اقل درد را برای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۰
محکوم دربرداشته باشد؟

ج

- در فرض سؤال بر حاکم شرع واجب نیست کیفیت مذکور در سؤال را انتخاب کند.
و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۵

اشاره

- اگر اولیاء مقتول بعضی صغیر و بعضی کبیر باشند اولیاء کبیر می‌توانند با پرداخت حقّ اولیاء صغیر قصاص کنند؟

ج

- مانعی ندارد. و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۶

اشاره

- آیا ولیّ و یا قیم می‌تواند به نیابت از صغار مطالبه قصاص نماید؟

ج

- نمی‌تواند. و اللَّه العالم.

س ۲۱۲۷

اشاره

- آیا می‌شود قاتل را در زندان نگه داشت تا اینکه صغار کبیر شوند؟

ج

– چنانچه با گرفتن کفیل و ضمان اطمینان به دسترسی به قاتل پیدا شد نگهداری او در زندان مجوز شرعی ندارد و نگهداشتن قاتل در زندان تا کبیر شدن صغیر ظلم بر قاتل است (بلکه اگر کفیل و ضمانی هم نباشد نگهداشتن قاتل در زندان جائز نیست). و اللّه العالم.

س ۲۱۲۸

اشاره

– چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو نماید حق قصاص ساقط می‌شود و اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند نظر حضرتعالی چیست؟

ج

– بر حسب فتوای جمعی از فقهاء عظام حق قصاص ولیّ در صورت مذکوره ساقط نمی‌شود ولی به نظر حقیر جواز قصاص در غایت اشکال است. و اللّه العالم.

س ۲۱۲۹

اشاره

– شخصی دست کسی را می‌گیرد تا قدرت دفاع را از او سلب کند، ثالثی نیز نظارت و دیده‌بانی می‌دهد تا کسی مطلع نگردد و رابعی او را به قتل می‌رساند در این فرض اولًا مجازات قاتل و ممسک و دیده‌بان چیست و ثانیاً مجازات ممسک و دیده‌بان آیا حکم است تا قابل اسقاط نباشد یا حقّ است که با رضایت اولیاء دم قابل اسقاط باشد؟

ج

– مجازات قاتل قصاص است و مجازات ممسک حبس ابد است و مجازات

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۱

دیده‌بان این است که چشم او را کور کنند و مجازات ممسک و دیده‌بان با رضایت ولیّ دم ساقط می‌شود. و اللّه العالم.

س ۲۱۳۰

اشاره

– در رابطه با این فتوی که «من تعلّق علیه القصاص و قتله غیر ولیّ القصاص یقتصّ منه» آیا حق قصاص از اجنبی و غیر ولیّ قصاص مختص اولیاء دم اوّلی یعنی اولیاء دم مقتول اوّل است یا این قصاص، حقّ اولیاء دم دومی یعنی اولیاء دم قاتل است که خود مقتول

ثانی است؟ ضمناً این حق مختص به هر کدام باشد آیا حقّ دیگری باطل و موضوعاً منتفی می‌گردد یا تبدیل به دیه و امثال این می‌گردد؟

ج

- در فرض سؤال که مثلًا زید قاتل عمرو بوده و فرزند عمرو (ولی دم) حق قصاص داشته و بکر که اجنبی بوده زید قاتل را کشته است چون مقتول زید از جهت این که بدون اذن ولیّ دم (فرزند عمرو) واقع شده ظلماً بوده قصاص برای فرزند زید ثابت است که ولیّ دم زید است و ربطی به ولیّ دم عمرو مقتول (پسر عمرو) ندارد ولیّ دم عمرو حق دیه هم ندارد چون بعد از کشته شدن زید قاتل عمرو، محلّ قصاص باقی نیست تا زمینه برای تبدّل به دیه فراهم باشد. و اللَّه العالم.

س ۲۱۳۱

اشاره

- در صورتی که شخصی بر اثر قتل عمد مهدور الدم می‌شود اما قبل از این که اولیاء دم حق القصاص خویش را استیفاء کنند شخص دیگری فضولهٔ جانی را می‌کشد حال این شخص فضول قصاص می‌شود در مقابل کدام قاتل؟
اگر در مقابل قتل خودش باشد حق اولیاء مقتول اول چه می‌شود در مقابل کدام مقتول؟ اگر در مقابل قاتل خودش باشد حق اولیاء مقتول اول چه می‌شود؟ در صورت تبدیل به دیه چه کسی دیه را خواهد پرداخت؟

ج

- در مورد سؤال که شخص دیگر یعنی غیر ولیّ بدون دستور ولیّ دم جانی را کشته شخص مذکور به جهت قتل جانی قصاص می‌شود و چون مقتول اوّل از بین رفته زمینه قصاص برای جنایت او نیز از بین رفته است لذا تبدّل قصاص به دیه هم مورد ندارد و کسی که بی‌اجازه قاتل را کشته، فرزندان قاتل می‌توانند او را قصاص کنند و مربوط به ولیّ دم مقتول اوّل نیست. و اللَّه العالم.

س ۲۱۳۲

اشاره

- پسرم با وجود اینکه مریض روانی می‌باشد و تحت نظر پزشکان
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۲
متخصص اعصاب و روان بوده بعلت نزاع به قصاص محکوم و اولیاء مقتول تحت هیچ عنوانی رضایت نمی‌دهند و می‌خواهند فرزند مریض بنده را (که حتی به پزشک قانونی معرفی نکردند و ریاست دادگاه تحت عنوان اینکه از نظر بنده ایشان سلامت است) اعدام نمایند حالیه سؤال دارم که آیا با بودن مدارك و شهود و وجود خود فرد مریض روانی آیا شارع مقدس دین مبین حق اینچنین اجازت به حاکم و حاکمان خود تفویض نموده که چنین فرد روانی را اعدام نمایند یا خیر؟

ج

- بطور کلّی چنانچه به طریق شرعی ثابت شود که قاتل حین ارتکاب به قتل مبتلا به جنون بوده قصاص جایز نیست و باید دیه گرفته شود. و اللَّه العالم.

س ۲۱۳۳

اشاره

- اگر شخصی ولد زنا را به قتل برساند شخص قاتل را می‌توان قصاص کرد یا نه، و در صورت عدم جواز قصاص، مقدار دیه را بیان و وارث آن را مشخص فرمائید.

ج

- در مورد سؤال چنانچه ولد زنا بالغ بشود و بعد از بلوغ اسلام اختیار کند حکم سائر مسلمین را دارد و قتل عمدی او موجب قصاص است و امر قصاص کردن با حاکم شرع جامع الشرائط است و اگر در فرض بلوغ و اختیار اسلام بغیر عمد کشته شود دیه کامله دارد و دیه به حاکم شرع جامع الشرائط باید داده شود که در موردش مصرف نماید و اگر بعد از بلوغ اظهار اسلام نکند و یا قبل از بلوغ کشته شده در اصل ثبوت دیه و مقدار قصاص قطع عضو پس از پیوند آن تردّد است.

س ۲۱۳۴

اشاره

- مردی، زنی را به قتل رسانیده با توجه به این که وقوع قتل در ماه حرام موجب اضافه شدن ثلث دیه می‌شود، اگر اولیاء دم تقاضای قصاص جانی را داشته باشند، باید نصف دیه یک مرد در ماه حرام را به او بپردازند یا نصف دیه یک مرد در غیر ماه حرام را؟

ج

- نصف دیه یک مرد را در غیر ماه حرام بپردازند کافی است. و اللّه العالم

س ۲۱۳۵

اشاره

- در صورتی که بعد از اعدام و قبل از دفن در سردخانه یا پزشکی قانونی و ... در مجرم علائمی حیاتی دیده شود و با مداوا سلامت خود را بازیابد،
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۳
اجرای مجدد حکم چه صورتی دارد؟ آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟

ج

– در فرض سؤال ظاهراً حکم اجرای حد و قصاص به قوت خود باقی است. و اللّه العالم

س ۲۱۳۶

اشاره

– کسی که قرار است اعدام شود (حداً یا قصاصاً) اگر حدود و تعزیرات دیگری اقل از قتل بر او ثابت شود، می‌توان از آنها صرف نظر نمود؟

ج

– در فرض سؤال، نسبت به تعزیر امر موکول به نظر حاکم شرع است ولی حد باید قبل از اعدام اجرا شود، بلی چنانچه حد مربوط به حق الناس باشد و ذیحق بتواند آن را اسقاط کند ممکن است با صرف نظر کردن ذیحق، حد اسقاط شود مانند حدّ قذف. و اللّه العالم

قصاص قطع عضو پس از پیوند

س ۲۱۳۷

اشاره

– اگر جانی دست فردی را قطع کرد ولی مجدداً توسط طبیب پیوند زده شد در این فرض:
الف) بدون نقص و عیبی، دست مزبور صحیح و سالم شد.
ب) معیوب و شبیه عضو مفلوج است، جانی محکوم به پرداخت چه چیزی خواهد شد؟

ج

– اگر قطع دست، عمدی باشد جانی قصاص دارد و اگر غیر عمدی بوده در هر دو فرض دیه آن نصف دیه کامله است. پس اگر شبیه به عمد بوده دیه بر عهده جانی است و اگر خطایی بوده بر عاقله است.

مصالحه و بخشش قصاص

س ۲۱۳۸

اشاره

– آیا اگر اولیاء دم گذشت کنند قاتل را می‌توان حبس تعزیری کرد؟

ج

- تعزیر بستگی به نظر حاکم شرع دارد. و اللّٰه العالم.

س ۲۱۳۹

اشاره

- اگر کسی شخصی را عمداً به قتل برساند و مقتول دیون و بدهکاری به مردم داشته باشد درحالی‌که هیچ ما ترک از او بجانمانده باشد آیا اولیاء مقتول

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۴

می‌توانند قاتل را قصاص نمایند یا باید صلح به دیه نموده بدهی او را بپردازند لطفاً نظر مبارك را در این خصوص بیان فرمائید.

ج

- در فرض سؤال مصالحه بر دیه بر ورثه واجب نیست، میتوانند قصاص کنند و یا مصالحه بردیه و یا زیادتر و کمتر بنمایند.

س ۲۱۴۰

اشاره

- چنانچه دو نفر در قتل مردی شریك باشند و حکم به قصاص آنها صادر شده باشد و اولیاء دم خواستار اجرای قصاص در مورد یکی از قاتلان باشند و آن قاتل به جهت خسارتی که به اتومبیل مقتول وارده کرده به پرداخت مبلغی مساوی یا بیشتر از نصف دیه به وارث نیز محکوم شده باشد آیا اولیاء دم می‌توانند به ردّ نصف دیه به قاتل جهت اجرای قصاص ادعای تهاتر نمایند؟ در همین فرض برای پرداخت نصف دیه به قاتل، انتخاب نوع دیه با کیست؟

ج

- در مورد سؤال تعیین نوع دیه با ورثه مقتول است ولی اگر بعضی انواع آن که ارزانتر از همه است نایاب باشد نوع دیگر که ممکن است، به عنوان دیه معلوم می‌شود نه قیمت آنکه نایاب است، و چون خسارتی را که قاتل به مال مقتول رسانده مثلًا یا قیمةً ضامن است و غیر از نوع دیه‌ای است که ورثه مقتول باید به او بپردازند حصول تهاتر مشکل است. و اللّٰه العالم.

س ۲۱۴۱

اشاره

- شخصی زنش را به قتل رسانده و کسی هم از این ماجرا خبر ندارد آیا راهی وجود دارد؟

ج

- با فرض اینکه مرتکب قتل شده، چنانچه رضایت اولیاء مقتوله را تحصیل نماید انشاء اللّه توبه‌اش مورد قبول واقع می‌شود. و اللّه العالم.

س ۲۱۴۲

اشاره

- در مواردی که اولیای دم تقاضای عفو قاتل را داشته باشند و یا مطالبه دیه نمایند، ولی با توجه به عوارض سیاسی اجتماعی، حکومت بخواهد قاتل را قصاص نماید آیا امکان این کار وجود دارد و در صورت عدم رضایت اولیای دم آیا باید مبلغ دیه از بیت المال به آنان پرداخت گردد؟ آیا ولی امر مسلمین با ولایتی که بر خود «ولی دم» دارد می‌تواند بر خلاف وی تقاضای
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۵
قصاص نماید؟

ج

- در صورتی که ولیّ دم عفو کند و یا راضی به دیه باشد اعدام به عنوان قصاص جایز نیست. بلی اگر جهت دیگری در بین باشد که حکم آن شرعاً اعدام باشد مسأله دیگری است. و اللّه العالم.

س ۲۱۴۳

اشاره

- اجرای قصاص نفس از ناحیه مادر مشروط به ردّ نصف دیه یک مرد مسلمان به قاتل و تأمین و تضمین سهم صغیره می‌باشد، اگر مادر مقتوله ضمن تقاضای اجرای قصاص اظهار عجز از ردّ نصف دیه به قاتل و نیز سهم صغیره نماید، آیا قصاص قهراً به دیه تبدیل می‌گردد و یا باید رد و تأمین دیه از طریق بیت المال شود و قصاص اجرا گردد؟ و یا حق قصاص تا زمان یسار ولی دم باقی و قاتل رها گردد؟

ج

- در فرض سؤال اگر چه فتوای بعض اکابر از معاصرین رحمه اللّه عدم حق قصاص و عفو برای زنها است ولی اقرب بنظر ثبوت حق مذکور برای زنها است بنابراین اگر زن موسره نباشد و از اداء نصف دیه عاجز باشد تا زمان یسار او اجراء حکم قصاص موقوف و قاتل آزاد می‌شود. و اللّه العالم.

س ۲۱۴۴

اشاره

- اگر قاتل اظهار نماید من حق خودم نسبت به نصف دیه گذشت می‌نمایم و قصاص اجرا شود آیا حق گذشت دارد و یا چون دیه

در آتیه جزء ماترک محسوب می گردد حق گذشت ندارد؟

ج

- بر حسب روایات نصف دیه باید قبل از قصاص باولیاء قاتل ادا شود و قاتل حق عفو نصف دیه خود را ندارد. و اللّه العالم.

س ۲۱۴۵

اشاره

- در همین فرض اگر قاتل نسبت به سهم خودش اعلام گذشت نماید در صورت عجز ولی دم از تأمین سهم صغیر تکلیف چیست؟

ج

- چنانچه گفته شد قاتل حق عفو نصف دیه را ندارد و تأمین سهم صغیر و عدم آن در حکم بجواز قصاص با اداء نصف دیه اثری ندارد. و اللّه العالم.

س ۲۱۴۶

اشاره

- اگر صغیره به سن کِبَر برسد و نسبت به حق خودش از پدر (که قاتل مادر اوست) اعلام گذشت نماید لیکن مادر مقتوله همچنان مصرّ به

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۶۶

اجرای قصاص باشد حکم شرع انور چیست؟

ج

- مادر مقتوله می‌تواند با پرداخت نصف دیه به اضافه سهم دختر از دیه قصاص نماید. و اگر وارث مقتوله منحصر به مادر و دختر باشد در فرض سؤال مادر اگر بخواهد قصاص کند باید ۷۸ دیه را بپردازد. و اللّه العالم.

س ۲۱۴۷

اشاره

- هنگامی که خانواده مقتول می‌خواهند برای قصاص نصف دیه را به قاتل بدهند انتخاب نوع دیه با ولیّ است یا جانی، در صورت عدم تمکن اولیای دم از پرداخت این مبلغ و درخواست آنان از دستگاه قضایی آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت؟ مواردی که عدم قصاص، عوارض سیاسی اجتماعی داشته باشد و به نوعی حکومت باید حضور یابد، در صورت عدم تمکن اولیای دم آیا

آن را می‌توان از بیت المال پرداخت؟

ج

- اختیـار بـا ولیّ دم است. پرداخت از بیت المـال در مورد سؤال واجب نیست بلکه وجهی نـدارد، بنـابراین در فرض سؤال، خانواده، مقتول حق قصاص ندارند. و اللَّه العالم.

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۶۷

حدود

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۶۹

حدود

اجرای حد

س ۲۱۴۸

اشاره

- اگر قاضـی در مجازات، صورت صـلب را انتخاب کرد- با توجه به اینکه اگر بعـد از سه روز زنده بماند حق حیات دارد- آیا اگر بخواهد قبل از اجرای حکم از داروها و غذاهای مقاوم کننده بدن اسـتفاده نماید می‌توان او را نهی نمود یا خیر؟ و اگر کسی عصیاناً به او آب یا غذا رساند باید جلوگیری کرد یا نه؟

ج

- در فرض سؤال که مورد آن قبل از اجرای حکم است دلیلی بر منع نداریم و همچنین نسـبت به غذا یا آب رساندن دیگری به او. و اللَّه العالم

س ۲۱۴۹

اشاره

- کسـی که قرار است کشته شود (تیرباران- حلق آویز یا ...) آیا می‌تواند با هزینه خود از پزشکی بخواهد وی را قبل از قتل بی‌حسّ یا بیهوش نماید تا درد کمتری را متحمّل شود آیا در قصاص اطراف چگونه است؟

ج

- جواز آن محلّ تأمّل است و همچنین در قصاص اطراف. و اللَّه العالم

جامع الاحکام، ج ۲، ص: ۳۷۰

س ۲۱۵۰

اشاره

- در مواردی که سارق مورد عفو مسروق منه قرار می گیرد، آیا حاکم شرع بنا به مصالحی می‌تواند حد را اجرا) نماید یا خیر؟

ج

- اگر قبل از رفع امر به حاکم مسروق منه سارق را عفو کند حدّ ندارد ولی بعد از رفع به حاکم و ثبوت سرقت، حاکم نمیتواند حدّ را اجرا نکند و لو مسروق منه عف بکند. و اللّه العالم

س ۲۱۵۱

اشاره

- در مورد سرقت مستوجب حد بفرمایید:
آیا پس از شکایت مسروق منه و قبل از ثبوت جرم، امکان عفو سارق توسط مسروق منه نسبت به اجرای حد وجود دارد یا خیر؟

ج

- بلی قبل از ثبوت حق، مسروق منه میتواند سارق را عفو کند و با عفو او موردی برای محاکمه و حدّ باقی نمی‌ماند چون قدر متیقن از وجوب اجراء حدّ بعد از رفع ام آن بحاکم شرعی ثبوت آن عند الحاکم است و قبل از ثبوت اصل عدم جواز و درء حدود بالشبهات است. و اللّه العالم

س ۲۱۵۲

اشاره

- توبه محارب در مجازات چه تأثیری دارد؟

ج

- اگر محارب قبل از آن که حاکم شرع به او دست پیدا کند، توبه کند حدّ از او ساقط است ولی چنانچه مال کسی را تلف کرده باشد و یا جنایتی وارد کرده باشد ضمان او به توبه ساقط نمی‌شود. و اللَّه العالم

س ۲۱۵۳

اشاره

– اینکه سرقت مستوجب حدّ در مرتبه اوّل موجب قطع ید سارق می‌شود آیا سارق می‌تواند در حین اجرای حکم از داروی بی‌حسّ کننده استفاده کند و یا خیر؟ و آیا می‌تواند بعد از قطع ید با استفاده از امکانات پزشکی به هزینه خود انگشتان دست را پیوند بزند یا خیر؟

ج

– در مورد سؤال جواز استفاده از داروی بی‌حسّ کننده محل تأمل است ولی پیوند زدن عضو قطع شده ظاهراً مانعی ندارد. و اللَّه العالم.

س ۲۱۵۴

اشاره

– پس از اجرای حد سرقت عضو قطع شده ملك کیست؟ ملك حکومتی است که مجری حدّ است یا شخص محدود، که در صورت دوم ثمره

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۱

آن واضح است– پیوند عضو با جراحی.

ج

– عضو قطع شده مال کسی نیست و جواز پیوند زدن در مفروض سؤال محل تأمل است و اگر منظور، پیوند زدن به غیر صاحب دست است اشکال ندارد و احتیاط این است که به اذن صاحب دست باشد. و اللَّه العالم.

حد زنا

س ۲۱۵۵

اشاره

– شخصی نزد قاضی دادگاه ۴ بار به زنای محصنه اقرار نموده که حکم صادره مورد تأیید قضات دیوان‌عالی کشور واقع شده لیکن اقرارکننده قبل از اجرای حکم کلیه اقاریر سابق خود را انکار نموده است. در کتب مبسوطه فقهی آمده است که اگر کسی به جرمی اقرار کند که مرتکبش باید رجم گردد سپس منکر شود حد از او ساقط می‌گردد. استدعا دارد آن مرجع عالیقدر نظر فقهی خود را در موضوع فوق بیان فرمائید.

ج

– بطور کلّی، چنانچه طریق اثبات زناء محصنه اقرار باشد و متهم پس از اقرار اگر چه چهار مرتبه اقرار کرده باشد انکار نماید رجم ساقط می‌شود. و اللّه العالم.

س ۲۱۵۶

اشاره

– با توجه به این که در زنای محصنه هنگام اثبات جرم با بیّنه، در صورت فرار مجرم از حفره می‌توان وی را برگرداند و حکم را اجراء نمود ولی در صورت اقرار این کار را نمی‌توان انجام داد بفرمائید: آیا حکم رجم را می‌توان به انواع دیگری از قتل تبدیل نمود یا خیر؟

ج

– ظاهراً تبدیل جایز نیست و باید رجم شود. و اللّه العالم

س ۲۱۵۷

اشاره

– اگر قاضی به علم خود حکم به رجم نماید در صورت فرار مجرم از حفره آیا می‌توان او را مجدداً به حفره برگرداند و حکم را اجراء نمود یا نمی‌توان و اگر علم قاضی را راه سومی بود و ملحق به بیّنه یا اقرار نباشد تکلیف

ج

– در فرض سؤال ظاهراً علم قاضی حکم بینه را دارد و ملحق به اقرار نیست. و اللّه العالم
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۲

حد قذف

س ۲۱۵۸

اشاره

– اگر مردی به همسر خود نسبت رابطه نامشروع با شخص خاصی بدهد حکم شرعی چیست؟

ج

– در صورتی که نزد حاکم شرع ثابت شود که مرد به زنش چنین نسبتی داده در حالی که شاهدی بر این ادّعا ندارد باید حدّ قذف (هشتاد تازیانه) بر او جاری شود. و اللّٰه العالم

س ۲۱۵۹

اشاره

- اگر مردی به همسر خود بگوید تو از یک زن هرزه خیابانی بدتری، حکم شرعی چیست؟

ج

- گفتار مذکور توهین و حرام است و اگر برای حاکم شرع ثابت شود گوینده آن تعزیر دارد. و اللَّه العالم

س ۲۱۶۰

اشاره

- آیا بصرف بکر نبودن زوجه می‌توان حکم زنا را نسبت به او ثابت کرد؟

ج

- باکره نبودن دلیل بر زنا نیست و به استناد به آن نسبت زنا دادن جایز نیست.

س ۲۱۶۱

اشاره

- زیدی در دو الی سه مرتبه متوالی هر بار تکراراً به من نسبت ناروا داده و گفت تو العیاذ باللّه ولد الزنا هستی، و تو از بابا، خود نیستی و حرامزاده هستی، چون بار دوم تکرار کرد صدایش را ضبط کردم که نوارش موجود است صدای خودش ضبط شده حکم شرعی آن چیست؟

ج

- در مورد سؤال جملات مذکوره نسبت به مخاطب قذف نیست البته چون ایذاء مخاطب است حاکم شرع می‌تواند گوینده را تعزیر نماید ولی جمله (تو از بابای خودت نیستی) نسبت به مادر مخاطب قذف محسوب است و مادر می‌تواند طلب حدّ قذف کند و اما در مقام اثبات، صدای ضبط صوت کافی نیست.

ارتداد

س ۲۱۶۲

اشاره

- اگر فرزندی که از پدر و مادر مسلمان متولد شده و بعد از رسیدن به سن بلوغ برای تحصیلات به کشورهای غربی رفته و آنجا

یکی از ادیان آسمانی یهود یا مسیحیت را پذیرفته آیا از پدر و مادرش که در ایران هستند و وفات
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۳
یافته‌اند ارث می‌برد یا نه؟ و اگر تنها وارث والدین باشد چه صورتی دارد؟

ج

- فرزند مذکور، مرتد فطری است و از پدر و مادرش ارث نمی‌برد هر چند تنها فرزند آنها باشد. و اللَّه العالم

س ۲۱۶۳

اشاره

- اگر کسی نعوذ باللَّه به ساحت یکی از ۱۴ معصوم- علیهم السلام- دشنام دهد آیا مرتد میشود یا خیر؟

ج

- بلی مرتد می‌شود.

س ۲۱۶۴

اشاره

- در صورت ارتداد آیا کشتن او همانجا واجب است و یا اینکه به اجازه حاکم شرع هم نیاز است؟

ج

- در صورتی که مفسده بر قتل او مرتّب نشود (مانند این که نتواند در حضور حاکم شرع، ارتداد او را ثابت کند) واجب است شنونده او را بکشد و محتاج به اجازه حاکم شرع نیست.

س ۲۱۶۵

اشاره

- اگر کسی اقرار کند (چند مرتبه) که این عمل را مرتکب شده آیا واجب القتل است یا نه، باید در حضور حاکم شرع اقرار کند تا واجب القتل شود؟

ج

- حضور حاکم شرع شرط نیست.

س ۲۱۶۶

اشاره

– شخصی است که بارها این عمل را انجام داده و خودش هم اقرار کرده ولی می گوید در هر دفعه عصبانی بوده‌ام آیا این عذر از او در حالی که این عمل را مکرراً بجا آورده پذیرفته است یا خیر؟ تکلیف ما در مقابل چنین شخصی چیست؟

ج

– اگر عصبانیت بحدی باشد که از حال اختیار خارج شود موجب ارتداد نیست و به هر حال اگر توبه کند توبه‌اش قبول است.

س ۲۱۶۷

اشاره

– شخصی عصبانی شده و بر اثر خشم و غضب قرآن کریم را پاره پاره نموده و بعداً پشیمان شده در حال حاضر چنین شخصی چه وظیفه و حکمی دارد؟

ج

– نعوذ باللّه تعالی من الشیطان الرجیم. این مسأله به دو صورت ممکن است

جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۴

مورد سؤال واقع شود یکی از جهت حکم آن، اگر نزد حاکم شرعی ثابت شود، و یکی از جهت حکم فردی و شخصی فاعل این عمل، که فیما بینه و بین اللّه عمل کند، اما حکم حدی که برای این عمل در صورت وقوع بعمد و اختیار و ثبوت آن نزد حاکم مترتب می‌شود قتل است که در صورت ثبوت حاکم (؟؟؟؟؟) و جواز آن از طرف غیر که مثل ساب اللّه و سابّ النبی و الأئمهٔ علیهم السلام باشد محلّ اشکال است بنابراین در این جهت امر با حاکم است و دائر مدار ثبوت آن عند الحاکم است و اما نسبت به تکلیف شخصی فاعل این اهانت بسیار عظیم اگر بنحوی بوده که میداند این اهانت از او در حال سلب اختیار واقع شده که شاید فرض آن بعید باشد ظاهراً چیزی بر او نیست مع ذلک چون نفس عمل بسیار مغضوب الهی است فاعل آن اگر چه بدون اختیار و بلکه سهو و اشتباه هم از او صادر شده باشد اگر مؤمن باشد صدور آن را از خودش موجب شرمندگی و سقوط مرتبه می‌شمارد و به درگاه خدا با تضرّع از آن معذرت می‌خواهد مثل بنده‌ای که فرزند مولایش را در خواب یا بگمان اینکه دشمن مولی است کشته باشد که مع ذلک در مقام عذرخواهی برمی‌آید و اگر العیاذ باللّه با عمد و اختیار از او این گناه بزرگ صادر شده باشد اوّلًا عقد ازدواج او با زوجه‌اش منحل شده و زوجه‌اش با این عمل قبیح از زوجیّت او خارج می‌شود بنابراین اگر بخواهند با هم بمانند باید با رضایت زوجه دوباره او را عقد نماید و ثانیاً بمجرد صدور این عمل اموال او به ورثه او کما فرض اللّه منتقل شده که باید یا به تصرف آنها بدهد و یا در تصرّف در آن اموال از ورثه اذن بگیرد ولی توبه او قبول است و اگر مسأله نزد حاکم شرع مطرح نشده اقرار نزد او لازم نیست بلکه اگر مطرح شده باشد نیز اقرار نزد او واجب نمی‌باشد.

س ۲۱۶۸

اشاره

– وظیفه مردی که همسرش به قرآن اهانت نموده و مقدسات دین را منکر شود چیست؟

ج

– در فرض سؤال، چنانچه زن درحالی‌که ادراک و شعور و اختیار او بجا باشد و منکر خدا شود مرتد است پس اگر مدخوله باشد محتاج به طلاق نیست، ولی باید عدّه طلاق نگهدارد و چنانچه در بین عده توبه کند، زوجیت بر میگردد و اگر
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۵
توبه نکند تا عدّه تمام شود از شوهر جدا است و اگر مدخوله نباشد در همان لحظه ارتداد از شوهر جدا است و محتاج به طلاق نیست و عدّه ندارد و نسبت به فرزندی که بعد از ارتداد به وجود آید اگر بعد از ارتداد شوهر بداند که زن مرتد شده و بداند که بر شوهر حرام است و با این حال با او نزدیکی کند، فرزند، حرام زاده است و اگر نداند محکوم به حلال زاده است.

محارب

س ۲۱۶۹

اشاره

– آیا در صدق محاربه تجرید سلاح شرط است یا حمل سلاح هم از مصادیق محاربه است؟

ج

– در صدق محارب تجرید سلاح به نحوی که بالفعل موجب اخافه مردم باشد معتبر است. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۰

اشاره

– شخصی نقشه ربودن فردی را به منظور اخّاذی کشیده و شخص دوم سلاح و اتومبیل برای این عمل تهیه نموده و شخص سوم مسلحانه اقدام به ربودن مرد مزبور نموده است، آیا بر هر سه محاربه صدق می‌کند؟

ج

– شخص اول و دوم هر چند گناهکارند اما صدق محاربه بر آنها مشکل است بلکه بر شخص سوم نیز اگر عملش اخافه شخص خاص شمرده می‌شود، صدق آن مشکل است.

س ۲۱۷۱

اشاره

- در حدّ محارب تبدیل تبعید به حبس و بالعکس را جایز می‌دانید یا خیر؟

ج

- در هیچ یک از دو صورت تبدیل نمی‌شود. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۲

اشاره

- حد اقل و حد اکثر تبعید در محاربه چند است؟

ج

- حدّ نفی بلد بنابر مشهور یک سال است. و اللَّه العالم

تعزیر

س ۲۱۷۳

اشاره

- فعل حرامی که مرتکب آن تعزیر می‌شود چه شرائطی باید
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۶
داشته باشد؟

ج

- اگر فعل حرام از معاصی کبیره‌ای باشد که در شرع برای آن حدّی معین نشده و ارتکاب آن برای مجتهد جامع الشرائط ثابت شود تعزیر دارد. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۴

اشاره

- افرادی که اقدام به نگهداری فیلمهای ویدئویی مبتذل (که در آن بدن عریان یا نیمه عریان زن، مجالس لهو و لهب و رقص و ترانه و اختلاط، نشان داده می‌شود) برای تماشا می‌کنند آیا تعزیر می‌شوند؟

ج

- بلی مورد تعزیر است. و اللّه العالم

س ۲۱۷۵

اشاره

- افرادی که اقدام به تماشای فیلمهای مذکور را می‌نمایند به تنهایی، یا با خانواده یا با دوستانشان، آیا تعزیر می‌شوند؟

ج

- بلی افراد مذکور تعزیر دارند. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۶

اشاره

- آیا در حین نزاع تعرّض به حجاب یک زن مسلمان به طور عمد (برداشتن چادر و فحاشی در ملاء عام) مجازات شرعی دارد؟ تا چه حدّ؟

ج

- تعزیر مورد سؤال لازم است و مقدار و کیفیت آن منوط به نظر حاکم شرع است.
و اللَّه العالم

س ۲۱۷۷

اشاره

- مردی یا زنی برای انجام عمل نامشروع زنا در منزلی اجتماع کرده‌اند، قبل از این که مرتکب عمل شوند دستگیر شده‌اند آیا تعزیر می‌شوند؟

ج

- بلی تعزیر می‌شوند. و اللَّه العالم

س ۲۱۷۸

اشاره

- اگر پسری که هنوز بالغ نشده کم تر از پانزده سال دارد بکارت دختری را بردارد آیا حدّ شرعی زنا بر آن پسر جاری می‌شود یا خیر و اگر هر دو بالغ شرعی نباشد اما زنا انجام داده باشند چه صورت دارد حدّ شرعی جاری است یا خیر؟

ج

- در فرض سؤال اوّل پسری که بالغ نشده حدّ شرعی ندارد و مورد سؤال دوم هیچ یک از پسر و دختر حدّ شرعی ندارند لکن هر دو فرض امر تعزیر آنها با حاکم شرع جامع الشرائط است. و اللَّه العالم.
جامع الاحکام، ج۲، ص: ۳۷۷

س ۲۱۷۹

اشاره

- آیا در نگهداری متهم در حبس تعزیری (با قرار بازداشت) حد اقل و اکثری معیار هست یا مدت زمان به نظر حاکم است؟

ج

- بنظر حقیر حبس، تعزیر شرعی نیست ولی تبدیل ضرب به سوط، به حبس در زمان معین یا جزاء نقدی اگر مجرم هم قبول کند با نظر حاکم نه طبق قانون معین، جائز است.
توضیحاً اگر مقصود از کلمه متهم در سؤال شخصی باشد که باتهام جرمی تحت تعقیب واقع شده و جرم او ثابت نشده است چنین شخصی حبس تعزیری ندارد و بازداشت موقت او اگر برای مثلًا منع از امحاء دلائل جرم باشد در بعض موارد فی الجمله جائز است ولی برای پیدا شدن دلیل بر ارتکاب جرم جز در مورد اتهام قتل که تا ۶ روز تجویز شده جایز نیست.
و اللّه العالم.

س ۲۱۸۰

اشاره

- چنانچه تعزیر علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد؛ (مانند:
حبس، جزای نقدی، تراشیدن سر، چرخاندن در شهر، لغو جواز کسب، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و ...) بفرمائید:
الف) آیا تعبیر «التعزیر دون الحد» فقط در خصوص تازیانه رعایت می‌شود یا شامل دیگر موارد مذکور نیز می‌شود؟
ب- در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک «دون الحد» چه می‌باشد؟

ج

– مصـداق تعزیر شـرعی خصوص تازیانه است و (دون الحـد) یعنی بحسب عـدد، کمتر از حد باشد چنانچه همه فقهاء، فهیمده‌اند، و این خود قرینه است بر اینکه تعزیر شامـل مـذکورات در سؤال نمیشود در رسـاله (التعزیر احکامه و حـدوده) حقیر، وجه این نظر بیان شده است. و اللّه العالم

---

[۱] (۱) خواننـدگان محترم برای مطالعه بیشتر در موضوع لقاح، جلوگیری و سـقط می‌تواننـد به کتاب« اسـتفتائات پزشـکی» آیهٔ الله صافی مراجعه نمایند.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلـبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاـب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹